آشنایی با مدرک شناسی

مجموعهٔ اطلاع رسانی

۴

محمّدرضا محمّدی فر







سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کلیات

محمّدی‌فر، محمّدرضا، ۱۳۳۸ ـ
آشنایی با مدرک‌شناسی / محمّدرضا محمّدی‌فر .ـ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.
دوازده، ۲۳۸ ص.ـ (مجموعه اطلاع‌رسانی؛ «۴») .
ISBN 964 - 422 - 342 - X
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
BASIC DOCUMENTATION
پشت جلد به انگلیسی:
۱. دکومانتاسیون. الف. ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات. ب. عنوان.
۰۲۵ ‏۵ آ ۳ م / Z ۱۰۰۱
۱۳۸۰
کتابخانه ملی ایران ‏م ۷۹ ـ ۱۲۲۹۷

آشنایی با مدرک‌شناسی

محمّدرضا محمّدی‌فر

تهران ۱۳۸۰



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

آشنایی با مدرک‌شناسی

تألیف: محمّدرضا محمّدی‌فر
طراح جلد: پارسوا باشی
چاپ اوّل: بهار ۱۳۸۰
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:
سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

◆ چاپخانه: کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج ـ تهران ۱۳۹۷۸
◆ تلفن: ۵ ـ ۴۵۱۳۰۰۲ ◆ نمابر: ۴۵۱۴۴۲۵ ◆ انتشارات: ۴۵۲۵۴۹۵
◆ توزیع: خیابان فردوسی ـ خیابان کوشک ـ شماره ۹۱ ◆ تلفن: ۶۷۱۳۲۶۱

◆ فروشگاه شماره یک: خیابان امام خمینی ـ نبش خیابان شهید میردامادی (استخر) ◆ تلفن: ۶۷۰۱۴۵۹
◆ فروشگاه شماره دو: نشر زلال ـ خیابان انقلاب ـ خیابان ۱۶ آذر ◆ تلفن: ۶۴۱۹۷۷۸
◆ فروشگاه شماره سه: خیابان فردوسی ـ خیابان کوشک ـ شماره ۹۱ ◆ تلفن: ۶۷۱۳۲۶۱
شابک X ـ ۳۴۲ ـ ۴۲۲ ـ ۹۶۴
ISBN 964 - 422 - 342 - X

فهرست مطالب

مقدمه

مدرک‌شناسی یا دُکوُمانتاسیوُن یا سندداری [documentation]، یکی از رشته‌های اصلی اطلاع‌رسانی است، که خود از مباحث و شاخه‌های متعددی، به ویژه رده‌بندی مدرک، کتابشناسی، و نمایه‌سازی تشکیل می‌شود.

در مبحث رده‌بندی مدرک، انواع کتاب، نشریه، و منبع اطلاعات بررسی و براساس محتوا و اطلاعات، رده‌بندی می‌شود.

در مبحث کتابشناسی، نحوهٔ استانداردِ تعیین مشخصات اساسی یک مدرک، مثلاً یک کتاب، یک مقاله، و یا یک قطعهٔ موسیقی، و روشهای ارجاع دادن به مدرک بررسی می‌شود.

و درمبحث نمایه‌سازی، نحوهٔ سازمان‌دهی یک آرشیو، یا فهرست کردن یک مجموعهٔ اطلاعاتی، برای دستیابی سریع به مدرک‌های موجود در آرشیو یا مجموعه موردبحث قرار داده می‌شود.

متأسفانه تاکنون در فارسی، هیچ درسنامهٔ غیرتخصصی و مقدماتی و اساسی در زمینهٔ مدرک‌شناسی [دکومونتاسیون] منتشر نشده است و اغلب کتابهای مدرک‌شناسی، کاملاً تخصصی هستند، و تقریباً فقط برای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشتهٔ کتابداری و رشته‌های نزدیک به آن قابل‌استفاده‌اند. همچنین، هریک از کتابهای منتشرشدهٔ مدرک‌شناسی، عمدتاً فقط یک مبحث یا موضوع تخصصی از دانش مدرک‌شناسی را ارائه می‌دهد. کتابهای مدرک‌شناسی به زبان انگلیسی نیز تا جایی که نگارنده جستجو کرده است، غالباً بسیار تخصصی هستند.

در حالی که مدرک‌شناسیِ مقدماتی یکی از مهمترین مباحث دانش بشری است که باید در همهٔ سطوح آموزشی و در همهٔ رشته‌ها تدریس شود: زیرا همهٔ مردم و در همهٔ زمانها با

مباحث مختلف مدرک‌شناسی سروکار دارند.

همچنین، قسمت عمدهٔ مبحث روش تحقیق یا روش پژوهش، یا به تعبیر دیگر، پژوهش‌شناسی، از مطالبی تشکیل می‌گردد که در مدرک‌شناسی نیز وجود دارد.

همهٔ دانشمندان و متخصصان رشته‌های علوم و فنون و هنرها و ادبیات و غیره، با این مباحث آشنا هستند و به آسانی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که آنان این مباحث را به طور تجربی و به سختی آموخته‌اند. از همین تز، البته اگر درست باشد، که حتماً هست، می‌توان نتیجه گرفت که آموختن مدرک‌شناسی، می‌تواند کارآیی آموزش و پیشرفت در کسب دانش را تسهیل بخشد. به تعبیر دیگر، بخشی از تجربه‌ای را که بزرگان علم و هنر و ادب با مشقت کسب کرده‌اند، با صرف چند ساعت وقت و مطالعهٔ یک کتاب مقدماتی مدرک‌شناسی، مانند کتاب حاضر، می‌توان به دست آورد.

هریک از شاخه‌های مدرک‌شناسی، مثلاً کتابشناسی، مبحثی است نسبتاً محدود و مشخص، که معمولاً به عنوان یک یا چند درس دانشگاهی تخصصی، در بعضی از شاخه‌های دانش اطلاع‌رسانی ارائه می‌شود. با این حال، حجم مطالب نظری و کاربردی موجود در مدرک‌شناسی، در حدودی هست که بتواند به عنوان یک رشتهٔ مستقل دانشگاهی، به ویژه یکی از شاخه‌های اصلی دانش اطلاع‌رسانی، نیز ارائه گردد.

از سوی دیگر، کاربرد این رشته، به قدری عام و گسترده است، که تقریباً هر کسی که با کتاب و نشریه و مطالعه سروکار دارد، باید با کلیات آن آشنایی داشته باشد. بنابر این، تدوین یک برنامهٔ درسی دانشگاهی ۲ یا ۳ واحدی با عنوان مبانی مدرک‌شناسی و غیره، برای کلیهٔ رشته‌های دانشگاهی می‌تواند بسیار مفید واقع گردد. حتی این درس برای دبیرستان نیز ممکن است مفید باشد.

کتاب حاضر، با این هدف تدوین شده است که مطالب مدرک‌شناسی موردنیاز عموم خوانندگان کتاب و نشریه، اهل مطالعه، پژوهشگران، و نویسندگان را در دسترس قرار دهد: دانش‌آموزان هوشمند دبیرستانها، دیپلمه‌ها، و همهٔ دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های گوناگون دانشگاهی می‌توانند از کتاب حاضر بهره بگیرند.

البته حجم مطالب کتاب، اندکی بیش از چیزی است که همگان باید از مدرک‌شناسی آگاهی داشته باشند. به همین دلیل، خواننده می‌تواند قسمتهایی از کتاب را به دلخواه خود نادیده بگیرد و فقط قسمتهای کلی‌تر و ضروری‌تر را مطالعه نماید.

مؤلف امیدوار است بتواند مجلد دومی نیز بر کتاب بیفزاید که، مجلد دوم، حاوی برخی مطالب پیشرفته‌تر مدرک‌شناسی خواهد بود که به ویژه مدرک‌های الکترونیکی (اینترنت و غیره)، ذخیره و بازیابی مدرک، تحلیل ریاضی روشهای جستجو در مدرک، و طراحی و نگهداشت آرشیو را شامل خواهد شد.

به هر حال، کتاب حاضر، خواه به عنوان یک کتاب تک‌جلدی، خواه به عنوان اولین مجلد از یک دورهٔ دوجلدی، کاملاً مقدماتی است و به عنوان خودآموز تدوین شده است و هیچ پیشنیازی لازم ندارد.

کتاب حاضر از ۱۰ فصل و ۴ پیوست تشکیل می‌شود. فصل ۱، به رده‌بندی مدرک اختصاص دارد که در آن، همهٔ مدرک‌های چاپی، شامل انواع کتاب و نشریه، و کالبدشناسی هریک، از دیدگاه مدرک‌شناسی تعریف شده‌اند. فصل ۲، به تشریح ۶مبحث بسیار مهم:

فهرست، مدخل، موضوع، کلیدواژه، توصیفگر، نمایه

در دانش مدرک‌شناسی اختصاص دارد که این ۶مبحث، اساس نمایه‌سازی را تشکیل می‌دهد که یکی از سه شاخهٔ اصلی مدرک‌شناسی محسوب می‌شود. شرح مبحث نمایه و نمایه‌سازی، در فصل ۵ نیز ادامه خواهد یافت. بقیهٔ فصلها، شامل فصلهای ۳ و ۴، و ۶ تا ۱۰، دربارهٔ انواع کتابنامه هستند که مجموعاً شاخهٔ کتابشناسی را تشکیل می‌دهند.

در پیوست الف، یک نمونهٔ سادهٔ رده‌بندی علوم ارائه شده است، که تقریباً در همهٔ مباحث مدرک‌شناسی کاربرد دارد و به ویژه برای تعیین یا تشخیص موضوع یک مدرک مفید واقع می‌شود. خواننده می‌تواند رده‌بندی مشابهی را خود تدوین کند و یا در برخی از منابع مرجع بیابد. البته برای تدوین رده‌بندی این پیوست نیز کوشش بسیاری مصروف گردیده است تا کاملاً جامع باشد و بتواند برای تعیین موضوع، که در مدرک‌شناسی مسئلهٔ مهمی است، مفید واقع شود. در اینجا بد نیست اشاره شود که دو رده‌بندی بسیار معروف و معتبر «رده‌بندی کنگره» و «رده‌بندی دیوئی» تقریباً فقط برای کتابخانه و کتابداری مفید هستند و کاربرد دارند و معمولاً در مدرک‌شناسی نمی‌توانند به تعیین و نسبت‌دهی موضوع کمک کنند.

پیوست ب، فهرستی از بانکهای اطلاعاتی (یا دادگان‌ها یا databaseهای) معروف و مهم دنیا را ارائه می‌دهد که بیشتر به صورت مدرک الکترونیکی منتشر می‌شوند. و چون این منابع، تقریباً کل دانش مکتوب دنیا را دربر دارند، داشتن آگاهی اولیه نسبت به آنها ضروری است. پیشنهاد می‌شود که خواننده فقط یک بار این پیوست را مطالعه یا مرور نماید تا

دست‌کم با بزرگترین دستاوردهای دانش مدرک‌شناسی آشنا شود. یک هدف از درج این پیوست نیز همین بوده است که خواننده، به اهمیت این دستاورد مدرک‌شناسی پی ببرد. دستیابی به این منابع از طریق اینترنت یا شبکه‌های وصل‌ـخط دیگر مستلزم پرداخت هزینه (نسبتاً زیاد) است.

و پیوستهای پ و ت، فهرست منابع مورداستفاده در تدوین کتاب را تشکیل می‌دهند.

نگارنده بسیار کوشیده است که مطالب را به زبان ساده و روشن، و با ارائهٔ مثالهای متعدد تشریح نماید. از این روی، شرح برخی از مطالب، برای برخی از خوانندگان، ممکن است تاحدودی اضافی به نظر برسد. هدف این بوده است که هیچ مطلبی مبهم باقی نماند.

و نگارنده، به عنوان یک جویندهٔ کوچک دانش، کم و بیش به کاستیهای کتاب وقوف دارد، اما امیدوار است استادان و متخصصان دانشمند رشتهٔ مدرک‌شناسی، با نقدهای عالمانهٔ خود، کاستیها و معایب و احیاناً محاسن کتاب را برشمارند تا در ویراستهای بعدی کتاب، مدنظر قرار گیرد. و بدین وسیله از پیش، نهایت سپاس و قدرشناسی خود را تقدیم می‌دارد.

تهران، پاییز ۱۳۷۹

محمدرضا محمدی‌فر

فصل ۱

مقدمات مدرک‌شناسی

۱.۱. مقدمه

در این فصل، نخست، تعریف دانش کتابشناسی و جایگاه آن در بین شاخه‌ها و حوزه‌های دانش بشری، و به ویژه در حوزهٔ اطلاع‌رسانی و در رشتهٔ مدرک‌شناسی، بررسی می‌شود [بخشهای ۲.۱ و ۳.۱]. سپس، شرح مختصری از برخی مفاهیم مدرک‌شناسی شامل مدرک، کتاب، کتاب مرجع، نشریه، نشریهٔ مرجع، همراه با رده‌بندی هریک ارائه می‌گردد. [بخشهای ۴.۱ تا آخر]. شرح تفصیلی انواع مدرک در کتاب دیگری با عنوان آشنایی با مرجع‌شناسی ارائه خواهد شد.

رده‌بندی مدرک، یکی از مباحث مهم مدرک‌شناسی است، اما در این کتاب، تقریباً فقط به یک قسمت از آنها، یعنی مدرک‌های چاپی، اشاره می‌شود. مبحث مدرک‌های غیرچاپی به قدری وسیع است که شرح آن به یک کتاب مستقل نیاز دارد. بیشتر قسمتهای جلد دوم کتاب حاضر، به این مباحث اختصاص داده شده است.

۲.۱. اطلاع‌رسانی چیست؟

اطلاع‌رسانی [information science]، یکی از حوزه‌های بزرگ دانش بشری است که به اطلاعات، اشاعه، و کاربرد آن مربوط می‌شود. در پیوست الف، یکی از رده‌بندیهای کاربردی دانش بشری ارائه شده، که در آن، جایگاه حوزهٔ اطلاع‌رسانی در میان بقیهٔ حوزه‌ها نشان داده شده است. در این رده‌بندی، چنان‌که جدول [پیوست] نشان می‌دهد، کل دانش بشری به ۳۴حوزه تقسیم شده است که اطلاع‌رسانی، یکی از این ۳۴حوزه محسوب می‌شود. البته، رده‌بندیهای بسیاری نیز در منابع مرجع از دانش بشری ارائه شده‌اند که با این

رده‌بندی تفاوت دارند. اما در بیشتر رده‌بندیها، مثلاً در رده‌بندی کنگره، اطلاع‌رسانی را به عنوان یک حوزهٔ بزرگ و کامل معرفی کرده‌اند. [معنای دقیق واژگانی چون حوزه، همراه با معانی رشته، شاخه، و مبحث، در فصل ۲ تشریح شده است.]

۱.۲.۱. اجزای اطلاع‌رسانی

برای تعریف بیشتر و دقیقتر دانش یا حوزهٔ اطلاع‌رسانی، می‌توان اجزای آن را تعریف کرد، و تعریف را براساس رده‌بندی اجزای آن ارائه داد: اصولاً این روش در تعریف یک دانش [discipline]، آسانترین راه برای تعریف آن [دانش] است.

در ساده‌ترین رده‌بندی، اطلاع‌رسانی را به دو رشته تقسیم می‌کنند، که این رده‌بندی، رده‌بندیِ کلاسیک دانش اطلاع‌رسانی محسوب می‌شود:

۱. مدرک‌شناسی [documentation]، به بررسی انواع مدرک، مانند کتاب و نشریه و فیلم و غیره، و ذخیره و بازیابی مدرک براساس مشخصات محتوایی مدرک می‌پردازد. در این دانش، برای هویت دادن به هر مدرک، فقط از مشخصات خود آن مدرک استفاده می‌شود و هیچ نوع رمزبندی برای مدرک وجود ندارد؛

۲. کتابداری [librarianship یا library science]، بیشتر به رده‌بندی مدرک، براساس روشهای رمزبندیِ مبتنی بر موضوع و مشخصات انتشار مدرک می‌پردازد که **فهرست‌نویسی** نام دارد، و نیز به بررسی روشهای مدیریت کتابخانه و ارائهٔ خدمات کتابخانه‌ای می‌پردازد. در این دانش، برای هویت دادن به هر مدرک، اساساً از یکی از دو نوع رمزبندی به نام رمزبندی دیوئی، و رمزبندی کنگره استفاده می‌شود. نکته. واژهٔ فهرست [catalog] در کتابداری، ارتباطی با واژهٔ فهرست [list] که در فصل ۲ [بخش ۲.۲] تشریح شده است، ندارد.

این‌که اطلاع‌رسانی از دو شاخهٔ بزرگ فوق تشکیل می‌شود، در محافل اطلاع‌رسانی ایرانی به صورت این ضرب‌المثل در آمده است که مدرک‌شناسی و کتابداری دو بال اطلاع‌رسانی را تشکیل می‌دهند.

البته با همین رده‌بندیِ دو رشته‌ای از دانش اطلاع‌رسانی نیز می‌توان کل مباحث اطلاع‌رسانی را تعریف کرد و هر مبحث را به یکی از دو رشتهٔ فوق نسبت داد. اما این کار، تعریف اطلاع‌رسانی را مشکل می‌سازد. علاوه‌بر این، برخی از شاخه‌ها و رشته‌های جدید

دانش بشری، به دلیل گسترش **دانش اطلاعات**، جزو اطلاع‌رسانی به حساب می‌آیند، و آنها را نمی‌توان در دو رشتهٔ مدرک‌شناسی و کتابداری قرار داد. به ویژه، دو رشتهٔ بزرگ و بسیار-رشدکردهٔ رسانه‌شناسی [media science]، و فناوری اطلاعات [information technology] را باید به عنوان دو رشتهٔ مجزا، جزو رشته‌های اصلی اطلاع‌رسانی محسوب کرد. در نتیجه، طبق این رده‌بندی، **دانش اطلاع‌رسانی** از چهار رشتهٔ اصلی تشکیل می‌گردد:

۱. مدرک‌شناسی، شامل **رده‌بندی مدرک** [براساس موضوع و نحوهٔ انتشار]، **کتابشناسی** [یا کتابنامه‌نویسی، شامل مشخص کردن هویت مدرک براساس موضوع و نحوهٔ انتشار]، و **نمایه‌سازی** [شامل تدوین فهرستی از موضوعات و غیره برای دستیابی به مدرک و مطلب]؛
۲. کتابداری، شامل **رده‌بندی مدرک** [براساس موضوع و رمزبندی]، **فهرست‌نویسی** [شامل مشخص کردن هویت مدرک براساس رمزبندی موسوم به دیوئی و کنگره، مبتنی بر موضوع و برخی مشخصات مدرک]، **مدیریت کتابخانه** [شامل مدیریت ذخیره و بازیابی برای دستیابی به مدرک و مطلب با استفاده از رمزهای رمزبندی کنگره-دیوئی]، و **خدمات کتابخانه‌ای** [شامل انواع خدمات آموزشی، پروهشی، و کتابداری، که کتابخانه به کاربران ارائه می‌دهد]؛
۳. رسانه‌شناسی، شامل شاخه‌های **رسانه‌های چاپ** [روزنامه، مجله، اعلامیه، و غیره]، **رسانه‌های پخش** [رادیو، تلویزیون، و غیره]، **رسانه‌های شخصی** [پست، تلفن، نمابر، و غیره]، **رسانه‌های کامپیوتری** [اینترنت، سی‌دی-رام، و غیره]، **رسانه‌های خیابانی** [پوستر، تابلوهای تبلیغاتی، و غیره]، **رسانه‌های اجتماعیِ انسانی** [توریسم، مُد، و غیره]، و یکی-دو مورد دیگر، که بستگی به تعریف هر شاخه دارد. حتی با تعریف فشرده‌تر می‌توان کل رسانه‌ها را به ۵شاخه، تقسیم و رده‌بندی کرد. از سوی دیگر، کل دانش رسانه‌شناسی، به دو مبحث **رسانه‌های فیزیکی** [رادیو، روزنامه، و غیره]، و **رسانه‌های مجازی** [روزنامه‌نگاری، تبلیغات، روابط عمومی، و غیره] تقسیم می‌شود، که این دو مبحث، در هریک از شاخه‌های رسانه‌شناسی به طور دقیق تعریف می‌شوند؛
۴. فناوری اطلاعات، شامل شاخه‌ها و مباحث زیادی است، مثلاً نظریهٔ اطلاعات،

'دانش اطلاعات'، استانداردسازی سواد اطلاعات، داده‌پردازی، مدیریت اطلاعات، شبکه‌ها، دادگان‌ها، و غیره، که شرح دقیقتر آن، نیاز به تعریف جامع «اطلاعات» دارد، که تعریف، فراتر از اهداف و سطح این کتاب است. اما با توجه به نمونه‌های شاخه‌های فناوری اطلاعات، می‌توان پذیرفت که فناوری اطلاعات یکی از چهار رشتهٔ اصلی اطلاع‌رسانی است، و همین، برای اهداف کتاب حاضر کافی است.

اکنون که با شرح مختصر اجزای اطلاع‌رسانی، تعریف قابل‌قبولی از آن به دست آمد، به آسانی می‌توان یکی از شاخه‌های آن را که موضوع کتاب حاضر است، تعریف کرد.

۱.۲.۲. اجزای مدرک‌شناسی

همچنان‌که در زیر-بخشِ قبل اشاره شد، دانش مدرک‌شناسی یکی از رشته‌های چهارگانهٔ اطلاع‌رسانی است که خود از سه شاخه تشکیل می‌شود. برای تعریف شاخه‌های مدرک‌شناسی، نخست لازم است تعریفی کلی از مدرک‌شناسی ارائه شود.

دو رشتهٔ مدرک‌شناسی و کتابداری، ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و غالباً، مجموعاً، یک تخصص به حساب آورده می‌شوند. از سوی دیگر، معمولاً تعریف رشتهٔ مدرک‌شناسی یا دکومونتاسیون، حتی در متون تخصصی این رشته، به نظر ثقیل و مبهم می‌رسد، اما تعریف کتابداری به نسبت، آسانتر و روشنتر است. بنابر این، مقایسهٔ این دو رشته می‌تواند تعریف مدرک‌شناسی را روشنتر سازد. جدول زیر دو رشتهٔ کتابداری و مدرک‌شناسی را با هم مقایسه می‌کند:

کتابداری	مدرک‌شناسی
رده‌بندی مدرک با استفاده از جدولهای مخصوص رمزبندی [دیوئی و کنگره]	رده‌بندی مدرک با استفاده از مشخصات خود مدرک [بدون رمزبندی]
گرچه در مورد همه‌نوع مدرک می‌تواند کاربرد داشته باشد، اما کاربرد بیشتر آن در مورد کتاب است	کاربرد آن در مورد انواع مدرک کتابی و غیرکتابی است، و به ویژه برای ادارهٔ آرشیو ضروری است
رده‌بندی مدرک براساس موضوع و نام مؤلف [به یکی از روشهای دیوئی و کنگره]	رده‌بندی مدرک براساس محتوا و نحوهٔ انتشار [بدون رمزبندی]
نشانی رده‌بندی به عنوان برچسب هویت هر مدرک	نشانی کتابشناختی به عنوان برچسب هویت هر مدرک
فهرست‌نویسی براساس رمزبندی کنگره_دیوئی	کتابنامه‌نویسی براساس نشانی کتابشناختیِ مدرک
سازمان‌دهی کتابخانه و برگه‌دان براساس رمزبندی کنگره_دیوئی + موضوع و مؤلف	سازمان‌دهی آرشیو و کتابنامه و نمایه‌نامه براساس نمایه‌سازی مبتنی‌بر موضوع و مؤلف
نمایه‌سازی برای دستیابی به رمز رده‌بندی	نمایه‌سازی برای دستیابی به نشانی کتابشناختی
مدیریت کتابخانه و فهرستگان‌ها براساس رمزبندی دیوئی_کنگره	مدیریت آرشیو و مدرک‌ها و نمایه‌نامه‌ها براساس نشانی کتابشناختی
سازمان‌دهی و استفاده از فهرستگان‌ها	سازمان‌دهی و استفاده از نمایه‌نامه‌ها
فهرست‌نویسی پیش از انتشار [فیپا]، برای صفحه‌حقوق یا شناسنامه	چکیده‌نویسی پیش از انتشار، و یا blurb تبلیغاتیِ پشت جلد
...	...

بنابر این، دانش کتابداری عمدتاً به مباحثِ رده‌بندی مدرک براساس رمزبندی کنگره_دیوئی، سازمان‌دهی کتابخانه و برگه‌دانها، و مدیریت کتابخانه مربوط می‌شود؛ در حالی که دانش مدرک‌شناسی عمدتاً به مباحث رده‌بندی مدرک بدون رمزبندی، سازمان‌دهی آرشیو و سیستم ذخیره و بازیابی مدرک و نمایه‌های موضوع و مؤلف، و مدیریت نمایه‌های موضوعی [و نیز نمایه‌های مؤلفی و عنوانی] مربوط می‌شود.

۱.۳. مدرک‌شناسی چیست؟

همچنان‌که در بخش قبل اشاره شده رشتهٔ مدرک‌شناسی خود از سه شاخه تشکیل

می‌شود:

۱. رده‌بندی مدرک، که انواع مدرک را برحسب مشخصات مدرک تعریف می‌کند؛

۲. کتابشناسی، که نحوهٔ مشخص کردن هویت مدرک را به طور مستقل و یا در یک آرشیو تعریف می‌کند: هویت مدرک، با یک برچسب به نام نشانی کتابشناختی مشخص می‌گردد؛

۳. نمایه‌سازی، که بزرگترین شاخهٔ مدرک‌شناسی است و دربارهٔ روش‌شناسی و تسهیلات برای دستیابی به مدرک مستقل یا مدرک متعلق به آرشیو بحث می‌کند. ذخیره و بازیابی مدرک و مطلب در یک آرشیو بزرگ، تقریباً فقط از طریق نمایه‌سازی امکان‌پذیر است.

مباحث ذخیره و بازیابی مدرک از دیدگاه محتوای اطلاعاتی، خدمات تهیه و تحویل مدرک، تحلیل ریاضی [آنالیز فضای برداری] مشخصات مدرک‌های یک آرشیو یا مجموعه، و تحلیل و طراحی روش‌شناسیِ «جویش» [query] در آرشیو یا مدرک را نیز می‌توان مجموعاً به عنوان یک شاخهٔ دیگر مدرک‌شناسی با عنوانِ:

ذخیره و بازیابی اطلاعات

به حساب آورد. اما چون امروزه این مباحث در فناوری اطلاعات نیز با تفصیل بیشتر مطرح می‌شوند، بهتر است جزو رشتهٔ فناوری اطلاعات به حساب آورده شوند.

البته می‌توان مدرک‌شناسی را برحسب نحوهٔ تأسیس و ادارهٔ آرشیو مدرک‌ها و غیره نیز تعریف و رده‌بندی کرد. اما در تعریف و رده‌بندیِ سه‌رده‌ایِ فوق، آرشیوسازی، ادارهٔ آرشیو، و ارائهٔ خدمات آرشیوی نیز جزو هر سه شاخهٔ مدرک‌شناسی به حساب آورده شده‌اند.

کتاب حاضر به رشتهٔ مدرک‌شناسی، مربوط می‌شود، اما تقریباً فقط یکی از شاخه‌های آن را می‌پوشاند که کتابشناسی [bibliography] نام دارد. هرچند، مفاهیم مهم رده‌بندی مدرک و نمایه‌سازی را نیز تاحدودی و به طور مختصر می‌پوشاند. در همین فصل، خلاصه‌ای از مبحث رده‌بندی مدرک ارائه می‌شود.

۱.۳.۱ . مباحث مدرک‌شناسی

علاوه‌بر تقسیم مدرک‌شناسی به سه شاخه، رشتهٔ مدرک‌شناسی را، می‌توان به دهها مبحث

کلی، و یا صدها یا هزاران موضوع جزئی نیز تقسیم کرد، که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

۱. رده‌بندی مدرک، و تعریف انواع آن، براساس محتوا و نحوهٔ انتشار؛
۲. تعریف فهرست، مدخل، موضوع، کلیدواژه، توصیفگر؛
۳. نشانی کتابشناختی مدرک و استانداردهای آن؛
۴. کتابنامه‌نویسی به صورت استاندارد؛
۵. ترتیب‌بندی کتابنامه؛
۶. رده‌بندی کتابنامه‌ها؛
۷. نمایه‌سازی متن؛
۸. نمایه‌سازی کتابنامه؛
۹. نمایه‌سازی دادگان [بانک اطلاعاتی]؛
۱۰. روشهای نمایه‌سازی؛
۱۱. خدمات مدرک‌شناسی: رده‌بندی مدرک؛
۱۲. خدمات مدرک‌شناسی: کتابشناسی؛
۱۳. خدمات مدرک‌شناسی: نمایه‌سازی؛
و . . . .

کتاب حاضر همهٔ مباحث فوق را، به جز مباحث روشهای نمایه‌سازی، و خدمات مدرک‌شناسی، می‌پوشاند، که قسمت عمدهٔ دانش مدرک‌شناسی را تشکیل می‌دهند.

تعریف دقیقترِ شاخه‌ها و مباحث مدرک‌شناسی، با استفاده از یک «سیلابس» و یا یک «برنامهٔ درسی» دانشگاهی امکان‌پذیر است. مثلاً در یک سیلابسِ نوعی، از درس مدرک‌شناسی، حدود ۵۰مبحث و موضوع تعیین می‌شود که باید در یک درسِ مثلاً ۳واحدیِ دانشگاهی تدریس گردند. به عنوان مثال دیگر، همین دانش ممکن است در یک برنامهٔ درسیِ دانشگاهی سطح فوق‌لیسانس، در ۱۰درس ۲ یا ۳واحدی تدریس شود.

۱.۳.۲. کاربردهای مدرک‌شناسی

مدرک‌شناسی یک دانش کاملاً کاربردی است، هرچند شامل برخی مباحث نظری نیز می‌شود. بین کاربردهای فراوانِ مدرک‌شناسی، سه نمونه از کاربردهای آن در «نگارش» و «روش‌شناسی پژوهش» به شرح زیر است:

۱. **کاربرد در مستندنویسی، و مستندسازی.** بدین معنا که مدرک‌شناسی، قواعدی ارائه می‌دهد که با استفاده از آنها، هر نوع متن و مدرک را می‌توان به روشی استاندارد مستند کرد. ساده‌ترین کار در مستندنویسی، دادن مشخصات یک کتاب یا مقالهٔ مأخذ است که معمولاً در پانوشت یا پی‌نوشت [پایان متن] می‌آورند. این مشخصات را نشانی کتابشناختی می‌نامند که دارای یک قالب استاندارد جهانی است. هر نوع مدرک، مثلاً کتاب، مقاله، فیلم، قطعهٔ موسیقی، تابلوی نقاشی، و غیره، دارای قالب نشانی کتابشناختی استانداردی است که مشخصات مدرک را به طور روشن و دقیق و یکتا تعیین می‌کند. خوشبختانه، قالب نشانی کتابشناختی همهٔ انواع مدرک، مثلاً کتاب و مقاله و فیلم، تقریباً یکسان است، و آموختن آنها مشکل نیست.

۲. **آشنا شدن با مشخصات انواع مدرک.** کاربرد جالب نشانی کتابشناختی، که برای استفاده در مستندنویسی در بالا اشاره شد، این است که با آموختن آن، **شخص با انواع مدرک و مشخصات هر مدرک آشنا می‌شود.** مثلاً در نشانی کتابشناختی کتاب، با مشخصات آن، یعنی مؤلف، عنوان، ناشر، محل انتشار، و سال انتشار آشنا می‌شود؛ در نشانی کتابشناختی فیلم، با مشخصات اصلی آن، یعنی کارگردان، عنوان، تهیه‌کننده، و غیره آشنا می‌شود؛ و الخ. این مسئله، بسیار مهم است زیرا یکی از عواملی است که می‌تواند واژگان پایهٔ زبان مورداستفادهٔ شخص را ارتقا دهد.

۳. **کاربرد در روش‌شناسی پژوهش یا پژوهش‌شناسی.** مدرک‌شناسی قواعدی ارائه می‌دهد که با استفاده از آنها، به آسانی می‌توان یک موضوع را در میان فهرستی از موضوعات موجود در یک مدرک یا آرشیو [تعداد زیادی مدرک] پیدا کرد. مثلاً فهرست موضوعات موجود در یک کتاب را به صورت الفبایی در می‌آورند و آن را در انتهای کتاب قرار می‌دهند. در این صورت، خواننده، به جای مطالعهٔ کل کتاب، در صورت نیاز، می‌تواند فقط موضوع موردنظر خود را از فهرست موضوعی پایان کتاب بیابد و به شمارهٔ صفحهٔ نوشته‌شده در جلوی موضوع مراجعه نماید. این فهرست موضوعی را **نمایه** [index] می‌نامند. نمایه، علاوه‌بر کاربرد در انتهای کتاب، ممکن است برای مجموعه‌ای از نشریات، مثلاً شماره‌های یک سالِ یک روزنامه، و یا چند روزنامه و مجله، تدوین شده باشد. در این صورت، پژوهشگر، برای یافتن یک موضوع دلخواه می‌تواند به نمایهٔ بزرگِ مشترکِ الفبایی‌شده مراجعه کند و موضوع خود را در آن بیابد که در مقابل آن، مشخصات نشریه‌ای که حاوی

آن موضوع است، و نیز شمارهٔ صفحهٔ آن، ذکر شده است. این کار در پژوهش، بسیار مفید است و حتی برخی از پژوهشها را نمی‌توان بدون این امکانات انجام داد. نمایهٔ مشترکِ چندین نشریه یا به طور کلی چندین منبع را **نمایه‌نامه** می‌نامند.

برخی از نمایه‌نامه‌ها، علاوه‌بر موضوع، خلاصه‌ای از یک مقاله یا به طور کلی مدرک را نیز در دسترس قرار می‌دهند، که **چکیده** نامیده می‌شود. این نوع نمایه‌نامه را **چکیده‌نامه** می‌نامند. به جز نمایه، نمایه‌نامه، چکیده، و چکیده‌نامه، منابع مشابه دیگری نیز وجود دارند که کار پژوهش را آسان می‌کنند و در واقع، پژوهش در دنیای امروز، بدون این ابزارها، شدنی و امکان‌پذیر نیست.

در کنار این تعریفها، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، مفاهیمی چون:

مدخل، موضوع، کلیدواژه، توصیفگر، تزاروس، مجموعه‌ـواژگان

و غیره مطرح می‌شوند که، این مفاهیم، به تنهایی، جزو مهمترین مفاهیم روش‌شناسی علمی و پژوهش‌شناسی هستند، که آموختن آنها به طور تجربی و آزمون و خطا، به سالها مطالعه نیاز دارد، اما آموختن آنها با مطالعهٔ کتابهای مدرک‌شناسی مانند این کتاب یا هر کتاب مشابه دیگر، فقط در چند ساعت وقت امکان‌پذیر است.

نکته. علاوه‌بر پژوهش‌شناسی، دو مبحث مهم دیگری که به مدرک‌شناسی مربوط هستند و در کتابهای جداگانه‌ای در همین مجموعه ارائه خواهند شد، عبارت‌اند از **واژگان‌شناسی، و مرجع‌شناسی.**

۴.۱. مدرک

مدرک [document] یا سند، به طور کلی، هر نوع مطلب یا متن چاپی یا غیرچاپی است که حاوی پیام یا اطلاعات، با مخاطبان زیاد یا اندک، باشد. مثلاً مقاله، جزوه، کتاب، روزنامه، فیلم، برنامهٔ رادیو، نامه، و غیره.

بنابر تعریفی دیگر [منبع: فرهنگ اصطلاحات دکومونتاسیون، ۱۳۵۹]، در اطلاع‌رسانی، هر آن‌چه که بتواند اطلاع علمی را انتقال دهد و [یا] در تحقیق مورداستفاده قرار گیرد، «مدرک» محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، در «مستندنویسی»، هر متنی که به عنوان اساس یا شاهد پذیرفته شود

و مورداستفاده قرار گیرد، مثلاً یک کتاب، که از مطالب آن در نوشتن یک مقاله استفاده شده است، مدرک، یا به اصطلاح نسبتاً‌ـرایجتر، سند یا مدرک استناد محسوب می‌شود.

در رده‌بندی به کاررفته در کتاب حاضر، برای سادگی، مدرک‌ها به دو گروه کلی:

۱. «متون چاپی»،

۲. «منابع غیرچاپی»،

رده‌بندی شده‌اند. که از بین آن‌دو، متون چاپی را می‌توان به سه گروهِ زیر رده‌بندی کرد:

۱. «کتاب»،

۲. «پیایند»،

۳. «جزوه»،

که هریک، خود دارای رده‌بندی است [منبع: فرهنگ جامع مرجع‌شناسی، ۱۳۷۶].

و از سوی دیگر، منابع و مواد غیرکتابی به انواع گوناگونِ منابع و انتشارات غیرکتابی، مثلاً «نوار»، «فیلم ویدئو»، «اسلاید»، «میکروفیلم»، و «میکروفیش»، اطلاق می‌شود که همگی «مدرک» محسوب می‌شوند. امروزه علاوه‌بر این موارد، برخی از رسانه‌های کامپیوتری، شامل «سی‌دی‌ـرام» «دادگان وصل‌ـخط»، و «صفحهٔ وب» نیز جزو منابع غیرچاپی محسوب می‌شوند. رده‌بندی این نوع مدرک، نیاز به تعریف «اطلاعات» دارد، که جزو اهداف کتاب حاضر نیست. علاوه‌بر این، رده‌بندی منابع غیرچاپی، کاربرد چندان زیادی در کتاب حاضر ندارد. به هر حال، شرح مفصل انواع مدرک غیرچاپی، در جلد دوم کتاب حاضر خواهد آمد.

۱.۵. کتاب

در رده‌بندی به‌کاررفته در کتاب حاضر، همهٔ کتابها به سه گروه رده‌بندی شده‌اند:

۱. «درسنامه» [یا کتاب درسی، کتاب نیمه‌مرجع، یا کتاب شِبهِ‌ـمرجع]؛

۲. «کتاب مرجع»؛

۳. «کتاب غیرمرجع»؛

که در بخشهای ادامهٔ بخش حاضر تشریح خواهند شد.

۱.۶. درسنامه یا کتاب‌درسی

درسنامه [textbook یا اختصاراً text]، یا **کتاب‌درسی**، کتابی است که به منظور «آموزش»، دربارهٔ مبحث یا مباحث معینی نوشته می‌شود. مثلاً هریک از کتابهای دبیرستانی، و یا هریک از کتابهای مربوط به یک درس دانشگاهی ــمثلاً سه‌واحدیــ یک درسنامه محسوب می‌شود.

برخی از درسنامه‌ها دقیقاً و صراحتاً براساس یک «برنامهٔ درسی» خاص تدوین می‌شوند، مثلاً درسنامه‌های دورهٔ رسمی دبیرستان. و برخی دیگر، به طور تقریبی، یک دورهٔ آموزشی خاص را می‌پوشانند و تاحدودی با یک برنامهٔ درسی معین مطابقت دارند؛ مثلاً اغلب درسنامه‌های دانشگاهی، توسط مؤلفان مستقل از نظامهای آموزشی دانشگاهی تدوین می‌شوند، و به همین دلیل، مدرس دانشگاه، که کتاب را به دانشجویان توصیه کرده است، مطالبی را به صورت جزوهٔ اضافه بر کتاب ارائه می‌دهد تا دانشجویان به کتاب بیفزایند تا دورهٔ درسی وی، برنامهٔ درسی مصوب نظام آموزشی را بپوشاند. یا برعکس، مدرس، کتابی را به دانشجویان توصیه می‌کند اما فقط فصلها و بخشهای معینی از کتاب را برای آموزش درنظر می‌گیرد و دانشجویان از نظر تکلیف درسی، فقط موظف به مطالعهٔ همان فصلها و بخشها هستند: این فصلها و بخشها، برنامهٔ درسی تعیین‌شده توسط نظام آموزشی دولتی یا دانشگاه را می‌پوشانند.

۱.۶.۱. محتوا و هدف درسنامه

هدف از تدوین درسنامه، آموزش یک یا چند مبحث معین است. مبحث ممکن است یک حوزه از «دانش» باشد، مثلاً فیزیک؛ ممکن است یک رشته از یک حوزه باشد، مثلاً نورشناسی [جزو حوزهٔ فیزیک]؛ و ممکن است یکی از مباحث ذیل یک رشته باشد، مثلاً عدسیها [ذیل رشتهٔ نورشناسی از حوزهٔ فیزیک]. همچنین، درسنامه می‌تواند مجموعه‌ای از حوزه‌ها و رشته‌های دانش را بپوشاند، مثلاً درسنامهٔ دبیرستانیِ علوم که موضوع آن مجموعه‌ای از چندین رشته از رشته‌های مختلف علوم است.

به طور کلی، هدف از استفاده از درسنامه، معمولاً مطالعهٔ کل یا قسمتی از آن است. مطالعه‌کنندهٔ درسنامه، معمولاً در طی دُورهٔ مطالعه، چند بار به بخشهای مختلف آن مراجعه می‌کند و در نتیجه، درسنامه تا حدودی حالت «مرجع» را به خود می‌گیرد. حتی می‌توان درسنامه را نوعی مرجع فرض کرد که مطالب آن دارای ترتیب موضوعی هستند. به همین

دلیل، این نوع متن، در مقایسه با دو نوع دیگر کتاب [یعنی «کتاب مرجع» و «کتاب غیرمرجع»]، **کتاب نیمه‌مرجع** یا **کتاب شِبهِ‌ـمرجع** [pseudo-reference] محسوب می‌شود.

۱.۶.۲. کالبدشناسی درسنامه

درسنامه، معمولاً دارای ساختار فصل‌بندی‌شده است. بدین ترتیب که کل درسنامه، از تعدادی «فصل» [chapter]، و هر فصل از تعدادی «بخش» [section]، و هر بخش از تعدادی «پاراگراف» یا «بند» [paragraph]، تشکیل می‌شود. ممکن است بخش از تعدادی «زیربخش» [subsection] نیز تشکیل شده باشد. از سوی دیگر، در برخی از درسنامه‌ها، هر 'چند' فصل را که به موضوعات خاصی مربوط باشند، به عنوان یک «قسمت» [part] درنظر می‌گیرند: مثلاً یک کتاب ۲۰ فصلی، ممکن است به دو قسمت تقسیم شده باشد: قسمت اول از فصل ۱ تا ۱۰، و قسمت دوم از فصل ۱۱ تا ۲۰. یا در مواردی، کتاب به دو یا چند «جلد» [volume] تقسیم می‌شود، که هر جلد از تعدادی فصل تشکیل می‌گردد.

گاهی تقسیم‌بندی درسنامه را به صورت زیر مشخص می‌کنند:

عنوان_جلد_قسمت_فصل_بخش_زیربخش_پاراگراف_جمله

که یک «سازمان‌بندی مرتبتی» به حساب می‌آید.

مثال ۱.

مشخصات کتاب حاضر، که یک درسنامهٔ مدرک‌شناسی محسوب می‌شود، به شرح زیر است:

- کتاب حاضر یک درسنامه است که از ۱۰ فصل تشکیل می‌شود؛
- فصل حاضر، فصل ۱، از ۱۴ بخش تشکیل می‌شود که بخشها با شمارهٔ دوگانه مشخص شده‌اند: مثلاً فصل حاضر از بخشهای ۱.۱، ۲.۱، ۳.۱، ۴.۱، ۵.۱، . . . ، و ۱۴.۱ تشکیل شده است. به همین ترتیب، فصل ۲ از ۷ بخش، فصل ۳ از ۱۱ بخش، و . . . فصل ۱۰ از ۷ بخش تشکیل می‌گردد؛
- بخش حاضر از ۳ زیربخش تشکیل می‌شود که زیربخشها با شماره‌های سه‌گانه

مشخص شده‌اند: ۱.۶.۱ و ۲.۶.۱، و ۳.۶.۱؛

ـ برخی از بخشها دارای تقسیم‌بندی زیربخش نیستند، و مستقیماً به چند پاراگراف [در مواردی فقط یک پاراگراف] تقسیم می‌شوند؛ مثلاً بخش ۵.۱، فقط از بخش یا در حقیقت یک زیربخش منفرد تشکیل می‌گردد؛

ـ در مقابل، برخی از زیربخشها، خود دارای زیربخشهای فرعی‌تر، یعنی به اصطلاح **زیر_زیربخش** [sub-subsection] هستند. مثلاً در بخش بعدی [بخش ۷.۱]، زیربخش ۲.۷.۱، از هفت زیر_زیربخش تشکیل می‌گردد که با اعداد چهارگانهٔ ۱.۲.۷.۱، ۲.۲.۷.۱، ۳.۲.۷.۱، . . .، و ۷.۲.۷.۱، نشان داده می‌شوند. در بعضی از کتابها این تقسیم‌بندی را تا سطوح بیشتر نیز ادامه می‌دهند.

تعیین مشخصات یک درسنامه یا اجزای آن، **کالبدشناسی درسنامه** نامیده می‌شود، که آموزش آن معمولاً جزو رشتهٔ ویرایش است، اما گاهی در رشتهٔ مدرک‌شناسی نیز آموزش داده می‌شود، زیرا در نمایه‌سازی و رده‌بندی مدرک کاربردهایی دارد.

به طور کلی، کالبدشناسیِ درسنامه، از سه قسمت تشکیل می‌شود:

۱. **قسمت قبل از متن.** این قسمت، دست‌کم دارای یک **صفحه_عنوان** [صفحهٔ عنوان، شامل عنوان و نام مؤلف و ناشر و غیره] و یک **صفحهٔ شناسنامه** یا **صفحهٔ حقوق** است؛ اما علاوه‌بر این دو جزء، در اغلب درسنامه‌ها، یک **فهرست مطالب** و یک **مقدمه** نیز وجود دارد [مثلاً صفحات اولیهٔ همین کتاب را، قبل او صفحهٔ شمارهٔ ۱، ببینید].

۲. **قسمت متن.** این قسمت، قسمت اصلی درسنامه است و از تعدادی فصل تشکیل می‌شود: هر فصل شامل تعدادی بخش، و هر بخش شامل یک یا چند زیربخش است. بخش، و نیز زیربخش، معمولاً از تعدادی پاراگراف تشکیل می‌شود. شرح این مفاهیم در مثال ۱ فوق‌الذکر آمده است؛

۳. **قسمت بعد از متن.** این قسمت، گاهی هیچ جزئی را شامل نمی‌شود، اما اصولاً باید حداقل دارای یک **نمایه** [index] باشد. همچنین، قسمت بعد از متن، می‌تواند شامل انواع پیوست، کتابنامه، و واژه‌نامه و غیره نیز باشد. مثلاً قسمت بعد از متن درسنامهٔ حاضر، از پیوست، کتابنامه، و نمایه تشکیل می‌گردد.

کتاب حاضر، مانند هر درسنامهٔ دیگر، دارای قسمتهای قبل از متن، متن، و بعد از متن

است.

۳.۶.۱. رده‌بندی یا انواع درسنامه

درسنامه را برحسب موضوع، سطح آموزشی، و مخاطب، می‌توان به انواع و رده‌های متعدد رده‌بندی کرد. اما این رده‌بندیها در کتاب حاضر کاربردی ندارند و به همین دلیل بدانها اشاره‌ای نمی‌شود. شرح رده‌بندیهای درسنامه در کتاب [منبع:] آشنایی با مرجع‌شناسی ارائه شده است.

۷.۱. کتاب مرجع

کتاب مرجع [reference book]، یا اختصاراً **مرجع** [reference]، متنی است متشکل از تعداد زیادی واژه یا مطلب مستقل یا به اصطلاح **«مدخل»** [entry]، که در آن، به ازای هر مدخل [یا مطلب مستقل یا واژه]، نوع معینی از «شرح مدخل» داده می‌شود. «دانشنامه»، «فرهنگ»، «واژه‌نامه»، «تزاروس»، و «دستنامه»، چند نمونه از منابع مرجع هستند که هریک معمولاً از هزاران مدخل تشکیل می‌شوند. تفاوت بین این منابع در نوع و نحوهٔ شرح مدخلها است. این منابع به اختصار در همین بخش، و به تفصیل در کتاب آشنایی با مرجع‌شناسی تشریح شده‌اند.

به عبارت دیگر، کتاب مرجع، معمولاً مجموعه‌ای است از مطالب مستقل و مجزا، که مطالعهٔ هر مطلب آن، الزاماً به مطالعهٔ مطالب قبلی آن نیاز ندارد.

در اغلب منابع مرجع، مدخلها به صورت الفبایی مرتب می‌شوند، تا خواننده بتواند به آسانی، مدخل یا مطلب مورد نیاز خود را در آن بیابد و فقط همان را مطالعه کند. در فصل بعد، در تعریف **فهرست**، معنای دقیقتر **مدخل**، مجدداً تشریح خواهد شد، اما در همین بخش نیز، در دو زیربخش بعدی، اشاره‌ها و نمونه‌هایی از مدخلها ارائه خواهند شد.

۱.۷.۱. رده‌بندی سلسله‌مراتبی منابع مرجع

در رده‌بندی به کار رفته در کتاب حاضر، منابع مرجع، براساس نوع یا سطح اطلاعات، به چهار گروه یا سطح رده‌بندی شده‌اند:

۱. «مرجع سطح صفر». هر نوع مرجع است که اطلاعاتی دربارهٔ منابع دیگر به دست می‌دهد. مثلاً کتابنامه، که منبعی است که فهرستی ساده یا توصیفی از

مشخصات تعدادی کتاب یا مقاله و غیره به دست می‌دهد. قسمت بیشتر فصلهای بعدی کتاب حاضر، دربارهٔ این نوع منابع است؛

۲. «مرجع سطح یک». هر نوع مرجع است که اطلاعاتی کاملاً غیرتخصصی و کاملاً عمومی به دست می‌دهد. مثلاً انواع **فرهنگ** زبان، که معنای واژگان یک زبان را به همان زبان یا به زبان دیگر ارائه می‌دهد؛

۳. «مرجع سطح دو». هر نوع مرجع است که اطلاعاتی نیمه‌تخصصی و نسبتاً عمومی به دست می‌دهد. مثلاً برخی از انواع **دانشنامه**، که حاوی مطالب جامعی دربارهٔ همهٔ موضوعات علوم و فنون و غیره هستند، اما مخاطب آنها همگان هستند و مطالعهٔ آنها نیاز به دانش تخصصی زیادی ندارد؛

۴. «مرجع سطح سه». هر نوع مرجع است که اطلاعاتی کاملاً تخصصی و کاملاً غیرعمومی به دست می‌دهد. مثلاً بیشتر انواع **دستنامه** یا هندبوک، و برخی از دانشنامه‌های تخصصی مربوط به رشته یا رشته‌های تخصصی معین. مطالعهٔ این نوع منبع، فقط برای افراد متخصص در حوزه یا رشتهٔ مربوط به آن قابل‌استفاده است.

نکته. سطح برخی از منابع مرجع، به مخاطب نیز بستگی دارد: مثلاً یک نویسندهٔ باسابقه، کتاب واژه‌نامهٔ ویراستاران را یک «مرجع سطح دو» به حساب می‌آورد، اما همان کتاب برای یک ریاضیدان، «مرجع سطح سه» به حساب می‌آید.

۱.۷.۲. انواع منبع مرجع

علاوه‌بر رده‌بندی فوق که برحسب محتوا و مخاطب تدوین شده است، منابع مرجع را برحسب نوع مدخل و به عبارت دقیقتر، نوعِ «شرح مدخل»، نیز می‌توان رده‌بندی کرد. در این صورت، حدود ۲۰ تا ۲۲ نوع مرجع مختلف را می‌توان تعریف کرد، که از میان آنها، ۷ نوع، مهمتر یا پرکاربردتر هستند، که عبارت‌اند از:

۱. واژه‌نامه،

۲. فرهنگ،

۳. دانشنامه،

۴. تزاروس،

۵. دستنامه، یا هندبوک،

۶. فرهنگ زندگی‌نامه‌ای،
۷. کتابنامه.

این منابع در ادامهٔ بخش حاضر تشریح می‌شوند. بقیهٔ منابع مرجع در کتاب [منبع:] آشنایی با مرجع‌شناسی تشریح شده‌اند.

۱.۲.۷.۱. واژه‌نامه

واژه‌نامه [glossary یا dictionary]، یا **لغت‌نامه**، نوعی مرجع است که از تعداد زیادی واژه تشکیل می‌شود که در برابر هر واژه، یک یا چند معنا، به همان زبان یا به زبان دیگر، داده می‌شود، مثلاً یک واژه‌نامهٔ فیزیک انگلیسی_فارسی، که هر مدخل آن، از یک واژهٔ انگلیسی، و یک یا چند معادل و معنای فارسی تشکیل می‌شود.

واژه‌نامه، معمولاً یا از نوع مرجع سطح یک است و یا سطح دو. مثلاً یک واژه‌نامهٔ زبان، از نوع سطح یک، و یک واژه‌نامهٔ فیزیک از نوع سطح دو است.

مثال ۲.

چند مدخل از واژه‌نامهٔ ویراستاران، که بسته به مخاطب آن، یا یک منبع «مرجع سطح دو»، و یا یک «مرجع سطح سه» به حساب می‌آید، چنین است:

ویراستار مجوزها، ویراستار مجوز	**permission editor**
وجه مجوز، مبلغ مجوز	**permission fee**
نامهٔ مجوز	**permission letter**

که در آن، برای هر اصطلاح انگلیسی، فقط یک یا چند معادل فارسی داده شده است.

۲.۲.۷.۱. فرهنگ

فرهنگ [dictionary]، نوعی مرجع است که از تعداد زیادی واژه تشکیل می‌شود که در برابر هر واژه، یک یا چند تعریف یا شرح کوتاه، به همان زبان یا به زبان دیگر، داده می‌شود، مثلاً فرهنگ فیزیک انگلیسی_فارسی، که هر مدخل آن، از یک واژهٔ انگلیسی، و یک یا چند جمله به عنوان تعریف واژه در فارسی تشکیل می‌شود؛

فرهنگ، معمولاً یا از نوع مرجع سطح یک است و یا سطح دو. مثلاً یک فرهنگ

زبان، از نوع سطح یک، و یک فرهنگ فیزیک از نوع سطح دو است. با این حال، برخی از فرهنگها، بسته به مخاطب ممکن است سطح دو یا سطح سه به حساب بیایند. اما اصولاً فرهنگ نمی‌تواند خیلی تخصصی باشد.

مثال ۳.
یک مدخل از فرهنگ دانش‌شناسی چنین است:

شیمی معدنی **inorganic chemistry**
[از شاخه‌های اصلی شیمی، مربوط به مطالعهٔ عناصر و ترکیبات شیمیایی. مباحث کربن و اکسیدها و کربنات‌های فلزی و سولفورهای آن نیز به شیمی معدنی مربوط می‌شوند، اما مطالعهٔ بقیهٔ ترکیبات کربن موضوع علم «شیمی آلی» است]

۱.۷.۲.۳. دانشنامه

دانشنامه [encyclopedia]، یا دائره‌المعارف، نوعی مرجع است که از تعداد نسبتاً زیادی واژه تشکیل می‌شود که در برابر هر واژه، یک مقالهٔ جامع اما مختصر، معمولاً به همان زبان، داده می‌شود؛ مثلاً دانشنامهٔ فیزیک فارسی، که هر مدخل آن، از یک واژهٔ فارسی، و یک مقالهٔ چندسطری تا چندصفحه‌ای به عنوان شرح واژه تشکیل می‌شود.

دانشنامه، معمولاً یا از نوع مرجع سطح یک است و یا سطح دو. مثلاً یک دانشنامهٔ عمومی، از نوع سطح یک، و یک دانشنامهٔ شیمی از سطح دو است. اما بعضی دانشنامه‌ها که بسیار تخصصی هستند و فقط برای متخصصان قابل‌استفاده‌اند، مرجع سطح سه محسوب می‌شوند. هرچند، سطح دانشنامه ممکن است تاحدودی به مخاطب آن بستگی داشته باشد، اما تعداد دانشنامه‌های سطح سه [در زبان انگلیسی و غیره] بسیار اندک است.

مثال ۴.
یک مقالهٔ متوسط [نه کوتاه و نه بلند] از یک دانشنامهٔ اطلاع‌رسانی به شرح زیر است [که یک مقالهٔ جامع، اما بسیار موجز و کلی است]:

رده‌بندی رسانه‌ها **media classification**
هر نوع رده‌بندی براساس تعریف «رسانه» و «تریبون»، که بتواند کل مفاهیم رسانه‌ها را بپوشاند. در مقالهٔ حاضر، یک نمونه از رده‌بندیهای رسانه‌ها ارائه می‌گردد. این رده‌بندی

شامل دو بخش است: رده‌بندی براساس نوع ارتباطات، و رده‌بندی براساس دانش اطلاعات.

الف. در رده‌بندی رسانه‌ها براساس نوع ارتباطات، کل رسانه‌ها به دو ردهٔ کلی تقسیم می‌شوند:

۱. «رسانه‌های شخصی»، شامل هر نوع ابزار یا تکنیک یا روش ارتباط با مخاطب، و ارائهٔ اطلاعات به مخاطب، که مخاطب هر فقره اطلاعات آن فقط یک شخص معین است: مثلاً پست، تلگراف، تلفن، نمابر [فکس]، نمابر_مؤدِم، و غیره. رسانه‌های شخصی را می‌توان به سه زیر_ردهٔ کلی تقسیم کرد:

۱.۱. رسانه‌های شخصی نوشتاری، مثلاً پست؛

۲.۱. رسانه‌های شخصی گفتاری، مثلاً میز اطلاعات در دفتر روابط عمومی؛

۳.۱. رسانه‌های شخصی الکترونیکی، مثلاً تلفن و نمابر.

۲. «رسانه‌های جمعی»، مجموعهٔ ابزارها و روشهایی است که برای ایجاد ارتباط با مخاطبان انبوه و ارائهٔ اطلاعات به آنان به کار می‌رود. در این نوع رسانه‌ها، هر فقره اطلاعات به گروهی از مخاطبان ارسال می‌گردد. رسانه‌های جمعی را به پنج زیر_ردهٔ کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱.۲. «رسانه‌های چاپ»، مثلاً روزنامه و مجله و کتاب؛

۲.۲. «رسانه‌های پخش»، مثلاً رادیو و تلویزیون و متن‌نما و سیستم صوتی عمومی و فراخوان پارکها و فرودگاهها؛

۳.۲. «رسانه‌های کامپیوتری»، مثلاً اینترنت، و بانک اطلاعاتی وصل_خط؛

۴.۲. «رسانه‌های خیابانی»، مثلاً برجک تبلیغات، پوستر تبلیغاتیِ بدنهٔ اتوبوسها، و تابلوهای خیابانی؛

۵.۲. «رسانه‌های فروشگاهی»، مثلاً ویترین و تابلوهای داخل فروشگاه.

ب. در رده‌بندی رسانه‌ها براساس دانش اطلاعات، کل رسانه‌ها به دو ردهٔ کلی تقسیم می‌شوند:

۱. رسانه‌های مجازی یا منطقی، شامل روابط عمومی، تبلیغات، روزنامه‌نگاری، زبان نوشتاری، زبان گفتاری، توریسم، مُد، و غیره، که غالباً در شاخه‌های متعددی از «اطلاع‌رسانی» و یا «دانش اطلاعات» تعریف

می‌شوند. نگاه کنید به ...

۲. رسانه‌های فیزیکی، شامل رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، پست، تلفن، و مانند آنها، که غالباً در دو مبحث «رسانه‌های جمعی» و «رسانه‌های شخصی» از اطلاع‌رسانی تعریف می‌شوند. نگاه کنید به ...

نکته. «تریبون» نیز نوعی رسانهٔ جمعی است که به ویژه برای ارائهٔ نظر شخصی به کار می‌رود. از این لحاظ، رده‌بندی تریبون به رده‌های متعدد نیز جزو رده‌بندی رسانه‌ها محسوب می‌گردد. نگاه کنید به ...

در مثال فوق، تعدادی ارجاع غیرمستقیم و ارجاع مستقیم وجود دارد که اگر در دسترس باشند، اطلاعات بیشتری قابل‌دریافت خواهد بود. اما در این‌جا، مسئله فقط نشان دادن یک مقالهٔ نمونهٔ دانشنامه بوده است، و نیازی به مراجعه به ارجاعات آن نیست.

دانشنامهٔ مثال بالا، گرچه تخصصی است، اما از نوع سطح دو محسوب می‌شود، زیرا برای اغلب مخاطبان قابل‌استفاده است.

۱.۷.۲.۴. تزاروس

تزاروس [thesaurus]، نوعی مرجع است که از تعداد زیادی واژه تشکیل می‌شود که در برابر هر واژه، چند واژهٔ مرتبط، معمولاً به همان زبان، داده می‌شود. به عنوان مثال، در یک تزاروس فیزیکِ فارسی-فارسی، هر مدخل، متشکل است از یک واژهٔ فارسی، و مجموعه‌ای از واژگان مرتبط با موضوع و معنای آن واژه. به عنوان نمونه، در برابر واژهٔ انرژی، ممکن است واژگانِ نیرو، کار، توان، ژول، کالری، سوخت، سوخت فسیلی، سوخت هسته‌ای، انرژی خورشیدی، و چند مورد دیگر آورده شده باشد. تزاروس کاربردهای فراوانی در مباحث گوناگون حوزهٔ اطلاع‌رسانی و به ویژه در شاخهٔ مدرک‌شناسی دارد.

تزاروس نیز مانند دانشنامه، معمولاً از نوع مرجع سطح یک یا سطح دو، و در مواردی از نوع سطح سه است.

مثال ۵.

یک مدخل از یک تزاروس فرضی می‌تواند چنین باشد:

ورزش [sports]

آکروبات‌بازی، اتومبیل‌رانی، اسب‌دوانی، اسکوواش، اسکی، اسکی روی آب، اسکی روی چمن، اسکیت، اسکیت با کفش غلتک‌دار، اسکیت روی یخ، اسکی روی آب، اسنوکر، بالن‌سواری، بدمینتون، بسکتبال، بوکس، بولینگ، بیس‌بال، بیلیارد، پاتیناژ، پاتیناژ دونفره، پاتیناژ روی یخ، پاروزنی، پرتاب دیسک، پرتاب نیزه، پرتاب وزنه، پرش ارتفاع، پرش با نیزه، پرش طول، پرورش اندام، پیاده‌روی، تکواندو، تنیس، تنیس روی چمن، تنیس روی میز، تنیس ری‌پل، تیراندازی با اسلحه، تیراندازی با تیر و کمان، جودو، چوگان‌بازی، دارت، دوچرخه‌سواری، دو ـ میدانی، دوی استقامت، دوی امدادی، دوی با مانع، دوی سرعت، دوی صحرانوردی، راگبی، راهنوردی، ژیمناستیک، سافت‌بال، سنگ‌نوردی، سورتمه، شطرنج، شمشیربازی، شنا، شنای استقامت، شیرجه، طناب‌کشی، غواصی، فوتبال، فوتبال آمریکایی، فوتبال استرالیایی، فوتبال سالنی، فوتبال گِیلی، قایق‌رانی، قایق‌رانی بادبانی، قایق‌رانی پارویی، قایق‌موتوری‌رانی، کاراته، کایت‌سواری، کروکه، کریکت، کُشتی آزاد، کُشتی فرنگی، کُشتی کج، کونگ‌فو، کوهنوردی، گلایدرسواری، گلف، موتورسیکلت‌رانی، موج‌سواری، نت‌بال، واترپولو، والیبال، ورزشهای ساحلی وزنه‌برداری، هاکی، هاکی روی یخ، هندبال، هنرهای رزمی.

مدخل فوق، فهرست کاملی از همهٔ ورزشها را به دست می‌دهد که کاربردهای فراوانی دارد. مثلاً برای نگارش یک کتاب دربارهٔ تاریخچهٔ ورزش، می‌توان فهرست را برای تدوین عنوانهای بخشهای کتاب به کار برد؛ و یا برای تأسیس یک فدراسیون ورزشی در یک کشور یا یک شهر، فهرست را می‌توان برای ساختاربندی واحدهای فدراسیون به کار برد. کاربرد مهم تزاروس در مدرک‌شناسی، استفاده از آن برای یافتن و حدس زدن موضوعات یک مطلب است، که در تدوین «نمایه» ضروری است. البته تزاروس کاربردهای فراوان دیگری نیز دارد که در کتاب حاضر، و به ویژه در کتاب **آشنایی با واژگان‌شناسی** تشریح خواهند شد.

۱.۷.۲.۵. دستنامه یا هندبوک

دستنامه [handbook]، نوعی مرجع است که مدخلهای آن، به صورت موضوعی و شبیه

به درسنامه سازمان‌دهی می‌شوند: یعنی از فصلها و بخشها و زیربخشها تشکیل می‌شود. اما چون سازمان موضوعی آن کاملاً مبتنی بر تقسیم‌بندی به اجزای فصل تا زیربخش است، خواننده، به آسانی می‌تواند یک موضوع دلخواه خود را در آن بیابد.

دستنامه، معمولاً فقط از نوع مرجع سطح سه است، زیرا معمولاً فقط برای متخصصان می‌تواند قابل‌استفاده باشد. هرچند دستنامهٔ سطح دو نیز وجود دارد.

مثال ۶.

دستنامهٔ مهندسی شیمی معروف به Perry's، از ۲۶ فصل، و هر فصل از حدود ۱۰۰صفحه تشکیل شده است. هر فصل از این دستنامه، یک شاخه از رشتهٔ مهندسی شیمی [یا شاخه‌های وابسته] را شرح می‌دهد، و شرح هر فصل دارای ترتیب موضوعی است. تقریباً حجم و اندازه و تعداد صفحات همهٔ دستنامه‌های معتبر رشته‌های گوناگون [همگی به انگلیسی]، مشابه همین دستنامه است. در هر رشتهٔ تخصصی، تقریباً فقط یک دستنامهٔ معتبر و معروف به زبان انگلیسی وجود دارد که غالباً ۵۰ تا ۱۰۰سال از انتشار اولین ویراست آن سپری شده است [به جز رشته‌های جدید]. مثلاً اولین ویراست دستنامهٔ مهندسی شیمی معروف به دستنامهٔ Perry's، در سال ۱۹۳۴ منتشر شد، و از آن هنگام تاکنون، ۶بار تجدیدویرایش شده است. این دستنامه، در رشتهٔ مهندسی شیمی، معتبرترین منبع مرجع دنیا محسوب می‌شود.

۶.۲.۷.۱. فرهنگ زندگی‌نامه‌ای

فرهنگ زندگی‌نامه‌ای [biographical dictionary]، نوعی فرهنگ است که هر مدخل آن، خلاصهٔ زندگی‌نامهٔ یک شخص در چند کلمه تا چندسطر است. فرهنگ زندگی‌نامه‌ای، معمولاً یا از نوع مرجع سطح یک است، زیرا برای همگان قابل‌استفاده است.

مثال ۷. یک مدخل از یک فرهنگ زندگی‌نامه‌ای فرضی چنین است:

فردوسی، حکیم ابوالقاسم.

تولد به سال ۳۲۹هـ.ق. و متوفی به سال ۴۱۱هـ.ق. یا ۴۱۶هـ.ق.، سرایندهٔ شاهنامهٔ منظوم.

که ممکن است در فرهنگهای زندگی‌نامه‌ای دیگر با تفصیل بیشتری [مثلاً در

چندسطر تا چند_ده‌سطر] تشریح گردد.

۱.۷.۲.۷. کتابنامه

کتابنامه [bibliography]، فهرستی است از مشخصات تعدادی کتاب یا مقاله یا هر نوع مدرک دیگر، که به نحوی مرتب می‌شود که جستجو در آن برای یافتن یک مدرک با مشخصات معین به آسانی ممکن باشد. بیشتر بخشهای فصلهای بعدی کتاب حاضر دربارهٔ همین نوع مرجع است، و به ویژه، انواع مختلف کتابنامه در فصلهای ۳ تا ۱۰ تشریح خواهند شد.

همهٔ کتابنامه‌ها از نوع «مرجع سطح صفر» محسوب می‌شوند، زیرا کتابنامه، از هر نوع که باشد، همواره، اطلاعاتی دربارهٔ منابع دیگر به دست می‌دهد. هرچند، از برخی کتابنامه‌ها، مثلاً «چکیده‌نامه»، می‌توان برای کسب اطلاعات غیر از اطلاعات مربوط به نشانی کتابها و منابع دیگر نیز بهره گرفت.

۱.۷.۳. کالبدشناسی منابع مرجع

کالبدشناسی مرجع نیز مانند درسنامه از سه قسمت تشکیل می‌گردد:

۱. قسمت پیش از متن، که حداقل شامل صفحه_عنوان و شناسنامه و مقدمه است؛

۲. قسمت متن، که از تعداد زیادی «مدخل» تشکیل می‌شود، که در بیشتر منابع مرجع، به جز دستنامه، دارای ترتیب الفبایی است؛

۳. قسمت پس از متن، که ممکن است شامل پیوست و کتابنامه باشد.

۱.۸. کتاب غیرمرجع

کتاب غیرمرجع [nonreference]، هر نوع کتاب است که نه «درسنامه» [نیمه‌مرجع، شبه_مرجع] باشد و نه «مرجع». مثلاً «رُمان» [داستان بلند]، مجموعهٔ «داستان کوتاه»، کتاب «شعر» یا مجموعه اشعار، «زندگی‌نامه»، «خاطرات»، «جُنگ»، و غیره. همچنین، انواع گوناگون متون دیگر، در هریک از حوزه‌های «دانش»، و به ویژه متون سرگرم‌کننده که معمولاً فقط برای یک بار خواندن نوشته می‌شوند، حکم متن غیرمرجع را دارند.

یک تفاوت کتاب غیرمرجع با درسنامه [کتاب نیمه‌مرجع] در این است که کتاب غیرمرجع را معمولاً برای یک بار خواندن به کار می‌برند، در حالی که درسنامه را برای

مطالعهٔ منظم و چند بار مرور و احتمالاً حل تمرینهای موجود در آن مورداستفاده قرار می‌دهند. نیز درسنامه مطابق اهداف و برنامهٔ درسی دبیرستان و دانشگاه و یا یک هدف آموزشی مشخص تدوین می‌گردد، اما کتاب غیرمرجع برای مطالعهٔ معمولاً ـ تفننی نوشته می‌شود.

برخی از کتابها را می‌توان هم درسنامه و هم کتاب غیرمرجع به حساب آورد. مثلاً ممکن است یک دانشجو، زندگی‌نامهٔ آلبرت اینشتین را به عنوان درسنامه [کتاب نیمه‌مرجع] مطالعه کند، در حالی که همان کتاب را یک خانم خانه‌دار به عنوان کتاب غیرمرجع مطالعه کند. به عبارت دیگر، معیار کاملاً دقیقی برای تفکیک این دو رده از کتابها وجود ندارد، اما در رده‌بندی کتابها و متون چاپی، درنظر گرفتن یک ردهٔ مخصوص به عنوان کتاب غیرمرجع، کاربردهای فراوانی دارد.

کالبدشناسی کتاب غیرمرجع، دارای صورت معینی نیست، اما دست‌کم از دو قسمت تشکیل می‌شود:

۱. قسمت پیش از متن، که مشابه درسنامه و کتاب مرجع دست‌کم از دو جزءِ صفحه‌ـعنوان و شناسنامه تشکیل می‌شود؛
۲. قسمت متن، که دارای تقسیم‌بندی خاصی نیست و کاملاً بستگی به نوع کتاب دارد.

برخی از کتابهای غیرمرجع، دارای قسمت بعد از متن مخصوص به خود نیز هستند. اما معمولاً کتاب غیرمرجع برخلاف درسنامه و کتاب مرجع، نیازی به نمایه ندارد.

۹.۱. پیایند

پیایند [serial]، هر نوع «مدرک» یا «نشریهٔ» ادواری یا غیرادواری است که دارای عنوان ثابت، و ترتیب انتشار منظم یا غیرمنظم است. واژهٔ پیایند، گاهی به جای «نشریهٔ ادواری» [periodical] نیز به کار می‌رود، اما در واقع، مفهوم آن کلی‌تر از نشریهٔ ادواری است، و علاوه‌بر نشریات ادواری، نشریات نامنظم را نیز دربر می‌گیرد؛ مثلاً از یک سو آمارهایی که هر چندوقت یک‌بار توسط 'مرکز آمار ایران'، درپیِ هر سرشماری یا مطالعات آماری یا نظرسنجی، منتشر می‌شوند، پیایند محسوب می‌گردند؛ و از سوی دیگر، هر نوع روزنامه و مجله، یا به طور کلی نشریهٔ ادواری نیز پیایند به حساب می‌آید. بنابر این، پیایند، خود به دو

رده تقسیم می‌شود:

۱. نشریهٔ غیرادواری، که دارای عنوان ثابت است، اما در فواصل نامعین منتشر می‌شود؛

۲. نشریهٔ ادواری، که هم دارای عنوان ثابت است، و هم در فواصل معین منتشر می‌شود.

اما در دانش مدرک‌شناسی، تاحدودی مرسوم است که سالنامه را که در حقیقت، به فواصل معین منتشر می‌شود، و نشریات منظم دیگری را که دارای فاصلهٔ انتشار بیش از سال هستند، نشریهٔ غیرادواری به حساب می‌آورند.

۱۰.۱ . نشریهٔ غیرادواری

نشریهٔ غیرادواری [non-periodical]، هر نوع «مدرک» چاپی است که کتاب و جزوه نباشد و به صورت چاپی چاپ شود و به صورت ادواری منتشر نشود، اما دارای عنوان ثابتی باشد. چنان‌که اشاره شد، می‌توان نشریات ادواری را که با فاصلهٔ یک یا بیش از سال منتشر می‌شوند، نشریهٔ غیرادواری به حساب آورد.

نشریهٔ غیرادواری، دارای انواع بسیار زیادی است: آمارنامه‌ها، نتایج مطالعات و پژوهشها، برخی از انواع اسناد دولتی، برخی از انواع آگهی تبلیغاتی تجاری و آگهی تبلیغاتی انتخاباتی، و دهها نمونهٔ دیگر.

کالبدشناسی نشریهٔ غیرادواری، دارای صورت معینی نیست.

۱۱.۱ . نشریهٔ ادواری

نشریهٔ ادواری [periodical]، هر نوع «مدرک» چاپی است که به صورت منظم و «دُوره‌ای» منتشر می‌شود و عنوان ثابتی دارد؛ مثلاً هر نوع «ماهنامه» و «هفته‌نامه» و «روزنامه».

نکته. در مدرک‌شناسی، معمولاً اصطلاح فارسی نشریهٔ ادواری و انگلیسیِ *periodical*، به نشریات غیرروزنامه‌ای اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، در مدرک‌شناسی، گاهی پایندهای ادواری را به دو رده تقسیم می‌کنند: نشریات ادواری، و روزنامه‌ها. هرچند، این رده‌بندی، مبنای علمی چندانی ندارد.

ساده‌ترین رده‌بندی نشریات ادواری براساس ترتیب زمانی انتشار آنهاست، مثلاً هفته‌نامه، دوهفته‌نامه، و غیره. رده‌بندی دیگرِ نشریات ادواری براساس موضوع و مخاطبان آنهاست، مثلاً «نشریهٔ دانشگاهی»، «نشریهٔ تخصصی»، و «مجلهٔ عامه».

اما در برخی از متون روزنامه‌نگاری، نشریات ادواری را بر سه نوع رده‌بندی کرده‌اند که این نوع رده‌بندی، هم تجربی و کاربردی است و هم از نظر علمی، دارای اشکال نیست:

۱. «روزنامه» [newspaper]، که معمولاً به طور یومیه منتشر می‌شود و دارای قطع بزرگ و فاقد صحافی است؛

۲. «مجله» [magazine]، که معمولاً مخاطبان آن عموم مردم، و یا افراد متعلق به یک گروه و حرفهٔ معین است: مثلاً مجلهٔ عمومی، مجلهٔ خبری، مجلهٔ ورزشی، و مجلهٔ تجارت مواد شیمیایی؛

۳. «نشریهٔ تخصصی» [specialized journal]، که نوعی مجله است که مخاطبان آن افراد دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و در ضمن، محتوای آن مطالب علمی و تخصصی است.

این رده‌بندیِ مفید، مورداستفادهٔ کتاب حاضر نیز قرار گرفته است.

کالبدشناسی سه ردهٔ نشریات ادواری فوق، تقریباً مشخص و استاندارد است که در بخشهای بعدی، به اختصار، فقط در حدی که برای اهداف کتاب حاضر کافی باشد، تشریح می‌گردد.

۱.۱۱.۱. روزنامه

روزنامه [paper، یا newspaper]، هر نوع نشریهٔ ادواری است که معمولاً روزی یک بار منتشر می‌شود؛ اما روزنامه می‌تواند بیش از یک بار در روز هم منتشر شود؛ و همچنین، برعکس، روزنامه ممکن است به صورت هفتگی، یعنی «روزنامهٔ هفتگی»، یا دوبار در هفته [و به ندرت به صورت ماهانه] نیز منتشر شود.

روزنامه‌ها را از جنبه‌های گوناگون رده‌بندی می‌کنند، که معمولاً در همهٔ آنها گرایش و دیدگاه شخصِ رده‌بندی‌کننده دخالت دارد. مثلاً یک رده‌بندی چنین است:

۱. «روزنامهٔ جهانی»، که مخاطبان آن را خوانندگانی از کشورها و فرهنگهای مختلف دنیا تشکیل می‌دهند؛
۲. «روزنامهٔ ملی»، که مخاطبان آن را خوانندگانی از یک کشور معین تشکیل می‌دهند؛
۳. «روزنامهٔ محلی»، که مخاطبان آن را خوانندگانی از یک استان، شهر، یا محله‌ای از یک شهر، و یا روستا تشکیل می‌دهند. همچنین، روزنامهٔ دیواری، که در مدرسه یا محله، و یا حتی در منزل بر دیوار نصب می‌شود، در این مقوله قرار می‌گیرد.

و از دیدگاهی حرفه‌ای‌تر، برخی از روزنامه‌نگاران، روزنامه را به چهار گروه کلیِ زیر رده‌بندی می‌کنند:

۱. «روزنامهٔ نخبه»: «روزنامهٔ اعتباری». هرنوع روزنامهٔ مهم و تأثیرگذار و حرفه‌ای است که بیشتر روزنامه‌نگاران آن را آزاد به حساب نمی‌آورند؛ مثلاً روزنامهٔ پراودا در شوروی سابق، و هریک از روزنامه‌های بزرگ متعلق به دولت در بیشتر کشورهای دنیا؛
۲. «روزنامهٔ نخبه»: «روزنامهٔ کیفی». هرنوع روزنامهٔ مهم و تأثیرگذار و حرفه‌ای است که بیشتر روزنامه‌نگاران آن را آزاد به حساب می‌آورند؛ مثلاً روزنامهٔ زورشر–زایتونگ، و برخی از روزنامه‌های مستقل از دولت در تعداد نسبتاً کمی از کشورهای دنیا؛
۳. «روزنامهٔ غیرنخبه»: «روزنامهٔ مقید». هرنوع روزنامهٔ نسبتاً غیرمهم و غیرتأثیرگذار، اما حرفه‌ای، است که بیشتر روزنامه‌نگاران آن را آزاد به حساب نمی‌آورند؛ مثلاً هریک از روزنامه‌های کوچک در شوروی سابق، و هر روزنامه که ارگان یک حزب باشد و یا به عنوان ارگان یک حزب عمل کند؛
۴. «روزنامهٔ غیرنخبه»: «روزنامهٔ آزاد». هرنوع روزنامهٔ نسبتاً غیرمهم و غیرتأثیرگذار، اما حرفه‌ای، است که بیشتر روزنامه‌نگاران آن را آزاد به حساب می‌آورند؛ مثلاً هریک از روزنامه‌های نسبتاً ناشناخته در سویس، و برخی از روزنامه‌های مستقل از دولت در برخی از کشورهای دنیا.

از سوی دیگر، برخی از روزنامه‌ها به یک موضوع خاص مربوط می‌شوند؛ مثلاً روزنامهٔ ورزشی، و برخی دیگر عمومی هستند و دربارهٔ هر نوع «رویداد» و هر نوع «موضوع»،

مطلب درج می‌کنند. از این لحاظ، روزنامه‌ها را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد:
۱. «**روزنامهٔ تخصصی**»،
۲. «**روزنامهٔ عمومی**».

همچنین، تقسیم‌بندیِ روزنامه به سه ردهٔ **عمومی**، **عوام‌پسند**، و **تخصصی** نیز یکی دیگر از رده‌بندیهای موجود و مفید در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای است.

۱.۱۱.۲. مجله

مجله [magazine]، هرنوع «نشریهٔ ادواریِ» معمولاً مصور با هر نوع موضوع است، که غالباً هفتگی، دوهفتگی، و یا ماهانه منتشر می‌شود، و محتوای آن، تخصصی نیست. همچنین، مجله می‌تواند حرفه‌ای و تجارتی باشد و فقط برای قشر یا گروه خاصی قابل‌استفاده باشد: مثلاً مجلهٔ فرضیِ معدن‌شناسان، که دارای مطلب‌هایی است [مثلاً اخبار معدن، بهداشت در معدن، و غیره] که فقط برای کارکنان بخش معدن مناسب‌اند، اما چون مطلب‌های آن، غیرتخصصی هستند، همهٔ کارکنان بخش معدن با تخصصهای گوناگون، و حتی بدون تخصص، نیز می‌توانند آن را مطالعه کنند.

ارائهٔ تعریف دقیق‌تر برای مجله تقریباً غیرممکن است، زیرا تعداد انواع مختلف مجله، برخلاف روزنامه، بسیار زیاد است. به طوری که راهنمای نشریات ادواری «اولریخ» حاوی فهرست و مشخصات حدود ۸۰هزار مجله یا نشریهٔ ادواری شبیه به مجله از کلیهٔ کشورهای دنیاست، ضمن این‌که در آن، احتمالاً به چندهزار یا شاید چند‌ـده‌هزار مجلهٔ کم‌اهمیت‌تر اشاره‌ای نشده است. شاید این ۸۰هزار مجله را بتوان به دهها یا حتی صدها ردهٔ متفاوت تقسیم کرد، که البته کار چندان مفیدی هم نیست.

ویلیام ل. ریورز، روزنامه‌نگار آمریکایی، مجله‌ها را به چهار گروه رده‌بندی کرده است:

۱. «مجلهٔ گروهی» [mass magazine]، که دارای مخاطبان زیاد، به ویژه از قشرهای متوسط جامعه است؛
۲. «مجلهٔ خبری» [news magazine]، که پوشانندهٔ رویدادهای روز، و حاوی اخبار و تفسیرهای نسبتاً تازه است؛
۳. «مجلهٔ فرهنگی» [quality magazine، یا class magazine]، که حاوی مطالب نسبتاً جدی در زمینه‌های فرهنگی [ادب، هنر، فلسفه، دین، علوم انسانی، و غیره]

است؛

۴. «مجلهٔ تخصصی» [special magazine]، که حاوی مطالب تخصصی مربوط به موضوع یا موضوعات معین است و مخاطبان آن، افرادِ دارای تخصص معین، و یا افراد علاقمند به یک تخصص و موضوع معین هستند.

که رده‌بندی ریورز، رده‌بندی جالبی به نظر می‌رسد: زیرا به 'یک تعبیر' کل مجله‌ها را می‌پوشاند، و در نتیجه می‌توان آن را 'رده‌بندی' و 'جامع' محسوب کرد، هرچند، به 'تعبیرهایی'، چنین نیست و جامع محسوب نمی‌شود.

در دانش «تبلیغات»، نشریات را به دو گروه تقسیم می‌کنند:

۱. «نشریات افقی»، نشریاتی هستند که مخاطبان آن را عموم مردم تشکیل می‌دهند: که در رده‌بندی چهارگانهٔ ویلیام ریورز، فوق‌الذکر، دو ردهٔ مجلهٔ گروهی و مجلهٔ خبری، از نوع نشریات افقی محسوب می‌شوند؛

۲. «نشریات عمودی»، نشریاتی هستند که مخاطبان آن را گروه خاصی از مردم تشکیل می‌دهند: که در رده‌بندی فوق‌الذکر، دو ردهٔ مجلهٔ فرهنگی، و مجلهٔ تخصصی، از نوع نشریات عمودی محسوب می‌شوند.

رده‌بندی نشریات به دو ردهٔ افقی و عمودی، بیشتر برای درج آگهی در نشریات کاربرد دارد، و عمدتاً توسط افراد شاغل در بخش تبلیغات به کار می‌رود؛ اما با این حال، یک رده‌بندی علمی محسوب می‌شود.

۱.۱۱.۳. نشریهٔ تخصصی

نشریهٔ تخصصی [specialized journal]، هرنوع نشریهٔ ادواری شبیه به مجله است که محتوای آن تخصصی و یا چندرشته‌ای است، به گونه‌ای که مطالعهٔ آن عملاً فقط برای کسانی قابل‌استفاده است که در زمینهٔ موضوع نشریه، دارای **تحصیلات دانشگاهی** باشند.

ارائهٔ رده‌بندی برای نشریات تخصصی، تقریباً فقط از دو جنبه ممکن است: یکی **موضوع یا رشتهٔ تخصصی**، و دیگری، **سطح علمی نشریه**. مثلاً یک نشریهٔ تخصصی در زمینهٔ فیزیک اتمی، ممکن است دارای سطحی باشد که برای مخاطبان دانشگاهیِ بالاتر از لیسانس کاربرد داشته باشد؛ یا نشریهٔ تخصصی دیگر در زمینهٔ کامپیوتر ممکن است برای دانشجویان رشته‌های مهندسی و علوم کاربرد داشته باشد.

رده‌بندی مجله، که پیشتر تشریح شد، تاحدودی در مورد نشریهٔ تخصصی نیز صدق

می‌کند. هرچند، تمایز بین مجله و نشریهٔ تخصصی، ممکن است چندان قاطع و روشن نباشد.

نکته. راهنمای نشریات ادواری اولریخ، موضوع نشریات تخصصی را با رمز دیوئی مشخص کرده است.

یکی از انواع نشریات تخصصی، نشریهٔ **کتابشناسی** است که جزو منابع «مرجع سطح صفر» محسوب می‌شود [فصل ۴]. نشریهٔ کتابشناسی، در کتاب حاضر بر چهار گروه رده‌بندی شده است:

۱. **نمایه‌نامه**،

۲. **چکیده‌نامه**،

۳. **استنادنامه**،

۴. **نشریهٔ نقدوبررسی کتاب**.

موضوع بیشتر فصلهای بعدی کتاب حاضر دربارهٔ نشریات کتابشناسی است.

۱۲.۱. کالبدشناسی نشریه

توجه به کالبدشناسی نشریه، به ویژه در مستندنویسی، ضروری است؛ زیرا به هنگام استناد به روزنامه، باید نوع مطلب تشخیص داده شود تا معلوم گردد که مطلب اصولاً قابل‌استناد هست یا نه. مثلاً استناد به یک **تحلیل**، معمولاً معتبرتر از استناد به یک **تفسیر** است. دلیل این گونه مسائل، از تعریف اجزای نشریه در کالبدشناسی آن، معلوم می‌شود.

نشریهٔ ادواری، شامل روزنامه، مجله، و نشریهٔ تخصصی، دارای کالبدشناسی خاصی است که با کتاب تفاوت دارد.

۱.۱۲.۱. کالبدشناسی روزنامه

روزنامه، از نظر صفحه‌آرایی و صحافی و نحوهٔ توزیع، از دو قسمت تشکیل می‌شود:

۱. **«قسمت متن»**، که شامل کل مطالب روزنامه و آگهی‌های «نمایش‌نما» است [آگهی نمایش‌نما، هر نوع آگهی بین مطالب صفحات اصلی، به جز آگهی‌های نیازمندیها است]؛

۲. **قسمت «ضمیمهٔ نیازمندیها»**، که فقط شامل آگهی‌های نیازمندیها است.

همچنین، روزنامه ممکن است هر از گاهی، مثلاً هر هفته، و یا در بعضی شهرها، یک

ضمیمهٔ ویژه نیز منتشر و در میان صفحات روزنامه درج کند. این قسمت، را نیز می‌توان قسمت ضمیمهٔ ویژه به حساب آورد.

هر روزنامه به تعدادی صفحه، و هر صفحه به تعدادی ستون تقسیم می‌شود. هر صفحه و یا ستون می‌تواند دارای «عنوان» ثابت باشد. مثلاً کل صفحهٔ ۲ یِ یک روزنامهٔ نوعی ممکن است اخبار داخلی باشد، و ستون اولِ سمت راست از صفحهٔ ۳ ممکن است ستون اقتصاد باشد.

از سوی دیگر، هر صفحه از روزنامه به تعدادی «مطلب» تقسیم می‌شود که انواع آن در بخش بعدی همین فصل تشریح خواهد شد. اما پیش از تشریح انواع مطلب، لازم است ساختار کلی مطلب بررسی شود. به طور کلی، هر مطلب دارای پنج جزء اصلی است:

۱. «تیتر» [heading]، که یک عبارت یا جمله است که با حروف درشت می‌آید و موضوع و محتوای مطلب را نشان می‌دهد؛

۲. «لید» [lead]، که شرح مختصری از کل مطلب است که در چند سطر، در ابتدای مطلب می‌آید، تا خوانندگانی که فرصت کافی برای مطالعهٔ کل مطلب ندارند، فقط آن [لید] را بخوانند؛

۳. «بدنهٔ مطلب» [story body]، که اصل و کل مطلب منهای تیتر و لید است؛

۴. «عکس یا ترسیم» [photo یا art، یا drawing، و غیره]، که عکس یا ترسیم دستی است که به مطلب ارتباط دارد یا مدرکی برای اظهارات و ادعاهای ارائه‌شده در مطلب است؛

۵. «شرح عکس» [caption]، که توضیحی است دربارهٔ عکس و موضوع یا صاحب آن، که زیر عکس می‌آید.

برخی از مطلب‌ها، فاقد یک یا چند مورد از ۵مورد فوق هستند.

علاوه‌بر اجزای کلی پنج‌گانهٔ مطلب در روزنامه، دو جزء مشترک، مهم برای کل صفحه یا کل ستون وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. «عنوان» [title]. کلمه یا عبارتی است که موضوع کلیِ همهٔ مطلب‌های یک صفحه یا یک ستون را بیان می‌کند. مثلاً یک صفحه ممکن است دارای عنوانِ اخبار داخلی، و متشکل از ۱۰خبر داخلی، و یک ستون ممکن است دارای عنوانِ نامه‌های خوانندگان، و شامل ۵نامه از خوانندگان باشد. توجه به عنوان، جزو مهمترین مسائل

در روزنامه‌نگاری است. هر صفحه، یا هر ستون، باید فقط حاوی مطلب‌هایی باشد که نوع آنها از عنوان آن بر می‌آید. مثلاً در صفحه‌ای که عنوان آن اخبار داخلی است، فقط باید خبرهایی درج شوند که مربوط به داخل کشور هستند، و مطلب‌هایی مانند گزارش، مصاحبه، نقد، و غیره نباید در این صفحه آورده شوند. به همین صورت، صفحهٔ اخبار خارجی، حوادث، علمی، و غیره، و نیز ستونهای دارای عنوانِ سرمقاله، تلفن خوانندگان، نقدونظر، نقدوبررسی کتاب، نظرسنجی، گزارش ورزشی، اخبار ورزشی، مقاله، و غیره، باید حاوی مطلب‌هایی باشند که در عنوان آنها مشخص شده است. گرچه این اصل، ساده و بدیهی به نظر می‌رسد اما از یک سو مراعات آن بسیار مهم و اساسی است و از سوی دیگر، مراعات آن کار چندان آسانی نیست.

۲. «سرصفحه» [header]. حاوی اطلاعاتی است از قبیل شمارهٔ صفحه، تاریخ، و آرم و نام روزنامه. در برخی از روزنامه‌ها، ممکن است به جای سرصفحه، از پاصفحه [footer] استفاده شود که تفاوت آن با سرصفحه فقط در این است که پاصفحه در پایین صفحه می‌آید.

نکته. گاهی عنوان را در بالای صفحه و داخل یک کادر یا شکل مشابه دیگری می‌آورند، و گاهی نیز عنوان را در داخل سرصفحه قرار می‌دهند.

علاوه‌بر عنوان صفحه و عنوان ستون، یک «عنوان» [title] بدیهی دیگر هم در روزنامه وجود دارد که آن، خودِ «عنوان روزنامه» [newspaper title] است.

شناخت دقیق اجزای مطلب روزنامه و توجه دقیق به آن، در مدرک‌شناسی نیز حائز اهمیت بسیار است. برای مثال، در تدوین کتابشناسی برای یک مطلبِ روزنامه، و در نمایه‌سازی و یافتن کلیدواژه‌های مستخرج از عنوان روزنامه، عنوان صفحه، عنوان ستون، تیتر، بدنهٔ مطلب، لید، و سرصفحه، و همچنین در تأسیس و ادارهٔ آرشیو روزنامه، آشنایی دقیق با همهٔ جزئیات روزنامه کاملاً ضروری است.

۲.۱۲.۱. تفاوت عنوان و تیتر

گرچه تفاوت عنوان و تیتر، ساده و روشن به نظر می‌رسد، و در ۵جزء مطلب فوق‌الذکر، و در دو جزء مشترک مطلب فوق‌الذکر، معنای تیتر و عنوان به اندازهٔ لازم تشریح شد، اما چون توجه دقیق به آن، هم در روزنامه‌نگاری و هم در مدرک‌شناسی، حائز اهمیت فراوان

است، نیاز به تأکید بیشتری دارد:

ـ عنوان روزنامه، که به سادگی، فقط نام رسمی روزنامه است: مثلاً روزنامهٔ لوموند فرانسه؛

ـ عنوان صفحه، کلمه یا عبارتی است که موضوع کلیِ تعدادی مطلبِ واقع‌شده در یک صفحه را مشخص می‌کند. مثلاً صفحه‌ای با عنوان اخبار داخلی، که عنوان در بالای صفحه مشخص می‌شود؛

ـ عنوان ستون، کلمه یا عبارتی است که موضوع کلیِ یک یا چند مطلبِ واقع‌شده در یک ستون را مشخص می‌کند. مثلاً ستونی با عنوان تلفن خوانندگان، و یا ستونی با عنوان سرمقاله، که عنوان در بالای ستون مشخص می‌شود؛

ـ تیتر، عبارت و جمله‌ای است که محتوا و موضوع یک مطلب معین را مشخص می‌کند، مثلاً تیترِ دبیر کل سازمان‌ملل وارد پاریس می‌شود، یکی از تیترهای خبرهای موجود در صفحهٔ با عنوانِ اخبار خارجی می‌تواند باشد.

مطابق یکی از مهمترین اصول در روزنامه‌نگاری، باید بین مطلب و عنوان آن تناظر وجود داشته باشد که این را:

«اصل تناظر عنوان_مطلب»

می‌نامند. از سوی دیگر، توجه به تناظر عنوان_مطلب، یکی از مسائل مهم در مستندنویسی است: به هنگام استناد به یک مطلب باید بررسی کرد که آیا مطلب موردنظر در صفحه یا ستونی آمده است که به «عنوان» آن مربوط است؟ مثلاً اگر یک خبر در صفحهٔ دارای عنوان گزارشها بیاید، اصل تناظر عنوان_مطلب را نقض کرده است و از این روی، ارزش استناد کردن آن نیز مخدوش شده است.

البته تناظر بین تیتر و مطلب نیز مهم است و می‌تواند زحمت خواننده را آسان کند، اما اهمیت مراعات این تناظر به هیچ وجه به اندازهٔ اهمیت مراعات تناظر عنوان_مطلب مهم نیست.

۱.۲.۱۲.۳. کالبدشناسی مجله و نشریهٔ تخصصی

مطالبی که در زیربخش فوق دربارهٔ مطلب و اجزای آن تشریح شد، هم در مورد روزنامه و هم در مورد مجله و نشریهٔ تخصصی صدق می‌کند. به عبارت دیگر، کالبدشناسی روزنامه

و مجله و نشریهٔ تخصصی معمولاً یکسان است و هرسه، از تعدادی مطلب تشکیل می‌شوند که تعریف انواع ۱۵گانهٔ آن در بخش ۱۳.۱ آمده است.

البته مجله و نشریهٔ تخصصی، دارای صفحه‌آرایی و صحافی مخصوص به خود هستند، که با صفحه‌آرایی و صحافی روزنامه تفاوت دارد.

نکته. در مجله، مجموعه‌ای از چند مطلب پشت‌سرهم را که دارای موضوع یکسانی باشند، اصطلاحاً **دپارتمان** می‌نامند. دپارتمان، ممکن است از چندین صفحه تشکیل شود.

۱۳.۱. رده‌بندی انواع مطلب در نشریه

معنای مطلب [شاملِ اصطلاحاً story و feature]، در روزنامه‌نگاری، به قدری وسیع است که برای تعریف آن، چاره‌ای جز **رده‌بندی مطلب** وجود ندارد. از سوی دیگر، رده‌بندی مطلب، جزو مباحث **رده‌بندی مدرک** نیز هست، که خود یکی از سه شاخهٔ اصلی مدرک‌شناسی محسوب می‌شود.

برای مطلب، تاکنون رده‌بندیهای گوناگونی توسط روزنامه‌نگاران مختلف ارائه شده است. مثلاً برخی، مطلب را به دو نوعِ **تحلیلی** و **تفسیری** تقسیم می‌کنند:

ـ مطلب تحلیلی، شامل هرنوع مطلب است که در آن، از گرایش و نظر شخصی استفاده نشده باشد،

ـ مطلب تفسیری، هرنوع مطلب است که در آن از گرایش و نظر شخصی استفاده شده باشد.

گرچه رده‌بندی فوق جامع است، اما کاربرد مفیدی در مدرک‌شناسی ندارد.

رده‌بندی زیر، که براساس ملاحظات **رده‌بندی مدرک** تدوین شده است، کاربردهای مفیدی در دانش مدرک‌شناسی، و به ویژه در شاخهٔ رده‌بندی مدرک، دارد. [هرچند، این رده‌بندی از **روزنامه‌نگاری** گرفته شده است.] در این رده‌بندی، کل انواع مطلب، در ۱۵ رده تعریف شده‌اند، که در مواردی، رده، شامل بیش از یک نوع مطلب می‌شود. این رده‌بندی نیز جامع است.

۱. خبر [news]. خبر، تعبیر یا بیانی از یک [یا چند] «رویداد» [event] است که توجه گروه کثیری از مخاطبان را جلب می‌کند. خبر چاپ‌شده در روزنامه [و غیره]، باید دارای سه ویژگی اصلی باشد:

ـ منبع خبر باید مشخص باشد، که آن را «سطر تقویم» می‌نامند؛
ـ خبر باید در صفحهٔ نشریه [یا برنامهٔ رسانهٔ پخش] با عنوانِ خبر یا «اخبار» بیاید. این ویژگی براساس اصل «تناظر عنوان‌ـمطلب» است؛
ـ خبر باید فاقد هر نوع «گرایش» و «نظر شخصی» باشد.

نکته. تعریف رویداد [event]، در هر متن روزنامه‌نگاری موجود است، و اصولاً تعریف مشخص و ساده‌ای دارد. هرچند، رویداد را نیز به انواع مختلف تقسیم می‌کنند، که تقسیم‌بندی، معنا و تعریف رویداد را تکمیل می‌کند. برای شرح بیشتر رجوع کنید به [منبع:] فرهنگ روزنامه‌نگاری.

۲. گزارش یا رپرتاژ [report]. گزارش، نوعی مطلب توصیفیِ حاویِ تحلیل، یا بیانِ یک «رویداد» است، که براساس مشاهدات و پژوهش مستقیم یک خبرنگار یا گزارشگرِ شاهد و حاضر در محلِ وقوع رویداد تدوین شده است. گزارش نیز مانند خبر، بدون گرایش و نظر شخصی تدوین می‌شود، اما منبع آن، خود شخصِ گزارشگر است، که نام وی یا نام گروه گزارشگران آورده می‌شود.

به عبارت دیگر، گزارش، یعنی بیان مشاهداتِ روزنامه‌نگار برای مخاطبان، به نحوی که مخاطب احساس کند در محل رویداد حاضر بوده است. به همین دلیل، گزارش، معمولاً به عکس، فیلم، و غیره نیز نیاز دارد.

یک تفاوت گزارش با مشاهدات 'مخاطب' این است که روزنامه‌نگارِ گزارشگر، دارای قدرت مشاهدهٔ بیشتری است و زوایای پنهان را نیز می‌تواند ببیند.

۳. «سرمقاله» [editorial، یا leading article]. سرمقاله، پیام یا مقالهٔ سردبیر یا یکی از اعضای هیئت‌تحریریهٔ نشریه است که معمولاً دیدگاه رسمی نشریه را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، سرمقاله، معمولاً حاوی دیدگاه و 'نظر شخصیِ' سردبیر یا هیئت‌تحریریهٔ نشریه دربارهٔ رویدادهای مهم روز است، و به همین دلیل، در اوایل نشریه، و یا یک فضای پراهمیت دیگر، می‌آید.

سرمقاله، به ویژه، در روزنامه مهم است، زیرا روزنامه معمولاً چندین دیدگاه و نظر را چاپ می‌کند و می‌پوشاند، که در مواردی با یکدیگر تناقض دارند، و سرمقاله، به عنوان دیدگاه و نظر رسمی روزنامه در کنار آنها قرار می‌گیرد و یک جمع‌بندی از دیدگاههای متفاوت به دست می‌دهد.

از سوی دیگر چون اعتبار روزنامه به سرمقاله بستگی زیادی دارد، نویسندهٔ آن تلاش می‌کند دیدگاه و نظری را در قالب سرمقاله بنویسد که اعتبار و حیثیت روزنامه را خدشه‌دار نسازد.

به طور کلی، در نوشتن سرمقاله، دو مفهوم به کار برده می‌شود:

۱. یک یا چند خبر یا رویداد خبریِ روز؛

۲. تحلیل و تفسیر آن[ها] و نتیجه‌گیری، و احتمالاً ارائهٔ یک «تِز» یا هر نوع حکم و پیام دیگر، به عنوانِ نظر رسمی روزنامه یا مجله.

اگر مخاطبان به یک روزنامه اعتماد داشته باشند، در مورد رویدادهای مهم که دربارهٔ آنها خبرها و تحلیلها و تفسیرهای متضاد و متناقض وجود دارد، مستقیماً به سرمقاله مراجعه می‌کنند که حاوی نظر شخصیِ سردبیر آن روزنامه است. از سوی دیگر، سردبیر نیز می‌کوشد همواره درست‌ترین تفسیرها را در سرمقاله بیاورد تا اعتبار روزنامه افزایش یابد و مخدوش نگردد.

۴. تفسیر [commentary]. تفسیر، به ویژه در خبرنویسی، متن یا گفتاری است انتقادی و تحلیلی، که به عنوان شرحی بر یک مطلب، شامل «خبر» و «گزارش»، و نیز شرحی بر یک «رویداد» ارائه می‌شود، و در آن، «گرایش» و یا اظهارنظر شخصی نیز وجود دارد. تفسیر، یکی از انواع «نقد» محسوب می‌شود.

نکته. در رادیو و تلویزیون، به جای سرمقاله، از برنامهٔ تفسیر روز، یا تفسیر هفته و غیره استفاده می‌کنند.

۵. تحلیل [analysis]. تحلیل، عبارت است از جزء‌ـ‌جزء کردن و تشخیص و مطالعهٔ دقیق عناصر و اجزای تشکیل‌دهندهٔ یک «مطلب» [یا مدرک]، و تعیین روابط بین آن عناصر و اجزا. تحلیل، نوعی «تشریح» محسوب می‌شود که در آن، برخلاف «تفسیر»، اظهارنظر شخصی [و گرایش] وجود ندارد. به عبارت دیگر، در تحلیل، اساساً به اطلاعات و نظر شخصی توجهی نمی‌شود: به ویژه در «تحلیل منطقی»، که فقط از مطالب و اطلاعات خودِ اثر موردتحلیل استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، در تحلیل منطقی، فقط به کلمات نوشته‌شده در متن، یا بیان‌شده در گفتار، توجه می‌کنند و می‌کوشند تناقضهای احتمالی موجود در آن را بیابند.

۶. «مقاله» [article]، «پژوهش»، و قطعهٔ علمی [مثلاً در ستون توصیه‌ها]؛ مقاله، نوعی

«مطلب» غیرداستانی است که اولاً از نظر محتوا بر دو نوع است:

ـ یک «موضوع» یا مبحث از دانش بشری [علم، هنر، ادب، تاریخ، و غیره]؛

ـ یک «رویداد» خبری [زلزله در رودبار، کودتا در شیلی]؛

و ثانیاً از نظر رهیافتِ به پرداخت محتوا یا مضمون، معمولاً بر سه نوع اصلی است:

ـ «تشریح»، که در آن، از استناد به متون و اطلاعات منابع مختلف، و استدلال منطقی استفاده می‌شود؛

ـ «تحلیل»، که شامل برشمردن اجزای موضوع یا «کشمکش» و ارتباط آنها با یکدیگر و کل می‌شود؛

ـ «تفسیر»، که در آن، علاوه‌بر شرح و تحلیل، نظر شخصی نیز به کار برده می‌شود.

۷. «سرگرمی»، «داستان»، و «قطعه». سه گونهٔ مطلب محسوب می‌شوند که دارای انواع بسیار هستند. شرح بیشتر این سه نوع مطلب نیاز به فضای بیشتری دارد، اما برای کاربردهای مدرک‌شناسی، تشخیص نوع مطلب سرگرمی_داستان_قطعه مشکل نیست.

۸. «اطلاعیه»، «اطلاعیهٔ روابط عمومی»، «آگهی مردمی». سه گونهٔ دیگر مطلب محسوب می‌شوند که دارای انواع بسیار هستند. شرح بیشتر این سه نوع مطلب در [منبع:] فرهنگ تبلیغات آمده است.

۹. نقدوبررسی، یا معرفی [review]. نقدوبررسی، هر نوع مطلب، شامل شرح، مقاله، نقدونظر، یادداشت، و نیز «کتابشناسی» است که در باب معرفی یک یا چند مدرک، مثلاً کتاب، نشریه، مقاله، قطعهٔ موسیقی، و غیره نوشته می‌شود. به طور کلی، نقدوبررسی، بیشتر به «نقدونظر» دربارهٔ یک مدرک نزدیک است. در فصلهای بعدی، نقدوبررسی کتاب، به تفصیل تشریح خواهد شد.

معمولاً نقدوبررسی، نوعی مطلب روزنامه و مجله است که اهمیت آن به اعتبار آن بستگی دارد، زیرا خوانندهٔ نشریه، هنگامی به توصیه‌ها و قضاوتهای ارائه‌شده در نقدوبررسی، دربارهٔ کتابها و غیره، اعتماد می‌کند که به نشریه و به ویژه به نویسندهٔ ستون یا صفحهٔ آن [نقدوبررسی] اعتماد کافی داشته باشد. به همین دلیل، نام نویسندهٔ ستون یا صفحهٔ نقدوبررسی باید به صراحت آورده شده باشد. از سوی دیگر، نقدوبررسی، مطلب بسیار مهمی است که می‌تواند به خواننده کمک کند تا بهترین منابع منتشرشده را به درستی بشناسد. هرگونه خطا در نقدوبررسی، می‌تواند تأثیر منفی شدیدی بر اعتبار و حیثیت

نشریه وارد سازد.

۱۰. نقدونظر [survey]، «مصاحبه»، و «نظرسنجی». نقدونظر، نوعی مطلب حاوی نظریات یک نویسندهٔ عادی، به ویژه یک خواننده، دربارهٔ یک «رویداد» یا گاهی یک «موضوع» معین است. نویسندهٔ نقدونظر، معمولاً جزو کادر هیئت‌تحریریه نیست.

همچنین، نقدونظر، نوعی «نقد»، بر هرنوع «مطلب» به شمار می‌آید، که معمولاً در فضایی کمتر از فضای متعارف یک «مقالهٔ نقد» نوشته می‌شود، و حاوی استدلال نیست و فقط یک دیدگاه نمونه را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، نقدونظر، تفاوت چندانی با مقالهٔ نقد ندارد و فقط اندازه و اهمیت و درجهٔ استدلال آن کمتر از یک مقالهٔ نقد متعارف است. نقدونظر را می‌توان به عنوان یک نمونه از یک «نظرسنجی»، و شخصِ نویسندهٔ آن را می‌توان به عنوان یک نمونه از یک «سوژهٔ نظرسنجی» درنظر گرفت. [سوژهٔ نظرسنجی، شخصی است که از وی نظرسنجی می‌شود؛ و محتوای اطلاعاتی موجود در نظرسنجی، «موضوع نظرسنجی» است.]

مصاحبه و نظرسنجی نیز نوعی نقدونظر یک یا چند شخص محسوب می‌شوند.

ستون نامه به سردبیر، تلفن خوانندگان، و مانند آنها، می‌توانند حاوی چندین مطلبِ نقدونظر باشند، اما نقدونظر، به ویژه به ستون یا صفحهٔ معینی اطلاق می‌گردد که عنوان آن نیز نقدونظر است. هرچند ممکن است به جای واژهٔ نقدونظر واژهٔ دیگری مانند یادداشت و غیره به کار برده شود.

استخراج اطلاعات با استفاده از داده‌های «نظرسنجی» و مطالعات انبوه دیگر را بررسی [survey] می‌نامند.

۱۱. نقد [criticism، یا critique]. هرنوع «متن» یا «سخن»، که حاوی اظهارنظرِ یک شخص دربارهٔ متن یا سخن شخصی دیگر [یا یک گروه یا اندیشه] باشد، نقد محسوب می‌شود.

نقد، دارای سه ویژگیِ اصلی است که آن را از 'تحلیل و تشریح'، جدا می‌سازد:

۱. نقد، متن یا سخنی است که در آن اظهارنظرِ شخصی وجود دارد؛

۲. نقد، متن یا سخنی است که در عنوانِ آن باید اشارهٔ مستقیم یا ضمنی به 'انتقادی بودن' مطلب وجود داشته باشد؛ مثلاً اگر مقاله است، عنوان آن، نقدی بر ...، یا نظرِ آقایِ ... دربارهٔ کتابِ ...، و غیره باشد، تا خواننده یا شنونده، آن را با مطالب دیگر

اشتباه نگیرد؛

۳. نقد، متن یا سخنی است که نامِ نویسنده یا گویندهٔ آن باید مشخص باشد، تا خواننده یا شنونده بداند که نقد، حاوی اظهارنظرِ شخصیِ چه کسی است. زیرا خواننده یا شنونده باید به شخصِ نویسنده یا گوینده اعتماد کند.

نکته. اعتماد داشتن به نویسنده یا گویندهٔ نقد، جزو شرایط ذکرشدهٔ نقد نیست، و فقط اگر [نویسنده یا گویندهٔ نقد] قابل‌اعتماد باشد، نقدِ نوشته‌شده یا گفته‌شده، مخاطب بیشتری پیدا می‌کند و بیشتر مورداستناد قرار می‌گیرد. از این روی، مشخص بودنِ نامِ نویسنده یا گوینده، می‌تواند اطلاعات خوبی به خواننده یا شنوندهٔ نقد بدهد. اما در مطلب 'نقدوبررسی'، که پیشتر تشریح شد، اعتماد خواننده یا مخاطب به نویسنده، شرط مهمی است.

۱۲. طنز [satire]. طنز، متن یا نمایشی است که با استفاده از صورت ظاهریِ «فکاهی» به «نقدِ» فرد، اجتماع، اندیشه، و هر چیز دیگری که قابل‌انتقاد باشد می‌پردازد، و هدف آن [از انتقاد]، نشان دادن کاستیها و بدیها و مفاسد، و در نهایت، توجه دادن مردم به آنها و اصلاح آنها است.

در طنز، خنده، هدف نیست بلکه ابزار و سلاح است: طنزپرداز با سلاحِ خنده به جنگ کاستیها و بدیها می‌رود. از این روی، تفاوت بین طنز و فکاهی در حدّ، یا حالت اغراقی، کاملاً قاطع و روشن است: هدف طنز انتقاد است، و هدف فکاهی، خنداندنِ محض.

بنابر تعریف طنز، دارای دو مشخصهٔ اصلی است:

۱. حاوی «فکاهی» است، که نوعی «سرگرمی» محسوب می‌شود. و یک ویژگی مهم طنز این است که چون ظاهری غیرجدی دارد، شخص یا اهدافِ موردِ طنز را رنجیده‌خاطر یا خشمگین نمی‌کند؛

۲. حاوی «نقد» است، که خود، سه مشخصهٔ اصلی دارد، که پیشتر تشریح شده است.

که البته دارای مشخصات فرعی دیگری نیز هست که ذکر آنها در فضای محدود کتاب حاضر ممکن نیست.

۱۳. «فکاهی» [comedy]. فکاهی، در اصل، یکی از گونه‌های اصلی نمایش، با داستان سبک و سرگرم‌کننده، و مایه‌های فکاهی یا خنده‌آور است که معمولاً پایان خوشی دارد.

اما به طور کلی، هر نوع مطلب سرگرمی را که دارای مایه‌های خنده‌آور باشد، می‌توان فکاهی نامید. فکاهی، در مقایسه با «طنز»، الزاماً دارای پیام جدی و انتقادی نیست.

۱۴. هجو، هجویه [lampoon]. هجو، در نگارش، نوعی «نقد» است که در آن، با هتاکی و اهانت، یا به شیوهٔ خصمانه و تند و زننده، به نکوهش و برشمردن کاستی‌ها و معایب شخص یا گروه یا اندیشه پرداخته می‌شود.

در هجو، برخلاف طنز و فکاهی، به سه مفهوم نگارشیِ «نزاکت»، «تناسب»، و «نرم‌نویسی» توجه نمی‌شود و از این روی، تقریباً هیچ‌گاه مورداستناد در مستندنویسی واقع نمی‌شود. از سوی دیگر، شخص یا گروهی که دربارهٔ وی، هجو نوشته شده باشد، در مواردی ممکن است دست به شکایت قانونی بزند و نویسنده را تحت تعقیب قانونی قرار دهد.

۱۵. تصویر [photo، art، picture، و drawing]. گونهٔ تصویر یا نگاره [graphics] در روزنامه و مجله، بر چندین نوع است که به ویژه، ۵نوع آن مهمتر هستند:

۱. **عکس** [photo]، که یک تصویر عکاسی‌شده از یک سوژهٔ معین است؛

۲. **رسم هنری** [drawing]، که تصویری است از یک سوژه، که برای سادگی یا به دلایل هنری، به جای عکاسی، با دست ترسیم می‌شود: مثلاً رسم هنریِ یک شخصیت ادبی، که در مواردی بیش از عکس جذاب است؛

۳. **کاریکاتور**، که نوعی ترسیم هنری است که در آن، با استفاده از اغراق و تحریف عمدی، برخی از ویژگیهای سوژه را برجسته‌تر نمایش می‌دهند، و مانند طنز، دارای دو ویژگیِ **فکاهی به‌علاوهٔ نقد** است؛

۴. **کارتون**، یا تصویر فکاهی، که نوعی کاریکاتور است که دارای نقد نباشد؛

۵. **گروتسک**، که نوعی کاریکاتور است که دارای جنبه‌های فکاهی نباشد و نقد را به طور جدی و یا با حالت تمسخرآمیز مطرح می‌کند. گاهی نیز گروتسک نمایندهٔ مفاهیم هجو است.

نکته. به طور کلی، یک کادر مطلب مصور را **نمایش‌نما** [display] می‌نامند که می‌تواند از هر نوعی از انواع تصویر باشد و اصولاً حاوی متن نوشتاری نیز هست. یک نمونهٔ متداول از نمایش‌نما، **آگهی تجاری مصور** است.

هر نوع مطلب، از مطلب‌های ردهٔ ۱ تا ۱۴ فوق‌الذکر می‌تواند دارای تصویر نیز باشد. مثلاً

بیشتر گزارش‌ها دارای تصویر [عکس] شاهد نیز هستند. بنابر این، ردهٔ ۱۵ فوق، ممکن است در بیشتر موارد، جزئی از تعریف رده‌بندی به حساب نیاید. اما از سوی دیگر، چون تصویر می‌تواند به تنهایی یک مطلب مستقل و تنها نیز باشد، می‌توان آن را یک رده از رده‌بندی مطلب درنظر گرفت.

همچنین، در مواردی، یک مطلب، ترکیبی از دو یا چند نوع مطلب از مطلب‌های ۱ تا ۱۵ فوق باشد. مثلاً گزارش انتقادی، گزارش تفسیری، خبر مصور، و غیره. در این صورت، نوع مطلب ترکیبی باید به نحوی برای خواننده روشن شود تا اصل تناظر عنوان_مطلب مخدوش نگردد. علاوه‌بر این، شخصی که به یک مطلب استناد می‌کند باید نوع مطلب را به طور دقیق تشخیص دهد، تا در درجهٔ نخست، استنادپذیری آن معلوم شود. زیرا برخی از مطلب‌ها دارای ارزش استناد نیستند. به ویژه مطلب‌هایی که دارای گرایش و نظر شخصی هستند [شامل نقد، تفسیر، سرمقاله، نقدوبررسی، نقدونظر، طنز، کاریکاتور، و هجو]، فقط در موارد استثنائی می‌توانند قابل‌استناد باشند: مثلاً سرمقاله هنگامی قابل‌استناد است که نویسندهٔ آن، علاوه‌بر شخص استنادکننده، نزد خوانندهٔ متن مورداستناد نیز قابل‌اعتماد باشد. در غیر این صورت، به متنِ حاوی استناد، اعتنایی نمی‌شود. توجه به این مسئله، در مدرک‌شناسی، حائز اهمیت بسیار است.

۱۴.۱ . جزوه

جزوه [pamphlet]، اصطلاح ویژهٔ مدرک‌شناسی است به معنای متن چاپی یا فتوکپی، با صحافی مکانیکی یا منگنهٔ ساده و جلد کاغذی، و با تعداد صفحات کمتر از یک کتاب، معمولاً کمتر از ۴۸ صفحه، یا گاهی کمتر از ۳۲ صفحه. این تعریف برای تمایز جزوه با کتاب، معمولاً کافی است و منجر به بروز ابهامی نمی‌شود. علاوه‌بر این، در مدرک‌شناسی، معمولاً مدرکی را که جزوه باشد، به آسانی می‌توان از کتاب تفکیک کرد. مثلاً در کتابنامه، نوع مدرک، معمولاً مشخص است. همچنین، معمولاً جزوه، به صورت فتوکپی و مانند آن منتشر می‌شود و کتاب به صورت چاپی. با این حال، تعریف کاملاً دقیق و قاطعی برای مدرک جزوه وجود ندارد.

بسته به تعریف، بسیاری از مدرک‌ها، مانند بروشور، اسناد دولتی، کاتالوگ، و غیره را می‌توان یا در ردهٔ جزوه و یا در ردهٔ پیایند آورد. گرچه این مسئله از نظر مدرک‌شناسی

مهم است، اما چون در کتاب حاضر کاربردی ندارد، از شرح دقیق آن صرف نظر می‌شود.

۱۵.۱ . مدرک‌ها و منابع گوناگون

بیشتر مدرک‌های مهم در بخشهای قبلی فصل حاضر تشریح شدند. اما بسیاری دیگر از مدرک‌ها هستند که در کتاب حاضر تشریح نشده‌اند. به عنوان نمونه، در کتاب لِستِر [منبع: Lester، ۱۹۹۵]، موارد زیر نیز تشریح شده است:

جلسهٔ مجلس قوهٔ مقننه [بسته به کشور، یک یا دو نوع]، جلسهٔ هیئت دولت و وزارتخانه، مدرک حقوقی، چکیده، اثر هنری، شبکهٔ کامپیوتری، بولتن، فیلم کارتون، پایان‌نامهٔ منتشرنشده و منتشرشده، چکیدهٔ پایان‌نامه، خبرنامهٔ خبرگزاریها، مصاحبهٔ منتشرشده و منتشرنشده، نامهٔ شخصی، نامهٔ منتشرشده، دستنوشت، نقشه، میکروفرم، برنامه، اطلاعیه، پوستر، اعلامیه، تک‌نگاشت، جزوه، اجرای برنامهٔ هنری مانند اپرا و تئاتر، سخنرانی، صفحه، نوار، گزارش، جدول، نقشه‌نما، ترانسپارانت، مقالهٔ منتشرنشده، و نوار ویدئو.

البته جیمز لِستِر نیز در کتاب خود به همهٔ مدرک‌ها اشاره نکرده است. به ویژه، مدرک‌های رسانه‌ای نیاز به یک رده‌بندی اساسی دارند که تدوین آن کار آسانی نیست.

در [منبع:] آشنایی با مرجع‌شناسی، شرح مفصلی از حدود ۱۰۰ نوع مدرک ارائه شده است.

در بخش بعدی نیز رده‌بندی مدرک با رهیافتی دیگر ارائه شده است.

۱۶.۱ . منبع صاحب‌صلاحیت

به طور سنتی، در مدرک‌شناسی، انواع مدرک را بر سه نوع رده‌بندی می‌کنند:

۱. منبع اولیه، منبع دست‌اول [primary source]، منبعی است که به عنوان یک اثر اوریجینال یا اصیل منتشر می‌شود؛ مثلاً «گزارش اختراع»، برخی «تک‌نگاشت»ها، و برخی «رساله»ها؛

۲. منبع ثانویه [secondary source]، منبعی است که براساس استناد و اقتباس مستقیم و غیرمستقیم از یک «منبع اولیه» تدوین می‌شود، یا دربارهٔ منبع یا منابع اولیه نوشته شده است؛

۳. منبع ثالثی، منبع سومیه [tertiary source]، منبعی است که براساس ویرایش و گردآوری اطلاعات از چند «منبع اولیه» و «منبع ثانویه» تدوین می‌شود؛ مثلاً انواع کتاب و دانشنامه.

[برای شرح بیشتر رجوع کنید به منبع: Katz، 1987]. رده‌بندی فوق، به ویژه در مسائل مربوط به حق‌چاپ، و نیز در مستندنویسی کاربرد دارد.

در کتاب حاضر، دیدگاهی دیگر نیز به تعریف و رده‌بندی فوق اضافه شده است، که در مدرک‌شناسی می‌تواند مفید واقع شود. مطابق این دیدگاه، همهٔ مدرک‌ها را می‌توان در سه گروه رده‌بندی کرد. اما بدین منظور نخست باید مفهوم **صاحب‌صلاحیت‌بودن** یا *authority* تعریف شود.

منبع صاحب‌صلاحیت [authority source]، یک مفهوم نسبی است که در سطوح گوناگون تعریف می‌شود و آن، هر منبعی است که بتواند اطلاعات موثق مربوط به «موضوع» یا موضوعات معینی را در دسترس قرار دهد. [در بخش ۴.۲، در تعریف موضوع، اشاره شده است که موضوع می‌تواند یا مربوط به یک مبحث از دانش بشری باشد، و یا مربوط به یک رویداد.] برای تعریفِ منبع صاحب‌صلاحیت، آن را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱. منبع صاحب‌صلاحیت انسانی. هر منبع انسانی است که در ارائهٔ اطلاعات تخصصی رشتهٔ خود صلاحیت دارد. مثلاً یک استاد دانشگاه در رشتهٔ اقتصاد می‌تواند برخی اطلاعات موضوعی [علمی و خبری] اقتصاد را به درستی در دسترس دانشجویان قرار دهد. از سوی دیگر، همان استاد دانشگاه ممکن است نتواند اطلاعات اقتصادی بسیار دقیقِ موردنیاز یک وزیر را فراهم سازد. به عنوان مثال دیگر از نسبی بودن صلاحیت، اطلاعات اقتصادی موردنیاز صندوق بین‌المللی پول ممکن است به قدری حساس باشد که در دنیا فقط دو_سه اقتصاددان بتوانند آن را فراهم سازند. به عبارت دیگر، منبع صاحب‌صلاحیت، منبعی است که بتواند اطلاعات موضوعی موردنیاز را در سطح موردنیاز فراهم سازد.

در برخی موضوعات، تعداد متخصصان قابل‌دسترسی در یک گسترهٔ جغرافیایی [در یک شهر، استان، کشور، و دنیا] بسیار اندک است و به همین دلیل آنان را با 'نام معینی' خطاب می‌کنند: مثلاً یک شخص متخصص در زمینهٔ آثار

شکسپیر را 'شکسپیرشناس' می‌نامند و در هر سمینار یا مناسبت مربوط به شکسپیر، می‌کوشند وی را نیز دعوت کنند تا به فعالیت خود اعتبار بیشتری بدهند.

به همین ترتیب، برخی از سیاستمداران، می‌کوشند متخصصان ممتاز را به عنوان مشاور خود استخدام کنند تا در کسب اطلاعات موضوعی، همواره از افراد و سیاستمدارانِ دیگر، در همان کشور یا در دنیا، جلوتر باشند.

۲. منبع صاحب‌صلاحیت به صورت مدرک منتشرشده. هر نوع مدرک، به ویژه کتاب یا نشریهٔ مرجع است که بتوان از آن، اطلاعات موضوعی معینی را به طور دقیق، و مطابق با نیازها، استخراج کرد. به عنوان مثال، یک فرهنگ انگلیسی آکسفورد می‌تواند منبع صاحب‌صلاحیت برای استخراج معنا و ریشه‌شناسی دقیق واژه‌های زبان انگلیسی محسوب گردد. یک روزنامهٔ معتبر تاریخِ ۲۰ ژانویهٔ سال ۱۹۹۹، می‌تواند اطلاعات موضوعی رویدادهای مربوط به آن روز [یا روز قبل] را در دسترس قرار دهد.

مدرک صاحب‌صلاحیت، ممکن است یک دادگان بزرگ باشد که نمایهٔ میلیونها مدرک را در خود دارد و می‌تواند نشانی موضوعات موردنیاز یک یا چند حوزه و رشته و مبحث را فراهم سازد. نیز ممکن است این مدرک فقط در اختیار و دسترس مؤسسات [مثلاً کتابخانه‌ها] و یا حتی کشورهای معدودی باشد، و همه کس نتوانند به آن دستیابی داشته باشند.

یکی از ابزارهای محدودکنندهٔ دستیابی به اطلاعات مدرک‌های مهم، «گذرواژه» [password] است. برای استفاده از بسیاری از دادگان‌های وصل‌ـخط مهم، رمز گذرواژه تعیین کرده‌اند تا دستیابی به آنها، قابل‌کنترل باشد.

به طور کلی، مدرک صاحب‌صلاحیت نیز مانند شخص صاحب‌صلاحیت، یک مفهوم نسبی و دارای سطوح مختلف است. یک کتاب کلاس اول دبستان، یک روزنامه، یک دانشنامهٔ عمومی، و یا دادگان عظیم دیالوگ [که دارای امکان دستیابی به میلیاردها رکورد است] می‌تواند منبع صاحب‌صلاحیت برای کاربران متفاوت در سطوح متفاوت باشد.

۳. منبع صاحب‌صلاحیت به صورت دانش فنی. هر نوع منبع است که به دلایل تجاری و امنیتی و غیره فقط در دسترس افراد یا مؤسسات یا کشورهای خاصی

است و در مدرک‌های منتشرشده وجود ندارد. به عنوان مثال، فناوری ساخت نیروگاه هسته‌ای، فناوری تولید لنز چشمی [به جای عینک]، مستندات طراحی برخی از مدارهای الکترونیکی کامپیوتر، و غیره، فقط در دسترس برخی مؤسسات تجاری بزرگ قرار دارد.

شناخت منابع صاحب‌صلاحیت دانش فنی، جزو مسائل کلان اقتصادی و سیاسی است و تحلیلهای مربوط به این مسئله، باید به گونه‌ای علمی انجام شود. به عنوان مثال، میلیونها اختراع ثبت‌شده و پایان‌نامهٔ دانشگاهی و مقالات نشریات و سمینارها وجود دارد که هریک ممکن است تا مدت‌زمانی جزو منابع دانش فنی بوده باشند و از زمانی به بعد جزو مدرک‌های منتشرشده. به عبارت دیگر، تشخیص این‌که یک موضوع جزو دانش فنی هست یا نه، باید توسط سازمانی انجام پذیرد که به همهٔ مدرک‌های منتشرشده و منابع مختلف دسترسی و با همهٔ آنها آشنایی کامل داشته باشد. *

۱۷.۱. نگاهی مجدد به مسئلهٔ مدرک‌شناسی

با توجه به انواع مدرک، انواع رده‌بندی مدرک، و انواع مطلب [در کالبدشناسی مدرک]، که در بخشهای گذشته تشریح شدند، اکنون مجدداً می‌توان سه مسئلهٔ اساسی مدرک‌شناسی را به شرح زیر [صفحهٔ بعد] بیان نمود:

---

* **یادداشت.** در این بخش، به ناچار، واژه‌های فارسیِ طولانی و نه‌ـچندان‌ـخوش‌آوایِ صلاحیت، صاحب‌صلاحیت، [یا صاحب‌ـصلاحیت] و منبع صاحب‌صلاحیت در برابر انگلیسیِ *authority* به کار برده شده است. البته در متون دیگر فارسی، برای این مفهوم واژهٔ منبع موثق، و حجّیت نیز به کار رفته است. به ویژه حجّیت توسط آقای دکتر رضا منصوری پیشنهاد شده که به معنا نزدیک است. با این حال، در کتاب حاضر، واژهٔ صاحب‌صلاحیت به کار برده شده است. البته امیدوار است فرهنگستان زبان، و یا افرادی که در واژگان‌شناسیِ زبانِ فارسی دست دارند، سرانجام روزی برای این مفهوم [concept] واژهٔ مناسبی وضع کنند.

۱. رده‌بندی مدرک. در این شاخه از مدرک‌شناسی، انواع مدرک و کالبدشناسی هر مدرک بررسی می‌شود. فصل حاضر به شرح همین مسئله اختصاص داشت؛

۲. کتابشناسی، یا مطالعهٔ نشانی کتابشناختی مدرک. در این شاخه از مدرک‌شناسی، این مسئله بررسی می‌شود که چگونه می‌توان مشخصات مدرک را به طور استاندارد بیان کرد، و یک مجموعه، آرشیو، کتابخانه، و غیره تأسیس کرد که در آن، نشانی هر مدرک، براساس اطلاعات موجود در مدرک‌ها مشخص باشد. فصلهای بعدی، به ویژه فصل ۳، به شرح همین مسائل می‌پردازد؛

۳. نمایه‌سازی، یا ذخیره و بازیابی مطلب و مدرک. در این شاخه از مدرک‌شناسی، این مسئله بررسی می‌شود که چگونه می‌توان موضوعات و مفاهیم موجود در یک یا چند مدرک را فهرست کرد تا جستجو برای یافتن اطلاعات آسان، و در واقع ممکن شود. این مسئله نیز در فصلهای بعدی، و به ویژه در فصلهای ۲ و ۳ و ۵ تشریح خواهد شد.

که بدین ترتیب، تعریف ساده‌ای برای دانش مدرک‌شناسی به دست می‌آید، که در فصلهای بعدی شرح بیشتر آن ارائه می‌گردد.

فصل ۲

مقدمات نمایه‌سازی

۲.۱. مقدمه

موضوع اصلی دانش مدرک‌شناسی، بررسی نحوهٔ نشانی‌دهیِ انواع مدرک، و نیز تحلیل اطلاعات مربوط به یک فهرست از تعدادی مدرک است. به عبارت دیگر:

۱. مشخصات یک مدرک را چگونه باید به طور استاندارد معرفی کرد؟

۲. یک مجموعهٔ مدرک را چگونه می‌توان سازمان‌دهی کرد تا اطلاعات آن به آسانی قابل‌بازیابی گردد؟

۳. در یک آرشیو و یا در یک فهرستِ مربوط به تعدادی مدرک، چگونه می‌توان اطلاعات را استخراج کرد؟

پاسخهای این سه پرسش، قسمت اعظم دانش مدرک‌شناسی و تقریباً کل شاخه‌های کتابشناسی و نمایه‌سازی را تشکیل می‌دهند. اما پیش از پاسخ دادن به این دو پرسش، باید مفاهیمی تشریح شوند که در استانداردسازیِ مشخصات مدرک، و نیز در جستجوی مشخصات یک مدرک، کاربرد اساسی دارند. این مفاهیم عبارت‌اند از:

۱. فهرست [list]،

۲. مدخل [entry]،

۳. موضوع [subject]،

۴. کلیدواژه [keyword]،

۵. توصیفگر [descriptor]،

۶. نمایه [index].

فهرست و مدخل، دو مفهوم اساسی هستند که در بسیاری از مدرک‌ها به شکلهای مختلف

به کار می‌روند. مثلاً چنان‌که در بخش ۷.۱ تشریح شد، واژه‌نامه، نوعی فهرست است که از تعداد زیادی واژه با ترتیب الفبایی تشکیل می‌شود.

در فصل حاضر، نخست، مفهوم فهرست به معنای عام آن به تفصیل تشریح می‌شود. ممکن است چنین به نظر برسد که فهرست، مفهومی روشن و بدیهی است و نیاز به تشریح ندارد. البته تاحدودی درست است، زیرا فهرست، مدرک یا مطلبی است که همگان همواره با آن سروکار داشته‌اند و هرکسی که دارای اندک تحصیلاتی باشد، بارها و بارها از فهرست استفاده کرده و فهرستهای متعددی را تدوین کرده است. اما رهیافت مورداستفاده در تشریح فهرست، در کتاب حاضر، تقریباً همان است که در مهندسی اطلاعات به کار برده می‌شود، و در این رهیافت، نکات تازه‌ای وجود دارد که به ویژه در نمایه‌سازی مفید هستند. بنابر این، توصیه می‌شود که مبحث فهرست در فصل حاضر، با دقت بیشتری موردمطالعه قرار گیرد.

ضمن تشریح فهرست، تعریف مدخل، که در فصل گذشته نیز بدان اشاره شد، مجدداً با رهیافتی دیگر ارائه می‌شود.

موضوع، کلیدواژه، و توصیفگر، سه مفهوم اساسی دیگر هستند، که به ویژه در منابع «مرجع سطح صفر»، کاربرد مخصوص دارند. این سه مفهوم تاحدودی مترادف یکدیگر هستند، اما کاربردهای آنها متفاوت است. در این فصل، تعریف دقیق هریک و تفاوتهای آنها تشریح می‌گردد. در ضمن، موضوع، کلیدواژه، و توصیفگر، از مفاهیم مهمِ دانش «روش‌شناسی پژوهش»، یا اختصاراً «پژوهش‌شناسی»، به شمار می‌آیند.

نمایه نوعی فهرست الفبایی است که نشانیِ موضوعات یا نامهای موجود در یک یا چند مدرک را دربر دارد. نمایه، یکی از مهمترین مباحث موجود در مدرک‌شناسی است، و اساس همهٔ منابع مرجع سطح صفر را تشکیل می‌دهد. اما چون پیش از تشریح کامل نمایه و نمایه‌سازی، لازم است مفهوم فهرست و کتابنامه تشریح گردد، در فصل حاضر، فهرست و موضوع، و مختصری از نمایه بررسی می‌شود، و در فصل بعد [فصل ۳] شرح کتابنامه می‌آید. مبحث کامل نمایه و نمایه‌سازی، در فصل ۴ ارائه خواهد شد. هرچند، تا آن هنگام، بارها به مفهوم و نمونه‌های واقعی نمایه اشاره خواهد شد.

۲.۲. فهرست

فهرست [list] یا سیاهه یا لیست، مجموعه‌ای است از فقره‌های اطلاعاتیِ همشکل، مثلاً واژگان، نامهای اشخاص، و نامهای کتابها، که در قالب یک جدولِ متشکل از یک تا چند ستون و چندین سطر، ارائه، و به شیوهٔ معینی مرتب می‌شود. هر فقره از هر فهرست را یک 'سطر فهرست' یا یک 'مدخل فهرست' می‌نامند.

مثال ۱.

چند نمونه فهرست به معنای عام آن چنین است:

- فهرست نام دانش‌آموزان یک کلاس، و معدل نمرات آنها، در ۳۰سطر و ۲ستون
- فهرست کشورهای تولیدکنندهٔ نفت، اپک، در یک ستون و ۱۳سطر
- فهرست قبول‌شدگان کنکور ۱۳۷۷ در ۳ستون و حدود ۱۰۰هزار سطر

اصولاً مقدار اطلاعاتی که یک فهرست می‌تواند به دست دهد بیش از مقدار اطلاعاتی است که در متن نوشتاری با همان حجم وجود دارد، زیرا در فهرست [یا جدول] غالباً حشو وجود ندارد و عناصر آن، اطلاعات محض هستند. برای شرح بیشتر رجوع کنید به [منبع:] آشنایی با مرجع‌شناسی.

نکته. در دانش کتابداری، مشخصات مجموعه‌ای از کتابها را که دارای رمز رده‌بندی [کنگره و دیوئی] باشند، *catalog* می‌نامند، که واژهٔ معادل رایج و مصطلح آن در فارسی، تصادفاً همان واژهٔ فهرست است. این مفهوم، تقریباً ارتباطی هیچ با مفهوم فهرست بخش حاضر ندارد. هرچند، *catalog* نیز نوع خاصی از *list* یا فهرست است.

به هر حال، مفهوم فهرست [list] در مدرک‌شناسی کاربرد دارد، و مفهوم '**فهرست**' [catalog] در کتابداری. در کتاب حاضر، هر جا که سخن از **فهرست** به میان آمده، منظور، فقط *list* است، مگر آن‌که به معادل انگلیسی آن، یا به رشتهٔ پوشش آن، کتابداری یا مدرک‌شناسی، نیز اشاره شده باشد.

مثال ۲. جدول زیر فهرست فرضی از نمرات درسی یک کلاس دانشگاهی است:

فهرست نمرات درسی فیزیک ...

شماره	نام و نام خانوادگی	نمره
۱	احمد احمدی	۱۵
۲	مریم بابایی	۱۷
۳	پرویز پرویزی	۱۱
۴	کیوان تبریزی	۲۰
...	...	...
...	...	...
۲۸	شیوا محمدی	۱۶
۲۹	جعفر نوری	۱۸
۳۰	زهره یحیوی	۱۲

فهرست مثال ۲، حاوی اطلاعات خالص است و اگر به صورت متن عادی نوشته شود، دست کم حجم آن به دو یا سه برابر می‌رسد.

به طور کلی، در تدوین فهرست، چهار مشخصهٔ اصلی وجود دارد، که در زیر تشریح می‌گردند.

۱. تعداد سطر و ستون فهرست. هر فهرست، یک جدولِ متشکل از تعدادی سطر و ستون است، و در حالت خاص، از یک ستون تشکیل می‌شود. مثلاً فهرست اسامی ۳۰دانشجو و نمرات امتحانی آنها، همراه با شمارهٔ ترتیب دانشجویان، که جدول سه‌ستونه و ۳۰سطری است.

هر سطر از فهرست، یک **مدخل فهرست** [list entry]، و هر جزء از هر سطر، یک **فیلدِ مدخل** [entry field] یا **پهنهٔ مدخل** نامیده می‌شود. بنابر این، فهرستِ اسامی ۳۰دانشجو و نمرات امتحانی آنها، که جدول سه‌ستونه و ۳۰سطری است، دارای ۳۰مدخل، و هر مدخل آن دارای ۳فیلد یا ۳پهنه است.

نکته. در ریاضیات ـ در نظریهٔ مجموعه‌ها ـ هر مجموعه از تعدادی 'عنصر' تشکیل می‌شود. بنابر این، مجموعه را می‌توان یک فهرست یک ستونه به حساب آورد، که

معمولاً عناصر آن را درونِ نمادِآکولاد {...} و به فاصلهٔ کاما [واوَک] نشان می‌دهند. مثلاً:

{دماوند، دنا، سبلان، سهند، الوند، شیرکوه، زردکوه}

مجموعهٔ کوههای معروف ایران، یک مجموعهٔ ۷عنصری، یا به تعبیر دیگر، یک فهرست تک‌ستونهٔ ۷سطری است، که برای سادگی در یک سطر نوشته شده است. این مجموعه دارای ۷مدخل و هر مدخل دارای یک فیلد یا پهنه است. اگر این فهرست در ۷سطرِ یک‌ستونه نوشته شود، نیازی به گذاشتن کاما نیز نخواهد بود.

۲. صفت ستون [column attribute] یا نام مشخصهٔ هر ستونِ فهرست. هر ستونِ جدول فهرست، نمایندهٔ فقره‌های اطلاعاتی معینی است و باید دارای نام مشخصی باشد، که آن را صفت ستون می‌نامند. مثلاً در مثال ۲، سه 'صفت ستون' وجود داشت:

ردیف، نام‌ـنام خانوادگی، نمره

هر صفتِ ستون باید در کمترین تعداد کلمات ممکن بیان شود، ضمن این‌که تا حد امکان ابهام کمتری داشته باشد.

۳. عنوان فهرست. یک مشخصهٔ بسیار مهم هر فهرست، که گاهی بدان توجه نمی‌شود، این است که:

فهرست باید دارای یک «عنوان» و یا یک «تیتر» روشن و محتوانما باشد

به عبارت دیگر، هرقدر عنوان فهرست [یا تیتر فهرست] به محتوا نزدیکتر باشد، فهرست، آرمانی‌تر خواهد بود. در فهرست‌های تک‌ستونه، عنوان فهرست می‌تواند همان 'یک' مشخصهٔ ستون باشد، و در نتیجه ممکن است فهرست را بدون مشخصهٔ ستون نمایش داد. مثلاً فهرست کوههای مهم ایران، نیاز به صفت ستون ندارد، زیرا از عنوان آن می‌توان صفت ستون را استنباط کرد. به طور کلی، عنوان فهرست می‌تواند به خلاصه‌شدنِ صفتهای ستونها کمک کند. در ضمن، کاربرد عنوان در آرشیوسازی نیز محرز است: عنوانِ فهرست، عنوانِ یک «مدرک» است.

۴. ترتیب‌بندی عناصر فهرست. مسئلهٔ دیگر در فهرست، «ترتیب‌بندی» [sort] آن است. هر فهرستی معمولاً دارای ترتیب خاصی است که [ترتیب] می‌تواند در استخراج اطلاعات به

خوانندهٔ فهرست کمک کند. ترتیب‌بندیِ فهرست، معمولاً برحسب ترتیب حروف الفبای کلماتِ یکی از ستونها [معمولاً ستون اول] انجام می‌شود. گاهی نیز فهرست برحسب ترتیب صعودی یا نزولی اعداد مرتبط با ترتیب ستون اصلی [شمارهٔ مسلسل یا ترتیب] مرتب می‌شود. همچنین، ترتیب‌بندی فهرست ممکن است برحسب تاریخ باشد: از قدیمی‌ترین تا جدیدترین و یا برعکس از جدیدترین تا قدیمی‌ترین.

اما فهرست ممکن است دارای هیچ نوع ترتیب مشخصی نباشد. در این صورت، فهرست را برهم [pile] می‌نامند. بنابر این، فهرست را از نظر ترتیب مدخلها، بر دو نوع می‌توان تقسیم کرد:

۱. فهرست ترتیب‌دار یا ترتیب‌بندی‌شده [sorted list]، که مدخلهای آن دارای ترتیب معینی است. مثلاً فهرست مثال ۵ یک فهرست ترتیب‌بندی‌شده محسوب می‌شود. همچنین، «واژه‌نامه»، و اغلب منابع مرجع را می‌توان فهرست ترتیب‌بندی‌شده به حساب آورد؛

۲. فهرست برهم یا ترتیب‌بندی‌نشده [pile list]، که مدخلهای آن دارای هیچ ترتیب معینی نیست. به عبارت دیگر، فهرست برهم، با افزودن پشت‌سرهم مدخلها و بدون هیچ نظمی ساخته می‌شود. مثلاً اگر در مثال ۵، استاد درس فیزیک، با گرفتن ورقهٔ هر دانشجو در زمان امتحان، نام وی را در فهرست ثبت کند، یک فهرست برهم به دست می‌آید که دارای هیچ نظم خاصی نیست. به عنوان مثال ممکن است دانشجویان ورقه‌های خود را با ترتیب زیر بدهند و فهرست زیر ساخته شود:

-	زهره یحیوی	۱۲
-	کیوان تبریزی	۲۰
-	مریم بابایی	۱۷
...	...	...
...	...	...
-	شیوا محمدی	۱۶
-	پرویز پرویزی	۱۱
-	جعفر نوری	۱۸
-	احمد احمدی	۱۵

و روشن است که فهرست فوق، از نوع برهم یا ترتیب‌بندی‌نشده است.

از سوی دیگر، ترتیب‌بندی در فهرست بر دو نوع است:

۱. ترتیب‌بندی فیزیکی،

۲. ترتیب‌بندی منطقی.

که روشن است که این دو نوع ترتیب‌بندی مربوط به فهرست ترتیب‌دار می‌شوند، زیرا فهرست برهم اصلاً دارای ترتیب نیست.

۱. ترتیب‌بندی فیزیکی [physical sorting]. هر نوع ترتیب‌بندی است که در آن، ترتیب مدخلها به 'محتوا و معنا' ارتباط ندارد؛ مثلاً ترتیب یک فهرست برحسب حروف الفبا.

اگر مدخلهای فهرست به صورت الفبایی یا با یک ترتیب معین و مشخص دیگر نشان داده شوند، مراجعه به آن و انتخاب و استخراج یک یا چند مدخل، آسانتر می‌شود: مثلاً اگر یک واژه‌نامهٔ دوزبانهٔ ۵۰۰۰ مدخلی، که در حقیقت یک جدول دوستونهٔ ۵۰۰۰ سطری است، به صورت الفبایی مرتب نشده باشد، یافتن واژه در آن، تقریباً غیرممکن می‌شود. کاربردهای ترتیب‌بندی فیزیکی فراوان است...

۲. ترتیب‌بندی منطقی، [logical sorting]. هر نوع ترتیب‌بندی است که در آن، ترتیب مدخلها به 'محتوا و معنا' ارتباط دارد؛ به عنوان مثال، در فهرست کوههای مهم ایران برحسب ارتفاع یا زیبایی، و فهرست ۱۰۰ شرکت تجاری اول کشور برحسب دارایی و درآمد سالانهٔ آنها، از ترتیب‌بندی منطقی استفاده می‌شود.

ترتیب‌بندی منطقی ممکن است براساس مقادیر یکی از ستونهای فهرست به دست بیاید، که در این صورت، آن را می‌توان ترتیب‌بندی فیزیکی نیز به حساب آورد. اما اگر ترتیب برحسب اطلاعاتی باشد که در جدول فهرست صریحاً آورده نشده باشد، ترتیب، فقط از نوع منطقی خواهد بود. ترتیب‌بندی منطقی، به ویژه در فهرست‌های تشکیل‌دهندهٔ «آمار» و «صنعت»، حائز اهمیت است، که در آنها، ترتیب مدخلهای فهرست‌ها براساس مقادیر یک یا چند ستون از فهرست، و احتمالاً اطلاعات ضمنی دیگر، به دست می‌آید.

در کلی‌ترین حالت، برای فهرست می‌توان یک اصل اساسی قائل شد:

عنوان و صفتهای ستونهای فهرست باید به گونه‌ای گذاشته شوند که فهرست نیازی به هیچ نوع توضیح و توجیه اضافه نداشته باشد، و به عبارت دیگر، در یک فهرست، هیچ کلمه یا عبارت حشو نباید باشد، و مقدار ابهام موجود در آن، باید، حداقلِ ممکن باشد.

نکته. در دانش اطلاعات، در محاسبهٔ مقدار اطلاعات موجود در یک فهرست، هر چهار ویژگی فهرست در نظر گرفته می‌شوند.

مثال ۳.

دربارهٔ نژادهای انسانی می‌توان چندین یا چنده‌ـده صفحه مطلب نوشت، اما فهرست زیر ممکن است گویاتر از یک مقالهٔ چندصفحه‌ای باشد:

فهرست نژادهای انسانی

۱. سرخپوستان آمریکا، ساکنان بومی و اولیهٔ آمریکا
۲. پلی‌نزیایی‌ها در جزایر اقیانوس آرام بین نیوزلند تا هاوایی
۳. میکرونزیایی‌ها در جزایر اقیانوس آرام، غرب پلی‌نزی، و شمال ملانزی
۴. ملانزیایی‌ها در گینهٔ نو و جزایر شرقی آن تا جزیرهٔ فیجی
۵. بومیان استرالیا، شامل ساکنان بومی و اولیهٔ استرالیا
۶. آسیایی‌ها، شامل نژاد موسوم به نژاد زرد در چین، و ژاپن تا حوالی برمه و فیلیپین
۷. هندی‌ها، شامل هند و مناطق اطراف آن تا پاکستان
۸. اروپایی‌ها، شامل خاورمیانه تا کل اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی و برخی مناطق شمالی آفریقا
۹. آفریقایی‌ها، شامل اغلب مناطق پایین‌تر از صحرای بزرگ

[منبع: نژادهای انسانی، ۱۳۷۸].

در فهرست مثال فوق تقریباً هیچ مقدار حشو وجود ندارد و همهٔ کلمات [تقریباً] اطلاعات محض هستند. همچنین، فهرست فوق احتمالاً دارای **ترتیب‌بندی منطقی** است، زیرا اولاً دارای ترتیب‌بندی مربوط به صورت و ظاهر کلمات و مدخلهای فهرست نیست، و ثانیاً یک متخصص یا مؤلف نژادشناسی آن را با ترتیب فوق ارائه کرده است. به هر حال، فهرست فوق ممکن است از نوع بدون ترتیب یا **فهرست برهم** نیز باشد.

نکته. اگر در ابتدای هر سطر از فهرست مثال فوق، کلمهٔ نژاد نیز آمده باشد، این کلمه حشو محسوب می‌گردد، زیرا در عنوان فهرست، کلمهٔ نژاد آمده است و نیازی به تکرار آن در سطرهای فهرست نیست.

۲.۳. مدخل

چنان‌که در بخش فوق نیز اشاره شد، **مدخل** [entry]، یا ورودگاه، هر جزء مستقلِ قابل‌دستیابی از متنِ مرجع است، که معمولاً به شیوهٔ الفبایی ترتیب‌بندی می‌شود، و حاوی «شرح» متناظر با یک واژه است. شرح واژهٔ مدخل را **شرح مدخل** می‌نامند. نوع شرح مدخل، بستگی به نوع مدرک دارد، که به ویژه در منابع مرجعی که در فصل گذشته تشریح شدند، به شرح زیر است:

۱. در «واژه‌نامه» و «فرهنگ»، جلوی هر مدخل، یک یا چند واژه یا تعریف واژه داده می‌شود. مثلاً فرهنگ بزرگ آکسفورد، حاوی ۴۵۰ هزار مدخل است، که ذیل هر مدخل از آن، معانی و مترادفها و توضیحات مهم و تاریخچهٔ یک واژه، در چند کلمه تا چند «سطر»، آمده است؛

۲. در «دانشنامه» ــ یا دایره‌المعارف ــ که معمولاً به شیوهٔ الفبایی و گاهی به شیوهٔ موضوعی ترتیب‌بندی می‌شود، ذیل هر مدخل، یک مقالهٔ جامع ــ اما موجز ــ داده می‌شود. مثلاً دانشنامهٔ مک‌گرُوهیل، حاوی نزدیک به ۸۰۰۰ مدخل است، که ذیل هر مدخل از آن، یک مقاله، حاوی کلی‌ترین اطلاعات مربوط به مدخل، در چند «سطر» تا چندصفحه، آمده است؛

۳. در «تزاروس»، ذیل هر مدخل، چند «واژهٔ مرتبط»، «واژهٔ اعم»، و یا «واژهٔ اخص» داده می‌شود. مثلاً در یک تزاروس زبان، ذیل مدخل مرکبات، ممکن است واژه‌های نارنج، پرتقال، نارنگی، میوه، ویتامین ث، و باغ آورده شده باشد؛

۴. در «کتابنامه» ذیل هر مدخل، یک «عنوان» کتاب با مشخصات کتابشناختی آن می‌آید. مثلاً در یک «کتابنامهٔ موضوعی»، موضوعات به ترتیب الفبایی تنظیم می‌شوند و هر موضوع یک مدخل است که ذیل آن نشانی کتابشناختی یک یا چند کتاب می‌آید؛

۵. در یک «نمایه»، ذیل یا جلوی هر واژهٔ مدخل، شمارهٔ صفحهٔ حاوی آن واژه در

متن می‌آید. مثلاً در یک کتاب فرضی مربوط به کشاورزی، ممکن است یک مدخل از نمایه چنین باشد:

ارهٔ شمشادزن، ۳۲۱، ۴۵۶

که یعنی مطلب مربوط به ارهٔ شمشادزن در صفحات ۳۲۱ و ۴۵۶ از کتاب فرضی مذکور آمده است.

همچنان که در یک «درسنامه»، کوچکترین جزء قابل ارجاع دادنِ درسنامه، «پاراگراف» [=بند] است، در کتاب «مرجع» نیز کوچکترین جزء قابل ارجاع دادن، مدخل است.

نکته. هم در فارسی و هم در انگلیسی، مدخل [entry] را به دو معنای متفاوت به کار می‌برند:

- یکی فقط واژهٔ ورود به جزء مستقل مرجع: مثلاً واژهٔ ورزش در مثال ۵ فصل ۱؛
- و دیگری، کل واژهٔ ورود و شرح ذیل آن: مثلاً کل مثال ۵ فصل ۱، یعنی شامل کلمهٔ ورزش به‌علاوهٔ همهٔ سطرهای ذیل آن.

بنابر این، به عنوان مثال، در یک «دانشنامه»، هم «عنوان مقاله» را می‌توان مدخل نامید و هم 'کل عنوان و مقالهٔ ذیل آن' را.

ابهام فوق، معمولاً منجر به بروز خطا نمی‌شود؛ اما با این حال، ممکن است واژهٔ «سرمدخل» [head-entry] را برای واژهٔ آغازین مدخل به کار برد، و کل بقیهٔ مطالبِ ذیل آن را «شرح مدخل» [entry explanation] نامید. مثلاً در مثال ۵ فصل ۱، واژهٔ ورزش، سرمدخل است، و سطرهای ذیل آن، شرح مدخل.

۴.۲ . موضوع

موضوع [subject]، محتوای کلیِ یک متن یا گفتار یا اندیشه است، که غالباً در یک کلمه یا عبارت، و گاهی در یک جمله بیان می‌شود. به عبارت دیگر، موضوع، کلی‌ترین تعبیری است که می‌توان به یک متن یا گفتار یا اندیشه، یا جزئی از آن، نسبت داد؛ به عنوان مثال:

- موضوع این مقاله، آبیاری قطره‌ای است...
- موضوع آن گزارش، مراسم استقبال از ورود دبیر کل به پاریس بود...

به طور کلی، موضوع، عبارتی است که محتوای یک «حکم» از یک «مبحث» از دانش بشری یا جزئی از آن، و یا محتوای کلی یک «رویداد» یا جزئی از آن را دربر دارد. بنابر این، موضوع را در دو گروه می‌توان تعریف و تفکیک کرد:

۱. موضوعِ مبحثی [discussion subject]، که یک موضوعِ متعلق به یک مبحث از مباحث دانش بشری است، مثلاً همان آبیاری قطره‌ای؛

۲. موضوعِ رویدادی [event subject]، که یک موضوعِ متعلق به یک رویداد از رویدادهای روز یا گذشته است، مثلاً همان مراسم استقبال از ورود دبیر کل به پاریس.

نکته. موضوع در هنر و ادبیات، می‌تواند تِم باشد. برای شرح بیشتر رجوع کنید به [منبع:] پژوهش‌شناسی.

موضوع ممکن است بسیار جزئی تا بسیار کلی باشد. مثلاً:

حباب لامپ روشنایی، سرپیچ، لامپ، جریان برق، سیم‌کشی، تأسیسات خانگی، مهندسی برق، مهندسی

فهرستی از ۸موضوع است که برخی جزئی، و برخی کلی هستند، و آخری، یعنی مهندسی، یک موضوع بسیار کلی است.

علی‌رغم ظاهر ساده‌ای که در مفهوم و واژهٔ موضوع وجود دارد، ارائهٔ تعریف دقیق برای آن کار بسیار مشکلی است: همچنان‌که یکی از مسائل امروز در دانش «مهندسی اطلاعات»، ارائهٔ تعریف دقیق برای موضوع است. در کتاب حاضر، سعی شده است تعریف موضوع، مطابق روشهای متداول در مهندسی اطلاعات ارائه گردد. البته هدف از تعریف موضوع، در این کتاب، فقط استفاده از آن در دانش مدرک‌شناسی است.

موضوع، از دیدگاه پژوهشگر، آخرین سطح از سلسله‌مراتبِ پنج‌سطحیِ زیر است:

حوزه <-- رشته <-- شاخه <-- مبحث <-- موضوع

که چون تفکیک شاخه و مبحث مشکل است، می‌توان برای سادگی آن را به چهار سطحِ سلسله‌مراتبی خلاصه کرد:

حوزه -> رشته -> «شاخه+مبحث» -> موضوع

بنابر این، برای تعریف موضوع، باید نخست حوزه، سپس رشته، سپس شاخه، سپس مبحث، و سرانجام موضوع را تعریف کرد. اما برای سادگی، شاخه نیز مبحث به حساب آمده است. یعنی هر رشته از تعدادی مبحث تشکیل می‌گردد. بنابر این، برای تعریف موضوع، لازم است نخست حوزه، سپس رشته، سپس مبحث، و سرانجام موضوع تعریف شود.

نکته. در تعریف فوق، شاخه، کلی‌تر از مبحث است، به طوری که هر شاخه، نوعاً از چند_ده مبحث تشکیل می‌شود. از سوی دیگر، هم شاخه و هم مبحث، جزئی‌تر از رشته هستند. بنابر این، برای سادگی، ردهٔ بعد از رشته، شامل ادغام شاخه‌ها و مبحث‌ها است. به عبارت دیگر، بین شاخه و مبحث، تمایزی گذاشته نشده، و شاخه نیز مبحث به حساب آمده است. به همین دلیل، عبارت ترکیبی «شاخه_مبحث»، ردهٔ بعد از رشته فرض شده است، که می‌توان به جای «شاخه_مبحث»، فقط «مبحث» تنها را نیز به کار برد.

شرح دقیق واژهٔ موضوع، نیاز به یک نظریهٔ واژگان‌شناسی یا یک نظریهٔ اطلاعات دارد. اما برای اهداف مدرک‌شناسی، می‌توان موضوع را در میان چهار مفهوم سلسله‌مراتبی:

حوزه -> رشته -> «شاخه+مبحث» -> موضوع

تشریح کرد.

۱. حوزه یا پهنه یا رده [field، یا class]، بزرگترین جزء از رده‌بندی دانش بشری است که مجموعه‌ای از رشته‌های تخصصی نزدیک به هم را می‌پوشاند: مثلاً حوزهٔ فیزیک، حوزهٔ شیمی، حوزهٔ پزشکی، و حوزهٔ موسیقی، که هریک از آنها، دهها یا صدها رشتهٔ تخصصی نزدیک به یکدیگر را می‌پوشاند. تعداد حوزه‌های کل دانش بشری محدود و دارای فهرست معلومی است، که بستگی به تعریف و نحوهٔ رده‌بندی دارد. طبق اغلب رده‌بندیها، کل دانش بشری، از چند حوزه یا چند_ده حوزه تشکیل می‌گردد. مثلاً با تعاریف مناسب می‌توان کل دانش بشری را در ۱۰، ۲۰، ۳۰، و یا ۴۰ حوزه رده‌بندی کرد که این کار در بسیاری از منابع مرجع سطح صفر انجام شده است. به عنوان نمونه، در رده‌بندی کنگره، حدود ۲۰ ردهٔ مختلف وجود دارد که

می‌توان هریک را یک حوزه به حساب آورد [به جز یکی‌ـدو مورد، که در آن، چند حوزه را در یک رده قرار داده‌اند، و یکی‌ـدو مورد که یک حوزه را در رده‌های متعدد قرار داده‌اند].

بیشتر حوزه‌ها به عنوان رشتهٔ تحصیلی دانشگاهی نیز تدریس می‌شوند. به ویژه، در دورهٔ لیسانس، بیشترِ رشته‌های تحصیلی، حوزه به حساب می‌آیند: مثلاً رشتهٔ فیزیک، رشتهٔ پزشکی، و رشتهٔ ریاضیات.

معمولاً هر منبع سطح صفر، یک حوزه یا قسمتهایی از یک حوزه از دانش بشری را می‌پوشاند؛ مثلاً نمایه‌نامهٔ اریک [انگلیسی] که فقط حوزهٔ آموزش را می‌پوشاند، و چکیده‌نامهٔ شیمی که فقط به حوزهٔ شیمی اختصاص دارد. اما برخی نیز حوزه‌های نزدیک به هم را می‌پوشانند؛ مثلاً استنادنامهٔ مهندسی که حوزه‌های مختلف مهندسی مانند برق، مکانیک، مواد، و غیره را می‌پوشاند.

مثال ۴.

در [منبع:] فرهنگ دانش‌شناسی [پیوست الف کتاب حاضر]، کل دانش بشری در ۳۴حوزه، مطابق فهرست زیر، رده‌بندی شده است:

دانش مجتمع، کامپیوتر، مهندسی برق، ریاضیات و مهندسی صنایع، فیزیک، شیمی و مهندسی شیمی، مهندسی مواد و معدن، مهندسی مکانیک، مهندسی انرژی، مهندسی عمران، علوم زمین، مهندسی کشاورزی و تغذیه، زیست‌شناسی [ماکروبیولوژی]، ریززیست‌شناسی [میکروبیولوژی]، علوم دارویی و آزمایشگاهی، پزشکی و پیراپزشکی، روان‌شناسی و آموزش، علوم اجتماعی، حقوق و علوم سیاسی، اقتصاد و مدیریت، فلسفه و ادیان، تاریخ، معماری و کلیات هنر، هنرهای تجسمی و دستی، هنرهای نمایشی، موسیقی، زبان و زبان‌شناسی، زبان و ادبیات ژرمنی و سلتی، زبان و ادبیات رومیایی و اسلاو، زبان و ادبیات هند و ایرانی، زبان و ادبیات آفرو‌ـآسیایی، زبان و ادبیات آسیایی، زبان و ادبیات اورال‌ـآلتایی و زبانهای‌مستقل، اطلاع‌رسانی.

فهرست فوق، که کلیهٔ حوزه‌های دانش بشری را دربر دارد، فقط یک نمونه از انواع رده‌بندیها محسوب می‌شود. رده‌بندیهای مشابه دیگری نیز وجود دارند که در برخی

از منابع مرجع سطح صفر ارائه شده‌اند.

۲. رشته [disciplinary]، یک دانش تخصصی است که جزئی از یک حوزه محسوب می‌شود. رشته، به صورتهای مختلف قابل تعریف است. به ویژه، هریک از صدها رشتهٔ تحصیلیِ تخصصیِ دانشگاهی در سطوح بالاتر از لیسانس را می‌توان رشتهٔ تخصصی به حساب آورد: مثلاً رشته‌های نورشناسی، نجوم، الکترونیک، و چشم‌پزشکی. گاهی رشته‌های تحصیلی دوره‌های لیسانس و پایین‌تر نیز به رشتهٔ تخصصی مربوط می‌شوند: مثلاً رشتهٔ مهندسی نساجی، رشتهٔ کتابداری، و رشتهٔ دندان‌پزشکی.

تعداد رشته‌های تخصصی یا رشته‌های کل دانش بشری تقریباً محدود و دارای فهرست نسبتاً معلومی است: براساس یکی از رده‌بندیهای قابل‌قبول، حدود ۴۰۰ رشتهٔ تخصصی در دانش بشری [به جز زبانها] وجود دارد.

معمولاً هر مرجع سطح صفر، رشته‌های متعددی از یک یا چند حوزه را می‌پوشاند که در فهرست صفحات آغازین آن مشخص شده‌اند. مثلاً نمایه‌نامهٔ اریک، اغلب رشته‌های تخصصی آموزش را می‌پوشاند.

پژوهشگری که با یک منبع مرجع سطح صفر سروکار دارد، باید با فهرست و مشخصات رشته‌های تخصصی آن منبع آشنایی کامل داشته باشد.

مثال ۵.

اگر فهرست کل ۳۴حوزهٔ دانش بشری که در مثال ۲ ارائه شده است، به رشته‌ها گسترش داده شود، طبق یک رده‌بندی فرضی، حدود ۴۰۰رشته به دست می‌آید که کل رشته‌های دانش بشری را تشکیل می‌دهند.

۳. شاخه و مبحث [branch and discussion]. شاخه [branch]، عنوان یک موضوع است که جزئی از یک رشتهٔ تخصصی محسوب می‌شود؛ و مبحث [discussion]، عنوان یک موضوع است که جزئی از یک رشتهٔ تخصصی محسوب می‌شود. اما همچنان‌که پیشتر نیز اشاره شد، برای سادگی، می‌توان هردوی آنها در «مبحث» ادغام کرد.

هر رشتهٔ تخصصی، نوعاً شامل دهها یا صدها شاخه و مبحث است. مثلاً

رادیوی اِف‌اِم، یک مبحث از رشتهٔ تخصصیِ مخابرات صوتی و یا ارتباطات رادیویی است [که خود جزئی از حوزهٔ بزرگ مهندسی برق است].

در برخی از منابع مرجع سطح صفر، فهرست رشته‌ها، شاخه‌ها، و مبحث‌ها را مشخص نمی‌کنند، اما در برخی دیگر، یک رده‌بندی سلسله‌مراتبی از چندین رشته، و چند_ده یا چند_صد شاخه و مبحث ارائه می‌دهند که می‌تواند راهنمای بسیار خوبی برای آشناشدن با موضوعات منبع باشد.

مثال ۶.

اگر فهرست کل ۳۴حوزهٔ دانش بشری که در مثال ۲ ارائه شده است، نخست به ۴۰۰رشته گسترش داده شود، و سپس شاخه_مبحث‌های هر رشته تعیین گردند [که البته کار بسیار مشکلی است]، حدس زده می‌شود که حدود ۱۵٬۰۰۰ تا ۲۰٬۰۰۰ [شاخه و] مبحث به دست بیاید، که کل [شاخه_]مبحث‌های دانش بشری را تشکیل خواهند داد.

۴. موضوع [subject]، که پیشتر نیز از دیدگاه کلی تعریف شده است، یک مفهوم واحد است که می‌تواند جزئی از یک مبحث به حساب آید: مثلاً اگر رادیوی اِف‌اِم یک مبحث باشد، مفاهیمی مانند میکروفون، مدولاسیون بسامد، فرستندهٔ اِف‌اِم، گیرندهٔ اِف‌اِم، مدولاتور اِف‌اِم، و دمدولاتور اِف‌اِم را می‌توان برخی از موضوعات آن مبحث به حساب آورد. همچنین، هر مدخل از یک فرهنگ تخصصی، معمولاً حاوی یک موضوع است.

به طور کلی، هر مبحث می‌تواند دهها یا صدها یا شاید در مواردی هزاران موضوع مختلف داشته باشد.

مثال ۷.

در یک کتاب درسیِ ۵۰۰صفحه‌ای، با عنوان نورشناسی، به طور متوسط در هر دو پاراگراف، یک موضوع تشریح شده است، و هر فصل یک مبحث را تشریح می‌کند. کتاب، شامل ۲۰فصل و حدود ۱۵۰۰پاراگراف است: بنابر این، ۲۰مبحث و ۷۵۰موضوع در کتاب تشریح شده است. کل کتاب، رشتهٔ تخصصی نورشناسی را می‌پوشاند، که خود، یکی از فرضاً ۳۰رشتهٔ ذیل

حوزهٔ بزرگِ فیزیک است.

مثال ۸.

اگر فهرست کل ۳۴حوزهٔ دانش بشری که در مثال ۲ ارائه شده است، نخست به ۴۰۰رشته، و سپس فرضا به ۲۰٫۰۰۰ مبحث گسترش داده شود، می‌توان تصور کرد که برای هر مبحث، احتمالاً چند_ده یا چند_صد موضوع وجود داشته باشد. اگر فرض شود که هر مبحث، به طور متوسط دارای ۵۰موضوع باشد، تعداد کل موضوعات قابل‌تصور برای کل دانش بشری، ۱٫۰۰۰٫۰۰۰موضوع خواهد بود. برخی از موضوعات با یک واژه، برخی با یک عبارت، و برخی با یک جمله بیان می‌شوند. همچنین، برخی از موضوعات دانش بشری در فرهنگهای عمومی و علمی و غیره به عنوان مدخل وجود دارند، اما تعداد بسیاری نیز نامشخص، و در کتابها و مقالات گوناگون قابل‌دستیابی هستند. البته هنوز هیچ فهرستی از کل موضوعات دانش بشری تدوین نشده است، و این مثال تفاوت بسیار با واقعیت دارد. اما اهمیت مثال حاضر در این است که یک الگو به دست می‌دهد که کاربردهای مهم و فراوانی در برآوردهای پژوهش‌شناختی دارد.

با گسترش دانش مهندسی اطلاعات، سرانجام فهرست موضوعات دانش بشری تدوین خواهد شد. حتی به نظر می‌رسد ظرف ۵ یا ۱۰سال نخستِ قرن بیست‌ویکم، فهرستهای سلسله‌مراتبیِ حوزه، رشته، مبحث، و موضوع تدوین شوند. این مسئله به ویژه در تدوین انواع «بانک دانش» حائز اهمیت فراوان است.

مثال ۹.

شخصی که در زمینهٔ مبحثِ آبیاری قطره‌ای پژوهش می‌کند، همواره با چند_ده یا چند_صد موضوع کاملاً مشخص سروکار دارد که ممکن است فهرست آنها را نیز در دسترس داشته باشد و هر از گاهی یک یا چند موضوع به فهرست خود بیفزاید. از سوی دیگر، وی رابطهٔ مبحث موردنظر خود را با رشتهٔ تخصصی دربرگیرنده آن نیز می‌داند [که مثلاً رشتهٔ مهندسی آب از حوزهٔ مهندسی عمران است]، و از آن، برای انتخاب منبع، به ویژه منبع سطح صفر، استفاده می‌کند.

به عبارت دیگر، پس از این‌که پژوهشگر، منبع خود را انتخاب کند، دیگر فقط

با ارتباط بین مبحث و موضوعات ذیل آن سروکار خواهد داشت.

روشن است که فهرست موضوعاتی که پژوهشگر مثال فوق در دسترس دارد، با فهرست موضوعات یک پژوهشگر دیگر، که حتی با وی هم‌رشته است اما زمینهٔ مبحث پژوهشی متفاوتی دارد، یکسان نیست؛ هرچند محتملاً مشترکات زیادی بین موضوعات آنها وجود دارد. این مسئله، در حالت آرمانی، که واژگان هر سطح از سطوح چهارگانهٔ فوق‌الذکر و ارتباط بین آنها مشخص و استاندارد است، پیش نمی‌آید. این مسئله در بخشهای بعدی فصل حاضر، مجدداً موردبررسی قرار خواهد گرفت.

اغلب منابع مرجع سطح صفر، دارای نمایهٔ موضوعی هستند، که هر مدخل از آن، حاوی یک موضوع است. هر شماره از یک نشریهٔ ادواری سطح صفر، ضمن این‌که چندین رشتهٔ تخصصی را می‌پوشاند، از صدها یا هزاران موضوع تشکیل می‌شود.

۲.۵. کلیدواژه

کلیدواژه [keyword] یا واژهٔ کلیدی، هریک از واژگان مهم و اساسی موجود در یک «متن»، «عنوان»، یا «مدرک» است که می‌تواند نشان‌دهندهٔ موضوعیت و محتویات کل آن [متن، عنوان، مدرک]، و یا جزئی از آن باشد. مثلاً در عنوانِ:

مقدمه‌ای بر روان‌شناسی

فقط یک کلیدواژه وجود دارد که 'روان‌شناسی' است. این کلیدواژه نشان‌دهندهٔ موضوع و محتویات کل متن است. اما دو واژهٔ دیگرِ 'مقدمه‌ای' و 'بر' هیچ اطلاعاتی دربارهٔ موضوع و محتوای متن به دست نمی‌دهند. همچنین، در تیترِ:

حملهٔ ناتو به صربستان

سه کلیدواژه وجود دارد: 'ناتو'، 'صربستان'، و 'حملهٔ ناتو'؛ که هریک از آنها نمایندهٔ جزئی از محتویات متن هستند.

۲.۵.۱. انواع کلیدواژه

به طور کلی، کلیدواژه را بر دو نوع کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱. **کلیدواژهٔ استخراج‌شده از عنوان، یا کلیدواژهٔ عنوانی [title-based keyword]**، کلیدواژه‌ای است که در عنوان و یا تیتر یک مطلب یا مدرک موجود است، و برای استخراج آن نیازی به مطالعهٔ متن مطلب یا مدرک نیست؛ مثلاً همان کلیدواژهٔ روان‌شناسی که از عنوان مقدمه‌ای بر روان‌شناسی استخراج شده است. در هر عنوان یا تیتر، یک یا چند کلیدواژه وجود دارد؛

۲. **کلیدواژهٔ استخراج‌شده از متن، یا کلیدواژهٔ متنی [text-based keyword]**، کلیدواژه‌ای است که از داخل یک مدرک یا مطلب استخراج شده است. در داخل متن، معمولاً تعداد زیادی کلیدواژه وجود دارد که هریک فقط جزء کوچکی از محتویات متن را نشان می‌دهد. مثلاً ممکن است در یک مقالهٔ ۵صفحه‌ای، ۲۰کلیدواژه، و در یک کتاب ۳۰۰صفحه‌ای، ۱۰۰۰کلیدواژه وجود داشته باشد که هریک نمایندهٔ جزئی از محتویات متن است.

۲.۵.۲. استخراج کلیدواژه

استخراج کلیدواژه از متن، به روشهای گوناگونی انجام می‌پذیرد، که یک روش آن، روش تجربی است. مثال زیر، نحوهٔ استخراج کلیدواژه از داخل متن را به روش تجربی نشان می‌دهد. روشهای دیگر استخراج کلیدواژه، در بخشها و فصلهای دیگر کتاب تشریح خواهند شد.

مثال ۱۰.

متن زیر [صفحات ۶۴ تا ۶۵] یک مقالهٔ کوتاهِ دوصفحه‌ای دربارهٔ دانش و فنِ آبیاری است. برای مشخص کردن کلیدواژه‌ها، زیر هر کلیدواژه، یک خط کشیده شده است. البته این کلیدواژه‌ها فقط براساس نظر شخصیِ نگارنده انتخاب شده‌اند و ممکن است یک متخصص آبیاری با بعضی از آنها موافق نباشد، و یا به نظر وی چنین برسد که زیر بعضی از کلیدواژه‌ها خط کشیده نشده است. به هر حال، مثال حاضر، فقط برای روشنتر ساختن مفهوم کلیدواژه‌های یک متن ارائه شده است. [اعداد سمت راست سطرها، نمایندهٔ ترتیب سطرها هستند، که در مبحث نمایه‌سازی، در مثال ۱۴ همین فصل به کار برده خواهند شد.]

۱ **آبیاری**

۲ رساندن آب، به طور مصنوعی، به خاک یا زمین مزروعی، برای رشد گیاهان را آبیاری
۳ [irrigation] می‌نامند. آبیاری، علاوه‌بر رساندن آب لازم، خاک و هوا را خنک، و محیط را
۴ برای رشد گیاه مناسب می‌سازد.
۵ آبیاری بر چهار نوع کلی است:
۶ ۱. آبیاری سطحی،
۷ ۲. آبیاری زیرسطحی،
۸ ۳. آبیاری فواره‌ای،
۹ ۴. آبیاری قطره‌ای.
۱۰ آبیاری سطحی [surface irrigation]، نوع متعارف آبیاری است که در آن، با ایجاد
۱۱ جوییارها و شیارهای مصنوعی موازی هم در سطح زمین، آب را به نقاط مختلف خاک یا
۱۲ مزرعه می‌رسانند. متداولترین روش آبیاری، همین نوع است. اشکالی که آبیاری سطحی دارد
۱۳ این است که فقط در زمینهای تقریباً هموار و با خاک یکدست قابل استفاده است، و ضمناً به
۱۴ دلیل تبخیر، و نیز نفوذ زیاد آب به عمق زمین، مقدار زیادی از آب آن به هدر می‌رود؛ اما در
۱۵ عوض نیازی به سرمایه‌گذاری اولیه ندارد و نگهداری تأسیسات آن نیز نسبتاً آسان است.
۱۶ آبیاری قطره‌ای [drip irrigation]، رساندن مصنوعی آب به خاک، تقریباً به طور دائمی و
۱۷ پیوسته است، که در آن، آب از طریق لوله‌های باریک تقریباً به طور قطره_به_قطره به نقاط
۱۸ مختلف مزرعه رسانده می‌شود.
۱۹ در این روش، با کمترین مقدار آب لازم، خاک، همواره مرطوب می‌ماند، و در هر نوع
۲۰ زمین شیب‌دار و خاک ماسه‌ای و مناطق سنگلاخی قابل‌استفاده است. همچنین، در آبیاری
۲۱ قطره‌ای، بهتر از روشهای دیگرِ آبیاری می‌توان از آبهای نسبتاً_شور استفاده کرد. آبیاری
۲۲ قطره‌ای، به ویژه در باغهای میوه و تاکستانها کاربرد وسیع دارد، و در آبیاری مزارع
۲۳ سبزیجات و گیاهان تزئینی نیز به کار برده می‌شود. همچنین برای محافظت از پوششهای
۲۴ گیاهی طبیعی و ایجاد و نگهداری جنگلهای مصنوعی، که معمولاً در مناطق ناهموار واقع
۲۵ شده‌اند و خاک آنها نیز یکدست نیست، روشی آرمانی محسوب می‌شود.
۲۶ ۲. آبیاری زیرسطحی [subirrigation]، رساندن آب به صورتِ سفره‌های زیرزمینی به
۲۷ سطحی از خاک است که ریشهٔ گیاهان، در آن حدود قرار دارند. نیز ممکن است از لوله‌های
۲۸ سوراخ‌داری استفاده شود که در عمق معینی نصب شده‌اند تا آب به ریشهٔ گیاهان رسانده

۲۹ شود. در هر دو روش، خاک از نظر نوع دانه‌ها، و نیز سیستم انتقال آب به ریشه‌ها، باید در
۳۰ وضعیت مناسبی باشند، تا آبیاری، مؤثر واقع گردد.
۳۱ ۳. آبیاری فواره‌ای [sprinkler irrigation]، یا آبیاری آبفشانی، نوعی آبیاری مصنوعی
۳۲ است که در آن، با استفاده از تعدادی فوارهٔ چرخان در نقاط مختلف، که نیروی چرخشی آنها
۳۳ با فشار آب خود منبع تأمین می‌شود، آب به نقاط مختلف زمین رسانده می‌شود. فواره‌های
۳۴ چرخان به یک یا چند لولهٔ مشترک متصل‌اند و معمولاً روی یک مکانیسم چرخ‌دار، شبیه به
۳۵ یک گاری با تعداد چرخ زیاد، نصب هستند تا بتوان آنها را به آسانی به جاهای مختلف زمین
۳۶ انتقال داد. فشار آب در آبیاری فواره‌ای باید زیاد باشد و بدین منظور، یا آب را از یک منبع
۳۷ واقع در ارتفاع زیاد به لوله‌ها می‌رسانند، و یا از تلمبه‌های فشارزا استفاده می‌کنند.
۳۸ در کشاورزی، علاوه‌بر آبیاری، تکنیکهای گوناگون دیگری نیز وجود دارد که به زمین و
۳۹ آب موردنیاز آن مربوط می‌شوند؛ مثلاً «تخلیهٔ آب زمین» و «پله‌ای‌سازی».
۴۰ تخلیهٔ آب زمین [land drainage]، یکی از مسائل جنبی آبیاری است که در آن،
۴۱ آب زائد، که در سطح زمین مزروعی جمع شده است، با تلمبه و غیره، جمع‌آوری و به محل
۴۲ دیگری انتقال داده می‌شود. این کار گاهی به منظور کارآمدسازی کشت و رشد گیاهان
۴۳ ضروری است. مثلاً تجمع آب بیش از اندازه در پای یک درخت ممکن است محصول آن را
۴۴ کاهش دهد.
۴۵ آب زائد می‌تواند از بارش بیش از حد باران و برف، یا آبیاری سهوی بیش از حد
۴۶ لازم، در سطوحی از زمین جمع شده باشد. اما علاوه‌بر این موارد، دلایل متعدد دیگری نیز
۴۷ برای جمع شدن نامطلوبِ آب در زمین وجود دارد؛ مثلاً آبیاری که برای خنک‌سازی هوا
۴۸ انجام می‌دهند در سطح زمین جمع می‌شود و زائد است. همچنین، نفوذ آب از قناتها و کانالها،
۴۹ نفوذ آب از زمینهای مزروعی مجاور، و غیره، منجر به تجمع ناخواستهٔ آب در زمین می‌شوند.
۵۰ مسئلهٔ دیگری که در کنار آبیاری مصنوعی وجود دارد، پله‌ای‌سازی [terracing]
۵۱ است. در پله‌ای‌سازی، تپه یا زمین با شیب زیاد را به سطوح متعددی شبیه به پله‌کان تبدیل
۵۲ می‌کنند، بدین منظور که آبیاری و کشت در زمین به طور مؤثر انجام پذیرد. با این تکنیک،
۵۳ عرض سطح هر پله به چندین یا چند‌ـده متر یا بیشتر می‌رسد، که در نتیجه، آبیاری زمینهای
۵۴ مسطح حاصل را می‌توان به روش آبیاری سطحی و غیره انجام داد.
۵۵ در آبیاری مصنوعی، مسائل مهم دیگری نیز وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:
۵۶ لوله‌کشی مقیاس‌ـبزرگ برای آب‌رسانی از سرچشمه‌های رودخانه‌های دوردست، ساختن
۵۷ سدهای خاکی کوچک، بارورسازی مصنوعی ابر، و غیره.

نکته. در مقالهٔ فوق، در صورت نیاز، زیر عنوان نیز می‌توان خط کشید و کلیدواژهٔ عنوان، آبیاری، را به دست آورد. البته همین کلیدواژه در متن هم وجود داشته و زیر آن خط کشیده شده است.

کاربرد مهم کلیدواژه، در «نمایه» و «نمایه‌سازی» است: مسئلهٔ اساسی در نمایه‌سازی این است که کل کلیدواژه‌های یک یا چند متن [یا مجموعهٔ عنوانها و تیترها] را گردآوری و الفبایی می‌کنند، تا به هنگام نیاز بتوان به آن مراجعه کرد و به مشخصات و منبع و شمارهٔ صفحهٔ هر کلیدواژه از کل دست یافت. در مثال ۱۳ که در بخش بعدی خواهد آمد، یک نمایهٔ کامل براساس کلیدواژه‌های انتخاب‌شده در مثال ۱۰ تدوین شده است.

برای انتخاب کلیدواژه‌های یک متن، معیارهای دقیق وجود ندارد، و همچنان‌که ذکر شد، معمولاً آنها را برحسب تجربه انتخاب می‌کنند. در مثال ۱۰، به همین صورت عمل شده و زیر کلیدواژه‌ها برحسب تجربه و حدس خط کشیده شده است. مسلماً این کار با خطا همراه می‌شود.

گاهی در مقالات پژوهشی، خود نویسندهٔ مقاله، فهرست کلیدواژه‌های مقاله را در ابتدا یا انتهای مقاله معرفی می‌کند. در این صورت، نمایه‌سازهایی که باید مقاله را نمایه کنند، همانها را به عنوان کلیدواژه‌های مقاله می‌پذیرند، و در نتیجه، کار آنها بسیار آسان می‌شود.

در یک مجموعه از کلیدواژه‌های 'یک' کتاب یا 'یک' مقاله، محتملاً عنوانِ کتاب یا مقاله مهمترین کلیدواژه محسوب می‌شود، و یا حاوی مهمترین کلیدواژه[های] متن است.

گاهی با استفاده از «تزاروس»، واژه‌های مرتبط با یک متن را به طور حدسی تعیین می‌کنند. مثلاً اگر متن دربارهٔ مرکبات باشد، فهرست واژه‌های ذیل همین مدخل را در تزاروس درنظر می‌گیرند و حدس می‌زنند که واژگان مزبور، کلیدواژه‌های مربوط به مفهومِ مرکبات است. [مثلاً پرتقال، نارنگی، نارنج، لیمو، ویتامین‌ـث، و غیره.] سپس فهرست را با متن مقابله می‌کنند و واژه‌های موجود در متن، یا مفاهیم مرتبط و مشابه، و واژه‌های موجود در فهرست را به عنوان کلیدواژه‌ها در نظر می‌گیرند. البته این کار نیاز به تجربه دارد. نحوهٔ استفاده از تزاروس برای انتخاب کلیدواژه‌ها، در قالب مثال زیر تشریح شده است.

مثال ۱۱.

اگر به مدخل آبیاری در یک تزاروس تخصصی کشاورزی یا مهندسی آب مراجعه شود، واژگانی چون:

آبیاری قطره‌ای، آبیاری سطحی، ...، کاربرد رادیو_هسته‌دانه‌ها، تکنیکهای کشت، کشاورزی مدرن، کشاورزی سنتی، اقتصاد کشاورزی، ...

به دست خواهد آمد، که از این مجموعه_واژگان، دو نوع استفاده می‌شود:

۱. واژگانی مانند آبیاری قطره‌ای و آبیاری سطحی، هم در تزاروس وجود دارند و هم در مقاله. بنابر این، حتماً باید به عنوان کلیدواژه‌ها انتخاب شوند. با این بررسی در تزاروس، و مقایسهٔ مشترکات بین مدخل تزاروس و کلمات و عبارات موجود در متن، نمایه‌ساز مطمئن می‌شود که واژه‌های مناسب و مفیدی را به عنوان کلیدواژه‌های مقاله برگزیده است؛

۲. بقیهٔ واژگان، مانند کاربرد رادیو_هسته‌دانه‌ها، تکنیکهای کشت، کشاورزی مدرن، کشاورزی سنتی، اقتصاد کشاورزی، در ذیل مدخلِ آبیاری در تزاروس آمده‌اند، اما در مقاله وجود ندارند. بنابر این، همهٔ آنها را نیز می‌توان به فهرست کلیدواژه‌ها اضافه کرد، تا اگر پژوهشگری بخواهد دربارهٔ این موضوعات نیز پژوهش کند، به مقالهٔ فوق مراجعه نماید، زیرا این موضوعات نیز، به هرحال، آبیاری مربوط هستند. اما در این میان، بین مدخلهای غیرمشترک با کلیدواژه‌ها، بعضی از مدخلها نزدیکی بیشتری با مفاهیم موجود در مقاله دارند و بعضی دیگر نسبتاً دور هستند. مثلاً کشاورزی مدرن، که جزو مدخلهای تزاروس هست اما در مقاله وجود ندارد، به مفاهیم موجود در مقاله نزدیک است، و اگر به عنوان یک مدخل، در نمایه درج شده باشد، پژوهشگری که موضوع کشاورزی مدرن را در نمایه جستجو می‌کند، به این مقاله دست می‌یابد. از سوی دیگر، در فهرستِ زیر_مدخلهای تزاروس، واژهٔ کاربرد رادیو_هسته‌دانه‌ها نیز آمده است که در مقاله وجود ندارد. اما این واژه هیچ ارتباطی با مفاهیم موجود در مقاله ندارد و بهتر است که در نمایه آورده نشود، زیرا وجود آن در نمایه یا فهرست کلیدواژه‌های مرتبط با این مقاله،

فقط پژوهشگر را به اشتباه می‌اندازد و وقت وی را تلف می‌سازد.
بنابر این، در بین واژه‌های نامشترک بین مدخل تزاروس و کلیدواژه‌هایِ علامت‌زده‌شده در مقاله، باید یک گزینش هم انجام شود که تاحدودی تجربی است و به نظر شخص نمایه‌ساز بستگی دارد.

در بخش بعدی، که مفهوم توصیفگر تشریح می‌شود، کاربرد مهم دیگری از تزاروس نیز موردبررسی قرار می‌گیرد. همچنین، در ادامهٔ بخش حاضر، ارتباط کلیدواژه با موضوع بررسی می‌شود.

معمولاً هر کلیدواژه، یک موضوع از یک متن یا مدرک است که مفهوم معینی را دربر دارد، و این مفهوم در نقطهٔ معینی از متن تشریح شده است. پژوهشگر، مایل است که بدون مطالعهٔ کل متن، مستقیماً به همان نقطه دست یابد. وظیفهٔ نمایه‌ساز این است که کلیدواژه‌ها یا موضوعات مهم یک یا چند مدرک را استخراج و کل آنها را الفبایی کند و در دسترس پژوهشگر قرار دهد تا وی [پژوهشگر] بتواند موضوع موردنظر خود را در میان کل موضوعات نمایه‌شده و الفبایی‌شده پیدا کند.

از دیدگاه نمایه‌ساز، نمایه، فهرست یا مجموعه‌ای است از کلیدواژه‌های موجود در مدرک[ها]، که هر کلیدواژه یک «مدخل» نمایه محسوب می‌شود. و از دیدگاه پژوهشگر یا کاربرِ نمایه، نمایه فهرست یا مجموعه‌ای است از موضوعات، و هر موضوع، یک مدخل نمایه محسوب می‌شود. کل مدخلهای نمایه باید به شیوهٔ مناسبی الفبایی یا مرتب شده باشد تا جستجو در آن امکان‌پذیر گردد.

بنابر این، از یک سو پژوهشگر و از سوی دیگر نمایه‌ساز باید با مفهوم و تعریف دقیق کلیدواژه و موضوع آشنا باشند: پژوهشگر باید بداند چه نوع موضوعاتی در نمایه ممکن است وجود داشته باشد، و نمایه‌ساز باید بداند پژوهشگران چه موضوعاتی را در نمایه بیشتر جستجو می‌کنند.

۲.۵.۳. کلیدواژه و اسم خاص

در بسیاری از موارد، در داخل متن، یک یا چند اسم شخص، مثلاً نام نویسنده، شاعر، دانشمند، یا مکان، مثلاً نام شهر، کشور، کوهستان، و به طور کلی اسم خاص به کار برده شده است. علاوه‌بر این، در عنوان یک مدرک، نام یک یا چند شخصِ پدیدآورندهٔ اثر نیز

آورده می‌شود. در اغلب موارد، اسم خاص موجود در متن یا عنوان آن، کلیدواژه محسوب می‌شود. مثلاً اگر در مقالهٔ مثال ۱۰، جمله‌های زیر نیز وجود داشته باشد، باید زیر اسمهای خاص موجود در آن نیز، به عنوان کلیدواژه، خط کشیده شود:

... که در تبریز و اصفهان متداول است.

... و در کتاب مبانی آبیاری تألیف احمد احمدی، اشاره شده است که ...

... شرکت سهامی خاص X، خدمات آبیاری قطره‌ای ارائه می‌دهد و ...

... کشور چین در این زمینه فعالیتهای فراوانی دارد و ...

فرض شده است که چهار جملهٔ فوق متعلق به مقالهٔ مثال ۱۰ هستند که در بخشهای مختلف آن می‌آیند. ۵ کلمه یا عبارتِ دارای زیر_خط، جزو کلیدواژه‌های مقاله هستند.

تفاوت دیگر کلیدواژه با موضوع این است که کلیدواژه می‌تواند اسم خاص نیز باشد، اما موضوع، غالباً یک اسم عام یا عبارت عام است.

۶.۲. توصیفگر

توصیفگر [descriptor]، عملاً همان موضوع و یا کلیدواژه است، اما توسط پژوهشگر تعیین نمی‌شود و از این روی، مستقل از سلیقه و نظر و دانش و تجربهٔ پژوهشگر است: در صفحات آغازین یک مرجع سطح صفر ممکن است فهرستی از توصیفگرها ارائه شده باشد که پژوهشگر می‌تواند آن را به عنوان فهرست موضوعات یا کلیدواژه‌های موجود در مرجع تلقی کند. به عبارت دیگر، توصیفگر را می‌توان نوعی موضوع یا کلیدواژهٔ استانداردشده به حساب آورد.

توصیفگر، نسبت به موضوع تعیین‌شدنی توسط پژوهشگر، یا کلیدواژه‌ای که از کلمات متن استخراج شود، دارای امتیازهایی است که بین آنها چهار امتیاز، مهمتر است.

ـ امتیاز اول: در تدوین نمایه. فهرست کاملِ توصیفگرهای یک مفهوم، مبحث، و یا یک شاخهٔ تخصصی را می‌توان از برخی منابع مرجع به دست آورد، اما فهرست موضوعاتی که توسط پژوهشگر یا نمایه‌ساز تعیین می‌شود، ممکن است کامل نباشد. به ویژه یک پژوهشگر تازه‌کار، و یا یک کتابدار نمایه‌ساز، که باید در زمینهٔ دهها یا صدها مبحث، فهرست موضوعات را تعیین کند، با همهٔ موضوعات آشنایی کامل ندارد. از این روی،

پژوهشگر یا نمایه‌ساز نمی‌تواند به مدخلهای مناسب و جامع برای تدوین نمایه‌نامه دست یابد؛ و یا برعکس، نمی‌تواند به هر عنوان از مدرک، چند موضوع مناسب نسبت دهد. بنابر این، فهرست توصیفگرها کمک بزرگی به پژوهشگر تازه‌کار و نمایه‌ساز می‌کند. حتی پژوهشگران مجرب نیز از فهرست توصیفگرها می‌توانند بهره‌هایی بگیرند.

ـ امتیاز دوم: در استفاده از نمایه. برخی از نمایه‌ها برحسب توصیفگرها موضوع‌بندی می‌شوند و در نمایهٔ موضوعی، فقط موضوعاتی وجود دارد که در فهرست توصیفگرها آمده‌اند. هرچند، در این حالت نیز بسیاری از توصیفگرها با موضوعاتی که پژوهشگر حدس می‌زند یکسان هستند. مثلاً ممکن است پژوهشگر بخواهد دربارهٔ موضوع *dictionary* پژوهش کند. اگر به فهرست توصیفگرها دسترسی نداشته باشد، ممکن است معادل فارسی آن را لغت‌نامه یا دیکسیونر تصور کند و در حرف ل و د از نمایه‌نامه به جستجو بپردازد. از سوی دیگر، در نمایه‌نامه، فرضاً برای موضوع مذکور، فقط توصیفگرهای فرهنگ و واژه‌نامه به کار رفته است. بنابر این، پژوهشگر، به مدخل دست نمی‌یابد. در حالی که اگر با فهرست توصیفگرهای آن منبع آشنایی داشته باشد، بلافاصله مدخلهای فرهنگ و واژه‌نامه را جستجو می‌کند.

ـ امتیاز سوم: امکان جستجوی ترکیبی. برخی از نمایه‌ها را می‌توان با دو یا چند توصیفگر جستجو کرد: بدین معنا که به بعضی از مدخلها، فقط با ترکیب دو یا چند توصیفگر می‌توان دست یافت. این کاربرد توصیفگر، برای محدودسازی گسترهٔ شمول معانی مورداستفاده قرار می‌گیرد. البته با موضوع نیز می‌توان شمول معنایی را محدود ساخت، اما اگر از موضوع استفاده شود، احتمال دست‌یافتن به مدخل موردنظر به شدت کاهش می‌یابد. مثال زیر، این تفاوت موضوع و توصیفگر را به روشنی نشان می‌دهد.

مثال ۱۲.

یک دانشنامهٔ جغرافیا شامل ۲۰۰ مقالهٔ مفصل از ۲۰۰ کشور مفروض است. دانشنامه دارای یک نمایهٔ مفصل چندهزار مدخلی است، که براساس توصیفگرهای استانداردشده تدوین گردیده است. هر مدخل از نمایه، به یک نام کشور اشاره می‌کند.

ـ اگر فقط با یک توصیفگر به نمایه مراجعه و جستجو شود، گسترهٔ شمول معانی وسیع خواهد بود: مثلاً اگر فقط با توصیفگر آسیا به نمایه مراجعه شود، تعداد ۴۸ کشور آسیایی [کل کشورهای آسیا] به دست می‌آید، که این ممکن است

موردنظر پژوهشگر نباشد؛
ـ اگر جستجو با دو توصیفگر انجام شود، گسترهٔ شمول موضوعات کمتر خواهد شد: مثلاً با دو توصیفگرِ آسیا، نفت‌خیز تعداد کشورهای کمتری به دست می‌آید که به حدود ۱۰ می‌رسد [مثلاً ایران، عراق، عربستان، کویت، قطر، و غیره]. این جستجو نیز ممکن است موردنظر پژوهشگر نباشد؛
ـ اگر جستجو با سه توصیفگر انجام شود، گسترهٔ شمول موضوعات کمتر از جستجوی قبلی خواهد شد: مثلاً اگر سه توصیفگر زیر به کار برده شود:

آسیا، نفت‌خیز، امیرنشین

تعداد کشورهای کمتری به دست می‌آید که به حدود ۵ می‌رسد [کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس، شامل کویت، قطر، امارات، و یکی‌ـدو کشور دیگر].
ـ اگر جستجو با چهار توصیفگر انجام شود، گسترهٔ شمول موضوعات، بازهم کمتر خواهد شد: مثلاً اگر چهار توصیفگر زیر به کار برده شود:

آسیا، نفت‌خیز، امیرنشین، متحده

فقط یک کشور به دست می‌آید [که امارات متحده است].
ـ در جستجوهای فوق، توصیفگرهایی به کار رفته‌اند که در نمایه، حتماً، وجود دارند. اگر به جای توصیفگرهای مذکور، موضوعات دیگری چون کم‌ـجمعیت، شیخ‌نشین، کم‌ـباران، و غیره داده شوند، که به موضوعات علمیِ متعارف شباهت چندانی ندارند، به احتمال زیاد در نمایه قابل‌دستیابی نخواهند بود. بنابر این، در زمان جستجو، گاهی لازم می‌شود پژوهشگر با فهرست کامل توصیفگرها، یا حداقل فهرست توصیفگرهای مورداستفاده در مبحث تخصصیِ موردپژوهشِ خود آشنا شود تا در زمان جستجو به مشکل برخورد نکند.

به طور کلی، ترکیب توصیفگرها، دامنهٔ پوشش موضوع را محدود می‌کند و بدین ترتیب، پژوهشگر به سرعت می‌تواند به موضوع مطلوب خود برسد. این کاربردِ مرجع سطح صفر، در دادگان‌های کامپیوتری متداولتر است. در نمایه‌های منتشرشده به صورت دادگان کامپیوتری، معمولاً می‌توان چندین توصیفگر را به سیستم داد تا مدخلهایی را که حاوی همهٔ آنها هستند فهرست کند. برای این‌که پژوهشگر بتواند از ترکیب مفصل توصیفگرها بهره بگیرد، باید با چند قاعدهٔ سادهٔ منطق ریاضی آشنا باشد.

نکته. اغلب نمایه‌های امروزی، طوری تدوین می‌شوند که توصیفگرها با موضوعاتی که معمولاً به ذهن انسان می‌رسند تفاوت نداشته باشند.

ـ امتیاز چهارم: هماهنگی بین نمایه‌سازان. اگر یک کتاب مرجع توسط چند نمایه‌ساز نمایه شود، و همهٔ نمایه‌سازان از توصیفگرهای معین یا استاندارد استفاده کنند، نتیجهٔ کار مشترک آنان متناقض و بی‌انسجام نخواهد بود. مثلاً در مبحث *dictionary*، یکی واژهٔ لغت‌نامه و دیگری واژهٔ واژه‌نامه به کار نخواهد برد. بدین ترتیب، کاربر نمایه نیز دچار سردرگمی نخواهد شد.

همچنان‌که پیشتر اشاره شد، برای تعیین فهرست توصیفگرهای متعلق به یک مبحث، و به ویژه، برای تعیین توصیفگرهای مرتبط با یک موضوع معین، می‌توان از یک «تزاروس» تخصصی سود جست. تزاروس، نوعی واژه‌نامه است، که ذیل هر مدخل آن، مجموعه‌ای از واژگان مرتبط با مفهوم آن موضوع وجود دارد. مثلاً در ذیل مدخل وسیلهٔ نقلیه در یک تزاروس، ممکن است واژگانی چون سواری شخصی، تاکسی، اتوبوس، کامیون، دوچرخه، کشتی، هواپیما، تراکتور، سفینهٔ فضایی، شاتل، و غیره وجود داشته باشد. این واژگان را می‌توان به عنوان توصیفگرهای مرتبط با مفهوم وسیلهٔ نقلیه درنظر گرفت. روشن است که در این فهرست، ممکن است واژه‌ای آمده باشد که به ذهن هر کسی خطور نکند، و یا در زمان تعیین موضوعات مرتبط با مفهوم وسیلهٔ نقلیه، حضور ذهنی انسان کاهش یابد و احیاناً یک یا چند قلم را فراموش کند. تفاوت اساسی توصیفگر با موضوعِ تعیین‌شدنی توسط کاربر از همین مثال روشن می‌شود.

مثال ۱۳.

در مثال ۱۰، کلیدواژه‌های یک متن کوتاه، با خط زیر کلمات، مشخص شده‌اند، که هریک به موضوع معینی مربوط می‌شود. از سوی دیگر، اگر کلیدواژه‌های مذکور، در یک نمایه قرار داده و فهرست و الفبایی شوند نمایهٔ زیر [صفحهٔ بعد] به دست خواهد آمد:

فهرست الفبایی‌شدهٔ کلیدواژه‌های مقالهٔ مثال ۱۰

آب‌رسانی از سرچشمه‌های
آب زائد
آبهای نسبتاً ـ شور
آبیاری
آبیاری آبفشانی
آبیاری زیرسطحی
آبیاری سطحی
آبیاری سهوی
آبیاری فواره‌ای
آبیاری قطره‌ای
بارش بیش از حد باران
بارورسازی مصنوعی ابر
باغهای میوه
برف
پله‌ای‌سازی
پله‌کان
پوششهای گیاهی طبیعی
تأسیسات
تاکستانها
تبخیر
تپه
تجمع آب
تجمع ناخواستهٔ آب
تخلیهٔ آب زمین
تلمبه‌های فشارزا
جنگلهای مصنوعی
جویبارها
خاک
خاک ماسه‌ای
خنک
خنک‌سازی هوا
رشد گیاهان
ریشهٔ گیاهان
زمین با شیب زیاد
زمین شیب‌دار
زمین مزروعی
سدهای خاکی کوچک
سرمایه‌گذاری اولیه
سطح زمین مزروعی
سفره‌های زیرزمینی
سیستم انتقال آب به ریشه‌ها
شیارهای مصنوعی
فشارِ آب
فوارهٔ چرخان
قنات
کارآمدسازی کشت
کانالها
گیاهان تزئینی
لوله‌کشی مقیاس ـ بزرگ
لوله‌های باریک
لوله‌های سوراخ‌داری
محیط
مرطوب
مزارع سبزیجات
مسائل جنبی آبیاری
مکانیسم چرخ‌دار
مناطق سنگلاخی
منبع
نفوذ آب از زمینهای مزروعی مجاور
نفوذ آب از قناتها
نفوذ زیاد آب
نوع متعارف آبیاری

از نظر پژوهشگر، هریک از کلیدواژه‌های فوق یک موضوع محسوب می‌شود. برخی از مدخلهای نمایهٔ فوق، گرچه موضوع خاصی را می‌رسانند و در ضمن، کلیدواژهٔ متن محسوب می‌شوند، اما کاربر نمی‌تواند به نحو مفیدی از آنها بهره بگیرد.

اگر هر کلیدواژه، قبل از قرار دادن در فهرست و الفبایی کردن، در صورت نیاز، به یک توصیفگر مناسب و معنادار تبدیل شود، نمایهٔ حاصل، مفیدتر یا استانداردتر خواهد شد. نمونه‌ای از نمایهٔ اصلاح‌شده می‌تواند چنین باشد:

فهرست الفبایی‌شده و بهبودیافتهٔ کلیدواژه‌های مقالهٔ مثال ۱۰

آب‌رسانی از سرچشمه
آب زائد
آبیاری
آبیاری آبفشانی
آبیاری زیرسطحی
آبیاری سطحی
آبیاری سهوی
آبیاری فواره‌ای
آبیاری قطره‌ای
آبیاری متعارف
بارندگی بیش از حد
بارورسازی مصنوعی ابر
باغ میوه
پله‌ای‌سازی
پوشش گیاهی طبیعی
تأسیسات آبیاری
تاکستان
تبخیر
تپه
تجمع آب
تجمع ناخواستهٔ آب
تخلیهٔ آب زمین
تلمبهٔ فشارزا
جنگل مصنوعی
جویبار
خاک
خاک ماسه‌ای
خنک‌سازی هوا
خنک کردن خاک و هوا
رشد گیاه
رشد گیاهان
ریشهٔ گیاه
زمین پله‌ای
زمین شیب‌دار
زمین مزروعی
سد خاکی
سرمایه‌گذاری آبیاری
سطح زمین مزروعی
سفرهٔ زیرزمینی
سنگلاخ
سیستم انتقال آب به ریشه
شوری آب
شیار مصنوعی
فشار آب
فوارهٔ چرخان
قنات
کارآمدسازی کشت
کانال
گیاه تزئینی
لولهٔ آبیاری
لولهٔ سوراخ‌دار
لوله‌کشی مقیاس‌ـبزرگ
محیط رشد گیاه
مرطوب‌سازی خاک
مزرعهٔ سبزیجات
مسائل جنبی آبیاری
مکانیسم چرخ‌دار
منبع آب
نفوذ آب زمینهای مزروعی مجاور
نفوذ آب قنات

حتی یک نمایه‌ساز ورزیده و مجرب می‌تواند نمایهٔ فوق را اندکی گسترش و تغییر دهد تا:

۱. کلیدواژه‌های استخراج‌شده به توصیفگرهای استاندارد شباهت بیشتری داشته باشند. مثلاً به جای کارآمدسازی کشت، از توصیفگرِ بازدهی کشت، و به جای مکانیسم چرخ‌دار، از توصیفگرِ چرخ فواره استفاده کند؛

۲. تعدادی توصیفگر به نمایهٔ فوق اضافه کند که جزو کلیدواژه‌های متن نیستند، اما یک پژوهشگر ممکن است با استفاده از آنها به نمایه مراجعه کند. مثلاً آبیاری تپه، صرفه‌جویی در آب، آبرسانی، تسطیح تپه، پمپاژ آب زائد، و غیره را به نمایه بیفزاید. بدین منظور باید مدخلهای آبیاری، آبیاری قطره‌ای، تسطیح تپه، و غیره را در یک تزاروس تخصصی کشاورزی یا مهندسی آب جستجو کند و بعضی زیرمدخلهایِ ذیلِ آنها را که به موضوع مقاله نزدیک هستند، برای درج در نمایه برگزینند.

به عنوان جمع‌بندی، از مثال فوق روشن می‌شود که:

ـ کلیدواژه، آن چیزی است که در متن واقعاً وجود دارد؛

ـ توصیفگر، آن چیزی است که در نمایه به کار رفته است. گاهی کلیدواژه و توصیفگر، هردو، با یک واژه بیان می‌شوند، و گاهی با دو واژهٔ متفاوت؛

ـ موضوع، مفهومی است که می‌تواند در یک کلیدواژه و یا یک توصیفگر وجود داشته باشد.

توصیفگر نیز مانند کلیدواژه می‌تواند اسم خاص باشد.

۲.۷. نمایه

نمایه [index]، در معنای عام آن، نوعی «فهرست» موضوعات و مفاهیم مهم موجود در یک متن، یعنی فهرست «کلیدواژه»های یک متن است، که دو ویژگی اساسی دارد:

۱. دارای ترتیب الفبایی است، و در نتیجه، یافتن یک کلیدواژه در آن، به سرعت انجام می‌پذیرد؛

۲. هر مدخل آن دارای نشانی کلیدواژه است، و در نتیجه، با مراجعه به نشانی داده‌شده در مدخل نمایه، به آسانی می‌توان مکان کلیدواژه در متن را پیدا کرد.

مثال ۱۴.

نمایهٔ زیر، که برای مقالهٔ مثال ۱۰ تدوین شده، دارای دو ویژگی مهم است: اولاً

نمایهٔ کامل مقالهٔ مثال ۱۰

[... ادامهٔ مثال ۱۴:]
یک فهرست از کلیدواژه‌هاست که با ترتیب الفبایی تنظیم و ارائه شده‌اند؛ و ثانیاً هر مدخل از فهرست به یک شمارهٔ سطر از مقاله ارجاع می‌دهد، و در نتیجه، فهرست، یک نمایه محسوب می‌گردد. مثلاً مدخلِ:

آبیاری آبفشانی، ۳۱

مشخص و راهنمایی می‌کند که خواننده برای دستیابی به مفهوم آبیاری آبفشانی، می‌تواند مستقیماً به سطر ۳۱ مراجعه کند.

البته، نمایهٔ مثال فوق فقط برای روشن شدن مطلب آمده است، زیرا چون مقاله کوچک است، نیازی به مراجعه به نمایه ندارد: خواننده می‌تواند کل مقاله را مطالعه کند، و به سرعت به هر موضوع موردنظر خود دست یابد.

اما کاربردهای نمایه، بسیار مهمتر از کاربرد آن در مثال فوق هستند. بیشتر این کاربردها را به تجربه و در پی انجام دادن پژوهشهای علمی می‌توان دریافت. هرچند، با مطالعه و بررسی انواع کلیدواژه ممکن است با کاربردهای اصلی نمایه آشنا شد. به عنوان مثال، یکی از کاربردهای نمایه را می‌توان براساس نشانی کلیدواژه تشریح کرد.

به طور کلی، هر نمایه، فهرستی است که اطلاعاتی به دست می‌دهد که به یکی از دو نوع منبعِ اطلاعاتِ مدرک و آرشیو تعلق دارد. به عبارت دیگر، در نمایه، نشانی‌دهیِ کلیدواژه [keyword addressing]، بر یکی از دو نوع زیر است:

۱. نشانی‌دهیِ کلیدواژه به اطلاعات موجود در یک مدرک. در این نوع نشانی‌دهی، همهٔ کلیدواژه‌ها، به نقاط مختلفِ داخلِ یک «مدرک» ارجاع می‌دهند: مثلاً نمایه‌ای که در پایان یک کتاب می‌آید و هر مدخل آن به یک شمارهٔ صفحهٔ حاوی کلیدواژهٔ مدخل ارجاع می‌دهد؛ و یا به عنوان مثال دیگر، در مثال ۱۴، هر کلیدواژه به یک شمارهٔ سطر از یک مقاله ارجاع می‌دهد.

۲. نشانی‌دهیِ کلیدواژه به یک مدرک از یک آرشیو. در این نوع نشانی‌دهی، کلیدواژه‌ها، به نقاط مختلف تعدادی «مدرک» ارجاع می‌دهند: مثلاً نمایه‌ای که در پایان شماره‌های سالانهٔ یک مجله می‌آید و هر مدخل آن به یک شمارهٔ نشریه و یک شمارهٔ صفحهٔ حاوی کلیدواژهٔ مدخل ارجاع می‌دهد؛ و یا به عنوان مثال دیگر،

در یک کتابخانه، هر مدخل نمایه، به یک کتاب و احتمالاً صفحهٔ حاوی کلیدواژه ارجاع می‌دهد.

مثال ۱۵.

در یک آرشیو دیسک سی‌دی موسیقی، ۱۰۰۰ دیسک سی‌دی وجود دارد که با شماره‌های ۱ تا ۱۰۰۰ مشخص شده‌اند. در هر دیسک، بین ۱ تا ۲۰ قطعهٔ موسیقی وجود دارد که با شمارهٔ ترتیب ۱ تا ۲۰ مشخص شده‌اند. اگر دیسک‌ها فرضاً به طور متوسط دارای ۱۰ قطعهٔ موسیقی باشند، این آرشیو، با ۱۰٫۰۰۰ مدخل نمایه‌سازی می‌شود. به عنوان نمونه، چند مدخل از نمایهٔ فرضی چنین است:

چند مدخل نمونه از یک نمایهٔ موسیقی آرشیو فرضی

آرانخوئس [پل ماریت]، ۸۸۱، ۵
آستریاس [سگوویا]، ۲۲۱، ۲
آستریاس [جان ویلیامز]، ۱۰۹، ۱
الحمرا [جان ویلیامز]، ۱۰۹، ۳
الههٔ ناز [بنان]، ۸۷۶، ۱
بِسامِه موچو [کلود میشل]، ۶۶۵، ۳
جو هیل [جون بائز]، ۲۹۹، ۱
دانوب آبی [اشتراوس]، ۵۵، ۱
رومانس [پاکو دِ پنیا]، ۳۶۷، ۴
رومانس [پاکو دِ لوچیا]، ۱۱۲، ۱
فور_الیز [بتهون]، ۲۳۰، ۲
لا پلایا [پل ماریت]، ۸۸۱، ۱۸
مانند یک قلوه‌سنگ [باب دیلن]، ۷۰۵، ۶

که در هر مدخل آن، فیلد اول نام قطعه [همراه با نام موسیقی‌دان در پرانتز]، فیلد دوم شمارهٔ دیسک سی‌دی، و فیلد سوم شمارهٔ ترتیب قطعه در دیسک است. بنابر این،

هر نشانی کلیدواژه به یک دیسک از آرشیو و شمارهٔ ترتیب قطعه در دیسک ارجاع می‌دهد.

به عنوان خلاصه، مثالهای بخش حاضر، و بخش ۶.۲، نشان می‌دهند که:

۱. بهترین راه برای دستیابی فوری و سریع به موضوعات یک کتاب یا دورهٔ نشریه، استفاده از نمایهٔ آن است، و حتی در مواردی که تعداد مدرک‌های آرشیو زیاد باشد، تقریباً تنها راه برای دستیابی به کلیدواژه استفاده از نمایه است؛

۲. از سوی دیگر، ساده‌ترین راه برای تنظیم نمایهٔ کتاب، نخست، استخراج کلیدواژه‌ها و شمارهٔ صفحات آنها پس از صفحه‌آرایی، و سپس، مرتب کردن آنها به شیوهٔ الفبایی است.

فصل ۳

کتابنامه

۱.۳ . مقدمه

هر نوع فهرست از تعدادی کتاب را که با نظم مشخصی تدوین شده باشد می‌توان یک کتابنامه [bibliography] به حساب آورد. به عنوان مثال، فهرست منابع مورداستفادهٔ یک کتاب، که معمولاً در انتهای آن می‌آید، یک نمونه کتابنامه است.

اما در تدوین کتابنامه، قواعدی وجود دارد که اگر مراعات شود، کتابنامه، شکل استانداردی به خود می‌گیرد که از بسیاری جهات مفید واقع می‌شود. مثلاً خواننده به آسانی و به سرعت می‌تواند مشخصات و اجزای هر کتاب از فهرست کتابنامه را تحلیل کند، و نیز به سرعت می‌تواند یک کتاب معین را در میان فهرستی از تعداد زیادی کتاب پیدا کند.

۲.۳ . تعریف کتابنامه

کتابنامه، فهرستی است از مشخصات تعدادی منبعِ کتابی یا غیرکتابی. هر فقره از فهرست، دارای مشخصاتی است که آن را مشخصات کتابشناختی، و یا یک مدخل کتابشناختی می‌نامند. مثلاً یک فهرست منابع که از ۲۰ فقره مشخصات کتاب تشکیل می‌شود، کتابنامه‌ای است با ۲۰ مدخل کتابشناختی.

به عبارت دیگر، کتابنامه متشکل از فهرستی است از منابع، که هر مدخل آن، حداقل حاوی «نشانی کتابشناختی» [bibliographic address] یک منبع است و بسته به نوع کتابنامه می‌تواند حاوی اطلاعات دیگری هم باشد.

نشانی کتابشناختی، مجموعهٔ چهار یا پنج مشخصهٔ اساسی «کتاب»، «مقاله»، و یا

هر «مدرک» دیگر است، که نمایندهٔ هویت آن هستند. هریک از این مشخصه‌ها را یک فیلدِ کتابشناختی [bibliographic field] می‌نامند.

نشانی کتابشناختی، معمولاً با ترتیب استانداردی نمایش داده می‌شود، که در مورد کتاب چنین است:

نام مؤلف، عنوان کتاب، نام ناشر، محل انتشار، تاریخ انتشار.

که از ۵فیلد کتابشناختی تشکیل می‌شود. در نشانی کتابشناختی فوق، در قسمت نام مؤلف، نخست نام خانوادگی، و سپس نام کوچک مؤلف آورده و در بین آنها کاما قرار داده می‌شود.

به عنوان مثال، کتاب فارسیِ:

منصوری، پرویز، هارمونی تحلیلی، انتشارات پارت، تهران، ۱۳۶۲.

یا کتاب انگلیسیِ:

Sparkes, A., *Talking Philosophy*, Routledge, London, 1991.

در نوشتن نشانی کتابشناختی، «عنوانِ کتاب» باید به یکی از چهار شیوهٔ زیر «برجسته‌نمایی» شود:

۱. با حروف ایرانیک یا *Italic* [حروف مایل] حروفچینی شود؛ این روش در متون چاپی به کار برده می‌شود؛

۲. با حروف سیاه حروفچینی شود؛

۳. زیر عنوان، خط کشیده شود؛ این روش در دستنوشته کاربرد دارد؛

۴. در «گیومه» یا "quotes" قرار داده شود؛ این روش، در گذشته، در متونی که با ماشین‌تحریر ساده تحریر می‌شدند متداول بود؛ هرچند، امروزه نیز گاهی در نرم‌افزارهای کامپیوتریِ بسیار ساده که تنوع حروف ندارند به کار برده می‌شود.

۳.۳. نشانی کتابشناختی کتاب

نشانی کتابشناختی کتاب را با ۵، ۴، ۳، ۲، و یا حتی با ۱ فیلد کتابشناختی می‌توان مشخص کرد.

نشانی کتابشناختی پنج‌فیلدی.

کاملترین صورت نشانی کتابشناختی، دارای ۵ فیلد است که آن را نشانی کتابشناختیِ پنج‌فیلدی یا اختصاراً **نشانی پنج‌فیلدی** می‌نامند. مثلاً:

> آذرنگ، عبدالحسین، فرهنگ اصطلاحات دکومانتاسیون، مرکز مدارک علمی، تهران، ۱۳۵۹.

نشانی کتابشناختی چهارفیلدی.

گاهی محل انتشار را از نشانی کتابشناختی حذف می‌کنند و فقط ۴ مشخصهٔ دیگر را می‌آورند. در این صورت، نشانی کتابشناختی را **نشانی چهارفیلدی** می‌نامند. مثلاً:

> آذرنگ، عبدالحسین، فرهنگ اصطلاحات دکومانتاسیون، مرکز مدارک علمی، ۱۳۵۹.

که در کتاب حاضر، بیشتر، از این شیوه استفاده شده است. این شیوه برای ارجاع کامل به کتاب در مستندنویسی به کار می‌رود و برای سفارش و خرید پستی کتاب نیز از این روش می‌توان بهره گرفت.

نشانی کتابشناختی سه‌فیلدی.

گاهی علاوه‌بر محل انتشار، نام ناشر را نیز از نشانی کتابشناختی حذف می‌کنند و فقط سه مشخصهٔ دیگر را می‌آورند. در این صورت، نشانی کتابشناختی را **نشانی سه‌فیلدی** می‌نامند. مثلاً:

> آذرنگ، عبدالحسین، فرهنگ اصطلاحات دکومانتاسیون، ۱۳۵۹.

که غالباً این سه فیلد برای مشخص ساختنِ حداقلِ هویت کتاب کافی هستند. مثلاً در کتابخانه‌ها، برای یافتن کتاب به کمک کتابدار، دادن نشانی سه‌فیلدی کافی است. همچنین، اگر در نشانی کتابشناختی فیلد ناشر حذف شود، غالباً منجر به بروز ابهامی نمی‌شود زیرا

تقریباً هیچ کتابی وجود ندارد که مشخصات سه فیلدی مذکور را داشته باشد و در عین حال دارای دو ناشر متفاوت باشد.

نشانی کتابشناختی دوفیلدی.

گاهی فقط نام مؤلف و عنوان کتاب را می‌آورند، که در این صورت، نشانی کتابشناختی را نشانی دوفیلدی می‌نامند. مثلاً:

آذرنگ، عبدالحسین، فرهنگ اصطلاحات دکومانتاسیون.

که این نوع نشانی کتابشناختی، در یادداشتهای شخصی و گاهی نیز در داخل متن به کار برده می‌شود. نشانی دوفیلدی نیز گاهی برای اختصار، مفید و کافی است و حتی در کتابخانه نیز برای یافتن کتاب به کمک کتابدار به کار برده می‌شود. اما در مستندنویسی، بهتر است از صورت استاندارد چهارفیلدی بهره گرفته شود.

نشانی کتابشناختی یک‌فیلدی.

و گاهی نیز فقط نام مؤلف و یا فقط عنوان کتاب را می‌آورند، که در این صورت، نشانی کتابشناختی را نشانی تک‌فیلدی می‌نامند. این شیوه فقط در مورد کتابهای بسیار معروف و کاملاً شناخته‌شده کاربرد دارد. مثلاً کتاب فردوسی، و هملت؛ که روشن است که اولی به معنای شاهنامهٔ فردوسی، و دومی به معنای هملت شکسپیر است و هیچ ابهامی نیز پدید نمی‌آورند. نشانی تک‌فیلدی گاهی در گفتگو و نگارش به کار می‌رود.

نکته. در مورد قرآن مجید، کل نشانی کتابشناختی، فقط قرآن مجید است که در ضمن، مرسوم است که همواره با صفت مجید یا کریم همراه باشد، و نیز در فهرست نشانی کتابشناختی‌ها، درست در ابتدای فهرست، و نه در حرف «ق» آورده می‌شود. همچنین، برای تمایز با کتابهای دیگر، مرسوم است که به جای حروف ایرانیک، از حروف سیاه برای عنوان استفاده شود. البته ممکن است در نشانی کتابشناختی، اشاره به چاپ خاصی از قرآن مجید، و یا ترجمهٔ خاصی از آن لازم شود که در این صورت، کافی است چاپ یا ترجمه پس از عنوان قرآن مجید در پرانتز آورده شود.

نشانی کتابشناختی با چند مؤلف.

اگر کتاب دارای دو مؤلف باشد، نخست نام مؤلف اول به صورتِ:

نام خانوادگی، نام

و سپس نام مؤلف دوم به صورت عادی، و بدون کاما، یعنی:

نام نام خانوادگی

آورده می‌شود. به عنوان مثال:

احمدی، احمد و پرویز پرویزی

اگر کتاب دارای سه مؤلف باشد نام مؤلف سوم نیز مشابه مؤلف دوم اضافه می‌شود. اما اگر کتاب بیش از سه مؤلف داشته باشد، فقط نام مؤلف اول به همان صورت [نام خانوادگی، نام] آورده و پس از آن در فارسی عبارتِ:

و دیگران

و در انگلیسی عبارت:

et al

آورده می‌شود. مثلاً در:

احمدی، احمد، و دیگران

و یا در:

Williams, John, et al

۴.۳ . نشانی کتابشناختی مقاله

نشانی کتابشناختی مقاله، تقریباً مانند نشانی کتابشناختی کتاب، دارای ۵مشخصه یا ۵فیلد

است که با ترتیب معینی نشان داده می‌شود:

نام مؤلف، «عنوان مقاله»، عنوان نشریه، تاریخ و شمارهٔ نشریه، صفحات.

که معمولاً عنوان مقاله را در گیومه، و عنوان نشریه را با حروف ایرانیک یا ایتالیک نمایش می‌دهند؛ مثلاً نشانی کتابشناختیِ مقالهٔ فارسیِ فرضیِ:

پرویزی، پرویز، "تقویم‌نویسی در ایران باستان"، پیام تابستان، مهر ۱۳۷۷، صص ۲۰ـ۳۰.

و مقالهٔ انگلیسی فرضیِ:

Parvizi, Parviz, "Calendar Writing in Ansient Persia",
Summar Message, Mehr 1377, pp. 20-30.

نکته. نماد فارسی صص و انگلیسی *pp.*، معمولاً به دو معنا به کار می‌رود:

۱. از صفحهٔ ... تا صفحهٔ ...، مثلاً:

صص ۱۰ـ۲۰ یا pp. 10-20

به معنای از صفحهٔ ۱۰ تا صفحهٔ ۲۰ است.

۲. تعداد صفحات، مثلاً:

صص ۲۵۰ یا pp. 250

به معنای ۲۵۰صفحه است.

نکته. گیومهٔ فارسی عنوان ممکن است به صورت ' ' یا « » نیز به کار برده شود، که معمولاً تعیین آن بستگی به ویژگیهای متن و امکانات حروفچینی موجود دارد. در نشانی کتابشناختی پنج‌فیلدیِ مقاله می‌توان فیلدِ شمارهٔ صفحات [اختصاراً 'صص' یا 'صص'] را حذف کرد؛ در این صورت، نشانی کتابشناختی فارسی فوق‌الذکر چنین می‌شود:

پرویزی، پرویز، "تقویم‌نویسی در ایران باستان"، پیام تابستان، مهر ۱۳۷۷.

که یک نشانی کتابشناختی ۴فیلدی مقاله است و در بسیاری از موارد به جای نشانی کتابشناختی پنج‌فیلدی به کار می‌رود.

در نشانی کتابشناختی مقاله، گاهی، اما به ندرت، تاریخ نشر و عنوان نشریه را نیز حذف می‌کنند که نشانیهای سه‌فیلدی و دوفیلدی حاصل می‌شود. مثلاً:

پرویزی، پرویز، "تقویم‌نویسی در ایران باستان"، مهر ۱۳۷۷.

و:

پرویزی، پرویز، "تقویم‌نویسی در ایران باستان".

۵.۳. نشانی برچسب کتاب و نشریه

شمارهٔ «شابک» یا ISBN [شمارهٔ استاندارد بین‌المللی کتاب] کتاب نوعی برچسب [label] محسوب می‌شود که هویت یک کتاب را به طور کامل دربر دارد؛ اما چون حفظ کردن شماره و کار کردن با آن مشکل است، معمولاً از آن به عنوان نشانی کتابشناختی استفاده نمی‌شود. شابک یا ISBN معمولاً برای خریدن کتاب از طریق سفارش به کار می‌رود. به عبارت دیگر، شابک یا ISBN، موضوعی در نشر کتاب است و در مدرک‌شناسی کاربرد چندانی ندارد.

همین نوع برچسب در مورد نشریه و به طور کلی «پیایند» نیز وجود دارد که «شابپ» یا ISSN [شمارهٔ استاندارد بین‌المللی پیایند] نامیده می‌شود. هر عنوان پیایند [که شامل نشریه نیز می‌شود] دارای یک شمارهٔ بین‌المللی منحصر به فرد است.

«رمز کنگره» و یا «رمز دیوئی» نیز دو نوع برچسب کتاب هستند که می‌توانند هویت یک کتاب را مشخص کنند. اما این دو رمز فقط در داخل «کتابخانه» کاربرد دارند، و از آنها نمی‌توان به منظور ارجاع دادن در کتاب و مقاله و سخنرانی استفاده کرد. در ضمن، رمزبندی براساس کنگره‌ـدیوئی، موضوعی است در دانش کتابداری، که در مدرک‌شناسی کاربرد چندانی ندارد، هرچند، گاهی رمز کتابداری کتاب نیز در کتابنامه آورده می‌شود.

۶.۳. کتابشناسی و کتابنامه

در کتاب حاضر، واژهٔ فارسی کتابشناسی به معنای مشخصات کتابشناختیِ یک کتاب، یا

به طور کلی یک مدرک به کار برده شده است. به عبارت دیگر، هر نوع کتابنامه که فقط شامل یک مدخل باشد، در کتاب حاضر، کتابشناسی نامیده شده است، و در نتیجه، کتابنامه، مدرکی است که از مجموعه یا فهرستی از کتابشناسی‌ها تشکیل شده باشد. در انگلیسی، برای هردو واژه، یک واژهٔ *bibliography* به کار برده می‌شود.

از سوی دیگر، واژهٔ فارسی کتابشناسی، دربرابر انگلیسی *bibliography*، به معنای شاخه‌ای از دانش مدرک‌شناسی به کار رفته است که به مسئلهٔ تدوین نشانی کتابشناختی برای انواع مدرک می‌پردازد. به عبارت دیگر، کتابشناسی، یکی از سه شاخهٔ دانش مدرک‌شناسی است. [دو شاخهٔ دیگر رده‌بندی مدرک، و نمایه‌سازی هستند.] بنابر این، در کتاب حاضر، *bibliography* به سه معنای زیر به کار رفته است:

- کتابشناسی، که مشخصات کتابشناختی «یک» مدرک است؛
- کتابنامه، که فهرستی از مشخصات کتابشناختی مدرک‌ها است؛
- کتابشناسی، که شاخه‌ای از دانش مدرک‌شناسی است.

در برخی از متون معتبر فارسی، دو واژهٔ کتابشناسی و کتابنامه را، همانند زبان انگلیسی، به یک معنا به کار می‌برند.

۷.۳. انواع کتابنامه

کتابنامه‌ها، از نظر مقدار اطلاعاتی که به ازای هر مدخل می‌دهند، به چهار نوع تقسیم می‌شوند:

۱. کتابنامهٔ ساده،
۲. کتابنامهٔ توصیفی،
۳. کتابنامهٔ یادداشت‌دار، یا کتابنامهٔ توضیحی،
۴. کتابنامهٔ نقدوبررسی کتاب.

۱.۷.۳. کتابنامهٔ ساده

کتابنامهٔ ساده [naive bibliography]، هرنوع کتابنامه است که که هر مدخل آن، فقط حاوی نشانی کتابشناختی است. در بیشتر کتابها، فهرست منابع را که در انتهای کتاب می‌آید، به صورت کتابنامهٔ ساده تدوین می‌کنند. مثلاً پیوست کتاب حاضر حاوی دو کتابنامهٔ ساده است که قسمت فارسی آن از ۱۰ مدخل، و قسمت لاتین آن از ۲۰ مدخل

تشکیل می‌گردد.

مثال ۱.

یک نمونه از مدخلهای یک کتابنامهٔ سادهٔ فارسی فرضی چنین است:

شکیبا، پروین، شعر فارسی از آغاز تا امروز، هیرمند، ۱۳۷۰.

و یک نمونه از مدخلهای یک کتابنامهٔ سادهٔ لاتین چنین است:

Deitel, H. M., *An Introduction to Operating Systems,* Addison-Wesley, 1984.

نکته. مراد از واژهٔ لاتین، زبانهایی است که دارای خط لاتین هستند: مثلاً انگلیسی، فرانسه، آلمانی، و غیره.

۳.۷.۲. کتابنامهٔ توصیفی

کتابنامهٔ توصیفی [descriptive bibliography]، نوعی کتابنامه است که هر مدخل آن علاوه‌بر نشانی کتابشناختی، حاوی یک توصیف کلی و غیرانتقادی از یک کتاب [مدرک] است، که شرح جامعی دربارهٔ موضوع و محتوای کتاب به دست می‌دهد: مثلاً فهرست مطالب، شرح موضوع کلی و شرح موضوع هر فصل، و اطلاعات دیگری همچون تعداد صفحات کتاب و مشخصات مؤلف؛ در مورد داستان، معمولاً یک «چکیده» از کل داستان را به عنوان توصیف آن می‌آورند. ویژگی مهم این نوع کتابنامه این است که به طور غیرانتقادی، و در صورت لزوم با «رواداشت» [tolerance]، نوشته می‌شود. هر مدخل از این نوع کتابنامه معمولاً در چندسطر تا چند‌ـ‌ده‌سطر ارائه می‌شود.

مثال ۲.

کوئِر، الینور، ساداکو و هزار درنای کاغذی [ترجمهٔ مریم پیشگاه]، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۹.

ساداکو، دختر نوجوان ژاپنی، که عضو تیم دوی مدرسه‌شان است، بر اثر تشعشعات باقی‌مانده از بمباران اتمی هیروشیما، ۹ سال پس از بمباران، به سرطان خون دچار می‌شود و در بیمارستان بستری می‌گردد. دوست او، چی‌زوکو، وقتی به دیدن وی به بیمارستان می‌آید، یک قیچی و مقدار زیادی کاغذ طلایی‌رنگ به او هدیه می‌دهد تا

وقتش را با ساختن درناهای کاغذی طلایی که نماد جاودانگی و بهروزی هم هستند، بگذراند: براساس یک داستان قدیمی ژاپنی اگر بیماری، یک‌هزار درنای کاغذی بسازد، خداوند آرزویش را برآورده می‌سازد و او را شفا می‌دهد. پس از ساختن بیش از پانصد درنا، کم‌کم، حال ساداکو، رو به بهبود می‌رود و اجازه می‌یابد برای شب عید به خانه برگردد. اما پس از یک هفته، مجدداً حالش رو به وخامت می‌گذارد و پس از ساختن ششصدوچهل‌وچهارمین درنای کاغذی که آخرین درنا هم هست، و در حالی که به سقف اتاق بیمارستان خیره شده است و به درناهای طلایی که انگار با وزش باد، پرواز می‌کنند، نگاه می‌کند، با آرزوهای برآورده‌نشده‌اش، از دنیا می‌رود...

مثال ۳.

گُردِر، یوستین، دنیای سوفی: داستانی دربارهٔ تاریخ فلسفه [ترجمهٔ حسن کامشاد]، نیلوفر، ۱۳۷۴.

یک دختر نروژی، به نام سوفی آموندسن، روزی در صندوق پستی منزلشان، نامه‌ای به نام خود می‌یابد که در آن فقط یک جمله نوشته شده است: تو کیستی؟ این جمله، سوفی را وامی‌دارد تا به تفکر دربارهٔ خود و جهان اطرافش بپردازد. وی، به تدریج نامه‌های بیشتری دریافت می‌کند که در آنها، راههای نزدیک شدن به فلسفه و ادراک فلسفی و نیز بسیاری پرسشها و پاسخهای فلسفی، به زبان ساده مطرح شده‌اند. در این میان وی، طی حوادثی شگفت‌انگیز، با مردی به نام آلبرتو کناکس آشنا می‌شود. این مرد، در واقع، نویسندهٔ آن نامه‌ها و استاد و رهبر سوفی در یاد گرفتن فلسفه است. آلبرتو، طی ماجراها و با شیوه‌های عجیب، سوفی را به یونان باستان می‌برد، او را با فلاسفهٔ دنیای کهن آشنا میکند. و نیز دربارهٔ فلسفه در قرون وسطا و رنسانس، چیزهایی به او می‌آموزد. سپس به آشنا کردن او با افکار و عقاید فلاسفهٔ معاصر همچون دکارت، اسپینوزا، لاک، هیوم، بارکلی، کانت، و مارکس می‌پردازد. در نهایت، سوفی به ادراک تازه و عمیقی از خود، جهان، و اطرافیانش دست می‌یابد.

مثال ۴.

Bartee, Thomas C., *Digital Computer Fundamentals, 6th ed.*, McGraw-Hill, 1985.

[بارتی، توماس، اصول کامپیوترهای رقمی، ویرایش ششم، مک‌گروهیل، ۱۹۸۵.]
کتاب درسی اساسی سخت‌افزار کامپیوتر که هریک از واحدها و اجزای کامپیوتر را در فصل مستقل تشریح کرده است. چهار فصل اول کتاب به جبر بولی و مدارهای منطقی ترکیبی و ترتیبی پرداخته است و سپس، ALU، حافظه، دستگاههای ورودی/خروجی، گذرگاهها و مدارهای واسط، و واحد کنترل در فصلهای مستقل و در پایان، سازمان کامپیوتر، شامل روشهای نشانی‌دهی، و ساختمان و اسمبلی 8080 و 6800 و PDP-11 و 8086 و 68000 تشریح شده‌اند. هر فصل دارای سؤالهای دقیقاً ـطرح‌شده‌ای‌است که مکمِل درسها هستند. کتاب را می‌توان به عنوان کتاب کمک‌درسی یا برای آشنایی با درسهای مدار منطقی و سازمان کامپیوتر و ریزپردازنده به کار گرفت.

«چکیده‌نامه» را نیز می‌توان نوعی کتابنامه به شمار آورد که به طور کلی، مقدار یا حجم توصیف آن بیش از یک کتابنامهٔ معمولی است. تفاوت بین این دو، بستگی به تفاوت در شیوه‌نامه و روش‌شناسی هریک دارد.

۳.۷.۳. کتابنامهٔ یادداشت‌دار، یا کتابنامهٔ توضیحی

کتابنامهٔ یادداشت‌دار [annotated bibliography]، یکی دیگر از چهار نوع اصلی کتابنامه است که هر مدخل آن علاوه‌بر نشانی کتابشناختی، شامل یک توضیح دلخواه، غیر از توصیف، نیز هست؛ مثلاً ۴ یا ۵فیلد اصلیِ نشانی کتابشناختی، به‌علاوهٔ تعداد صفحات، تیراژ، قیمت، و توضیح مختصری دربارهٔ کاربرد، محتوا، و ارزش و اهمیت کتاب، که حاوی توضیحات و نقطه‌نظر شخصی نویسندهٔ کتابنامه است.

گاهی این نوع کتابنامه را انتقادی می‌نامند، زیرا بی‌طرفانه نوشته نمی‌شود و ممکن است نویسندهٔ کتابنامه، فقط به جنبه‌های خاصی از منابع توجه نشان داده باشد. از سوی دیگر، کتابنامه ممکن است حاوی نکات خاصی باشد که برای مجموعه‌ای از مخاطبان مفید واقع گردد. به عنوان مثال، شرحی که یک مدرس دربارهٔ چند کتاب درسی برای دانشجویان خود می‌نویسد و به جنبه‌های معینی از مفاهیم موجود در منابع توجه دارد، برای

دانشجویان وی مفیدتر از یک کتابنامهٔ توصیفی دقیق و اصولی است.

همچنین، هر نوع کتابنامه را که نشانی کتابشناختی آن درست و دقیق باشد، اما بقیهٔ اطلاعات آن هیچ نظمی نداشته باشد، می‌توان نوعی کتابنامهٔ یادداشت‌دار به حساب آورد.

مثال ۵.

Bartee, Thomas C., *Digital Computer Fundamentals,*

6th ed., McGraw-Hill, 1985.

[بارتی، توماس، اصول کامپیوترهای رقمی، ویرایش ششم، مک‌گروهیل، ۱۹۸۵.]

یکی از کتابهای بسیار معتبر در زمینهٔ سخت‌افزار کامپیوتر که می‌توان آن را به عنوان کتاب‌درسی مناسب برای درس ۳واحدی مبانی کامپیوتر به کار گرفت. توماس بارتی، یکی از استادان سرشناس دانشگاه هاروارد، و یکی از مؤلفان معروف کتابهای مبانی کامپیوتر است.

در این کتاب، هریک از واحدها و اجزای کامپیوتر در فصل مستقلی تشریح شده است. همچنین، هر فصل دارای سؤالهای دقیقاً‌ـطرح‌شده‌ای است که مکمل درسها هستند. مطالعهٔ کتاب می‌تواند برای همهٔ دانشجویان و علاقمندان دانش کامپیوتر مفید واقع شود.

در کتابنامهٔ فوق، یک توضیح به نشانی کتابشناختی اضافه شده است که تقریباً فقط نظر شخصی نویسندهٔ آن را نشان می‌دهد و ممکن است درست یا نادرست باشد. نکته. چون کتابنامهٔ فوق فقط از یک مدخل تشکیل شده است، آن را می‌توان کتابشناسی نیز نامید.

مثال ۶.

Bartee, Thomas C., *Digital Computer Fundamentals, 6th ed.*,

McGraw-Hill, 1985; 610 pp., 14x24 cm, 28 $.

[بارتی، توماس، اصول کامپیوترهای رقمی، ویرایش ششم،

مک‌گروهیل، ۱۹۸۵؛ ۶۱۰صص.، وزیری، ۲۸دلار.]

در کتابشناسی یا کتابنامهٔ فوق، که نخست به انگلیسی و سپس ترجمهٔ آن به فارسی نوشته شده است، هر مدخل، دارای ۳فیلد اضافیِ تعداد صفحات، قطع، و قیمت است، و همین سه

فیلد، آن را به کتابنامهٔ یادداشت‌دار تبدیل کرده است.

مثال ۷.

در این مثال، ۵ نشانی کتابشناختی همراه با یک توضیح غیرتوصیفی برای هریک نشان داده شده است که در مجموع، یک کتابنامهٔ یادداشت‌دار ۵مدخلی را تشکیل می‌دهند. نشانی کتابشناختی هر مدخل، به انگلیسی، و یادداشت مربوط به آن به فارسی است.

Connor, F. R., *Modulation, 2nd ed.*, Edward Arnold, 1982.

کتاب کمک‌درسی مدولاسیون به زبان ساده، با مثالهای فراوان، حاوی رده‌بندی نسبتاً جامعی از انواع مدولاسیون. بیشتر برای دوره‌های کاردانی مناسب است.

Deitel, H. M., *An Introduction to Operating Systems*, Addison-Wesley, 1984.

کتاب درسی اساسی سیستم‌عامل، که مفاهیم را به صورت کلی، و نیز در قالب چند OS نوعی بیان کرده است. برای دوره‌های کارشناسی کامپیوتر مناسب است.

Grob, B., *Basic Television and Video Systems, 5th ed.*, McGraw-Hill, 1984.

کتاب درسی اساسی تلویزیون و ویدئو با نثر ساده و روان و فصل‌بندی مناسب. این کتاب معروفترین متن درسی ساختمان و مدارهای تلویزیون محسوب می‌شود که احتمالاً به فارسی نیز ترجمه شده است.

McGraw-Hill, *Encyclopedia of Science & Technology, 6th ed.*
[Edited by Sybil P. Parker], McGraw-Hill, 1987.

دانشنامهٔ مرجع اساسی برای کلیهٔ رشته‌های علمی و فنی، در ۲۰ جلد، حاوی ۷۷۰۰ مقاله، در ۱۳۵۰۰ صفحه، با صفحه‌آرایی دورنگ و طرحهای فنی دستی. نمایه‌نامهٔ مفصل آن دسترسی به حدود ۱۵۰هزار کلیدواژه را ممکن می‌سازد. این دانشنامه حدود ۱۰۰ رشتهٔ علمی و فنی را می‌پوشاند. این دانشنامه بزرگترین و معتبرترین دانشنامهٔ علمی و فنی عصر حاضر محسوب می‌شود که در تدوین آن، حدود ۳۵۰۰ تن از سرشناسترین مؤلفان و دانشمندان، شامل ۲۰ برندهٔ جایزهٔ نوبل، شرکت داشته‌اند. نسخهٔ CD-ROM آن نیز منتشر شده است که برای پژوهشگران، کاربرد فراوان دارد.

McKenny, Egerton, "Novel Q-meter", *Electronics and Wireless World*, October 1986, pp. 38-39.

مقالهٔ بسیار جالبی که روشی ابتکاری برای اندازه‌گیری ضریب کیفیت معرفی می‌کند. دو مداری که مؤلف مقاله طراحی و تحلیل کرده است، از یک مدار سادهٔ ترانزیستوری و یک شمارشگر بسامد تشکیل می‌گردد. نکتهٔ جالب دیگر این است که مفهوم اساسی ضریب کیفیت و مدار متعارف کیوسنج نیز در یک کادر نیم‌صفحه‌ای به مقاله پیوست شده است. مطالعهٔ این مقاله به همهٔ دانشجویان الکترونیک توصیه می‌شود.

نکته. مثالهای فوق، از یک کتابنامهٔ یادداشت‌دار واقعی، که شامل ۲۱۰ مدخل بوده است، استخراج شده‌اند [منبع: واژه‌نامهٔ جامع مهندسی برق، ۱۳۷۵].

۴.۷.۳. کتابنامهٔ نقدوبررسی کتاب

کتابنامهٔ نقدوبررسی کتاب [book-review bibliography]، یا کتابنامهٔ معرفی کتاب، نوعی کتابنامه است که هر مدخل از آن یک «نقدوبررسی» یا یک «نقد» است: به عبارت دیگر، هر نوع مطلب، شامل مقاله، نقدونظر، یادداشت، و غیره است که یک یا چند کتاب را به طور انتقادی معرفی می‌کند. تفاوت این نوع کتابنامه با کتابنامهٔ توصیفی این است که کتابنامهٔ نقدوبررسی حاوی شرح و توصیف هست اما چون به صورت انتقادی انجام می‌شود، می‌تواند دارای گرایش و نظرشخصی و پیش‌ـنگرش هم باشد، در حالی که کتابنامهٔ توصیفی فقط از توصیف محض و بدون گرایش و نظرشخصی تشکیل می‌گردد.

حجم هر مدخل کتابنامهٔ نقدوبررسی، متغیر است و بستگی به سیاستها و روش و نگرش آن دارد؛ مثلاً ممکن است در حدود چندسطر یا چندـده سطر و یا به اندازهٔ یک مقالهٔ کامل چندـصدسطری باشد.

مثال ۸.

بارتی، توماس، اصول کامپیوترهای رقمی، ویرایش ششم، مک‌گروهیل، ۱۹۸۵؛ وزیری، ۶۱۰ص.

کتاب درسی اساسی سخت‌افزار کامپیوتر که هر یک از واحدها و اجزای کامپیوتر

را در فصل مستقل تشریح کرده است. چهار فصل اول کتاب به جبر بولی و مدارهای منطقی ترکیبی و ترتیبی پرداخته است و سپس، ALU، حافظه، دستگاههای ورودی/خروجی، گذرگاهها و مدارهای واسط، و واحد کنترل در فصلهای مستقل و در پایان، سازمان کامپیوتر، شامل روشهای نشانی‌دهی، و ساختمان و اسمبلی 8080 و 6800 و PDP-11 و 8086 و 68000 تشریح شده‌اند. هر فصل دارای سؤالهای دقیقاً_طرح‌شده‌ای است که مکمل درسها هستند.

نثر کتاب ساده و روان، و صفحه‌آرایی آن نیز بسیار بی‌نقص و هنرمندانه است. به ویژه چاپ دورنگ آن، نمایش نمودارهای مدارها و اجزای واحدهای کامپیوتر را ساده و جذاب ساخته است.

این کتاب، یکی از کتابهای بسیار معتبر در زمینهٔ سخت‌افزار کامپیوتر محسوب می‌شود که می‌توان آن را به عنوان کتاب‌درسی مناسب برای درس ۳واحدی مبانی کامپیوتر به کار گرفت. همچنین، کتاب را می‌توان به عنوان کتاب کمک‌درسی یا برای آشنایی با درسهای مدار منطقی و سازمان کامپیوتر و ریزپردازنده به کار گرفت.

شاید تنها نقص یا اشکالی که بتوان در کتاب یافت این باشد که مبحث رمزبندی را به طور جامع و روشن ارائه نکرده و فصل مستقلی را بدان اختصاص نداده است. همچنین رده‌بندیهای فصل ۶ در مورد حافظهٔ کامپیوتر ناقص است.

البته هر مدخل از کتابنامهٔ نقدوبررسی، می‌تواند مفصلتر از مثال فوق باشد. اما معمولاً حجم یک مدخل از چنین کتابنامه‌ای کمتر از یک «نقد»، و حدود نیم تا یک صفحه است.

۸.۳. ترتیب‌بندی مدخلهای کتابنامه

با توجه به ترتیب اجزای اطلاعات کتابشناختی، این نکته را می‌توان دریافت که محل ورود یا مدخل یا سرمدخلِ هر فقره از اطلاعات کتابشناختی، نام مؤلف است. بنابر این، اگر کتابنامه دارای تعداد زیادی مدخل باشد، مدخلها را می‌توان برحسب نام مؤلف، الفبایی کرد تا بازیابی هر مدخل به سهولت ممکن گردد.

تجربه نشان داده که نوشتن مدخل کتابشناختی به شیوهٔ فوق کارآمدتر از شیوه‌های دیگر است. با این حال شیوه‌های دیگری نیز در ترتیب اجزای نشانی کتابشناختی وجود

دارد، که به ویژه، یکی نشانی کتابشناختی برحسب عنوان، و دیگری، نشانی کتابشناختی برحسب تاریخ انتشار است.

به تعبیر دیگر، کتابنامه نوعی «فهرست» محسوب می‌شود که آن را برحسب نحوهٔ ترتیب‌بندی مدخلها به ۵نوع تقسیم می‌کنند:

۱. کتابنامهٔ عنوانی،
۲. کتابنامهٔ موضوعی،
۳. کتابنامهٔ مؤلفان،
۴. کتابنامهٔ مؤلف،
۵. کتابنامهٔ تاریخی.

۱.۸.۳. کتابنامهٔ عنوانی

کتابنامهٔ عنوانی [titular bibliography]، نوعی کتابنامه است که در آن، فهرست کتابها براساس «عنوان» مرتب یا الفبایی می‌شوند. به عبارت دیگر، ساختار نشانی کتابشناختی در این نوع کتابنامه چنین است:

عنوان، نام مؤلف، ناشر، سال انتشار

نکتهٔ مهم در ساختار فوق این است که نام مؤلف، برخلاف شکل استاندارد کتابنامه، به صورت:

نام خانوادگی، نام

نوشته نمی‌شود و به صورت عادی و بدون کاما نوشته می‌شود؛ یعنی:

نام نام خانوادگی

در مثال زیر، این نکته نیز قابل‌توجه است.

مثال ۹.

کتابنامهٔ زیر، ۷ مدخل از یک کتابنامه را نشان می‌دهد، که برحسب عنوان، الفبایی شده‌اند:

از زبان‌شناسی به ادبیات، کورش صفوی، نشر چشمه، ۱۳۷۳.
جاودانگان، رضا جولایی، نشر البرز، ۱۳۷۶.
دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا، ۱۳۶۹.
شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
فرهنگ اصطلاحات انگلیسی_فارسی، محمدتقی فرامرزی، نشر یاسمن، ۱۳۷۵.
مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.
واژه‌نامهٔ کامپیوتر، محمدرضا محمدی‌فر، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.

نکته. مدخلهای کتابنامهٔ فوق، به ترتیب با حروف الف، ج، د، ش، ف، م، و، شروع می‌شوند. در یک کتابنامه با تعداد مدخلهای بیشتر، ممکن است مرتب کردن برحسب حرف دوم و بعد از آن نیز ضروری گردد. مثلاً اگر یک عنوان شعر امروز، و عنوان دیگر شاعران فرداباشد، ترتیب آنها در میان مدخلها چنین می‌شود:

شاعران فردا، . . . . .
شعر امروز، . . . . .

فهرست کتابنامهٔ عنوانی، معمولاً به یکی از ۲ شیوهٔ زیر تنظیم می‌شود:

عنوان_مؤلف_ناشر_سال

عنوان_سال_مؤلف_ناشر

که کتابنامهٔ مثال ۹، با شیوهٔ 'عنوان_مؤلف_ناشر_سال' تنظیم شده است.

مثال ۱۰.

کتابنامهٔ زیر، ۱ مدخل از کتابنامهٔ مثال ۹ را نشان می‌دهد که با شیوهٔ:

عنوان_سال_مؤلف_ناشر

تنظیم شده است:

از زبان‌شناسی به ادبیات، ۱۳۷۳، کورش صفوی، چشمه.

۲.۸.۳. کتابنامهٔ موضوعی

کتابنامهٔ موضوعی [subject bibliography]، کتابنامه‌ای است که مدخلهای آن براساس «موضوع» مرتب و الفبایی شده‌اند.

به طور کلی، کتابنامهٔ موضوعی، بر دو نوع است:

۱. نوعی کتابنامه که دربارهٔ یک موضوع معین تدوین می‌شود. مثلاً کتابنامهٔ صنایع دستی ایران که فقط دربارهٔ صنایع دستی ایران است و فهرست آن به شیوهٔ کتابنامهٔ مؤلفی مرتب شده است؛

۲. نوعی کتابنامه که موضوعات مختلف را می‌پوشاند، اما در آن، سرمدخل، موضوعِ کتاب است، و فهرست کتابها براساس موضوع مرتب می‌شود. به عبارت دیگر، در یک فهرستِ کتابنامهٔ موضوعی، اولین فیلد هر مدخل، موضوع است و پس از آن نشانی کتابشناختی کامل می‌آید. بنابر این، کتابنامه‌نویس، پیش از ترتیب‌بندی، باید به هر عنوان، یک موضوع مناسب نسبت بدهد و موضوع را به ابتدای هر مدخل کتابشناختی بیفزاید. مثلاً یک کتابنامه علمی متشکل از ۱۰۰۰مدخل، ممکن است دارای ۵۰۰موضوع باشد، که به طور متوسط هر دو کتاب یک موضوع یکسان داشته باشد. در این صورت، کتابنامه، برحسب این ۵۰۰موضوع ترتیب‌بندی می‌شود.

مثال ۱۱.

کتابنامهٔ زیر، ۷ مدخل از یک کتابنامهٔ موضوعی را نشان می‌دهد، که موضوع کل آنها ادبیات است.

ادبیات

از زبان‌شناسی به ادبیات، کورش صفوی، نشر چشمه، ۱۳۷۳.
جاودانگان، رضا جولایی، نشر البرز، ۱۳۷۶.
ذهن و زبان حافظ، بهاءالدین خرمشاهی، نشر نو، ۱۳۶۱.
راهنمای نگارش و ویرایش، محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
شیوهٔ تحلیل رمان، جان پک، ترجمهٔ احمد صدارتی، نشر مرکز، ۱۳۶۶.
نویسندگان پیشرو ایران، محمدعلی سپانلو، نشر نگاه، ۱۳۷۱.

در مثال فوق، موضوع کلیهٔ مدخلها، ادبیات است و نیازی نیست که موضوع، در هر مدخل تکرار شود: کافی است در بالای فهرست، یا عنوانِ روی جلدِ کتابنامه، موضوع ذکر شود.

مثال ۱۲.

کتابنامهٔ زیر، ۱۰ مدخل از یک کتابنامهٔ موضوعی را نشان می‌دهد، که موضوع هر مدخل آن، در ابتدای مدخل آمده است.

آهنگ‌سازی: مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.
ادبیات: از زبان‌شناسی به ادبیات، کورش صفوی، نشر چشمه، ۱۳۷۳.
ادبیات: شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
تاریخ شعر: شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
تکنولوژی، دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا، ۱۳۶۹.
رمان: جاودانگان، رضا جولایی، نشر البرز، ۱۳۷۶.
زبان انگلیسی: فرهنگ اصطلاحات انگلیسی ـ فارسی، محمدتقی فرامرزی، نشر یاسمن، ۱۳۷۵.
زبان‌شناسی: از زبان‌شناسی به ادبیات، کورش صفوی، نشر چشمه، ۱۳۷۳.
شعر: شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
موسیقی: مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.

در مثال فوق، موضوع هر مدخل، در ابتدای آن آمده است و کل مدخلها برحسب فیلد نخست، یعنی موضوع، الفبایی شده‌اند. از سوی دیگر، برخی از مدخلها دارای دو یا چند موضوع هستند. مثلاً نشانی کتابشناختیِ:

شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.

دارای سه موضوعِ ادبیات، تاریخ شعر، و شعر است که در سه مدخل تکرار شده‌اند.

تعیین موضوع برای یک کتابنامه، روشهای مخصوصی دارد که در مبحث «نمایه‌سازی» مطرح می‌گردد.

در کتابنامهٔ موضوعی، سرمدخل، علاوه‌بر عنوان، می‌تواند **مؤلف**، و یا **سال** نیز باشد. کتابنامه‌های دو مثال ۱۱ و ۱۲ با شیوهٔ عنوان_مؤلف_ناشر_سال تنظیم شده‌اند.

۳.۸.۳. کتابنامهٔ مؤلفان

کتابنامهٔ مؤلفان [author bibliography ،authors bibliography]، یا **کتابنامهٔ مؤلفی**، نوعی کتابنامه است که در آن، سرمدخل، نام **مؤلف** است، و فهرست کتابها براساس نام مؤلف مرتب می‌شود. به عبارت دیگر، در یک فهرستِ کتابنامه، نشانی کتابشناختیِ یک یا چند کتاب را ذیل هر مؤلف می‌آورند. اغلب کتابنامه‌ها بدین شیوه مرتب می‌شوند.

مثال ۱۳.

کتابنامهٔ زیر، ۷ مدخل از یک کتابنامهٔ مؤلفان را نشان می‌دهد، که برحسب مؤلف مرتب شده‌اند.

آذرنگ، عبدالحسین، دربارهٔ تکنولوژی، نشر دریا، ۱۳۶۹.
جولایی، رضا، جاودانگان، نشر البرز، ۱۳۷۶.
شکیبا، پروین، شعر فارسی از آغاز تا امروز، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
صفوی، کورش، از زبان‌شناسی به ادبیات، نشر چشمه، ۱۳۷۳.
فرامرزی، محمدتقی، فرهنگ اصطلاحات انگلیسی_فارسی، نشر یاسمن، ۱۳۷۵.
کمال پورتراب، مصطفی، مبانی آهنگسازی، نشر چشمه، ۱۳۷۴.
محمدی‌فر، محمدرضا، واژه‌نامهٔ کامپیوتر، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.

شیوهٔ متداول در تنظیم کتابنامه، ترتیب 'مؤلف_عنوان_ناشر_سال' است؛ اما گاهی _به ویژه در منابعی که متن آنها به شیوهٔ «مستندنویسی» تدوین شده است_ از ترتیب 'مؤلف_سال_عنوان_ناشر' استفاده می‌شود، مثلاً در مدخلِ کتابشناختیِ زیر:

کمال پورتراب، مصطفی، ۱۳۷۴، مبانی آهنگسازی، نشر چشمه.

که این ترتیب، به سرعتِ یافتنِ منبع استنادها کمک می‌کند. در این شیوه، ممکن است تاریخ در داخل پرانتز نیز آورده شود.

نکته. اگر در فهرست کتابنامه، دو یا چند کتاب به یک مؤلف مربوط باشند، به جایِ فیلد مؤلفِ مدخلهای مکرر [دوم به بعد]، فقط یک خط فاصله به اندازهٔ طولیِ سه خط تیرهٔ معمولی می‌گذارند، مثلاً در:

آذرنگ، عبدالحسین، دربارهٔ تکنولوژی، نشر دریا، ۱۳۶۹.
---، فرهنگ اصطلاحات دکومانتاسیون، مرکز مدارک علمی، ۱۳۵۹.

۴.۸.۳. کتابنامهٔ مؤلف

کتابنامهٔ مؤلف [author bibliography]، نوعی کتابنامه است که در آن، فقط فهرست آثار 'یک مؤلف' داده می‌شود. در این صورت، فهرست کتابها براساس عنوان، یا براساس تاریخ نشر مرتب می‌شوند، و نیازی به آوردن نام مؤلف در مدخلها نیست. به عبارت دیگر، هر مدخل از این نوع کتابنامه ممکن است دارای قالب 'عنوان_ناشر_تاریخ'، یا 'تاریخ_عنوان_ناشر' باشد، که می‌تواند شامل محل انتشار نیز باشد. این نوع کتابنامه به ویژه برای مؤلفان مشهور تدوین می‌شود.

در کتابنامهٔ مؤلف، کافی است نام مؤلف در بالای صفحه، در صفحه_عنوان، و یا به هر صورت دیگر، در ابتدای فهرست آورده شود.

۵.۸.۳. کتابنامهٔ تاریخی

کتابنامهٔ تاریخی [date bibliography ،chronological bibliography]، یا کتابنامهٔ گاهشمارشی یا کتابنامهٔ زمانی، نوعی کتابنامه است که در آن، فهرست کتابها براساس «تاریخ انتشار» مرتب می‌شوند.

نکته. در اینجا، واژهٔ تاریخی، به معنای مبتنی بر سال یا تاریخ انتشار است.

مثال ۱۴.

کتابنامهٔ زیر، ۷ مدخل از یک کتابنامهٔ تاریخی را نشان می‌دهد، که براساس سال انتشار مرتب یا الفبایی شده‌اند:

۱۳۷۶، جاودانگان، رضا جولایی، نشر البرز.

۱۳۷۵، فرهنگ اصطلاحات انگلیسی_فارسی، محمدتقی فرامرزی، نشر یاسمن.

۱۳۷۴، مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه.

۱۳۷۳، از زبان‌شناسی به ادبیات، کورش صفوی، نشر چشمه.

۱۳۷۱، واژه‌نامهٔ کامپیوتر، محمدرضا محمدی‌فر، نشر فرهنگ معاصر.

۱۳۷۰، شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند.

۱۳۶۹، دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا.

ترتیب تاریخها در مثال فوق، از جدید به قدیم است. اما ترتیب می‌تواند برعکس، از قدیم به جدید نیز باشد.

در این نوع کتابنامه، فهرست، به یکی از دو شیوهٔ:

تاریخ_مؤلف_عنوان_ناشر

تاریخ_عنوان_مؤلف_ناشر

تنظیم می‌شود.

۹.۳. انواع کتابنامه براساس مدرک

کتابنامه را براساس نوع مدرک نیز می‌توان تعریف و رده‌بندی کرد. مثالهای بخشهای پیشین، نمونه‌هایی از کتابنامهٔ کتاب را نشان می‌دادند.

معمولاً هر مدرک دارای مشخصاتی است که هویت آن را تعیین می‌کند، و مجموعهٔ این مشخصات را می‌توان به صورتی شبیه به نشانی کتابشناختی کتاب نوشت. بنابر این، علاوه‌بر کتاب، هر نوع مدرک دیگر نیز می‌تواند دارای کتابنامهٔ مخصوص به خود باشد.

۱.۹.۳ . کتابنامهٔ برنامه‌های تلویزیونی

کتابنامهٔ برنامهٔ تلویزیونی [television program bibliography]، براساس مشخصات برنامه‌های تلویزیونی تلویزیونی تنظیم می‌شود که فیلدهای کلی آن عبارت‌اند از:

نام رسانه، عنوان برنامه، تیتر برنامه، تاریخ، ساعت.

مثال ۱۵.

کتابنامهٔ برنامهٔ تلویزیونی زیر از دو برنامهٔ فرضی تشکیل می‌شود:

تلویزیون مادرید، راز بقا، «زندگی یوزپلنگ»، ۲۰فوریهٔ ۱۹۹۶، ۴:۰۰ تا ۴:۳۰بعدازظهر.
تلویزیون مارسی، فیلم سینمایی، «دیوید کاپرفیلد»، ۱۰ژانویهٔ ۱۹۹۸، ۱۰:۰۰ تا ۱۱:۳۰بامداد.

۲.۹.۳ . کتابنامهٔ برنامه‌های رادیویی

کتابنامهٔ برنامهٔ رادیویی [radio program bibliography]، براساس مشخصات برنامه‌های رادیویی تنظیم می‌شود که فیلدهای کلی آن مانند کتابنامهٔ برنامه‌های تلویزیونی است.

۳.۹.۳ . کتابنامهٔ عکس

کتابنامهٔ عکس [photograph bibliography]، کتابنامه‌ای است که مشخصات کتابشناختی یک یا چند «عکس»، «آلبوم»، یا مجموعه‌ـعکس را ارائه می‌دهد. معمولاً متشکل است از فیلدهایی چون نام عکاس، عنوان عکس، مکان، و تاریخ. مثلاً:

هالسمن، فیلیپ، آلبرت اینشتین، نیوجرسی، ۱۹۴۷.

[که حاوی یک عکس پرتره از آلبرت اینشتین است.] گاهی مشخصات دیگری نیز به نشانی کتابشناختی عکس می‌افزایند؛ مثلاً فیلدهایی چون قطع، لنز، سرعت، دیافراگم، و نوع فیلم.

۴.۹.۳ . کتابنامهٔ فیلم

کتابنامهٔ فیلم یا فیلم‌شناسی [film bibliography]، کتابنامه‌ای است که هر مدخل آن، از فیلدهایی تشکیل می‌شود که در مجموع، هویت فیلم را نشان می‌دهند. به عنوان مثال، یک قالب کلی برای کتابنامهٔ فیلم چنین است:

عنوان فیلم، نام شخص یا مؤسسهٔ تهیه‌کننده، تاریخ.

که معمولاً فیلد عنوان را ایرانیک یا ایتالیک تحریر می‌کنند.

ممکن است هر فیلد دیگری نیز به قالب فوق اضافه شود، مشروط بر آن‌که به نحوی، نوع فیلد مشخص گردد؛ مثلاً:

کامرون، جیمز، کارگردان، تایتانیک، ۱۹۹۸.

یا نمونهٔ کاملترِ دیگر:

تارخ، امین، بازیگر، شقایق، ۱۳۷۰، رنگی، ۳۵میلی‌متری.

که هریک از آنها نمونه‌ای از مدخلهای یک کتابنامهٔ فیلم است و می‌تواند از هر نوع [ساده، توصیفی، یادداشت‌دار، نقدوبررسی] باشد. اگر کتابنامهٔ فیلم مخصوص یک شخص باشد، کافی است فقط نام و نقش شخص در عنوان کتابنامهٔ فیلم بیاید و دیگر در مدخلها تکرار نشود: مثلاً برای نوشتن یک کتابنامهٔ فیلم متعلق به 'امین تارخ' کافی است عنوان کتابنامهٔ فیلم [در بالای مقاله یا پانوشت و غیره] چنین انتخاب شود:

کتابنامهٔ فیلم امین تارخ [بازیگر]

و سپس در مدخلهای کتابنامهٔ فیلم فقط عنوان فیلم و بقیهٔ مشخصات، بدون نام امین تارخ، آورده شود.

نکته. واژهٔ فیلم‌شناسی، متداولتر از کتابنامهٔ فیلم است، اما در کتاب حاضر، برای حفظ سازگاری مجموعه‌ـواژگان، واژهٔ کتابنامهٔ فیلم به معنای مجموعه‌ای از مدخلهای کتابشناسی فیلم به کار رفته است، و طبیعتاً کتابشناسی فیلم به معنای مجموعه‌ـمشخصاتِ کتابشناختی [فیلم‌شناختی] یک فیلم است. این نوع نگرش به واژگان از نظر سازگاری و

جامعیت واژگان مفید است: همچنان‌که در انگلیسی نیز می‌کوشند واژهٔ *bibliography* را در مورد مشخصات انواع «مدرک» و «رسانه» به کار برند.

۳.۹.۵. کتابنامهٔ موسیقی

کتابنامهٔ موسیقی [musical bibliography]، نوعی کتابنامه است که هر مدخل آن نمایندهٔ مشخصات کتابشناختی یک قطعه موسیقی است و می‌تواند از هر نوع [ساده، توصیفی، یادداشت‌دار، نقدوبررسی] باشد. برای نشانی کتابشناختی هر قطعه موسیقی، هر نوع «برچسب» که بتواند «اثر موسیقی» را به طور یکتا مشخص کند کافی است.

نشانی کتابشناختی موسیقی نیز مانند کتاب از دو یا چند فیلد تشکیل می‌شود، که بدین ترتیب، کتابنامه‌های دو و چندفیلدی به دست می‌آیند.

ـ **کتابنامهٔ موسیقی دوفیلدی**. کتابنامه‌ای است که در هر مدخل آن، فقط دو فیلدِ نام مشهور اثر و نام سازنده می‌آید؛ مثلاً در:

پاتتیک، چایکوفسکی

یا:

سمفونی شمارهٔ ۶، چایکوفسکی

ـ **کتابنامهٔ موسیقی سه‌فیلدی**. کتابنامه‌ای است که در هر مدخل آن، علاوه‌بر دو فیلدِ نام مشهور اثر و نام سازنده، نوع قطعه نیز می‌آید؛ مثلاً در:

سمفونی پاتتیک، چایکوفسکی

که در آن، نوع قطعه، یعنی سمفونی، نیز اضافه شده است.

ـ **کتابنامهٔ موسیقی چهارفیلدی**. کتابنامه‌ای است که در هر مدخل آن، علاوه‌بر سه فیلد فوق، «شمارهٔ ترتیبِ اثر» در بین کل آثار آهنگساز نیز آورده می‌شود. شمارهٔ ترتیب اثر را اصطلاحاً «اُپُوس» [opus] می‌نامند. مثلاً در:

سمفونی پاتتیک، چایکوفسکی، اپوس ۷۴

یا:

سمفونی پاتتیک، اپوس ۷۴، چایکوفسکی

یا:

اپوس ۷۴، سمفونی شمارهٔ ۶، چایکوفسکی

یا:

سمفونی شمارهٔ ۶، اپوس ۷۴، چایکوفسکی

که نشان می‌دهند که سمفونی پاتتیک، هفتادوچهارمین اثر چایکوفسکی است.
ـ کتابنامهٔ موسیقی پنج‌فیلدی. کتابنامه‌ای است که در هر مدخل آن، علاوه‌بر موارد فوق، نام گام یا دستگاه مورداستفادهٔ آهنگساز برای ساخت اثر موردنظر نیز ذکر می‌شود؛ مثلاً در:

سمفونی شمارهٔ ۶، سی‌مینور، اپوس ۷۴، چایکوفسکی

یا:

سمفونی پاتتیک، سی‌مینور، اپوس ۷۴، چایکوفسکی

یا:

سمفونی شمارهٔ ۶ در سی‌مینور، اپوس ۷۴، چایکوفسکی

که سی‌مینور، گام یا دستگاه قطعهٔ فوق است.
ممکن است کتابشناسی فوق به صورت شبه‌استانداردِ زیر نوشته شود:

چایکوفسکی، پیتر ایلیچ، سمفونی شمارهٔ ۶، سی‌مینور، اپوس ۷۴.

و نیز ممکن است نام مشهور اثر نیز در پرانتز اضافه شود:

چایکوفسکی، پیتر ایلیچ، سمفونی شمارهٔ ۶ [پاتتیک]، سی‌مینور، اپوس ۷۴.

ـ کتابنامهٔ موسیقی شش‌فیلدی. کتابنامه‌ای است که در هر مدخل آن، علاوه‌بر ۵فیلد فوق، تاریخِ ساخت، یا تاریخِ اولین اجرای اثر نیز اضافه می‌شود؛ مثلاً در:

چایکوفسکی، پیترایلیچ، سمفونی شمارهٔ ۶ [پاتتیک]، سی‌مینور، اپوس ۷۴، ۱۸۹۳.

نکته. برای یافتن فیلدهای قطعات موسیقی و آهنگسازان کلاسیک، می‌توان به کتاب معروف کِندی:

Kennedy, Michael, *The Oxford Dictionary of Music*, Oxford, 1994.

مراجعه کرد که یکی از معتبرترین منابع مرجع موسیقی محسوب می‌شود. در این اثر، همهٔ فیلدهای موردنیاز برای نوشتن کتابنامهٔ ۶فیلدی داده شده است. از سوی دیگر، چون صورت کتابشناسی موسیقی ۴ تا ۶فیلدی فوق، با بقیهٔ استانداردهای کتابشناسی و کتابنامه سازگارتر است، در کتاب حاضر نیز پذیرفته و به کار برده شده است.

در منابع مرجع موسیقی، آثار هر آهنگساز را به صورت دسته‌بندی‌شده می‌آورند، و به ویژه این دسته‌ها را تفکیک می‌کنند:

اپرا، باله، موسیقی ارکستری [سمفونی_سونات_کنسرتو]، موسیقی مجلسی، قطعه‌های کوتاه، موسیقی کُر، و ترانه.

مسئلهٔ دیگر، پس از قالب یک مدخل از کتابنامهٔ موسیقی، ساختار و ترتیب‌بندی کتابنامهٔ موسیقی است. کتابنامهٔ موسیقی را می‌توان برحسب آهنگساز، برحسب اثر، و برحسب تاریخ ترتیب‌بندی کرد.

در فرهنگ موسیقی آکسفورد، ذیل هر نامِ آهنگساز، کتابنامهٔ موسیقی آثار وی، برحسب نوع آنها یعنی اپرا، باله، موسیقی ارکستری [سمفونی_سونات_کنسرتو]، و غیره ترتیب‌بندی شده‌اند.

نکته. جیمز لِستِر [منبع: Lester، 1995]، قالب زیر را برای کتابشناسی موسیقی به کار برده است:

نام آهنگساز، عنوان خاص قطعه، عنوان موسیقی قطعه.

مثلاً:

چایکوفسکی، پیتر ایلیچ، پاتتیک، سمفونی ۶.

اما این شیوه و قالب با شیوهٔ مورداستفاده در منابع معتبر موسیقی، و مهمتر از آن با نیاز اطلاعاتیِ مدخل کتابنامهٔ موسیقی سازگاریِ کافی ندارد و از همین روی، در کتاب حاضر، قالب و فیلدهایی به کار رفته است که با اطلاعات و روش‌شناسی و شیوه‌نامهٔ مورداستفادهٔ کندی [منبع: Kennedy، 1994] سازگاری بیشتری دارد.

۶.۹.۳. کتابنامهٔ نرم‌افزار

کتابنامهٔ نرم‌افزار [software bibliography]، نوعی کتابنامه است که هر مدخل آن مشخصات یک «نرم‌افزار» کامپیوتری را دربر دارد.

در هر مدخل از کتابنامهٔ نرم‌افزار پنج فیلد مهم وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. عنوان نرم‌افزار،
۲. شمارهٔ گونه _version، یا اختصاری .vers،
۳. عبارتِ نرم‌افزار کامپیوتری یا Computer Software،
۴. نام مؤسسهٔ تولیدکننده،
۵. سال نشر.

به عبارت دیگر، قالب کتابشناسی نرم‌افزار چنین است:

عنوان، گونه، نرم‌افزار کامپیوتری، مؤسسه، سال نشر.

مثلاً نرم‌افزار فارسی:

واژه‌پرداز نقش، گونهٔ ۴، نرم‌افزار کامپیوتری، شرکت صابرین، ۱۳۷۲.

یا نرم‌افزار انگلیسی:

WordPerfect, vers.5.1, Computer Software, ISS, 1989.

که اصولاً عنوان نرم‌افزار را باید با حروف ایرانیک یا ایتالیک نمایش داد.

در کتابنامهٔ نرم‌افزار ممکن است یک یا چند فیلد از فیلدهای مذکور را حذف کرد.

کلیات قالب ۵فیلدی بالا از کتاب جیمز لستر [منبع: Lester، ۱۹۹۵]، و متون مرجع کامپیوتر در دادگان [بانک اطلاعاتی] دیالو گ گرفته شده است.

کتابنامهٔ نرم‌افزار نیز مانند کتابنامهٔ کتاب، می‌تواند چهار نوع [ساده، توصیفی، یادداشت‌دار، نقدوبررسی] باشد.

۳.۹.۷. کتابنامهٔ سی‌دی‌ـرام

کتابنامهٔ سی‌دی‌ـرام [CD-ROM bibliography]، شباهت زیادی به کتابنامهٔ نرم‌افزار [فوق‌الذکر] دارد، با این تفاوت که در آن، به جای نرم‌افزار کامپیوتری، عبارت سی‌دی‌ـرام آورده می‌شود. همچنین، اگر سی‌دی‌ـرام مربوط به یک 'کتاب' معین باشد، کتابنامهٔ سی‌دی‌ـرام آن نیز مانند کتابنامهٔ کتاب است، اما در انتهای فیلد عنوان، یک عبارت سی‌دی‌ـرام اضافه می‌شود.

۳.۹.۸. کتابنامهٔ نشریات ادواری، یا کتابنامهٔ ادوارنامه‌ها

کتابنامهٔ نشریات ادواری [periodicals bibliography]، نوعی کتابنامه است که هر مدخل آن مشخصات یک «نشریهٔ ادواری» را به دست می‌دهد که در یک منطقه، کشور، و یا در کل دنیا منتشر می‌شوند؛ مثلاً:

> سلطانی، پوری، راهنمای مجله‌های ایران، ۱۳۴۷–۱۳۶۸، کتابخانهٔ ملی ایران، ۱۳۶۹.

یک کتابنامهٔ نشریات ادواری است که فهرست و مشخصات کامل نشریات منتشرشده در ایران از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۸ را به دست می‌دهد. هر مدخل از این کتابنامه، حاوی عنوان نشریه، موضوع، دُورهٔ انتشار، نشانی، تلفن، و برخی اطلاعات مفید دیگر است.

معروفترین کتابنامهٔ نشریات ادواری بین‌المللی، «اولریخ»،

Ulrich

نام دارد، که حاوی راهنما و فهرست کل نشریات ادواری دنیا است، و مشخصات کلیِ

حدود ۱۰۰٫۰۰۰ عنوان نشریه را دربر می‌گیرد.

هر مدخل اولریخ، حاوی «عنوانِ نشریه»، «شابپ»، «موضوع»، «رمز رده‌بندی دیوئی»، «دُوره»، و زبان نشریه است؛ همچنین، حاوی مشخصات دیگری مانند نام کشور، نشانی و تلفن، نام مدیرمسئول یا سردبیر، تیراژ، قیمت، و غیره است. در این منبع، نشریات، موضوع‌بندی شده‌اند و نشریات مربوط به هر موضوع در جای خود و با ترتیب الفبایی می‌آیند. تعداد موضوعات رده‌بندی‌شده، حدود ۴۰۰ است، و خود یک نوع «رده‌بندی دانش» از دیدگاه «موضوع» نشریات محسوب می‌شود.

کتابنامهٔ نشریات ادواری، ممکن است به شیوه‌های:

ساده ـ توصیفی ـ یادداشت‌دار ـ نقدوبررسی

و نیز براساس ترتیبِ:

موضوعی ـ تاریخی ـ منطقهٔ جغرافیایی [کشور یا استان] ـ اعتبار استنادپذیری

و غیره نیز ارائه شود. استنادپذیری نشریه، مسئله‌ای در روزنامه‌نگاریِ حرفه‌ای است، که در آن، فهرستی از نشریات مطمئن یا قابل‌استناد تدوین می‌کنند که روزنامه‌نگاران از آنها می‌توانند به عنوان منبع خبر استفاده کنند. معمولاً فیلد استنادپذیری را به طور رسمی چاپ و منتشر نمی‌کنند.

۳.۱۰. کتابنامهٔ کتابنامه‌ها

کتابنامهٔ کتابنامه‌ها [bibliography of bibliographies]، نوعی کتابنامه است که هر مدخل از آن، خود، نشانی کتابشناختی یا «کتابشناسیِ» یک کتابنامه است. مثلاً دو نمونهٔ آن چنین است:

۱. کتابنامهٔ کتابنامه‌های نسخه‌های خطی
۲. کتابنامهٔ کتابنامه‌های منابع مرجع دوزبانه در فارسی

۱۱.۳. نشانی کتابشناختی مدرک‌ها و منابع گوناگون

هر نوع مدرک که بتواند برچسبِ نشانی داشته باشد، دارای نشانی کتابشناختی نیز می‌تواند باشد. نشانی کتابشناختیِ بیشتر مدرک‌های مهم در بخشهای قبلی فصل حاضر تشریح شد. اما بسیاری دیگر از منابع هستند که نشانی کتابشناختی آنها در کتاب حاضر تشریح نشده است. البته قالبهایی که در این فصل تشریح شدند، الگوهایی هستند که برای نشانی کتابشناختی انواع دیگر منبع نیز کاربرد دارند. با این حال، در صورت نیاز، می‌توان به عنوان نمونه، به کتاب لِستِر [منبع: Lester، ۱۹۹۵] مراجعه کرد، که قالب مدخل نشانی کتابشناختی را برای موارد زیر تشریح کرده است:

جلسهٔ مجلس قوهٔ مقننه [بسته به کشور، یک یا دو نوع]، جلسهٔ هیئت دولت و وزارتخانه، مدرک حقوقی، چکیده، اثر هنری، شبکهٔ کامپیوتری، بولتن، فیلم کارتون، پایان‌نامهٔ منتشرنشده و منتشرشده، چکیدهٔ پایان‌نامه، خبرنامهٔ خبرگزاریها، مصاحبهٔ منتشرشده و منتشرنشده، نامهٔ شخصی، نامهٔ منتشرشده، دستنوشت، نقشه، میکروفرم، برنامه، اطلاعیه، پوستر، اعلامیه، تک‌نگاشت، جزوه، اجرای برنامهٔ هنری مانند اپرا و تئاتر، سخنرانی، صفحه، نوار، گزارش، جدول، نقشه‌نما، ترانسپارانت، مقالهٔ منتشرنشده، و نوار ویدئو.

البته جیمز لِستِر نیز اغلب قالبهای مربوط به نشانی کتابشناختی مدرک را براساس منطق قالب نشانی کتابشناختی به دست آورده است، زیرا برای همهٔ نشانی‌های کتابشناختی، استاندارد بین‌المللی [یا ملی] وجود ندارد.

برای نشانی کتابشناختی منابع دیگر، مثلاً دانش فنی، کافی است به «عنوان»، «پدیدآورنده»، و مشخصات کتابشناختی دیگر آن توجه شود، و در نگارش نشانی کتابشناختی آن، منطق کتابنامه‌نویسی مراعات گردد.

فصل ۴

نشریهٔ کتابشناسی

۱.۴ . مقدمه

نشریهٔ کتابشناسی، نوعی «مرجع سطح صفر» است که مانند هر نشریهٔ ادواری، به فاصله‌های زمانی معین منتشر می‌شود، و هر مدخل از آن، مشخصات کتابشناختیِ یک کتاب، نشریه، مقاله، و یا هر نوع مدرک دیگر را به دست می‌دهد.

به عبارت دیگر، نشریهٔ کتابشناسی، هر نوع «کتابنامه» است که به صورت ادواری منتشر می‌شود.

پژوهشگر متخصص در یک حوزه یا رشتهٔ معین، با مراجعهٔ منظم به یک نشریهٔ کتابشناسی تخصصی، اطلاعات کتابشناختیِ مربوط به حوزه یا شاخهٔ تخصصی خود را به طور روزآمد کسب می‌کند.

معمولاً نشریهٔ کتابشناسی، حاوی چندین فهرست راهنما یا نمایه است: براساس موضوع، مؤلف، عنوان کتاب، عنوان مقاله، تاریخ انتشار، و غیره. بدین ترتیب، با دردست داشتنِ یک ـبه اصطلاحـ سرنخ، می‌توان نشانی مطلب در کتاب، مقاله، و غیره، و سپس اصل آن را پیدا کرد.

مثال ۱.

> یک مهندس مخابرات، با مطالعهٔ منظم یک فصلنامهٔ کتابشناسی ارتباطات [که عملاً تقریباً فقط به زبان انگلیسی وجود دارد]، می‌تواند اطلاعات کتابشناختی مقالات و کتابهای تازه‌ـمنتشرشده در زمینهٔ تخصص خود را روزآمد نگه دارد.

۲.۴. انواع نشریهٔ کتابشناسی

نشریهٔ کتابشناسی نیز مانند «کتابنامه»، از نظر حجم و مقدار اطلاعاتی که به ازای هر مدخل می‌دهد، به چهار نوع تقسیم می‌شود:

۱. نشریهٔ کتابشناسی به صورت کتابنامهٔ ساده،
۲. نشریهٔ کتابشناسی به صورت کتابنامهٔ توصیفی،
۳. نشریهٔ کتابشناسی به صورت کتابنامهٔ یادداشت‌دار،
۴. نشریهٔ کتابشناسی به صورت کتابنامهٔ نقدوبررسی.

هریک از چهار نوع کتابنامه، به تفصیل در فصل ۳ تشریح شده است.

از آنجا که منابع مرجع سطح صفر، حاوی شرح و مشخصات منابع دیگر هستند و در ضمن، غالباً به صورت ادواری منتشر می‌شوند، همهٔ انواع منابع مرجع سطح صفر را می‌توان نشریهٔ کتابشناسی به حساب آورد. بنابر این، مدرک‌های زیر نیز نشریهٔ کتابشناسی محسوب می‌شوند:

۱. نشریهٔ «چکیده‌نامه» [موضوع فصل ۷]؛
۲. نشریهٔ «نمایه‌نامه» [موضوع فصل ۸]؛
۳. نشریهٔ «استنادنامه» [موضوع فصل ۹]؛
۴. نشریهٔ «نقدوبررسی» [موضوع فصل ۱۰].

که هریک؛ در فصل مربوط به خود تشریح شده است؛ و در ضمن، این چهار نوع نشریه نیز یک رده‌بندی دیگر از نشریات کتابشناسی محسوب می‌شوند.

نشریهٔ کتابشناسی را مانند هر نوع نشریهٔ دیگر، براساس فاصلهٔ انتشار نیز قابل‌تعریف و رده‌بندی است، و از این لحاظ به هفته‌نامه، ماهنامه، فصل‌نامه، نیم‌سالنامه، سالنامه، و غیره تقسیم می‌شود. برخی از نشریات کتابشناسی دارای ویژه‌نامه‌هایی هستند که به فاصلهٔ کوتاهتر یا بلندتری انتشار می‌یابند. مثلاً یک ماهنامهٔ کتابشناسی ممکن است در هر فصل یا در هر شش‌ماه یک بار، یک نمایهٔ ادغام‌شده از مدخلهای ماهنامه‌ها را به عنوان ویژه‌نامه منتشر کند. نمونه‌های گوناگونی از این نوع نشریات در فصلهای بعدی کتاب حاضر تشریح خواهند شد.

رده‌بندی دیگر نشریات کتابشناسی، براساس نوع یا به اصطلاح جنس مدرک است. از این لحاظ می‌توان نشریات کتابشناسی را به دو گروه:

ـ نشریات کتابشناسی مدرک‌های چاپی،
ـ نشریات کتابشناسی مدرک‌های غیرچاپی،

نیز تقسیم کرد. اما از آنجا که کتاب حاضر فقط به مدرک‌شناسی چاپی اختصاص دارد، شرح کتابشناسی مدرک‌های غیرچاپی در کتاب جداگانه‌ای ارائه خواهد شد.

امروزه بسیاری از نشریات کتابشناسی [خواه مربوط به مدرک‌های چاپی، و خواه مربوط به مدرک‌های غیرچاپی]، به صورت الکترونیکی نیز منتشر می‌شوند. حتی برخی از نشریات فقط به صورت الکترونیکی منتشر می‌شوند که در مواردی از طریق اینترنت نیز در دسترس قرار داده می‌شوند. به عنوان مثال، برخی از نشریات کتابشناسی معرفی‌شده در فصل حاضر و فصلهای بعدی، هم به صورت چاپی و هم به صورت الکترونیکی منتشر می‌شوند. در پیوست ب، فهرست تقریباً جامعی از کل نشریات کتابشناسی معتبر دنیا ارائه شده است، که برخی به هردو صورت چاپی و الکترونیکی، و برخی فقط به صورت الکترونیکی منتشر می‌شوند. برای دستیابی به اطلاعات این نشریات، از طریق اینترنت یا شبکه‌های دیگر، داشتن «گذرواژه» و پرداخت هزینه ضروری است. شرح بیشتر و نحوهٔ دستیابی به این مدرک‌ها در جلد دوم کتاب حاضر ارائه خواهد شد.

۳.۴. نشریات کتابشناسی مهم

کتابنامهٔ هنرهای مدرن
ARTBIBLIOGRAPHIES MODERN

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0300-466X

تناوب نشر: شش‌ماهانه

تأسیس: 1969

ناشر: Clio Press Ltd.,

نشانی: Woodside House, Hinksey Hill,
Oxford, 5BE, UK.

کتابنامهٔ هنرهای مدرن، یک مرجع سطح صفر است، حاوی کتابنامه‌های جامع کلیهٔ

شاخه‌های هنر، شامل کتابها، مقالاتِ چندصد نشریه، پایان‌نامه‌ها، و کاتالوگ نمایشگاههای هنری، و نیز مطالعات مربوط به هنرمندان صاحب‌سبک و جنبشهای قرن ۱۹ و ۲۰ در دنیا. این کتابنامه، کل شاخه‌های هنرها را می‌پوشاند.

اغلب اطلاعات این مرجع، به صورت کتابنامهٔ توصیفی است و به طور کلی، آن را به دو قسمت می‌توان تقسیم کرد:

۱. کتابشناسی‌های توصیفی،

۲. نمایه‌های مؤلفان، و موضوعی.

هر کتابشناسی خلاصهٔ توصیفی یک مقاله، کتاب، یا هر نوع مدرک دیگر است که در چند سطر تا چند ده سطر ارائه می‌شود.

در نمایهٔ مؤلفان، فهرست سادهٔ مؤلفان کتابشناسی‌ها، همراه با ارجاع به شمارهٔ کتابشناسی می‌آید، و در نمایهٔ موضوعی، اطلاعات مقالات براساس کلیدواژه‌های مستخرج از کتابشناسی‌های توصیفی و عنوانها به دست داده می‌شود. برای مثال، یک مدخل از کتابشناسی‌های توصیفی کتابنامهٔ هنرهای مدرن چنین است:

186602

JEAN-FRANCOIS MILLET'S 'DEATH AND THE WOODCUTTER

POWELL, K. H.

ARTS MAGAZINE [U.S.A.], VOL. 61, PT. 4 [DEC. 1986], P. 53-9. 21 ILLUS. BIBLIOG.

Document Type: JOURNAL ARTICLE

A STUDY OF JEAN-FRANCOIS MILLET'S PAINTING 'LA MORT ET LE BUCHERON' ['DEATH AND THE WOODCUTTER', 1858-59]. ONE OF FEW PAINTINGS MILLET DID OF IMAGINARY SUBJECTS, IT WAS REJECTED BY THE SALON. THE AUTHOR CONSIDERS MILLET'S TREATMENT OF THE LA FONTAINE FABLE, AND THE WAY IT DIFFERED FROM

OTHER RENDERINGS OF THE SUBJECT. MILLET PURGES THE HUMOUR FROM THE STORY OF THE WOODCUTTER WHO CALLS ON DEATH TO RELEASE HIM FROM HIS BURDEN, BUT THEN CHANGES HIS MIND WHEN DEATH APPEARS. INSTEAD, HE PORTRAYS AN EXHAUSTED, MELANCHOLIC WOODCUTTER AND A SYMPATHETIC DEATH. THE AUTHOR RELATES THE SUBJECT TO THE POLITICAL SITUATION OF THE TIME, THE WOODCUTTER REPRESENTING THE LANDLESS POOR OF FRANCE. THIS POLITICAL PARALLEL DISQUIETED THE SALON, AND CAUSED THE PAINTING'S REJECTION.

Descriptors: MILLET [JEAN FRANCOIS]; PAINTING [FRANCE]; ART AND POLITICS; ICONOGRAPHY [THEMES-DEATH AND THE WOODCUTTER]

کتابهای چاپی
Books In Print

ناشر اصلی: R.R. Bowker Company,

نشانی: 121 Chanlon Road, New Providence, NJ 07974, USA

کتابنامهٔ کتابهای چاپی، در حقیقت، جزو نشریات کتابنامه محسوب نمی‌شود، و طبق رده‌بندی مورداستفاده در کتاب حاضر، خود یک رده از انواع مدرک چاپی را به خود اختصاص می‌دهد. اما از نظر کاربرد، کتابنامهٔ کتابهای چاپی را می‌توان نوعی نشریهٔ کتابشناسی به حساب آورد که معمولاً از تعدادی پیایند یا نشریهٔ غیرمنظم تشکیل می‌گردد. به ویژه، مجموعه‌ای که در آمریکا منتشر می‌شود متشکل از از تعدادی پیایند است که کتابنامهٔ بزرگ کتابهای چاپ‌شدهٔ موجود، کتابنامهٔ کتابهای چاپ‌شدهٔ نایاب، کتابنامهٔ کتابهای زیرچاپ، و کتابنامهٔ کتابهای در دست تألیف را دربر می‌گیرد. این مجموعه شامل

حدود دومیلیون عنوان کتاب و تک‌نگاشت از حدود ۲۵٫۰۰۰ ناشر آمریکایی می‌شود، و دارای انواع نمایه و راهنمای موضوعی برای انتخاب کتاب است.

فصل ۵

نمایه

۱.۵ . مقدمه

نمایه، در معنای عام آن، نوعی «فهرست مطالب» یا فهرستِ موضوعات و مفاهیم مهم است که معمولاً در آخرین صفحات کتاب، و یا در پایان یک دورهٔ نشریه می‌آید، و به شمارهٔ صفحه ارجاع می‌دهد، و چون به طور الفبایی مرتب می‌شود، با جستجو در آن، به سرعت می‌توان صفحهٔ حاوی مطلب موردنظر را پیدا کرد.

به تعبیر دیگر، نمایه، فهرست الفباییِ کلیدواژه‌ها، یا موضوعات و واژه‌های مهم و کلیدی یک کتاب یا یک دورهٔ نشریه است: در مورد کتاب، هر «مدخل» از این فهرست، حاوی شمارهٔ صفحه یا صفحه‌هایی است که مدخل به آن یا آنها ارجاع می‌دهد؛ و در مورد نشریه، هر مدخل از این فهرست، حاوی شمارهٔ صفحه یا صفحه‌ها، و شمارهٔ نشریه‌ای است که مدخل به آن، یا به آنها، ارجاع می‌دهد.

بدین ترتیب، نمایه، در معنای کلی، فهرستی است از کلیدواژه‌های یک یا چند «مدرک»، که چون به صورت الفبایی مرتب شده است، هر موضوع را، به شرطی که در آن وجود داشته باشد، به سرعت می‌توان به دست آورد و به شمارهٔ صفحه یا نشانی داده‌شده در مقابل آن مراجعه کرد.

به عنوان نمونه، به نمایهٔ همین کتاب نگاه کنید.

مثال ۱.

در کتاب فرضیِ موسیقی شرق، یک نمایه متشکل از ۲۰۰ مدخل در ۳صفحه در انتهای کتاب آمده است؛ کاربر، برای دست یافتن به موضوعِ مثلاً کمانچه، به نمایه مراجعه می‌کند، که آن را در مکان الفبایی متناسب می‌یابد که چنین است:

کمانچه، ۱۲۳، ۱۲۸، ۲۲۲

این سه عدد، نمایندهٔ سه صفحه از کتاب هستند که در آن صفحات، اطلاعات اساسیِ مربوط به موضوعِ کمانچه داده شده است.

مثال ۲.

نمایهٔ سال ۱۳۷۷ یک ماهنامهٔ علمی، [فرضاً] در ۲۰ صفحه، و متشکل از ۲۰۰۰ مدخل، به عنوان پیوستِ آخرین شمارهٔ سال چاپ شده است. جلوی هر مدخل از این نمایه، یک یا چند تاریخ نشر و شمارهٔ صفحه آمده است؛ مثلاً چند مدخلِ آن چنین است:

آبیاری قطره‌ای، خرداد ۷۷، ص ۱۰؛ دی ۷۷، ص ۲۶

. . .

شنهای روان، فروردین ۷۷، ص ۱۳

. . .

نوترون، خرداد ۷۷، ص ۵۵؛ بهمن ۷۷، ص ۲۳؛ اسفند ۷۷، ص ۳۰

این ۳مدخل، ۳موضوع از کل ۲۰۰۰ مدخلِ نمایهٔ پایانی سال هستند که در مکان الفبایی خود آمده‌اند:

مدخل اول نشان می‌دهد که موضوع آبیاری قطره‌ای، در صفحهٔ ۱۰ شمارهٔ خردادماه و صفحهٔ ۲۶ شمارهٔ دی‌ماه چاپ شده است؛ مدخل دوم نشان می‌دهد که موضوع شنهای روان در صفحهٔ ۱۳ شمارهٔ فروردین چاپ شده است؛ و مدخل سوم نشان می‌دهد که موضوع نوترون در صفحهٔ ۵۵ خردادماه و صفحهٔ ۲۳ بهمن و صفحهٔ ۳۰ اسفند چاپ شده است. بدین ترتیب با مراجعه به نمایه می‌توان به آسانی و به سرعت، به کلیهٔ موضوعات دورهٔ نشریه دست یافت.

۲.۵. کاربردهای اساسی نمایه

بهترین راه برای دستیابی آسان و سریع به موضوعات یک درسنامه، یا یک دورهٔ نشریه، و به طور کلی هر نوع مدرک، استفاده از نمایهٔ آن است.

مثال ۳.

یک پژوهشگر می‌خواهد دربارهٔ موضوع سازمان ملل اطلاعاتی جمع‌آوری، و به صورت «فیش» یادداشت کند. یک نمونه کار وی ممکن است چنین باشد:

ـ نمایه‌های پایانی چند درسنامهٔ مرتبط با موضوع را جستجو می‌کند و مدخلهایی چون سازمان ملل، سازمانهای بین‌المللی، یونسکو، یونیسف، و واژگان دیگری را که به موضوع پژوهش وی نزدیک هستند در نمایه‌های پایانی درسنامه‌ها می‌یابد و مطالب متناظر در صفحات مشخص‌شده را به صورت فیش یادداشت می‌کند؛

ـ نمایه‌های پایان سال چند دورهٔ نشریهٔ معتبر را می‌یابد و در آنها به جستجوی مدخلهای مرتبط با موضوع، و نیز نام دبیرکل، مثلاً کوفی عنان و دبیرکل‌های پیشین می‌پردازد، و پس از یافتن نشانی نشریه‌ها و شمارهٔ صفحات، متنِ مطلب‌ها را در اصل نشریات به دست می‌آورد و به صورت فیش یادداشت می‌کند.

نکته. ممکن است پژوهشگر مثال فوق، پیش از هر اقدامی، نخست به یک نشریهٔ «نمایه‌نامه» [فصل ۶] مراجعه کند و فهرست کتابها و نشریات و مدرک‌های دیگر را که مربوط به سازمان ملل می‌شوند و یا حاوی مطالبی دربارهٔ آن هستند بیابد و سپس به اصل منابع مذکور مراجعه و در آنها جستجو کند.

نمایهٔ کتاب، باید به دقت و براساس کلیدواژه‌های مهم کتاب یا دورهٔ نشریه تنظیم شود، که خود، روش‌شناسی ویژه‌ای دارد و نویسنده و مترجم و ویراستار باید با آن آشنایی کافی داشته باشند.

در روزنامه‌نگاری، مراجعه به نمایه‌های روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های معتبر کاربردهای فراوانی دارد. مثلاً:

نمایه‌نامهٔ نیویورک‌ـتایمز

که حاوی موضوعات و کلیدواژه‌های موجود در شماره‌های روزنامهٔ مذکور است، می‌تواند

دستیابی به هر مطلب را به آسانی ممکن سازد. به ویژه در «روزنامه‌نگاری افشاگرانه»، که در آن، براساس سوابق یک مسئله، گزارش یا مقاله تدوین می‌شود، از آرشیوهای دارای انواع نمایه‌ها بهره می‌گیرند تا اطلاعات قدیمی و سوابق مربوط به مسئلهٔ موردنظر را جمع‌آوری کنند.

در تدوین یک «فهرست تاریخی» نیز مراجعه به نمایه‌ها و نمایه‌نامه‌ها مفید و یا ضروری است.

مثال ۴.

بنابر نمایه‌نامهٔ روزنامهٔ X، واژهٔ نیکسون، بین سالهای **۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳**ب.م.، تقریباً در ۴۰۰۰ مطلب از شماره‌های روزنامه آمده است.

۳.۵. تدوین نمایه یا نمایه‌سازی

همچنان‌که در فصلهای ۱ و ۲ اشاره شد، مبحث تدوین نمایه، یا **نمایه‌سازی** [indexing]، یکی از شاخه‌های اصلی دانش مدرک‌شناسی است؛ اما معمولاً در دانشگاهها، نمایه‌سازی، به عنوان یکی از درسهای دانشگاهی رشتهٔ کتابداری تدریس می‌شود. از سوی دیگر، در بسیاری از موارد، اشخاصی که درس دانشگاهی نمایه‌سازی را نگذرانده‌اند، ناچار به تدوین نمایه برای کتاب یا پایان‌نامهٔ خود می‌شوند، و در نتیجه، این مبحث را می‌توان یکی از مباحث عمومی نیز به حساب آورد. به عنوان مثال، هر نویسندهٔ درسنامه باید در انتهای کتاب خود یک نمایه از موضوعات مهم کتاب بیاورد، هرچند، این کار ممکن است توسط ویراستار آشنا به نمایه‌سازی یا به کمک وی انجام شود. نیز یک دانشجو ممکن است بخواهد در انتهای پایان‌نامهٔ خود، یک نمایه درج کند تا یافتن اطلاعات برای خواننده را تسهیل کند.

به هر حال، آشنایی مختصر با مبحث نمایه‌سازی برای همهٔ کسانی که با نوشتن کتاب یا مطلب برای نشریه و غیره سروکار دارند، ضروری است. از سوی دیگر، اگر پژوهشگران و حتی خوانندگان عادی مانند دانشجویان که با مطالعهٔ کتاب و نشریه و انواع مدرک دیگر سروکار دارند، آشنایی مختصری با نحوهٔ تدوین نمایه کسب کنند، بهتر می‌توانند از نمایه‌ها بهره بگیرند.

روش بدیهی و سادهٔ تنظیم نمایه برای کتاب، نخست، استخراج کلیدواژه‌ها و شمارهٔ

صفحات آنها، پس از صفحه‌آرایی [یعنی پس از مشخص شدن شمارهٔ صفحه‌ها] و سپس، مرتب کردن آنها به شیوهٔ الفبایی است. و چنان‌که اشاره شد، نمایهٔ درسنامه حتماً باید آخرین صفحات فیزیکی کتاب را تشکیل دهد و هیچ متنی، از جمله پیوست و واژه‌نامه و کتابنامه، نباید بعد از آن آورده شود. نحوهٔ تنظیم نمایه برای دورهٔ سالانهٔ نشریه و انواع دیگر نمایه نیز تقریباً به همین صورت است.

همچنان‌که در فصل ۲ اشاره شد، به طور کلی، نمایه‌سازی بر دو نوع است:

۱. نمایه‌سازی مبتنی بر متن، یا نمایه‌سازی متن؛

۲. نمایه‌سازی مبتنی بر عنوان، یا نمایه‌سازی براساس نشانی کتابشناختی، یا نمایه‌سازی کتابنامه.

که نمایه‌سازی ممکن است به روش ترکیبی از دو روش فوق نیز انجام شود.

۱.۳.۵. نمایه‌سازی مبتنی بر متن، یا نمایه‌سازی متن

برای تدوین نمایه به روش نمایه‌سازی مبتنی بر متن، نخست کل متن را می‌خوانند و زیر هر واژهٔ مهم و کلیدی، یا کلیدواژه، به عنوان یک مدخل از نمایه، خط می‌کشند، یا به نحوی علامت‌گذاری می‌کنند، سپس کلیدواژه‌ها یا مدخلها را همراه با شمارهٔ صفحهٔ متن هریک فهرست می‌کنند که پس از الفبایی‌سازی، نمایه، آماده می‌شود.

اگر نمایه، متعلق به چند مدرک باشد، مانند نمایهٔ سالانهٔ یک نشریه، در جلوی هر مدخل از نمایه، علاوه‌بر شمارهٔ صفحه، نشانی کتابشناختی مدرک، مثلاً تاریخ یا شمارهٔ نشریه، نیز باید آورده شود؛ و یا شماره‌ای که در برابر مدخل نمایه آورده می‌شود، باید شمارهٔ ترتیب یک نشانی کتابشناختی باشد که در جایی از نمایه، مثلاً مقدمه یا پیوست آن، داده شده باشد.

در نمایه‌سازی مبتنی بر متن، هر مدخل از دو قسمت تشکیل می‌شود:

ـ سرمدخل، که یک واژهٔ مربوط به موضوع است،

ـ «نشانی صفحه» [page address]، که شمارهٔ صفحهٔ متناظر با سرمدخل [و گاهی همراه با شماره یا تاریخ نشریه] است.

مثلاً در مثال ۲، در مدخل:

آبیاری قطره‌ای، خرداد ۷۷، ص ۱۰؛ دی ۷۷، ص ۲۶

آبیاری قطره‌ای، سرمدخل است و:

خرداد ۷۷، ص ۱۰؛ دی ۷۷، ص ۲۶

نشانی صفحه است، که از دو شمارهٔ صفحه، همراه با تاریخ نشریه تشکیل می‌شود.

۲.۳.۵. نمایه‌سازی مبتنی بر عنوان، یا نمایه‌سازی براساس نشانی کتابشناختی، یا نمایه‌سازی کتابنامه

در نمایه‌سازی مبتنی بر نشانی کتابشناختی، که در آن، یک «کتابنامه» را نمایه می‌کنند، کلیدواژه‌ها را از مشخصات کتابشناختی به دست می‌آورند. در این نوع نمایه‌سازی، به داخل متن توجهی نمی‌شود و عملاً براساس هر عنوان مدرک، چند مدخل همراه با نشانی کتابشناختی آن ساخته می‌شود که در نهایت، به صورت یک نمایه، الفبایی می‌شوند. به عبارت دیگر، حاصل کار این نوع نمایه، فهرستی است از کلیدواژه‌های موجود در عنوان و نشانی کتابشناختی مدرک‌ها، که به ویژه موضوعات موجود در یک کتابنامه را به دست می‌دهد. این کار، اصولاً یکی از انواع «خدمات مدرک‌شناسی» محسوب می‌شود.

۳.۳.۵. نمایه‌سازی کاربردی

از نظر کاربرد، هر فهرستی که دارای ترتیب معین و روشن باشد، می‌تواند نمایه محسوب شود. به عبارت دیگر، نمایه را می‌توان بر دو نوع تقسیم کرد:

۱. نمایهٔ ساده، که هر مدخل آن حاوی سرمدخل به‌علاوهٔ یک شمارهٔ ترتیب است: شمارهٔ ترتیب به یک صفحه یا یک نشانی کتابشناختی ارجاع می‌دهد. مثلاً:

آبیاری، ۱۲۴۶

می‌تواند به دو معنا باشد:

- ۱۲۴۶، شمارهٔ صفحه‌ای از مدرک است که کلیدواژهٔ آبیاری را دربر دارد؛
- ۱۲۴۶، شمارهٔ ترتیب یک نشانی کتابشناختی از یک کتابنامه است، که کلیدواژهٔ آبیاری را [در عنوان یا در متن] دربر دارد.

۲. نمایهٔ کتابشناختی، نمایه‌ای است که هر مدخل آن، حاوی سرمدخل به‌علاوهٔ یک نشانی کتابشناختی است. مثلاً:

آبیاری: آندرسون، پیتر، انواع آبیاری و کاربردهای آن در باغداری، جان_وایلی، ۱۹۹۸.

هر مدخل از این نوع نمایه، در واقع یا یک نشانی کتابشناختی کامل است، و یا یک سرمدخل به علاوهٔ یک نشانی کتابشناختی است. بنابر این، یک کتابنامهٔ موضوعی، یا کتابنامهٔ عنوانی، عملاً نمایه نیز محسوب می‌شود. هرچند، نمایه، معمولاً به نمایهٔ ساده اطلاق می‌شود.

در نمایه‌سازی واقعی یا کاربردی، از هرنوع اطلاعات که بتواند به محتویات مدرک یا مدرک‌ها اشاره کند، بهره گرفته می‌شود. بدین منظور، علاوه‌بر عنوان، و یا متن مدرک، ممکن است از اطلاعات دیگری نیز استفاده شود که نه در عنوان وجود دارد و نه در متن. مثالهای زیر نمونه‌هایی از نمایه‌سازی کاربردی را نشان می‌دهند.

مثال ۵.

یک کتاب با نشانی کتابشناختی زیر مفروض است:

آندرسون، پیتر، انواع آبیاری و کاربردهای آن در باغداری، جان_وایلی، ۱۹۹۸.

با بررسی عنوان این مدرک، به آسانی می‌توان دو موضوع زیر را تعیین کرد:

آبیاری، باغداری

که بدین ترتیب، دو مدخل از یک نمایهٔ مبتنی بر نشانی کتابشناختی به دست می‌آید.

از سوی دیگر، اطلاعات مفید دیگری که می‌توانند به این مدرک اشاره کنند، یکی خود عنوان کامل کتاب است، یعنی:

انواع آبیاری و کاربردهای آن در باغداری

و دیگری، نام مؤلف کتاب، یعنی 'پیتر آندرسون' است. همچنین، دو موضوعِ:

مهندسی آب، اقتصاد باغداری

که در خودِ عنوانِ نشانی کتابشناختی وجود ندارند، جزو موضوعات مرتبط با این عنوان مدرک محسوب می‌شوند که تشخیص آنها به داشتن اطلاعات کافی در زمینهٔ

کشاورزی و مهندسی آب نیاز دارد.

بنابر این، مدرک فوق، در مجموع، با ۶مدخل نمایه‌سازی می‌شود که هریک از آنها در مکان الفبایی متناسب خود در فهرست الفبایی نمایه می‌آید. اگر شمارهٔ ترتیب نشانی کتابشناختی موردنظر ۱۲۴۶ باشد، یعنی:

۱۲۴۶
آندرسون، پیتر، انواع آبیاری و کاربردهای آن در باغداری، جان‌ـوایلی، ۱۹۹۸.

یک مدخل از نمایه چنین می‌شود:

آبیاری، ۱۲۴۶

نمایه‌سازی مبتنی بر نشانی کتابشناختی، معمولاً برای تدوین کتابنامهٔ موضوعی به کار می‌رود که در آن، فهرست کتابها یا مدرک‌های دیگر برحسب موضوع، الفبایی می‌شوند.

مثال ۶.

کتابنامهٔ فرضی زیر، حاوی ۶ مدخل است:

۱. از زبان‌شناسی به ادبیات، کورش صفوی، نشر چشمه، ۱۳۷۳.
۲. جاودانگان، رضا جولایی، نشر البرز، ۱۳۷۶.
۳. دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا، ۱۳۶۹.
۴. شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
۵. فرهنگ اصطلاحات انگلیسی‌ـفارسی، محمدتقی فرامرزی، نشر یاسمن، ۱۳۷۵.
۶. مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.

برای هریک از این ۶عنوان می‌توان یک یا چند موضوع تعیین کرد:

۱. برای از زبان‌شناسی به ادبیات، دو موضوع زبان‌شناسی، و ادبیات؛
۲. برای جاودانگان، یک موضوع رمان؛
۳. برای دربارهٔ تکنولوژی، یک موضوع تکنولوژی؛
۴. برای شعر فارسی از آغاز تا امروز، سه موضوع ادبیات، شعر فارسی، و تاریخ شعر؛
۵. برای فرهنگ اصطلاحات انگلیسی ـ فارسی، یک موضوع زبان انگلیسی؛
۶. برای مبانی آهنگسازی، دو موضوعِ موسیقی، و آهنگسازی.

بنابر این، پس از الفبایی‌کردن فهرست موضوعاتِ موجود در ۶ مدخل فوق، کتابنامهٔ موضوعی زیر به دست می‌آید:

آهنگ‌سازی: مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.
ادبیات: از زبان‌شناسی به ادبیات، کورش صفوی، نشر چشمه، ۱۳۷۳.
ادبیات: شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
تاریخ شعر: شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
تکنولوژی: دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا، ۱۳۶۹.
رمان: جاودانگان، رضا جولایی، نشر البرز، ۱۳۷۶.
زبان انگلیسی: فرهنگ اصطلاحات انگلیسی ـ فارسی، محمدتقی فرامرزی، نشر یاسمن، ۱۳۷۵.
زبان‌شناسی: از زبان‌شناسی به ادبیات، کورش صفوی، نشر چشمه، ۱۳۷۳.
شعر فارسی: شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
موسیقی: مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.

در کتابنامهٔ فوق، موضوع هر مدخل، در ابتدای آن آمده است و کل مدخلها برحسب فیلد نخست، یعنی موضوع، الفبایی شده‌اند. این کتابنامه، بیش از کتابنامهٔ ۶مدخلیِ اصلی کاربرد دارد زیرا کاربر، به آسانی می‌تواند موضوع و کتاب موردنظر خود را در بین کل مدخلهای کتابنامه بیابد. اما راه دیگر برای مشخص کردن موضوعات،

استفاده از نمایهٔ موضوعی است. اگر از کتابنامهٔ فوق، موضوعات جدا و در یک فهرست الفبایی قرار داده شوند، نمایهٔ سادهٔ ۱۰مدخلیِ زیر به دست می‌آید:

آهنگ‌سازی، ۶

ادبیات، ۱

ادبیات، ۴

تاریخ شعر، ۴

تکنولوژی، ۳

رمان، ۲

زبان انگلیسی، ۵

زبان‌شناسی، ۱

شعر فارسی، ۴

موسیقی، ۶

که می‌توان سطر دوم و سوم آن را ادغام کرد و به صورت زیر درآورد:

ادبیات، ۱، ۴

مدخل فوق نشان می‌دهد که موضوع ادبیات در دو کتابشناسیِ شمارهٔ ۱ و ۴ وجود دارد.

در تدوین کتابنامهٔ موضوعی، علاوه‌بر موضوعات، که از عنوان، استخراج می‌شوند، خودِ عنوان کامل کتاب را نیز به عنوان یکی از موضوعات درنظر می‌گیرند. مثلاً در مثال فوق، که برای ۶عنوان کتاب، ۱۰موضوع استخراج شده است، ۶عنوانِ کامل کتابها را نیز جزو موضوعات می‌آورند که در نتیجه، فهرست کامل کتابنامهٔ موضوعی مذکور، از ۱۰مدخل به ۱۶مدخل می‌رسد.

در نمایه‌سازی مبتنی بر نشانی کتابشناختی، ممکن است نام مؤلف را نیز جزو کلیدواژه‌های نمایه درنظر بگیرند. مثلاً در مثال فوق، می‌توان ۶نام مؤلف را نیز جزو کلیدواژه‌های نمایه درنظر گرفت که در این صورت، تعداد کل مدخلهای نمایه به ۲۲ می‌رسد. مثلاً یک مدخل می‌تواند چنین باشد:

صفوی، کورش: از زبان‌شناسی به ادبیات، کورش صفوی، نشر چشمه، ۱۳۷۳.

بدین ترتیب، کاربر، با استفاده از نام مؤلف نیز می‌تواند به مدخل کتابشناختی آن دست یابد.

مثال ۷.

فهرستی متشکل از ۱۰۰۰ عنوان کتاب به صورت ۱۰۰۰ نشانی کتابشناختی، یا ۱۰۰۰ «**کتابنامهٔ عنوانی**»، مفروض است. اگر از نمایه‌سازی مبتنی بر نشانی کتابشناختی استفاده شود، و برای هر عنوان کتاب به طور متوسط ۵ موضوع یا کلیدواژه تعیین گردد، یک «**کتابنامهٔ موضوعی**» به دست می‌آید که علاوه‌بر ۱۰۰۰مدخلِ مبتنی بر عنوان خالص، دارای ۵۰۰۰ مدخلِ مبتنی بر موضوع نیز هست. از سوی دیگر، ۱۰۰۰نام مؤلف نیز برای این تعداد مدرک وجود دارد، که آنها را نیز می‌توان جزو مدخلهای نمایه درنظر گرفت. بنابر این، در مجموع، یک فهرست با ۷۰۰۰مدخل به دست می‌آید، که اگر الفبایی شود، یک نمایهٔ حاوی موضوع-عنوان-مؤلف به حساب می‌آید. هر مدخل از این نمایه، ممکن است علاوه‌بر سرمدخل، دارای نشانی کتابشناختی کامل مدرک نیز باشد، و یا ۱۰۰۰کتابشناسی، دارای شمارهٔ ترتیب باشند و ۷۰۰۰مدخل به شماره‌های ترتیب کتابنامه ارجاع بدهند.

نکته. جلوی هر سرمدخل از نمایهٔ مبتنی بر نشانی کتابشناختی، ممکن است بیش از یک نشانی کتابشناختی یا شمارهٔ ترتیب آورده شود. مثلاً در مثال ۲، ممکن است برای موضوع کشت مرکبات، بیش از یک مدرک وجود داشته باشد، که در این صورت، نشانی همهٔ مدرک‌ها در جلوی آن آورده می‌شود.

تدوین نمایه و استفاده از آن، علاوه‌بر آشنایی با مفاهیم نظری و ساختار و کاربردهای آن، به دانش در حوزهٔ تخصصی و به ویژه به «**واژگان‌شناسی**» حوزهٔ تخصصی نیز بستگی دارد. به عنوان مثال، شخصی که می‌خواهد دربارهٔ موضوع افترا در روزنامه‌نگاری، مطالبی را از یک نمایهٔ استخراج کند، باید با معنای این واژه و به ویژه با واژگان مرتبط با آن، مثلاً اهانت، امتیاز، روزنامه‌نگاری چک‌بوک، و غیره نیز آشنایی داشته باشد و بداند که این مفاهیم نیز به مفهوم افترا مربوط هستند.

با این حال، در بسیاری از موارد، برای رفع این مشکل می‌توان از «**تزاروس**» و «**مرجع مجازی**» بهره گرفت. مثلاً با مراجعه به یک تزاروس روزنامه‌نگاری می‌توان

واژگان مرتبط با موضوع افترا را استخراج کرد، و بدین وسیله مجموعه‌ـواژگان لازم برای جستجو در نمایه را به دست آورد. حتی اگر تزاروس مذکور در دسترس نباشد، راههای متعدد دیگری وجود دارد که با استفاده از آنها، به طور غیرمستقیم، می‌توان به مجموعه‌ـواژگان موردنیاز دست یافت. شرح مفصل این مطلب در کتابهای پیشرفتهٔ نمایه‌سازی و نیز در کتابهای پژوهش‌شناسی ارائه می‌شود.

نمایه‌سازی دارای انواع و روشهای گوناگون دیگری نیز هست که در کتاب حاضر بدانها اشاره‌ای نشده است. اما مواردی که در کتاب حاضر تشریح شده‌اند، اصول اساسی نمایه‌سازی را تشکیل می‌دهند.

۴.۵. نشانی مطلب

به طور کلی، یکی از مسائل پژوهش علمی، یافتن «**نشانی مطلب**» [fact address] برای یک یا چند موضوع است. اگر هر مدخل از نمایه به یک یا چند شمارهٔ صفحه ارجاع دهد، نشانی مطلب را **نشانی صفحه** [page address]، و اگر به یک یا چند عنوان مدرک ارجاع دهد، نشانی مطلب را **نشانی کتابشناختی** می‌نامند.

مطابق یکی از روشهای علمی، برای پژوهش در باب یک موضوع معین، نخست، فهرستی از واژگان مربوط به موضوع تهیه می‌کنند و سپس برای هر واژهٔ موضوع، یک یا چند نشانی مطلب به دست می‌آورند. مطالعهٔ کل مطلبهای متناظر با این نشانیها، پژوهش موردنظر را تکمیل می‌کند.

معمولاً نمایه‌سازی مبتنی بر متن برای تعیین نشانی صفحه، و نمایه‌سازی مبتنی بر عنوان، برای تعیین نشانی کتابشناختی به کار می‌رود.

۵.۵. نمایه‌سازی مختصر کتابنامه

معمولاً در عنوان کتابها، به ویژه در عنوان کتابهای درسی، واژگانی وجود دارد که جزو موضوع محسوب نمی‌شوند و بیشتر، نوع کتاب را مشخص می‌کنند؛ مثلاً واژگانی چون:

مقدمه‌ای بر...، آشنایی با...، اصول...، مقدمات...، از...تا...، آیا می‌دانید...، طرز...، طراحی...، تحلیلی بر...، تفسیری بر...، و غیره.

اگر کتابنامه به صورت کتابنامهٔ عنوانی تدوین شده باشد، شروع شدن مدخل با این گونه

واژگان، محتملاً کمک زیادی به کاربر، در یافتن عنوان موردنظر خود، نمی‌کند. مثلاً اگر یک مدخل از کتابنامه چنین باشد:

مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.

و مدخل مذکور در میانِ مثلاً ۱۰۰۰ مدخل دیگر در حرف م[ـبـا نـی] قرار داشته باشد، گرچه مدخلها الفبایی شده‌اند، نمی‌توان به آسانی به موضوعِ آهنگسازی دست یافت. البته اگر کاربر با عنوان کامل کتاب آشنا باشد، مسئله‌ای وجود نخواهد داشت و کاربر به آسانی مدخل را در جایگاه الفبایی متناسب پیدا می‌کند. اما معمولاً چنین نیست و کاربر در میان یک مجموعه از مدخلها به جستجوی موضوع معین موردنظر خود می‌پردازد. در این صورت، طبیعتاً باید از نمایهٔ موضوعی بهره بگیرد.

اما راه سریع دیگرِ نمایه‌سازیِ مبتنی بر عنوان کتابشناختی، این است که برای هر عنوان کتاب، یک موضوع، با حذف واژگان فرعی ساخته شود. مثلاً برای عنوان مبانی آهنگسازی، موضوع آهنگسازی درنظر گرفته شود که از حذف واژهٔ فرعی مبانی به دست آمده است. با این روش، برای هر عنوان کتاب، یک موضوع به دست می‌آید که با الفبایی کردن مدخلهای مبتنی بر موضوع، یک کتابنامه به دست می‌آید که جستجو کردن در آن آسانتر است.

معمولاً بهتر است در نمایه‌سازی مختصر کتابنامه، خود مدخلهایِ حاوی عنوان اصلی نیز آورده و با مدخلهای مبتنی بر موضوع ادغام و الفبایی شوند. از سوی دیگر، برخی از عنوانها دارای واژهٔ فرعی نیستند که در این صورت، کافی است فقط مدخل مبتنی بر عنوان آورده شود. مثال زیر این موارد را نشان می‌دهد.

مثال ۸.

کتابنامهٔ زیر، حاوی ۴ مدخل است:

۱. جاودانگان، رضا جولایی، نشر البرز، ۱۳۷۶.
۲. دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا، ۱۳۶۹.
۳. شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
۴. مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.

بین این ۴ مدخل، فقط عنوانهای دوم و چهارم دارای واژگان فرعی هستند و به

موضوع نیاز دارند. برای دومی موضوع تکنولوژی، و برای چهارمی موضوع آهنگسازی درنظر گرفته می‌شود. بنابر این، فقط دو مدخل به کتابنامه اضافه می‌شود و کتابنامهٔ زیر به دست می‌آید:

۱. جاودانگان، رضا جولایی، نشر البرز، ۱۳۷۶.
۲. دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا، ۱۳۶۹.
ـ تکنولوژی: دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا، ۱۳۶۹.
۳. شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
۴. مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.
ـ آهنگسازی: مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.

بدین ترتیب، یک کتابنامهٔ ۶مدخلی حاصل می‌شود که پس از ادغام و الفبایی‌کردن، به صورت زیر در می‌آید:

۱. **آهنگسازی:** مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.
۲. **تکنولوژی:** دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا، ۱۳۶۹.
۳. جاودانگان، رضا جولایی، نشر البرز، ۱۳۷۶.
۴. دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا، ۱۳۶۹.
۵. شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
۶. مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.

گاهی برای سادگی، مدخل موضوع را مدخل فرعی به حساب می‌آورند و در آن، فقط به مدخل اصلی ارجاع می‌دهند. به عنوان مثال، کتابنامهٔ ۶مدخلیِ مثال فوق‌الذکر، چنین می‌شود:

۱. **آهنگسازی** <-- مبانی آهنگسازی.
۲. **تکنولوژی** <-- دربارهٔ تکنولوژی.
۳. جاودانگان، رضا جولایی، نشر البرز، ۱۳۷۶.
۴. دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا، ۱۳۶۹.
۵. شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
۶. مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.

که در هر حال، نمایهٔ حاصل را به صورت سادهٔ ارجاع به شمارهٔ ترتیب نیز می‌توان درآورد:

۱. آهنگسازی، ۴
۲. تکنولوژی، ۲
۳. جاودانگان، ۱
۴. دربارهٔ تکنولوژی، ۲
۵. شعر فارسی از آغاز تا امروز، ۳
۶. مبانی آهنگسازی، ۴

که نمایهٔ سادهٔ فوق هم حاوی موضوع و هم حاوی عنوان است.

۶.۵. انواع نمایه از نظر کاربرد

به طور کلی، نمایه را از نظر کاربرد بر سه نوع می‌توان تقسیم کرد:

۱. نمایهٔ موضوعی؛
۲. نمایهٔ مؤلفان؛
۳. نمایهٔ مؤلف_موضوع.

۱.۶.۵. نمایهٔ موضوعی، موضوع‌نامه

نمایهٔ موضوعی، یا موضوع‌نامه [subject index]، فهرستی است از موضوع‌های کتاب، نشریه، کتابنامه، و غیره، که با ترتیب الفبایی ارائه، و در کنار هریک، نشانی صفحه، و یا نشانی کتابشناختی موضوع در مدرک داده می‌شود. به طور کلی، نمایهٔ موضوعی بر سه نوع است:

۱. نمایهٔ موضوعی، که فهرستی از کلیدواژه‌های یک مدرک و نشانی صفحهٔ آنها را به طور الفبایی به دست می‌دهد. یک نمونه از این نوع نمایه در فصل ۲، در مثال ۱۴، تشریح شده است؛
۲. نمایهٔ موضوعی، که فهرستی از موضوعات عنوانهای موجود در یک کتابنامه را به طور الفبایی به دست می‌دهد. یک نمونه از این نوع نمایه در مثال ۸ همین فصل تشریح شده است؛
۳. ترکیبی از دو نمایهٔ فوق، بدین صورت که فهرستی از موضوعات موجود در

مجموعه‌ای از مدرک‌ها را به طور الفبایی به دست می‌دهد. به عنوان مثال، نمایه‌ای که از ۱۰۰۰ مدخل کتابشناختی تشکیل می‌شود، و به ۱۰۰۰ مدرک اشاره می‌کند، ممکن است دارای نمایهٔ موضوعی با ۲۰ هزار مدخل باشد، که در آن، برای هر مدرک، به طور متوسط ۲۰ مدخل موضوع وجود دارد.

۲.۶.۵. نمایهٔ مؤلفان

نمایهٔ مؤلفان [author index]، نوعی نمایه است که از فهرست نام مؤلفان، و نشانی مطلب مربوط به هریک تشکیل می‌شود.

مثال ۹.

کتابنامهٔ زیر، یک «کتابنامهٔ مؤلفی» است، که سرمدخل آن را نام مؤلف تشکیل می‌دهد:

۱. آذرنگ، عبدالحسین، دربارهٔ تکنولوژی، نشر دریا، ۱۳۶۹.
۲. شکیبا، پروین، شعر فارسی از آغاز تا امروز، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.
۳. صفوی، کورش، از زبان‌شناسی به ادبیات، نشر چشمه، ۱۳۷۳.
۴. فرامرزی، محمدتقی، فرهنگ اصطلاحات انگلیسی_فارسی، نشر یاسمن، ۱۳۷۵.
۵. کمال پورتراب، مصطفی، مبانی آهنگسازی، نشر چشمه، ۱۳۷۴.
۶. محمدی‌فر، محمدرضا، واژه‌نامهٔ کامپیوتر، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.

همین کتابنامه را می‌توان به عنوان یک نمایهٔ کتابشناختی مؤلفان به کار برد. اما معمولاً مراد از نمایه، نمایهٔ ساده است که مدخلهای آن به شمارهٔ ترتیب یک کتابنامه یا شمارهٔ صفحات یک مدرک ارجاع می‌دهند. بنابر این، نمایهٔ سادهٔ مؤلفان برای کتابنامهٔ فوق چنین است:

آذرنگ، عبدالحسین، ۱
شکیبا، پروین، ۲
صفوی، کورش، ۳
فرامرزی، محمدتقی، ۴
کمال پورتراب، مصطفی، ۵

محمدی‌فر، محمدرضا، ۶

مثال ۱۰.

در نمایهٔ مؤلفان سالانهٔ روزنامهٔ X، جلوی هر نام مؤلف، سه فقره اطلاعات آمده است:

مؤلف: 'عنوان نشریه'، 'تاریخ نشر'، و 'شمارهٔ صفحه'

که ممکن است به جای آن، در نمایه، هر نام مؤلف، فقط به یک شمارهٔ ترتیب ارجاع بدهد، و شمارهٔ ترتیب، مربوط به یک نشانی کتابشناختی مطلب روزنامه باشد.

به طور کلی، نمایهٔ مؤلفان بر دو نوع است:

۱. نمایهٔ مؤلفان، که فهرستی از نامهای مؤلفانِ اشاره‌شده در یک متن و نشانی صفحهٔ آنها را به طور الفبایی به دست می‌دهد. این نوع نمایه، در متونی که به شیوه مستندنویسی تدوین می‌شوند، متداولتر است. مثلاً در یک کتاب مستند فرضی که در داخل آن، به نوشته‌های ۲۰۰ مؤلف اشاره و استناد شده است، ممکن است یک نمایهٔ پیوست درج شده باشد که از ۲۰۰ نام مؤلف مذکور تشکیل می‌شود: جلوی هر مدخل یک شمارهٔ صفحه داده شده است که حاوی نام مؤلف است. گاهی این نمایه را نمایهٔ کسان نیز می‌نامند؛

۲. نمایهٔ مؤلفان، که هر مدخل آن، به یک نشانی کتابشناختی مدرک اشاره می‌کند. یک نمونه از این نوع نمایه، «کتابنامهٔ مؤلفی» است، که در فصل ۴ تشریح شد. نمایهٔ مؤلفان، همچنان‌که در مثال ۹ اشاره شد، می‌تواند از نوع ساده یا کتابشناختی باشد.

۳.۶.۵. نمایهٔ مؤلف_موضوع

نمایهٔ مؤلف_موضوع [author-subject index]، نوعی نمایه است که از فهرست الفبایی ادغام‌شدهٔ نام مؤلفان و موضوعات تشکیل می‌شود.

مثال ۱۱.

کتابنامهٔ زیر حاوی ۶ مدخل، و دارای ترتیب عنوانی است:

۱. از زبان‌شناسی به ادبیات، کورش صفوی، نشر چشمه، ۱۳۷۳.

۲. جاودانگان، رضا جولایی، نشر البرز، ۱۳۷۶.

۳. دربارهٔ تکنولوژی، عبدالحسین آذرنگ، نشر دریا، ۱۳۶۹.

۴. شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکیبا، نشر هیرمند، ۱۳۷۰.

۵. فرهنگ اصطلاحات انگلیسی_فارسی، محمدتقی فرامرزی، نشر یاسمن، ۱۳۷۵.

۶. مبانی آهنگسازی، مصطفی کمال پورتراب، نشر چشمه، ۱۳۷۴.

اولاً نمایهٔ موضوعی این کتابنامه چنین است:

آهنگ‌سازی، ۶
ادبیات، ۱، ۴
تاریخ شعر، ۴
تکنولوژی، ۳
رمان، ۲
زبان انگلیسی، ۵
زبان‌شناسی، ۱
شعر فارسی، ۴
موسیقی، ۶

ثانیاً نمایهٔ مؤلفان این کتابنامه چنین است:

آذرنگ، عبدالحسین، ۳
جولایی، رضا، ۲
شکیبا، پروین، ۴
صفوی، کورش، ۱
فرامرزی، محمدتقی، ۵
کمال پورتراب، مصطفی، ۶

که با ادغام و الفبایی کردن دو نمایه، نمایهٔ مؤلف_موضوع کتابنامهٔ فوق به دست

می‌آید، به شرح زیر:

آذرنگ، عبدالحسین، ۳

آهنگ‌سازی، ۶

ادبیات، ۱، ۴

تاریخ شعر، ۴

تکنولوژی، ۳

جولایی، رضا، ۲

رمان، ۲

زبان انگلیسی، ۵

زبان‌شناسی، ۱

شعر فارسی، ۴

شکیبا، پروین، ۴

صفوی، کورش، ۱

فرامرزی، محمدتقی، ۵

کمال پورتراب، مصطفی، ۶

موسیقی، ۶

که شماره‌های نمایه، به شماره‌های ترتیب ۶کتابشناسی ارجاع می‌دهند.

فصل ۶

نمایه‌نامه

۱.۶ . مقدمه

نمایه‌نامه، یا نشریهٔ نمایه‌ها، نوعی «مرجع سطح صفر» به صورت نشریهٔ ادواری است، که هر شمارهٔ آن حاوی یک یا چند نمایه از موضوعات و واژه‌های مهم و کلیدی یا کلیدواژه‌های مقالات نوشته‌شده در نشریات متعدد است که معمولاً حوزه یا حوزه‌های تخصصی معینی را می‌پوشانند. نمایه‌نامه، ممکن است علاوه‌بر کلیدواژه‌های مقالات نشریات، کلیدواژه‌های انواع دیگر مدرک، مانند کتاب و سمینار را نیز بپوشاند.

به عبارت دیگر، نمایه‌نامه، متشکل از مجموعه‌ای از کلیدواژه‌های متعلق به تعدادی مقاله [یا هر نوع مدرک دیگر] است که مانند «نمایه» به صورت الفبایی تنظیم می‌شود، و هر مدخل از آن، به نشانی کتابشناختی یک یا چند مقاله از یک یا چند نشریه [یا هرنوع مدرک دیگر] ارجاع می‌دهد، و در ضمن، به صورت نشریهٔ ادواری منتشر می‌گردد. مثلاً:

Agrindex

که یک نمایه‌نامهٔ ماهانه است، شامل فهرستی است از موضوعات و کلیدواژه‌های کشاورزی، که ذیل هر مدخل از آن، اطلاعات کتابشناختیِ یک یا چند مقاله و کتاب مرتبط با مدخل آمده است.

اغلب نمایه‌نامه‌ها حاوی انواع فهرستهای راهنما و نمایه‌های فرعی و رده‌بندی موضوعی نیز هستند. همچنین، نمایه‌نامه ممکن است به جز شکل الفبایی، دارای یک یا چند نظم خاص دیگر نیز باشد، مثلاً مدخلها به صورت سلسله‌مراتبی مرتب شده باشند و غیره.

۲.۶. کاربرد نمایه‌نامه

هدف از نمایه‌نامه این است که به پژوهشگر نشان داده شود که کجا می‌تواند به اطلاعات موردنظر خود دست یابد. مثلاً پژوهشگری که به موضوع پرورش اسب علاقمند است، کافی است به مدخل مربوطه در حرف پ [یا در واقع به مدخل horse breeding در حرف H] از یک نمایه‌نامه مراجعه کند تا فهرستی از چند مقاله و کتاب دربارهٔ این موضوع که به تازگی منتشر شده‌اند، بیابد. همچنین، کاربری که به مقالات و کتابهای نوآم چومسکی علاقمند است می‌تواند به نمایهٔ مؤلفان از یک نمایه‌نامه مراجعه کند تا به فهرستی از مقالات و کتابهای وی که به تازگی منتشر شده‌اند دست یابد، البته اگر در زمان نشر نمایه‌نامه، مؤلف مذکور مطلبی منتشر کرده باشد.

اغلب نمایه‌نامه‌ها به صورت نشریهٔ ادواری ـمثلاً ماهنامهـ منتشر می‌شوند تا تازه‌ترین اطلاعات مربوط به موضوعات مختلف یک حوزه یا رشته یا مبحث را در دسترس محققان قرار دهند.

۳.۶. نمایه‌نامه‌های مهم

امروزه تقریباً در همهٔ حوزه‌ها و رشته‌های دانش بشری، نمایه‌نامه‌های تخصصی متعددی منتشر می‌شوند. زبان اغلب نمایه‌نامه‌های مهم دنیا انگلیسی است؛ هرچند، زبان نمایه‌نامه دارای اهمیتی نیست، زیرا مسئله، اصل منابعی هستند که نمایه‌نامه بدانها ارجاع می‌دهد و نشانی آنها را در دسترس می‌گذارد. ممکن است زبان یک منبع، انگلیسی نباشد، اما در نمایه‌نامهٔ انگلیسی معرفی گردد.

اگریندِکس، نمایه‌نامهٔ کشاورزی
Agrindex

تأسیس: ؟

ناشر: Food and Agriculture Organization of the United Nations [FAO]

نشانی: AGRIS Center, FAO of UN,

Via delle Terme di Caracalla, 00100 ROME, ITALY.

اگریندِکس، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع کشاورزی. سیستم بین‌المللی اطلاعات علمی و فنی کشاورزی، که توسط سازمان غذا و کشاورزی [FAO] وابسته به سازمان ملل منتشر می‌شود. اگریندِکس، از چهار «نمایه» تشکیل می‌شود:

۱. نمایهٔ اصلی، شامل کلیدواژه‌های علمی
۲. نمایهٔ اشخاص،
۳. نمایهٔ محصولات،
۴. نمایهٔ مؤسسات و سازمانها.

حوزهٔ تحت پوشش این نمایه‌نامه به شیوهٔ حرفی–رقمی به حدود ۲۰ رشته رده‌بندی شده است، از جمله کشاورزی عمومی، آموزش و ترویج کشاورزی، مدیریت و حقوق کشاورزی، اقتصاد کشاورزی، تولید گیاهان، حفاظت گیاهان، جنگل‌داری، تولید دام، ماهی‌گیری، ماشینهای کشاورزی، صنایع غذایی، و مسائل محیط زیست. سیستم رده‌بندی اطلاعات کشاورزی در این نمایه‌نامه بسیار مفصل است. به عنوان مثال، با در دست داشتن کلیدواژهٔ درخت گردو می‌توان علاوه‌بر مشخصات مقالات و کتابهای مربوطه، جایگاه کلیدواژه را در کل حوزهٔ کشاورزی و نیز، مدخلهای دیگر مربوط به آن را دریافت.

نشریهٔ مرتبط به این نمایه‌نامه،

Monthly Bulletin of Statistics

است که به صورت ماهنامه، و از سال ۱۹۴۸ تاکنون توسط FAO منتشر می‌شود [نشانی نمایه‌نامهٔ مذکور با نشانی اگریندِکس یکسان است]. این اثر نیز حاوی اطلاعات نمایه‌شدهٔ آماریِ مربوط به کشاورزی، تغذیه، دامداری، جنگل‌داری و رشته‌های مرتبط با حوزهٔ وسیع کشاورزی است که نمایه‌ها و فهرستهای موضوعی آن مانند اگریندِکس ترتیب‌بندی شده‌اند. این دو نشریه، در مجموع مهمترین اطلاعات مرجعِ نمایه‌ایِ کشاورزی و رشته‌ها و حوزه‌های وابسته یا نزدیک به آن را به دست می‌دهد.

اِی‌بی‌سی پوُل سای، نمایه‌نامهٔ علوم سیاسی
ABC POL SCI

A Bibliography of Contents: Political Science and Government

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0001-0456
تناوب نشر: شش شماره در سال
تأسیس: 1969
ناشر: American Bibliographical Center-Clio-Press.
نشانی: Riviera Campus, 2040 A.P.S.,
P.O. Box 4397, Santa Barbara, CA 93103, USA.

نمایه‌نامهٔ اِی‌بی‌سی پوُل سای، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع علوم سیاسی، که نمایهٔ چندصد نشریهٔ علمیِ علوم سیاسی را دربر می‌گیرد. حوزه‌های تحت پوشش این نمایه‌نامه به رشته‌های مختلف علوم سیاسی، از جمله علوم سیاسی، دولت، سیاست خارجی، حقوق فردی، اقتصاد، و غیره رده‌بندی شده است.

نمایه‌نامهٔ اِی‌بی‌سی پوُل سای، از سه قسمت تشکیل می‌شود:

۱. نمایهٔ فهرست مطالب نشریات،
۲. نمایهٔ موضوعی،
۳. نمایهٔ مؤلفان.

هر مدخل از قسمت اول، حاوی عنوان و مشخصات نشریه، و فهرست و مشخصات مقالات نشریه است. در قسمت دوم، فهرست موضوعی مقالات، همراه با کلیدواژه‌های مربوطه می‌آید. بدین ترتیب، کاربر، با دردست داشتن یک موضوع معین می‌تواند به فهرستی از مقالات دست یابد که تازه‌ترین اطلاعات دربارهٔ موضوع را دربر دارند. به عنوان مثال، با داشتن موضوعِ:

انتخابات در...

می‌توان به قسمت دوم نمایه‌نامه مراجعه کرد و شماره‌های ترتیب مقالات را که در قسمت اول فهرست شده‌اند به دست آورد که ممکن است، به عنوان مثال، مشخصات ۵۰ مقاله

باشد. در قسمت سوم، نمایهٔ مؤلفان می‌آید که هر مدخل از آن حاوی نام مؤلف و شمارهٔ ترتیب مقاله است که به قسمت اول ارجاع می‌دهد.

سی‌پی‌آی، نمایه‌نامهٔ فیزیک روز
CPI ،Current Physics Index

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0098-9819

تناوب نشر: فصلنامه

تأسیس: 1975

ناشر: American Institute of Physics.

نشانی 335 E. 45th St., New York, NY 10017, USA.

سی‌پی‌آی، نام یک «مرجع سطح صفر» است، حاوی اطلاعات مرجع فیزیک روز، به صورت «نمایه‌نامه»، که فهرست موضوعی و مشخصات آخرین مقالات ارائه‌شده در حوزهٔ فیزیک را به دست می‌دهد.

در این مرجع، حوزهٔ فیزیک به شیوه‌ای بسیار مفصل [مناسب رده‌بندی مقالات]، به ۱۰ رشته رده‌بندی شده است، که عبارت‌اند از:

> کلیات فیزیک؛ فیزیک ذرات بنیادی؛ فیزیک هسته‌ای؛ فیزیک اتمی و مولکولی؛ حوزه‌های اساسی فیزیک ـ شامل الکترومغناطیس، میدانها و ذرات باردار، نورشناسی، صداشناسی، انتقال حرارت و ترمودینامیک، مکانیک کلاسیک، و دینامیک شاره‌ها ـ ؛ مکانیک شاره‌ها؛ فیزیک پلاسما؛ مواد چگال: ساختار و خواص مکانیکی و حرارتی ـ شامل بلورنگاری ـ ؛ مواد چگال: ساختار الکترونیکی، و خواص الکتریکی و مغناطیسی و نورشناختی؛ حوزه‌های بین رشته‌های مرتبط با فیزیک ـ شامل علوم مواد، شیمی فیزیکی، زیست‌ـفیزیک ـ ؛ و فیزیک زمین و نجوم.

سی‌پی‌آی، از سه قسمت اصلی تشکیل می‌شود:

۱. متن چکیده‌ها، همراه با اطلاعات کتابشناختی و رده‌بندی هر چکیده؛
۲. فهرست موضوعی، شامل کلیدواژه‌های مهم مربوط به مقالات تحت پوشش؛
۳. نمایهٔ مؤلفان.

به عبارت دیگر، سی‌پی‌آی، علاوه‌بر نمایه‌نامه، «چکیده‌نامه» نیز محسوب می‌شود.

پژوهشگر فیزیک با در دست داشتن موضوع می‌تواند به چکیده، مشخصات مقالات، و جایگاه موضوع در سیستم رده‌بندی مرجع برسد.

ناشر این اثر، از سال 1970، نشریهٔ دیگری به صورت دوهفته‌نامه، به نام:

Physical Review Abstracts

یا چکیده‌نامهٔ معرفی مقالات فیزیک منتشر می‌کند که حاوی چکیدهٔ مقالات «نقدوبررسی» در زمینهٔ فیزیک است. شمارهٔ شاباپ این نشریه ISSN 0048-4024 است.

نمایه‌نامهٔ آموزش
Education Index

شمارهٔ «شاباپ»: ISSN 0013-1385

تناوب نشر: ماهنامه [همراه با نشر کامل ادغام شدهٔ سالنامه]

تأسیس: 1929

ناشر: H.W. Wilson Co.

نشانی: 950 University Ave. Bronx, N.Y. 10452, USA.

نمایه‌نامهٔ آموزش، نام یک مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع آموزش و پرورش، به صورتِ نمایه‌نامه، که نمایه‌های مقالات آموزش منتشرشده به زبان انگلیسی را به دست می‌دهد.

این نشریه، حوزهٔ آموزش را به رشته‌های کلی، از جمله:

آموزش مقدماتی، آموزش متوسطه، آموزش عالی، آموزش بزرگسالان، آموزش فنی حرفه‌ای، برنامه‌ریزی درسی، مدیریت آموزشی، مشاوره، و روشهای تدریس

رده‌بندی کرده است.

نمایه‌نامهٔ آموزش، از دو قسمت اصلی تشکیل می‌گردد:

۱. نمایهٔ ادغام‌شدهٔ عنوان و موضوع و مؤلف که به شیوهٔ الفبایی ترتیب‌بندی شده‌اند؛

۲. فهرست نشریات نمایه‌شده.

هر مدخل از قسمت اول، عنوان یا موضوع یا نام مؤلف را به دست می‌دهد، و ذیل هریک، اطلاعات کتابشناختی نشریهٔ حاوی مقالهٔ مربوطه می‌آید.

در این نمایه‌نامه، علاوه‌بر دو قسمت فوق، یک قسمت مجزا مربوط به «نقدوبررسی» کتابهای تازه در حوزهٔ آموزش نیز می‌آید که معرفی نسبتاً مفصلی از هر کتاب را، همراه با مشخصات کامل کتابشناختی اثر، و نیز نام و مشخصات کامل معرفی‌کنندهٔ کتاب [منتقد]، همراه با مشخصات کتابشناختیِ نشریهٔ چاپ‌کنندهٔ نقدوبررسی کتاب به دست می‌دهد. معمولاً، معتبرترین کتابهای حوزهٔ آموزش در این نمایه‌نامه معرفی می‌گردند. ممکن است در کنار این نمایه‌نامه، نمایه‌نامهٔ زیر نیز به کار برده شود:

Journal of Abstracts in International Education

[شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0094-2383]،

که حاوی چکیده‌نامه و فهرست موضوعی و نقدوبررسی کتاب است.

نمایه‌نامهٔ مهندسی

Engineering Index Monthly and Author Index

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0162-3036

تناوب نشر: ماهنامه، همراه با سالنامهٔ ادغام‌شده

ناشر: Engineering Index, Inc.

نشانی: 345 E. 47th St., New York NY10017 USA.

نمایه‌نامهٔ مهندسی، یک مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجعِ مهندسی، به صورتِ نمایه‌نامه، که براساس یک رده‌بندی بسیار مفصل، متون مهندسی کل حوزه‌های مهندسی را مربوط به کشورهای گوناگون دربر می‌گیرد.

این نمایه‌نامه از دو قسمت اصلی تشکیل می‌گردد:

۱. متن چکیده‌نامه،

۲. نمایهٔ مؤلفان.

بدین ترتیب، نمایه‌نامهٔ مهندسی، در واقع یک «چکیده‌نامه» است با نظم رده‌بندی‌شده. هر مدخل از قسمت اول حاوی سرعنوان موضوعی، موضوع فرعی، مشخصات نشریهٔ به

چاپ‌رسانده و نویسندهٔ مقاله، و چکیدهٔ مقاله است. از آنجا که چکیده‌ها براساس موضوعات سلسله‌مراتبی [سرعنوانهای موضوعی] مرتب شده‌اند، کاربر با مراجعه به موضوع در جایگاه الفبایی آن، به آسانی به چکیده یا چکیده‌های موردنظر خود دست می‌یابد. نام قبلی این نشریه *Engineering Index* بوده است.

نمایه‌نامهٔ پزشکی
Index Medicus

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0019-3879

تناوب نشر: ماهنامه [و نمایهٔ ادغامی سالنامه]

تأسیس: 1960

ناشر: US National Library of Medicine.

نشانی: C/O Chief, Bibliographic Services Division,
8600 Rockville Pike, Betherda, MD 20014, USA.

نمایه‌نامهٔ پزشکی، یک مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع پزشکی، به صورت نمایه‌نامه، که رشته‌های مختلف پزشکی و زیست‌شناسی و رشته‌های مرتبط را دربرمی‌گیرد.

سیستم رده‌بندی این مرجع براساس سرعنوانهای موضوعی پزشکی [MeSH]، تدوین شده که بسیار مفصل است و خود به تنهایی اطلاعات مرجع پزشکی محسوب می‌شود و کاربردهای رده‌بندی دارد.

نمایه‌نامه شامل دو قسمت اصلی است:

۱. نمایهٔ موضوعی،

۲. نمایهٔ مؤلفان.

در نمایهٔ موضوعی، اطلاعات مقالات براساس نظم موضوعی، شامل کلیدواژه‌ها و مشخصات کتابشناختی نشریهٔ چاپ‌کننده می‌آید. نمایهٔ مؤلف براساس نام مؤلفان و ارجاع به قسمت اول ترتیب‌بندی شده است.

نمایه‌نامهٔ کریسشن ساینس مونیتور
[Index to the Christian Science Monitor

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0098-1184
تناوب نشر: ماهانه [و سالنامهٔ ادغامی]
تأسیس: 1949
ناشر: Bell & Howell co., Newspaper Indexing Center.
نشانی: Microphoto Division, Old Mansfield Rd.,
Wooster, OH 44691, USA.

نمایه‌نامهٔ کریسشن ساینس مونیتور، یک مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع روزنامهٔ کریسشن ساینس مونیتور، به صورتِ نمایه‌نامه، که اطلاعات یکی از مهمترین و معتبرترین روزنامه‌های جهان را به دست می‌دهد و یکی از کارآمدترین ابزارهای پژوهش ـبه ویژه در روزنامه‌نگاری و علوم اجتماعی و سیاسی و اقتصادیـ محسوب می‌شود.

نکته. امروزه بانکهای اطلاعاتی بزرگ، که امکان استفاده از روشهای مفصل جستجو را به کاربر می‌دهند، در موارد بسیار، جایگزین این‌گونه نمایه‌نامه‌های غیرتخصصی شده‌اند، اما با این حال، نمایه‌نامهٔ کریسشن ساینس مونیتور همچنان اعتبار و ارزش خود را حفظ کرده است، زیرا به ویژه با ارجاعات سلسله‌مراتبی، کاربر را به سمت موضوع موردنظر خود راهنمایی می‌کند: امکانی که در سیستمهای کامپیوتری محض وجود ندارد.

نمایه‌نامهٔ موسیقی
Music Index

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0027-4348
دُورهٔ نشر: ماهنامه و یک سالنامهٔ ادغامی
تأسیس: 1949
ناشر: Information Coordinators, Inc.
نشانی: 1435 Randolph St., Detroit, MI 48226, USA.

نمایه‌نامهٔ موسیقی، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع موسیقی، که

نمایهٔ صدها نشریهٔ بین‌المللی موسیقی را دربر دارد.

قسمت اصلی این نمایه‌نامه، نمایهٔ موضوعی و مؤلفان است که در هم ادغام شده‌اند. نمایه‌نامهٔ موسیقی را می‌توان به عنوان مکمل *A & HCI* به کار برد.

نمایه

[نشریهٔ دبیرخانهٔ هیأت‌امنای کتابخانه‌های عمومی کشور]

Namaye

شمارهٔ «شابپ»: ؟

تناوب نشر: ماهنامه

تأسیس: ۱۳۷۰

ناشر: دبیرخانهٔ هیأت‌امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، وزارت ارشاد اسلامی

نشانی: تهران، خیابان زرتشت غربی، کوی کامبیز، کوچهٔ یازدهم، پلاک ۱۱/۲؛ تلفن ۸۸۵۹۰۳۵

نمایه، یک مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع به صورت نمایه‌نامه، که راهنمای موضوعیِ مقالات چاپ‌شده در نشریات ایرانی را به دست می‌دهد.

نمایه‌نامهٔ نمایه، شامل دو قسمت اصلی است:

۱. فهرست مطالب تک‌تک نشریات ایرانی،

۲. نمایه‌ها.

قسمت اول به فهرست مطالب هر نشریه، که در ماه جاری منتشر شده است، اختصاص دارد [به عنوان نمونه، در فاصلهٔ زمانی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴، ماهانه حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ نشریه را دربر می‌گرفته است، اما تعداد نشریات متغیر است و به ویژه در هر شماره گسترش می‌یابد].

در قسمت دوم، انواع فهرستهای راهنما با ترتیب الفبایی ارائه می‌شوند که راهنمای ورود به قسمت اول محسوب می‌شوند. این فهرستها عبارت‌اند از:

۱. راهنمای موضوعی مقالات براساس رده‌بندی دیوئی؛

۲. راهنمای موضوعی مقالات به ترتیب الفبا؛

۳. نمایهٔ موضوعی مجلات و روزنامه‌ها؛

۴. نمایهٔ نقد آثار؛
۵. نمایهٔ گفتگوها؛
۶. نمایهٔ پدیدآورنده‌ها؛
۷. نمایهٔ ترجمهٔ مقالات نشریات خارجی موجود در بانک اطلاعاتیِ ادارهٔ کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی؛
۸. راهنمای موضوعی کتابهای ماه براساس رده‌بندی دیوئی؛
۹. راهنمای موضوعی کتابهای ماه به ترتیب الفبا؛
۱۰. نمایهٔ کتابهای ماه؛
۱۱. کتابخانهٔ نمایه.

که هریک از این یازده قسمت، یک نمایه‌نامهٔ کوچک محسوب می‌شود.

نمایه، به ویژه در حوزه‌های ادبیات و علوم انسانی، ابزار پرکاربردی برای پژوهشگر است که همواره آخرین اطلاعات منتشرشده را به دست می‌دهد.

ساختار کلی نمایه، با ساختار نسبتاً_استانداردشدهٔ نمایه‌نامه‌های بزرگ جهانی یکسان است. در حقیقت، این نمایه‌نامه، از نظر ساختار، به نمایه‌نامهٔ اِی‌بی‌سی پوُل سای، یا نمایه‌نامهٔ علوم سیاسی شباهت دارد.

فصل ۷

چکیده

۱.۷ . مقدمه

چکیده [abstract]، اساساً نوعی «مطلب» است که خلاصهٔ مفیدی از یک «مدرک» به دست می‌دهد. در فصل حاضر، نخست شرحی از مفهوم چکیده به معنای عام آن، یعنی خلاصهٔ یک مدرک می‌آید، و سپس، نمونه‌های از چند چکیده ارائه می‌شود، تا مفهوم از دیدگاه مدرک‌شناسی نیز روشن گردد. تدوین چکیده جزو «خدمات مدرک‌شناسی» است.

در فصلهای گذشته، بارها به مفهوم چکیده اشاره شده است و به ویژه منابعی معرفی شده است که در آنها، چکیده نیز وجود دارد. مثلاً در یک «نمایه‌نامه»، ممکن است چکیده نیز وجود داشته باشد که در این صورت، نمایه‌نامه را می‌توان چکیده‌نامه نیز به حساب آورد. اما هدف مهم کتاب حاضر، تفکیک علمیِ مفاهیم کتابنامه، نمایه‌نامه، چکیده‌نامه، و غیره است، و به همین دلیل، در فصل حاضر، مفهوم چکیده به تفصیل تشریح می‌شود.

۲.۷ . چکیده به عنوان یک مطلب

از دیدگاه «پژوهش‌شناسی»، هر نوع اطلاعات را می‌توان خلاصه کرد و خلاصهٔ به دست آمده را «چکیده» نامید. این اطلاعات به دست آمده نوعی «مطلب» محسوب می‌گردد که تدوین آن دارای روش‌شناسی مخصوص، و دارای انواع متعدد است.

روش تدوین چکیده به عنوان نوعی مطلب، یکی از موضوعات مبحث پژوهش‌شناسی است. علاوه‌بر این، در یک نشریه، هر چکیده را می‌توان یک مطلب به حساب آورد.

۳.۷. چکیده به عنوان یک مدرک

اگر چکیده دارای نشانی کتابشناختی باشد، از نظر کتابشناسی، نوعی مدرک محسوب می‌گردد. در کتابشناسی، چکیده نوعی مدرک است که خلاصه‌ای از محتوای کل یک مدرک ـ مقاله، کتاب، و غیره ـ را ارائه می‌دهد و در ضمن، دارای حجم نسبتاً معینی است: حجم معینِ چکیده، معمولاً در حدود چند ـ ده تا چند ـ صد کلمه است، که براساس اصول «چکیده‌نویسی» تدوین می‌شود. مثلاً در هر شماره از یک روزنامه، ممکن است چکیدهٔ یک کتاب ۲۰۰ تا ۵۰۰صفحه‌ای در یک ستونِ ۲۰ تا ۵۰سانتی‌متری ارائه شود.

دو مشخصهٔ اساسی چکیده، که آن را از انواع دیگر متون خلاصه‌شده ممتاز می‌سازند، عبارت‌اند از:

۱. حجم یا اندازهٔ تقریبی چکیده از پیش تعیین می‌شود؛ مثلاً ممکن است براساس سیاست‌گزاریهای ناشر کتاب یا مجله، و یا مدیریت کتابخانه، از پیش تعیین گردد که اندازهٔ تقریبی چکیدهٔ هر کتاب ۲۰۰ تا ۲۵۰کلمه باشد: خواه کتاب مثلاً ۱۰۰صفحه‌ای باشد و خواه ۵۰۰صفحه‌ای؛

۲. چکیده، یک نوع مدرک محسوب می‌شود؛ مثلاً ۱۰۰۰چکیدهٔ متناظر با ۱۰۰۰مقالهٔ منتشرشده دربارهٔ لایهٔ اوزون در سال ۱۹۹۹ب.م.، ۱۰۰۰مدرک محسوب می‌گردد که هریک از آنها می‌تواند دارای یک برچسب یا نشانی کتابشناختی [«کتابنامه»] باشد.

شرح بیشتر مفهوم چکیده از مثالهای زیر مشخص می‌شود.

مثال ۱. چکیدهٔ یکی از نظریه‌های کیهان‌شناسی مبتنی بر نظریهٔ موسوم به نظریهٔ مِهبانگ در ۷۰سطر:

حدود پانزده‌میلیارد سال پیش، زمان وجود نداشت. فضا وجود نداشت. ماده وجود نداشت... حتی فضایی که بتواند یک چوب‌کبریت را در خود جای دهد، وجود نداشت...

در یک لحظه، زمان و فضا و ماده به وجود آمد یا آفریده شد. زمان، به جریان افتاد، فضا، معنا یافت، و ماده، موجود گشت. تولد زمان و فضا و ماده را مِهبانگ یا بانگ بزرگ [Bigbang] می‌نامند.

حدود پانزده‌میلیارد سال پیش... در لحظه‌ای بسیار بسیار کوتاهتر از ثانیه، پس از لحظهٔ مهبانگ، همهٔ هستی، شامل زمان، فضا، و ماده درون موجودی کوچکتر از یک اتم، اما بس چگال، جای داشت. این لحظه را می‌توان آغاز دنیا فرض کرد، که پیش از آن هیچ چیزی وجود نداشته است. دانشمندان، برای لحظهٔ صفر هیچ نظریه‌ای نمی‌توانند بدهند. اما برای لحظهٔ

بسیار بسیار کوتاهی بعد از لحظهٔ صفر، نظریه‌های ریاضی و فیزیکی قابل‌قبولی داده‌اند.

در آن لحظه، موجود بسیار کوچک مهبانگ، میلیاردهامیلیارد برابر داغتر از مرکز خورشید بود. اما هنوز هیچ چیزی از زمان_فضا_ماده، بیرون از آن موجودِ به‌نهایت کوچک معنا نداشت. و در پی آن لحظه، موجود به‌نهایت کوچک و داغ، به‌مانند یک بادکنک منبسط می‌شد.

در آن دماهای بسیار بسیار زیاد، ماده، و حتی نیرو و جاذبه و الکتریسیته و مغناطیس، به صورتی که ما می‌شناسیم وجود ندارد.

در نخستین لحظه‌های مهبانگ، در کمتر از:

یک میلیون_میلیون_میلیون_میلیون_میلیون_میلیونیم ثانیه

مقداری ماده و مقداری ضدماده به وجود آمد، که آن‌دو را مادهٔ X و ضدمادهٔ X می‌توان نامید. معجزه، تصادف، یا هرچه که بود، مقدار مادهٔ X اندکی بیشتر از مقدار ضدمادهٔ X بود، و ماده و ضدماده به کشمکش پرداختند: شاید حدوداً به‌ازای هر ۱۰۰میلیون ذرهٔ مادهٔ X، ۹۹,۹۹۹,۹۹۹ذرهٔ ضدمادهٔ X [یکی کمتر از اولی] وجود داشت و همان یک ذرهٔ مادهٔ X پیروز باقی ماند تا سنگ‌بنای دنیای دیروز و امروز و فردای دنیا را بگذارد.

در لحظه‌ای بعد که هنوز تا ثانیه فاصلهٔ بسیار داشت، مادهٔ X باقی‌مانده سردتر و منبسطتر گشت، و به اندازهٔ یک توپ فوتبال درآمد و باز هم منبسط گشت، تا این که ذراتی به نام کوارک و الکترون متولد شدند و، در کسر کوچکی از ثانیه، حجم دنیا به اندازهٔ کرهٔ زمین رسید.

دما همچنان پایین می‌آمد و حجم دنیا همچنان افزایش می‌یافت، و در دوره‌ای از عمر دنیا که هنوز هم تا ثانیه فاصله داشت، کوارک‌ها به نوترونها و پروتونها بدل گشتند و بدین‌ترتیب، ماده از جنسی که ما می‌شناسیم بنیاد نهاده شد. تا چند دقیقهٔ اول، هنوز اتم به معنای واقعی وجود نداشت، اما هسته‌های اتمها برای دنیای آینده ساخته می‌شدند. دورهٔ بعدی، پس از چند دقیقه آغاز شد و تا چندصدهزار سال ادامه یافت. در این دوره، اتمهای سبک مانند هیدروژن و هلیوم ساخته شدند. آخرین دوره، پس از چندصدهزارسال آغاز شد که تا امروز ادامه دارد. در این دوره، اتمهای سنگین ساخته شدند و انبساط همچنان ادامه می‌یافت. در چندمیلیون سال نخست، حجم دنیا، به اندازهٔ کهکشان راه شیری بود، و هنوز هم چیزی خارج از آن معنا نداشت. و به تدریج تا امروز، دنیای کهکشانها و ستاره‌ها و سیارات، و شاید از همه مهمتر، حیات، به وجود آمد.

ابر عظیمی از گاز و غبار، که محصول مهبانگ پانزده‌میلیارد سال پیش است، در فضا، پس از چندصدمیلیون سال متراکم می‌شود، و ستاره‌ها و مجموعه‌های ستاره‌ای و کهکشان‌ها را می‌سازد: وقتی ابری از گاز و غبار آن‌قدر متراکم شود که پس از میلیونها سال دمای مرکز آن به بیش از [حدود] ۱۰میلیون سلسیوس [یا سانتی‌گراد] برسد، ستاره‌ای متولد می‌شود و درون آن یک واکنش هسته‌ای آغاز می‌گردد و از آن لحظه به بعد به طور پیوسته و بدون‌وقفه، واکنش هسته‌ای به مدت چندمیلیارد سال ادامه می‌یابد، تا این‌که مادهٔ سوختی آن به پایان برسد.

ستاره‌ها را بر سه نوع می‌توان تقسیم کرد: بزرگ، متوسط، و کوچک: هرقدر ستاره

بزرگتر باشد، شدت سوخت آن نیز بیشتر، و در نتیجه دارای عمر کمتری است. خورشید یک ستارهٔ متوسط است و عمر آن نیز متوسط است: خورشید ۱۰میلیاردسال می‌تواند عمر کند که ۵میلیارد سال آن سپری شده و ۵میلیارد سال دیگر از عمر آن باقی مانده است. ستاره‌های بزرگ که هزاران برابر بزرگتر از خورشید هستند دارای عمر کوتاهی هستند و پس از چندصدمیلیون سال تا یکی دو میلیارد سال به پایان عمر خود می‌رسند؛ و برعکس، ستاره‌های کوچک، که هزاران برابر کوچکتر از خورشید هستند، دارای عمر بیشتری نیز هستند.

کرهٔ زمین متعلق است به منظومهٔ شمسی متشکل از یک ستاره به نام خورشید و ۹ سیاره. خورشید متعلق است به منظومه‌ای بزرگتر به نام کهکشان راه‌شیری که متشکل از حدود ۲۰۰میلیارد ستاره است. کهکشان راه‌شیری، متعلق است به خوشه‌ای از چندین کهکشان نزدیک‌به‌هم به نام گروه محلی. و سرانجام این‌که، میلیونها [یا شاید میلیاردها] خوشهٔ کهکشانی، کل عالم هستی امروز ما را تشکیل می‌دهند، که هریک [از خوشه‌ها] به طور متوسط چندصدمیلیارد تا چندهزارمیلیارد ستاره را در خود جای داده‌اند.

همهٔ ستارگانِ همهٔ کهکشانها، همانند خورشید، زاده می‌شوند، فعالیت هسته‌ای می‌کنند، و پس از مدتی، نوعاً ۱۰میلیارد سال، سوخت آنها تمام می‌شود، و می‌میرند. احتمال زیاد وجود دارد که هر ستاره منظومه‌ای باشد، به‌سان خورشید، که چند سیاره به دور آن گردش می‌کنند. نیز بعید نیست که معجزهٔ حیات در نقطه‌ای یا حتی در نقاط متعددی از خوشه‌های کهکشانی موجود در عالم نیز رخ داده باشد.

امروزه با دستگاههای تلسکوپی نوری و رادیویی، و نیز با ابرکامپیوترها، به نتایج جالبی از دنیای بزرگ هستی رسیده‌اند. حدود تقریبی حجم و جرم و چگالی متوسط دنیا _البته با یک_دو معمای مهم_ مشخص شده است. بزرگترین فاصلهٔ دنیای ما کمتر از حدود پانزده‌میلیارد سال‌نوری است، و با توجه به جرم و فاصلهٔ متوسط کهکشانها، عددی تقریبی برای چگالی متوسط دنیا به دست آمده است: یک ذرهٔ کوچک برای هر کیلومترمکعب. همهٔ اینها یک حقیقت بزرگ را نشان می‌دهند: دنیای ما بی‌نهایت بزرگ نیست. تعیین طول عمر و اندازهٔ دنیا از روی فرمولی به دست می‌آید که در آن، عددی به نام «ثابت هابل» وجود دارد. با استفاده از این فرمول و مقدار ثابت هابل، می‌توان اندازه و جرم دنیا را محاسبه کرد. مثلاً طبق یکی از مقادیر به‌دست‌آمده برای ثابت هابل، جرم جهان حدود ۱ضربدر ۱۰ به‌توانِ ۵۰ کیلوگرم [۵۰ت۱کیلوگرم، یا 1E50کیلوگرم] است. نکته. برای شرح بیشتر دربارهٔ ثابت هابل به [منبع:] فرهنگ یکاهای اندازه‌گیری [۱۳۷۶] رجوع کنید.

مثال ۲. چکیدهٔ نظریهٔ مهبانگ در ۳۰سطر:

حدود پانزده‌میلیارد سال پیش، هیچ چیز، از زمان و فضا و مکان وجود نداشت... در یک لحظه، زمان و فضا و ماده به وجود آمد یا آفریده شد: لحظه‌ای که آن را مِهبانگ [Bigbang] می‌نامند.

در لحظه‌ای بسیار بسیار کوتاهتر از ثانیه، همهٔ هستی، شامل زمان، فضا، و ماده درون موجودی کوچکتر از یک اتم، اما بس چگال، جای داشت. در عوض، همان موجود ناچیز، میلیاردهامیلیارد برابر داغتر از مرکز خورشید بود. از آن لحظه به بعد، موجودِ به‌نهایت کوچک

و داغ، به‌مانندِ یک بادکنک منبسط شد، و به همان نسبت مقدار دما کاهش یافت. دنیا به اندازهٔ یک توپ فوتبال درآمد و باز هم منبسط گشت، تا این که ذراتی به نام کوارک و الکترون متولد شدند، و سپس حجم دنیا به اندازهٔ کرهٔ زمین رسید؛ و در دوره‌ای از عمر دنیا که هنوز هم تا ثانیه فاصله داشت، کوارک‌ها به نوترونها و پروتونها بدل گشتند. تا چند دقیقهٔ اول، هنوز اتم به معنای واقعی وجود نداشت، اما هستهٔ اتمها برای دنیای آینده ساخته شده بودند. دورهٔ بعدی، پس از چند دقیقه آغاز شد و تا چندصدهزار سال ادامه یافت. در این دوره، اتمهای سبک مانند هیدروژن و هلیوم ساخته شدند. آخرین دوره، پس از چندصدهزارسال آغاز شد که تا امروز ادامه دارد. در این دوره، اتمهای سنگین ساخته شدند. در چند میلیون سال نخست، حجم دنیا، به اندازهٔ کهکشان راه شیری بود، و هنوز هم چیزی خارج از آن، معنا نداشت. و به تدریج، ضمن انبساط، دنیا به حجم و اندازهٔ بزرگِ کنونی رسید و کهکشانها و ستاره‌ها و سیارات و حیات به وجود آمدند.

ابر عظیمی از گاز و غبار، در فضا، پس از چندصدمیلیون سال متراکم می‌شود، و ستاره‌ها و مجموعه‌های ستاره‌ای و کهکشان را می‌سازد. وقتی ابری از گاز و غبار آن‌قدر متراکم شود که دمای مرکز آن به بیش از ۱۰میلیون سلسیوس برسد، ستاره‌ای متولد می‌شود و درون آن یک واکنش هسته‌ای آغاز می‌گردد و از آن لحظه به بعد به طور پیوسته و بدون‌وقفه، واکنش هسته‌ای به مدت چندمیلیارد سال ادامه می‌یابد، تا این‌که مادهٔ سوختی آن به پایان برسد.

کرهٔ زمین متعلق است به منظومهٔ شمسی متشکل از یک ستاره به نام خورشید و ۹ سیاره. خورشید متعلق است به منظومه‌ای بزرگتر به نام کهکشان راه‌شیری که متشکل از حدود ۲۰۰میلیارد ستاره است. کهکشان راه‌شیری، متعلق است به خوشه‌ای از چندین کهکشان نزدیک‌به‌هم به نام گروه محلی و سرانجام این‌که، میلیونها [یا میلیاردها] خوشهٔ کهکشانی، کل عالم هستی امروز ما را تشکیل می‌دهند، که هریک [از خوشه‌ها] نوعاً چندصدمیلیارد ستاره را در خود جای داده‌اند.

مثال ۳. چکیدهٔ نظریهٔ مهبانگ در ۱۸سطر:

حدود پانزده‌میلیارد سال پیش، در یک لحظهٔ ناگهانی، زمان و فضا و ماده آفریده شد. لحظه‌ای که آن را مِهبانگ [Bigbang] می‌نامند.

نخست همهٔ هستی، شامل زمان، فضا، و ماده درون موجودی کوچکتر از یک اتم، اما بسیار چگال، و بسیار داغ، میلیاردهامیلیارد برابر داغتر از مرکز خورشید بود؛ و حجم موجود به‌نهایت کوچک و داغ، لحظه به لحظه بیشتر و مقدار دمای آن کمتر می‌شد. تا این‌که ذراتی به نام کوارک و الکترون متولد شدند، و سپس حجم دنیا به اندازهٔ کرهٔ زمین رسید. سپس در دوره‌ای از عمر دنیا که هنوز هم تا ثانیه فاصله داشت، کوارک‌ها به نوترونها و پروتونها بدل گشتند. پس از چند دقیقه تا چندصدهزار سال، اتمهای سبک مانند هیدروژن و هلیوم ساخته شدند. و پس از چندصدهزارسال تا امروز، ضمن انبساط، اتمهای سنگین به وجود آمدند، و به تدریج، کهکشانها، ستاره‌ها، سیارات، و حیات، پدیدار گردیدند.

ابر عظیمی از گاز و غبار، در فضا، پس از چندصدمیلیون سال متراکم می‌شود، و

ستاره‌ها و مجموعه‌های ستاره‌ای و کهکشان را می‌سازد. وقتی ابری از گاز و غبار آن‌قدر متراکم شود که دمای مرکز آن به بیش از ۱۰میلیون‌سلسیوس برسد، ستاره‌ای متولد می‌شود و درون آن یک واکنش هسته‌ای آغاز می‌گردد و از آن لحظه به بعد به طور پیوسته و بدون‌وقفه، واکنش هسته‌ای به مدت چندمیلیارد سال ادامه می‌یابد، تا این‌که مادهٔ سوختی آن به پایان برسد. کهکشان راه‌شیری، متشکل از حدود ۲۰۰میلیارد ستاره، جزو خوشه‌ای از چندین کهکشان به نام گروه‌محلی است، و میلیونها [یا میلیاردها] خوشهٔ کهکشانی، کل عالم هستی امروز ما را تشکیل می‌دهند.

مثال ۴. چکیدهٔ نظریهٔ مهبانگ در ۱۰سطر:

زمان، فضا، و ماده، حدود پانزده‌میلیارد سال پیش، در یک لحظه، که آن را مِهبانگ [Bigbang] می‌نامند، به وجود آمد. پیش از آن لحظه هیچ‌یک از آن سه وجود نداشت.

کل هستی، نخست به اندازهٔ یک اتم، اما بسیار چگال داغ درآمد، و به تدریج، منبسط و سرد شد، تا این‌که ذراتی به نام کوارک و الکترون متولد شدند، و سپس نوترونها و پروتونها به وجود آمدند. پس از چند دقیقه تا چندصدهزار سال، اتمهای سبک مانند هیدروژن و هلیوم ساخته شدند، و پس از چندصدهزارسال تا امروز، ضمن انبساط، اتمهای سنگین به وجود آمدند.

هرگاه ابر عظیمی از گاز و غبار، در فضا متراکم شود، و دمای آن به ۱۰میلیون سلسیوس برسد، تبدیل به یک ستاره می‌شود. و درون آن یک واکنش هسته‌ای آغاز می‌گردد که به مدت چندمیلیارد سال ادامه می‌یابد. کهکشان راه‌شیری، متشکل از حدود ۲۰۰میلیارد ستاره است، و میلیاردها کهکشان، کل عالم هستی امروز ما را تشکیل می‌دهند.

مثال ۵. چکیدهٔ نظریهٔ مهبانگ و ستاره‌ها در ۵سطر:

حدود پانزده‌میلیارد سال پیش، در یک لحظه، که آن را مِه‌بانگ [Bigbang] می‌نامند، عالم هستی به وجود آمد. نخست، بسیار کوچک، اما بسیار چگال و داغ بود، و به تدریج، ضمن انبساط و سردشدن، ذرات و اتمها پدید آمدند. با متراکم شدن ذرات در فضا، یک ستاره به وجود می‌آید، و درون آن یک واکنش هسته‌ای آغاز می‌گردد. میلیاردها ستاره تشکیل یک کهکشان را می‌دهند و دنیای هستی از میلیاردها کهکشان تشکیل شده است.

در برخی از کتابها، به ویژه در «درسنامه»ها، چکیده را در پشت جلد می‌آورند تا خواننده بتواند به هنگام انتخاب کتاب در کتابفروشی یا کتابخانه، با مطالعهٔ سریع آن، با محتوای کل کتاب آشنا شود. گاهی چکیدهٔ هر فصل از کتاب را در انتهای همان فصل درج می‌کنند، تا به عنوان مروری بر مطالب فصل قابل‌استفاده باشد. در این صورت، چکیده را قبل از پی‌نوشت‌ها و پیوست‌های فصل می‌آورند.

مثال ۶. چکیدهٔ پشت جلد کتابِ واژه‌نامهٔ ویراستاران [منبع:] واژه‌نامهٔ ویراستاران

[۱۳۷۷]:

ویرایش، مبحثی از نگارش و نویسندگی است که با تصحیح و آماده‌سازی متن برای انتشار سروکار دارد.

هرچند اصول ویرایش را می‌توان در قالب یک یا چند برنامهٔ درسی دانشگاهی ارائه کرد، و یا کل آن را به صورت یک کتاب درسی یا دستنامهٔ راهنمای ویرایش تدوین کرد، اما ویراستار، با گذراندن درس دانشگاهی یا مطالعهٔ کتاب نمی‌تواند دانش و تجربهٔ موردنیاز حرفه یا تخصص خود را کسب کند. به عبارت دیگر، «ویرایش»، برخلاف اغلب حوزه‌های دانش بشری، یک مجموعهٔ مشخص از مطالب و مباحث نیست، و ویراستار باید با تعداد نسبتاً زیادی از مباحث دانش بشری آشنایی داشته باشد: اما سطح و مقدار این «آشنایی»، به نوع ویراستاری و مسئولیت وی در ویرایش بستگی دارد.

کتاب حاضر حاوی واژگان مهم و پرکاربرد حدود ۵۰مبحث و موضوع است که برروی هم، بسیاری از واژگان مرتبط با ویرایش و ویراستاری را دربر می‌گیرد. این مباحث و موضوعات عبارت‌اند از:

دستورزبان، زبان، اصول نگارش و نویسندگی، مسائل املا، نقطه‌گذاری، واژگان‌شناسی، نگارش داستان و شعر، ترجمه، مستندنویسی، مستندسازی، استنادسنجی، سبک‌شناسی، نقد ادبی، روش‌شناسی علمی، پژوهش‌شناسی، طراحی و تحلیل شیوه‌نامه، طراحی و تحلیل روش‌نامه، استانداردشناسی، مسائل مربوط به سمینار و سخنرانی، روزنامه‌نگاری، رسانه‌ها، تبلیغات، نظرسنجی، اطلاع‌رسانی، کتابداری، مدرک‌شناسی، مرجع‌شناسی، دانش‌شناسی، نظریهٔ اطلاعات، فناوری اطلاعات، نظریهٔ رمزبندی، حروفچینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی، طراحی، نگاره‌سازی، رنگ‌شناسی، واژه‌پردازی کامپیوتری، جستجو، ترتیب‌بندی، شبکه‌های کامپیوتری، چاپ، صحافی، کاغذسازی، مسائل حق‌چاپ و حق‌تألیف، نشر، و توزیع.

پس از تدوین مجموعه‌ـواژگان مربوط به هریک، همگی در هم ادغام، و بدون گذاشتن تمایز، الفبایی شده‌اند. البته هریک از مباحث فوق، دارای مجموعه‌ـواژگان مفصلی است، اما در کتاب حاضر، برای هریک حداقل حدود ۸۰مدخل و حداکثر حدود ۶۰۰مدخل جمع‌آوری شده است که امید است برای ویراستاران سخت‌کوش کشور عزیز مفید واقع گردد.

در «**کتابنامهٔ توصیفی**»، چکیدهٔ مختصر متن نیز آورده می‌شود. همچنین، در کتابنامهٔ «**نقدوبررسی**» نیز معمولاً چکیدهٔ متن یا قسمتهایی از آن آورده می‌شود.

برخی از نشریات ادواری، موسوم به «**چکیده‌نامه**»، در هر شماره، دهها یا صدها چکیده از کتابها و مقالات تازه را درج می‌کنند.

تدوین چکیده باید براساس یک «**شیوه‌نامه**» و یا دست‌کم براساس یک «**برگهٔ شیوه**» انجام شود. یک قسمت از شیوه‌نامه یا برگهٔ شیوه، به مفهوم کلیِ چکیده مربوط است و در آن، تأکید می‌شود که چکیده باید حاوی خلاصه‌ای از کل مدرک باشد، و

حتی‌المقدور کلیدواژه‌های اصلی مدرک را دربر داشته باشد. قسمت دیگر شیوه‌نامه یا برگهٔ شیوه اختصاصی است و به اهداف و سیاستهای چکیده‌نویسی بستگی دارد؛ به عنوان مثال، ممکن است ساختار یا قالب کلی چکیده، حروفچینی و صفحه‌آرایی، و نحوهٔ درج نشانی کتابشناختی مدرک اصلی در بالا یا پایین چکیده را شرح دهد. همچنین ممکن است توصیه‌هایی ارائه شود؛ مثلاً این‌که در نگارش چکیده، از آوردن جملاتی مانند جملهٔ زیر:

متن حاضر چکیدهٔ ... است

پرهیز گردد، زیرا این نوع مطالب معمولاً در چکیده‌ها حشو محسوب می‌شود، مگر آن‌که چکیدهٔ موردنظر منفرد باشد و دارای عنوانی نباشد که 'چکیده‌بودنِ' آن را نشان دهد.

۴.۷. انواع چکیده

چکیده را از نظر رهیافت به متن درک و گرایش شخصی بر سه نوع می‌توان تقسیم کرد:

۱. چکیدهٔ توصیفی،
۲. چکیدهٔ انتقادی،
۳. چکیدهٔ مکانیکی.

۱. **چکیدهٔ توصیفی** [descriptive abstract]، چکیده‌ای است که فقط توصیف جامع و یک‌دستی از محتوای کل مدرک به دست می‌دهد، و در آن، گرایش و نظر شخصیِ چکیده‌نویس اعمال نمی‌شود. درجهٔ «رواداشت» [tolerance] در چکیدهٔ توصیفی بسیار زیاد است، و هدف از تدوین چکیده نیز معمولاً همین نوع است. رواداشت، اصلی است که در برخی از مباحث رسانه‌شناسی و نگارش کاربرد فراوان دارد. دو نمونه از کاربردهای رواداشت در چکیده‌نویسی چنین است:

- در روزنامه‌نگاری، رواداشت، منجر به افزایش «باورپذیری»، و در نتیجه، افزایش «آمار مخاطبان» یا شمارگان [تیراژ] می‌شود؛
- در چکیده‌نویسیِ گروهی، رواداشت، منجر به یک‌دست‌شدنِ چکیده‌های نوشته‌شده توسط اعضای مختلف گروه چکیده‌نویسان می‌گردد: زیرا مثلاً اگر تعداد چکیده‌ها زیاد باشد، اِعمالِ گرایش و نظر شخصی، چکیده‌های نوشته‌شده توسط افراد گروه را متفاوت می‌سازد که این مسئله باعث سردرگمی مخاطبان می‌گردد؛

۲. چکیدهٔ انتقادی [critical abstract]، هر نوع چکیدهٔ کتاب یا مقاله است که، برخلاف چکیدهٔ توصیفی، با گرایش و نظر شخصی همراه باشد. به عبارت دیگر، در چکیدهٔ انتقادی، به رواداشت توجهی نمی‌شود. این نوع چکیده، در حقیقت، معادل با «نقدوبررسی» است.

نکته. اگر چکیده‌نویس، شرطِ جامعیت چکیده را مراعات نکند، حاصل کار وی، یا «گزیده» به حساب خواهد آمد و یا چکیدهٔ انتقادی، که در بیشتر موارد نامطلوب و فاقد اعتبار علمی است؛ البته، گزیده و چکیده انتقادی یا نقدوبررسی، خود، دو نوع مدرک دیگر هستند که کاربردهای مخصوص به خود را دارند. مسئله این است که اگر مطلب، به صورت گزیده یا نقدوبررسی تدوین شده باشد، نباید عنوانِ چکیده بگیرد، و یا دست‌کم باید در عنوان آن به صراحت قید شود که چکیده از نوع انتقادی است؛

۳. چکیدهٔ مکانیکی [mechanical abstract]، نوعی چکیدهٔ توصیفیِ بدون گرایش و بدون نظر شخصی است که براساس اصول صوریِ از پیش‌تعیین‌شده‌ای تدوین می‌گردد، که این اصول ممکن است با استفاده از روشهای علمی و تجربیِ «فناوری اطلاعات» و «سبک‌سنجی» کامپیوتری تعیین شده باشند؛ به عنوان مثال، ممکن است چهار اصل تجربی زیر به کار برده شود:

- هر پاراگراف از متن مدرک اصلی در یک جمله خلاصه شود؛
- اولین جملهٔ هر پاراگراف از متن مدرک، که معمولاً حاوی بیشترین مقدار اطلاعات است، استخراج شود؛
- جمله‌های مربوط به جاهایی از متن مدرک که با حروف سیاه تحریر شده‌اند، استخراج گردند؛
- جمله‌هایی از متن مدرک استخراج گردند که دارای کلیدواژه‌های معینی‌اند و یا دارای واژگانی هستند که بسامد وقوع آنها زیاد است.

چکیدهٔ مکانیکی ممکن است توسط انسان و براساس یک «روش‌نامه» و شیوه‌نامهٔ معین تدوین گردد. اما این نوع چکیده را با استفاده از کامپیوتر نیز می‌توان تدوین کرد، که در این صورت، چکیدهٔ کامپیوتری [automatic abstract] نامیده می‌شود. این نوع چکیده ممکن است به عنوان «مدرک کامپیوتری» در کامپیوتر ذخیره شود، و یا نمونهٔ چاپی آن، مشابه چکیده‌های متعارف در کتابخانه و غیره به کار برده شود.

در چکیده‌نویسی کامپیوتری، گذشته از کامپیوتر و سخت‌افزار که ضرورت وجود آن

بدیهی است، یک برنامه یا نرم‌افزار مخصوص نیز لازم است. برنامه یا نرم‌افزار مخصوص چکیده‌نویسی اساساً شامل دو قسمت است:

ـ اصول صوریِ از پیش‌تعیین‌شدهٔ مبتنی بر روشهای علمی و تجربیِ فناوری اطلاعات و سبک‌سنجی کامپیوتری؛ به ویژه همان چهار اصل تجربی [فوق‌الذکر] مورداستفاده در چکیده‌نویسی مکانیکی؛

ـ پردازش زبان طبیعی [natural language processing]، که یکی از مباحث مهم و نوین در داده‌پردازی یا دانش کامپیوتر است. در پردازش زبان طبیعی، کامپیوتر یا برنامه می‌تواند معنای کلمات و نقش دستوری آنها و ساختارهای دستوری را تشخیص دهد و مثلاً یک جمله را به یک عبارت و یک پاراگراف را به یک جمله خلاصه کند. این مبحث به ویژه در زبان انگلیسی بسیار پیشرفت کرده است، اما طراحی و ساخت برنامه‌های پردازش زبان طبیعی مربوط به زبانهای دیگر، از جمله فارسی، نیز متداول است.

در چکیدهٔ مکانیکی یا کامپیوتری نیز اگر به اصول تعیین‌شده توجه نشود ممکن است گرایش و نظر شخصی راه یابد. حتی هرگونه خطا در روش‌شناسی مکانیکی یا برنامه‌سازی کامپیوتری چکیده‌نویسی نیز می‌تواند چکیده را از چکیدهٔ توصیفی دور، و به چکیدهٔ انتقادی نزدیک سازد.

سه نوع چکیدهٔ فوق، نمایندهٔ حالتهای حدی چکیده‌نویسی هستند و در عمل، ممکن است چکیده‌نویسی به صورتی تلفیقی از دو یا هر سه نوع چکیده‌نویسی انجام پذیرد.

۵.۷. چکیده در روزنامه‌نگاری و نشر کتاب

در روزنامه‌نگاری، چکیده به معنای عام آن، یعنی خلاصهٔ مفید یک مدرک، کاربرد فراوان دارد. اما نوع خاصی از چکیده، شرح مطلب، یا شرح‌ـو‌ـتوصیف [blurb] نام دارد که شرح کوتاهی است که دربارهٔ یک «مطلب» یا مقاله آورده می‌شود، و ممکن است در ابتدای مطلب یا مقاله، داخل یک کادر درج گردد. شرح‌ـو‌ـتوصیف، مشابه «لید» در «خبر» یا گزارش است، اما معمولاً در مجله و برای مقاله یا مطلب بلند به کار می‌رود. به هر حال، اگر چکیده‌نویس بخواهد چکیدهٔ مطلب یا مقالهٔ نشریه را تهیه کند، نباید بلافاصله به این نوع 'چکیده' [یا شرح مطلب] مراجعه کند، زیرا ممکن است ارزش چکیده به عنوان

یک مدرک را نداشته باشد. در بیشتر موارد، چکیده‌نویس باید کل مطلب یا مقاله را مطالعه کند و خود، یک چکیده براساس کل محتوا بنویسد. هرچند، از 'شرح مطلب' مزبور نیز می‌تواند استفاده کند.

در کتاب، ممکن است چکیده به معنای اصلی آن، یعنی خلاصه‌ای توصیفی از کل محتوای کتاب، در پشت جلد، یا خلاصه‌ای از کل محتوای یک فصل در پایان فصل به کار برده شود. همچنین، علاوه‌بر این، در صنعت نشر کتاب، ناشران، گاهی نوعی چکیده از کتاب در پشت جلد می‌آورند که شرح ناشر، یا توصیف ناشر [blurb]، نامیده می‌شود. شرح یا توصیف ناشر، نوعی چکیده یا توصیف کوتاه دربارهٔ محتوای کتاب است که معمولاً در پشت‌جلد یا لب‌برگردان جلد، از کتاب می‌آورند، و ممکن است جنبهٔ تبلیغاتی نیز داشته باشد. به عبارت دیگر، اگر جنبهٔ تبلیغاتی مطلبِ 'شرح ناشر' بیش از حدِ توصیف کتاب باشد، این نوع چکیده را باید «آگهی» به حساب آورد. به هر حال، این نوع مطلب، چکیده به حساب نمی‌آید، و اگر به عنوان چکیده به کار برده شود ارزش چکیده را ندارد. در این گونه موارد، باید به اصل متن کتاب مراجعه و چکیده براساس محتوا استخراج شود.

فصل ۸

چکیده‌نامه

۱.۸ . مقدمه

در فصل گذشته، مفهوم چکیده تشریح شد. در این فصل، چکیده‌نامه تشرح می‌شود که هر نوع مدرک است که از تعدادی چکیده تشکیل می‌شود. مهمترین نوع چکیده‌نامه، نشریهٔ چکیده‌ها نام دارد که چون تقریباً کل چکیده‌نامه‌ها به صورت ادواری منتشر می‌شوند و نشریه محسوب می‌گردند، نشریهٔ چکیده‌ها را نشریهٔ چکیده‌نامه یا اختصاراً چکیده‌نامه نیز می‌نامند.

۲.۸ . نشریهٔ چکیده‌نامه

نشریهٔ چکیده‌نامه یا **چکیده‌نامه**، نوعی نشریهٔ ادواری است که هر شمارهٔ آن، شامل تعدادی «چکیدهٔ» مقاله، کتاب، و غیره می‌شود. مثلاً چکیده‌نامهٔ روان‌شناسی، *PA*، که یک نشریهٔ ادواری ماهنامه است، هر ماه، چکیده و نشانی کتابشناختی چندصد مقاله از آخرین مقالات منتشرشده در حوزهٔ روان‌شناسی را ارائه می‌دهد.

به تعبیر صوری‌تر، چکیده‌نامه، نوعی «مرجع سطح صفر» است که هر مدخل آن حاوی چکیدهٔ یک «مدرک»، غالباً یک «مقاله» و گاهی یک «کتاب» است، و مانند هر نوع نشریه به صورت ادواری منتشر می‌شود.

در هر مدخل از چکیده‌نامه، علاوه‌بر چکیدهٔ یک مدرک، «نشانی کتابشناختی» منبعی که چکیده از آن گرفته شده است ــ معمولاً در ابتدای مدخل ــ گنجانده می‌شود. بدین ترتیب، پژوهشگر می‌تواند به طور مستمر با مراجعه به یک چکیده‌نامهٔ تخصصی، چکیدهٔ مقالات ــ و کتابهای ــ حوزهٔ تخصصی خود را مطالعه کند، و در صورت نیاز به

اطلاعات کامل، به اصل آنها ـ که نشانی آنها ذکر شده است ـ مراجعه کند.

از سوی دیگر، هر چکیده‌نامه دارای دست‌کم دو نمایه است:

۱. نمایهٔ موضوعی،

۲. نمایهٔ مؤلفان.

و خواننده می‌تواند برای سرعت بیشتر، بدون مطالعهٔ کل چکیده‌ها، فقط چکیده‌های موضوعات موردنیاز خود را مطالعه کند. همچنین با استفاده از نمایهٔ مؤلفان، می‌تواند چکیده‌های مقالات نوشته‌شده توسط مؤلفان موردنظر خود را مطالعه کند. گاهی این دو نمایه را در هم ادغام می‌کنند و فقط یک نمایه [نمایهٔ مؤلف‌ـموضوع] در متن قرار می‌دهند.

معمولاً چکیده‌نامه‌ها دارای بخش‌بندی موضوعی هستند و کاربر می‌تواند فقط بخش مربوط به زمینهٔ تخصصی خود را مطالعه کند، که در این صورت، نیاز چندانی به مراجعه به نمایهٔ موضوعی پیدا نمی‌کند.

۳.۸. کاربرد چکیده‌نامه

از آنجا که چکیده‌نامه‌ها حاوی آخرین یافته‌ها و پژوهشهای علمی و فنی و ادبی و هنری و غیره هستند، پژوهشگری که به طور مستمر از یک چکیده‌نامهٔ تخصصی استفاده می‌کند، همواره نسبت به آخرین اخبار و اطلاعات و یافته‌های حوزهٔ تخصصی خود روزآمد و آگاه می‌ماند، و به اصطلاح از قافلهٔ پیشرفت دانش، در زمینهٔ تخصصی خویش، عقب نمی‌ماند. علاوه‌بر این، پژوهشگر، با مشاهدهٔ چکیده‌های مقالات نزدیک به موضوع کار خود، از یک سو زمینهٔ مطالعه و پژوهش خود را بسط می‌دهد، و از سوی دیگر، همواره می‌تواند جایگاه موضوع مورد پژوهش خود را در کل حوزهٔ تخصصی بسنجد. مثال زیر این کاربردها را تشریح می‌کند.

مثال ۱.

پژوهشگری در زمینهٔ دانش روزنامه‌نگاری نظری پژوهش می‌کند. وی با مطالعهٔ یک چکیده‌نامهٔ ماهانهٔ اطلاع‌رسانی، به اطلاعات زیر دست می‌یابد:

۱. چکیده‌های مقالات مربوط به دانش روزنامه‌نگاری را مطالعه می‌کند و

بدون آن‌که لازم باشد مقالات را به طور کامل مطالعه کند، با صرف مدت‌زمان اندکی، نسبت به آخرین مطالب منتشرشده در این مبحث روزآمد می‌ماند؛

۲. با مطالعهٔ چکیده‌های مطالب نزدیک به حوزهٔ پژوهش خود، مثلاً چکیده‌های مقالات دانش روابط عمومی، که طبیعتاً در یک چکیده‌نامهٔ اطلاع‌رسانی منتشر می‌شوند، زمینهٔ کار خود را بسط می‌دهد. به ویژه با استفاده از نمایهٔ موضوعیِ چکیده‌نامه، مطالب و موضوعات جدید مرتبط با موضوعات موردنظر خود را می‌یابد؛

۳. با مطالعهٔ کلیِ عنوانهایِ موضوعات و مباحث مختلف اطلاع‌رسانی، جایگاه دانش روزنامه‌نگاری را در کل حوزهٔ بزرگترِ اطلاع‌رسانی تشخیص می‌دهد و به ویژه با تغییرات و پیشرفتهای آن همگام می‌ماند.

در فصل ۱۰، نوع دیگری از منابع کتابشناختی به نام نشریهٔ **نقدوبررسی** تشریح می‌گردد، که تاحدودی مشابه چکیده‌نامه است. اما به طور کلی، همچنان که هر مطلبِ چکیده‌نامه، یعنی هر چکیده، خلاصهٔ یک مقاله است، هر مطلب نشریهٔ نقدوبررسی، خلاصهٔ یک کتاب است. به عبارت دیگر، چکیده‌نامه غالباً حاویِ چکیدهٔ مقالات جدید، و نشریهٔ نقدوبررسی غالباً حاوی خلاصهٔ کتابهای جدید است. تفاوت دیگر چکیده‌نامه با نشریهٔ نقدوبررسی در سیاستهای کلی هریک از دو نوع منبع است، که خوانندهٔ هرکدام، پس از مدتی استفاده از چکیده‌نامه و نشریهٔ نقدوبررسی به طور تجربی با آنها آشنا می‌شود. چکیده‌نامه، معمولاً با دیدگاه توصیفی محض و به طور غیرانتقادی نوشته می‌شود، اما نشریهٔ نقدوبررسی می‌تواند دارای دیدگاه انتقادی باشد.

با توجه به تفاوتهای بین چکیده‌نامه و نشریهٔ نقدوبررسی، می‌توان نتیجه گرفت که تدوین و انتشار چکیده‌نامه، اصولاً آسانتر از تدوین و انتشار نشریهٔ نقدوبررسی است، زیرا با توجه به این‌که در نقدوبررسی، گرایش و نظر شخصی مجاز است [که در این صورت، باید نام هر نویسنده در بالای مطلب نقدوبررسی آورده شود]، نشریهٔ نقدوبررسی نیاز به نویسندگان و منتقدان کاملاً شناخته‌شده و مورداعتماد مخاطبان دارد، اما در چکیده‌نامه، که چکیده‌های آن بدون هیچ نوع گرایش و نظر شخصی تدوین می‌شوند [و نیازی به آوردن نامِ شخصِ چکیده‌نویس ندارند]، نویسندگان و چکیده‌نویسان معمولی نیز می‌توانند

به کار بپردازند.

در بسیاری از چکیده‌نامه‌ها، یک قسمت نیز به نقدوبررسی کتابهای جدید اختصاص داده می‌شود و چکیده‌نامه، حکم نشریهٔ نقدوبررسی کتاب را نیز دارد. با این حال، در کتاب حاضر، این دو نوع مدرک، تا حد امکان، به طور مستقل تشریح شده‌اند.

مجموعه‌ای از چند عنوان چکیده‌نامه، که مهمترین و معتبرترین چکیده‌نامه‌های دنیا باشند و در مجموع تقریباً همهٔ حوزه‌های دانش بشری را بپوشانند، جزو اساسی‌ترین منابع مرجعی هستند که در هر کتابخانهٔ دانشگاهی معتبری باید وجود داشته باشند. ارزش کاربردی این منابع به هیچ وجه کمتر از کتابها و نشریات دیگر نیست. از سوی دیگر، هر پژوهشگری باید با یک یا چند عنوان چکیده‌نامه، که حوزهٔ تخصصی وی را می‌پوشاند یا به حوزهٔ تخصصی وی نزدیک است، آشنا باشد و به آخرین شماره‌های آن دسترسی سریع و آسان داشته باشد. و چون معمولاً این نوع منابع گران هستند و تهیهٔ آنها توسط یک فرد غالباً غیراقتصادی است، کتابخانه‌ها یا مؤسسات عمومی پژوهشی باید آنها را تهیه کنند و در دسترس پژوهشگران متعدد قرار دهند.

علاوه‌بر چکیده‌نامه‌ها، تعدادی «نمایه‌نامه» و «استنادنامهٔ» مهم و معتبر نیز در دنیا منتشر می‌شوند که وجود آنها در یک کتابخانهٔ دانشگاهی ضروری است.

معمولاً هر پژوهشگری در هر ماه [یا در هر فصل] کافی است چنددقیقه تا چندساعت از وقت خود را به تورق و مطالعهٔ کلیِ یکی‌ـدو نشریهٔ چکیده‌نامه اختصاص دهد تا با خلاصهٔ آخرین مقالات حوزهٔ تخصصی خود آشنا شود و در صورت نیاز به مطالعهٔ بیشتر، به جستجو و یافتن یا سفارش دادن اصل مدرک، یا تهیهٔ فتوکپی آن از طریق پست یا اینترنت، بپردازد.

تهیهٔ فهرستی از چکیده‌نامه‌ها، نمایه‌نامه‌ها، و استنادنامه‌های منتشرشده به صورت «مدرک کامپیوتری» که در ایران قابل‌دستیابی باشند، می‌تواند یکی از طرحهای کاربردی و در عین حال آسانِ اطلاع‌رسانی باشد.

در ادامهٔ مقالهٔ حاضر، مشخصات چند عنوان از چکیده‌نامه‌های معتبر و پرکاربرد ارائه شده است که در مجموع، تقریباً کل حوزه‌های دانش بشری را می‌پوشانند. برخی از کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی به صورت مستقل یا مشترک می‌توانند این منابع را به طور منظم تهیه کنند و در دسترس پژوهشگران قرار دهند. علاوه‌بر این، برخی از

پایگاه‌های اینترنت و «دادگان»های وصل_خط موجود در ایران نیز دارای برخی از انواع چکیده‌نامه‌ها هستند.

۴.۸ . چکیده‌نامه‌های مهم

چکیدهٔ‌نامهٔ روان‌شناسی، پی‌ای
Psychological Abstract, PA

شمارهٔ «شاپپ»: ISSN 0033-2887

دُورهٔ نشر: ماهنامه

تأسیس: 1927

ناشر: American Psychological Association.

نشانی: 1200 17th St., N.W., Washington, DC 20036, USA.

چکیده‌نامهٔ روان‌شناسی، یا پی‌ای، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع روان‌شناسی، که در آن، حوزهٔ روان‌شناسی، به شیوه‌ای سلسله‌مراتبی، به شاخه‌های مختلف روان‌شناسی، مشتمل بر:

> روان‌شناسی عمومی، روان‌سنجی، روان‌شناسی تجربی، روان‌شناسی فیزیولوژیکی، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی آموزشی، ...،

و غیره رده‌بندی شده است.

چکیده‌نامهٔ روان‌شناسی، از ۳ قسمت تشکیل می‌شود:

۱. متن چکیده‌نامه، که قسمت اصلی محسوب می‌شود و هر شمارهٔ آن از صدها یا هزاران چکیده تشکیل می‌یابد. در بالای هر چکیده، شمارهٔ ترتیب چکیده، و مشخصات و نشانی کتابشناختی مقالهٔ اصلی آن می‌آید؛

۲. نمایهٔ موضوعی، که یک فهرست الفبایی از موضوعات و کلیدواژه‌های مرتبط است که هر مدخل از آن، به شمارهٔ ترتیب چکیده در قسمت اول ارجاع می‌دهد؛

۳. نمایهٔ مؤلفان، که مانند قسمت دوم است، اما از نام مؤلفان و شمارهٔ ترتیب چکیده‌ها تشکیل می‌گردد.

قسمت اول، که از اصل چکیده‌ها تشکیل می‌شود، خود دارای ترتیب موضوعی است، و هر بخش از آن، یکی از شاخه‌های تخصصی حوزهٔ روان‌شناسی را دربر می‌گیرد. یک مدخل کامل از قسمت اولِ این چکیده‌نامه به صورت زیر است.

9761

Hettman, Dennis, W. [Biofeedback Clinic of Eugene/Springfield, Eugene, OR] **Child abuse reporting in California: A paradox in action versus belief**, *Forensic Reports*, 1990, Vol 3[4], 387-405.

Examined the apparent conflicts between the attorney-client confidentiality and the legal requirements relevant to the reporting of child abuse. The responses of 84 attorneys, 92 psychologists, and 9 attorney-psychologists to a survey questionnaire were evaluated. The questionnaire consisted of a short vignette and 21 questions. The attitudes of lawyers and psychologists differed significantly in various aspects of this issue. Most psychologists did not feel that a confidential relationship was formed when an attorney retained a psychologist to assist in preparation of a case, while most attorneys responded that there was a confidential relationship.

که در آن، به ترتیب:

ـ 9761، شمارهٔ ترتیب چکیده است. نمایه‌های قسمت دوم و سوم این نشریه به این شماره ارجاع می‌دهند؛

ـ .Hettman, Dennis, W، نام مؤلف مقالهٔ اصلی است؛

ـ عبارت داخل پرانتز، Biofeedback Clinic of Eugene/Springfield،

نام مؤسسه‌ای است که مؤلف مقالهٔ اصلی بدانجا وابسته است؛
ـ ...Child abuse reporting، عنوان مقالهٔ اصلی است؛
ـ *Forensic Reports*، عنوان نشریهٔ حاوی مقالهٔ اصلی است؛
ـ 1990، سال انتشار، Vol 3[4]، دورهٔ نشریه، و 405-387، شمارهٔ صفحات اصل مقاله در نشریه است [که *Forensic Reports* است]؛
ـ و سطرهای بعدی، چکیدهٔ مقالهٔ مذکور است: مقالهٔ اصلی در ۱۸صفحه منتشر شده است و اندازهٔ چکیدهٔ حاضر، در حدود یک‌سومِ صفحه است.

مطالب فوق مربوط به قسمت اول متن چکیده‌نامهٔ روان‌شناسی است. در دو قسمت دیگر چکیده‌نامه، دو نمایه وجود دارد، که اولی [قسمت دوم] نمایهٔ موضوعی، و دومی [قسمت سوم] نمایهٔ مؤلفان است.

مثلاً مدخل *child abuse*، در نمایهٔ موضوعی چنین است:

child abuse 9761, 9900, 9967, 10093, 10102, 10109,
10131, 10148, 10149, 10614, 10857, 10886

یعنی دربارهٔ موضوعِ *child abuse*، جمعاً ۱۲چکیده در قسمت اول وجود دارد، و چکیدهٔ شمارهٔ 9761 که متن کامل آن در بالا آمده است، فقط یکی از این ۱۲مورد محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، در قسمت سوم چکیده‌نامه، یعنی قسمت نمایهٔ مؤلفان، در مدخلِ Dennis W. Hettman، که ضمناً نام مؤلف مقالهٔ مربوط به چکیدهٔ فوق‌الذکر نیز هست، چنین آمده است:

Hettman, Dennis, W. 9761, 10093, 10102, 10441

که یعنی مؤلف Dennis W. Hettman، نویسندهٔ ۴مقاله است که چکیده‌های آنها در ۴چکیدهٔ مشخص‌شده با ۴شماره [در قسمت اول] آمده است. چکیدهٔ فوق‌الذکر، با شمارهٔ 9761، فقط یکی از این ۴مورد محسوب می‌شود.

اغلب چکیده‌نامه‌ها، از نظر ساختار و قالب، مشابه چکیده‌نامهٔ روان‌شناسی هستند، و مطالعهٔ ساختار این چکیده‌نامه، به منظور آشنا شدن با ساختار کلی همهٔ چکیده‌نامه‌ها، مفید و کافی است. به عبارت دیگر، ساختار همهٔ چکیده‌نامه‌ها تقریباً یکسان است و برای آشنایی با مفهوم چکیده‌نامه، آشنایی با ساختار یکی از آنها کافی است.

اما استفاده از نمایهٔ پیوست چکیده‌نامه‌ها، علاوه‌بر آشنایی با ساختار و کاربردهای نمایه، به دانش در حوزهٔ تخصصی و به ویژه به واژگان‌شناسی حوزه نیز بستگی دارد.

نکته. مرجع معتبر دیگری که گاه در کنار این نشریه به کار برده می‌شود، عبارت است از:

German Journal of Psychology: A Quarterly of Abstracts and Reviews

که وابسته به اتحادیهٔ بین‌المللی علوم روان‌شناسی است و علاوه‌بر چکیدهٔ مقالات علمی، نقدوبررسی کتاب در حوزهٔ روان‌شناسی را نیز دربر دارد.

چکیده‌نامهٔ الکترونیک و کامپیوتر، ای‌سی‌ای‌جی
Electronics and Communications Abstracts Journal, ECAJ

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0361-3313
تناوب نشر: ۱۰ شماره در سال
تأسیس: 1967
ناشر: Cambridge Scientific Abstracts, Inc.
نشانی: Suite 437, 6611 Kenilworth Ave., Riverdale, MD 20840, USA.

چکیده‌نامهٔ الکترونیک و کامپیوتر، یا ای‌سی‌ای‌جی، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجعِ الکترونیک، ارتباطات، مخابرات، و کامپیوتر، که چکیدهٔ مقالات چاپ‌شده در نشریات مختلف مهندسی برق و الکترونیک و کامپیوتر را منتشر می‌کند.

در این چکیده‌نامه، بیشتر به جنبه‌های مهندسی الکترونیک و ارتباطات و کامپیوتر، از جمله نظریه، طراحی، و کاربردهای ابزارها و سیستمهای الکترونیکی و کامپیوتری پرداخته می‌شود.

ای‌سی‌ای‌جی از سه قسمت اصلی تشکیل می‌شود:

۱. متن چکیده‌ها، به‌علاوهٔ نشانی کتابشناختی هر مقاله؛

۲. نمایهٔ موضوعی و نمایهٔ مؤلفان؛

۳. نقدوبررسی کتاب.

به عبارت دیگر، ای‌سی‌ای‌جی، علاوه‌بر چکیده‌نامه، کتابنامهٔ «نقدوبررسی» نیز محسوب می‌شود.

جی‌ای‌ای، چکیده‌نامهٔ هنرهای نگاره‌ای
GAA, Graphic Arts Abstracts

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0017-3282

تناوب نشر: ماهنامه

تأسیس: 1947

ناشر: Graphic Arts Technical Foundations.

نشانی: 4615 Forbes Ave., Pittsburg, PA 15213. USA.

چکیده‌نامهٔ هنرهای نگاره‌ای، یا جی‌ای‌ای، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجعِ هنرهای نگاره‌ای، که رشته‌های مربوط به حوزهٔ نگاره‌سازی، از جمله چاپ و تصویرگری کتاب و حروفچینی را دربر می‌گیرد.

جی‌ای‌ای، از سه قسمت اصلی تشکیل می‌گردد:

۱. متن چکیده‌ها، به‌علاوهٔ نشانی کتابشناختی هر مقاله؛
۲. فهرست ادغام‌شدهٔ موضوعی و مؤلفان، که به شمارهٔ چکیده‌ها ارجاع می‌دهند؛
۳. نقدوبررسی کتاب.

چکیده‌نامهٔ ارتباطات
Communication Abstracts

[An International Information Service]

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0162-2811

تناوب نشر: فصلنامه

تأسیس: 1978

ناشر: Sage Publications, Inc.,

نشانی اول: 275 S. Beverly Drive, Beverly Hills,

CA 90212, USA.

نشانی دوم: Sage Publications Ltd.,
28 Banner St., London Ec1y 8QE, England.

چکیده‌نامهٔ ارتباطات، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع ارتباطات، که چکیدهٔ مقالات و مطالب مهم و کتابها در رشته‌های مختلف ارتباطات، از جمله ارتباطات جمعی، روزنامه‌نگاری، پخش رادیویی و رادیو_تلویزیون، نظریهٔ ارتباطات، روابط عمومی و غیره را دربر دارد.

در این چکیده‌نامهٔ مهم و معتبر، بیشتر به جنبه‌های غیرمهندسی ارتباطات پرداخته شده است و کاربرِ علاقمند به مطالب مرجع سطحِ صفرِ ارتباطات الکترونیکی، می‌تواند، در کنار این مرجع، به *چکیده‌نامهٔ الکترونیک و کامپیوتر* [ECAJ]، و نمایه‌نامهٔ مهندسی [«نمایه‌نامه»] نیز مراجعه کند.

چکیده‌نامهٔ ارتباطات، از سه قسمت اصلی تشکیل می‌شود:

۱. متن چکیده‌ها، به‌علاوهٔ نشانی کتابشناختی هر مقاله و کتاب؛

۲. نمایهٔ موضوعی؛

۳. نمایهٔ مؤلفان.

در هر مدخل از قسمت اول، که خود شامل دو بخش چکیدهٔ مقالات و چکیدهٔ فصلهای کتابها است، چکیده‌ای حاوی حدوداً ۱۵ تا ۲۰ سطر از مقاله یا فصل کتاب، همراه با اطلاعاتِ کتابشناختی آن می‌آید. قسمت دوم، فهرست موضوعیِ کلیدواژه‌های مهم مربوط به چکیده‌نامه‌ها را دربر می‌گیرد. قسمت سوم، از فهرست مؤلفانِ صاحب مقالات و کتابهای چکیده‌شدهٔ قسمت اول تشکیل می‌گردد.

علاوه‌بر این، قسمت دیگری نیز در چکیده‌نامهٔ ارتباطات، می‌آید که حاوی فهرست و مشخصات کتابهای تازه در زمینهٔ ارتباطات است، که در ضمن، برای هریک توضیح بسیار مختصری [در حد یک «کتابنامهٔ» یادداشت‌دار] داده می‌شود.

چکیده‌نامهٔ رسانه‌ها
Mass Media Booknotes

تناوب نشر: ماهنامه

تأسیس: 1969

ناشر: Temple University, Department of Radio-TV-Film.

نشانی: Philadelphia, PA 19122, USA.

چکیده‌نامهٔ رسانه‌ها، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع رسانه‌های جمعی که چکیدهٔ مقالات و گزارشهای مربوط به رسانه‌های رادیو، تلویزیون، و فیلم را منتشر می‌کند.

چکیده‌نامهٔ رسانه‌ها، از سه قسمت اصلی تشکیل می‌شود:

۱. متن چکیده‌ها، شامل اطلاعات کتابشناختی مقالات و چکیدهٔ هریک؛
۲. نمایهٔ موضوعی و مؤلفان؛
۳. نقدوبررسی کتاب.

این چکیده‌نامه را می‌توان به عنوان مکمل چکیده‌نامهٔ ارتباطات به کار برد.

چکیده‌نامهٔ شیمی، سی‌ای
Chemical Abstracts, CA

[Key to the World's Chemical Literature]

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0009-2258

دُورهٔ نشر: هفته‌نامه [هر پنج سال یک دورهٔ ادغام شده نیز منتشر می‌شود]

تأسیس: 1907

ناشر: American Chemical Society.

نشانی: Chemical Abstract Service, Box 3012, Columbus,
OH 43210, USA.

چکیده‌نامهٔ شیمی، یا سی‌ای، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع شیمی، که معتبرترین و کاملترین چکیده‌نامهٔ شیمی، محسوب می‌شود، و در واقع یکی از مهمترین منابع مرجع در دنیا است.

چکیده‌نامهٔ شیمی، فهرست و چکیدهٔ مقالات معتبر شیمی را منتشر می‌کند، و دامنهٔ پوشش آن، حدود ۱۵هزار نشریهٔ ادواری و غیرادواری به بیش از ۵۰زبان مختلف دنیا را دربرمی‌گیرد.

چکیده‌نامهٔ شیمی، از دو قسمت اصلی تشکیل می‌شود:

۱. چکیده‌ها،

۲. نمایه‌ها.

هر مدخل از قسمت چکیده‌ها، متشکل است از چکیده و نشانی کتابشناختی آن، که مشخصات مقالاتِ نشریات، سمینارها، گزارشها، رساله‌ها، کتابها، اطلاعات حاوی نشانی محل کار نویسندهٔ مقاله، و غیره را دربر می‌گیرد. در قسمت چکیده‌ها، چکیدهٔ مقالات براساس موضوع و شمارهٔ ترتیب مرتب شده‌اند. قسمت دوم، قسمت نمایه‌ها، به چندین نمایهٔ مفصل برای ورود سریع به قسمت اول اختصاص دارد؛ مانند نمایهٔ کلیدواژه‌ها، مؤلفان، اختراعات، مواد شیمیایی، فرمولها، و غیره. این نمایه، علاوه‌بر درج در نشریهٔ هفتگی، در فواصل زمانی دیگر، مثلاً هر شش‌ماه، ادغام می‌شود، که براساس آنها، یک «نمایه‌نامهٔ» بزرگ نیز در هر پنج‌سال منتشر می‌شود.

حوزهٔ تحت پوشش این چکیده‌نامه، که در ضمن نمایه‌نامهٔ کاملی نیز هست، به رشته‌های مختلف رده‌بندی شده است، که رده‌های کلی آن عبارت‌اند از:

شیمی معدنی، شیمی آلی، شیمی تجزیه، شیمی فیزیک، شیمی درشت‌مولکولی، زیست_شیمی، و مهندسی شیمی.

برای هریک از این رشته‌ها، نمایه‌نامهٔ مستقل نیز منتشر می‌شود: مثلاً نمایه‌نامهٔ شیمی، بخش شیمی معدنی.

سیستم رده‌بندی سلسله‌مراتبی این مرجع بسیار مفصل است و خود به تنهایی کاربردهای فراوان دارد.

در مجموع، این مرجع آخرین یافته‌ها و اطلاعات مهم مورد نیاز یک پژوهشگر شیمی را به دست می‌دهد.

چکیده‌نامهٔ کامپیوتر و سیستمهای اطلاعاتی

Computer and Information Systems Abstracts Journal

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0010-4507

تناوب نشر: دو شماره در سال

تأسیس: 1962

ناشر: Cambridge Scientific Abstracts, Inc.

نشانی: Suite 437, 6611 Kenilworth Ave.,

Riverdale, MD 20840, USA.

چکیده‌نامهٔ کامپیوتر و سیستمهای اطلاعاتی، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع مربوط به دانش کامپیوتر و سیستمهای اطلاعاتی، که چکیدهٔ مقالات مربوط به نظریه، طراحی، ساخت و کاربردهای کامپیوتر و سیستمهای اطلاعاتی را دربر می‌گیرد.

چکیده‌نامهٔ کامپیوتر و سیستمهای اطلاعاتی، از سه قسمت اصلی تشکیل می‌گردد:

۱. متن چکیده‌ها همراه با مشخصات کتابشناختی نشریهٔ ناشرِ مقالات؛

۲. فهرست راهنمای موضوعی، مؤلفان و ثبت اختراعات؛

۳. نقدوبررسی کتاب.

به عبارت دیگر، این مرجع، علاوه‌بر چکیده‌نامه، دارای یک نمایه‌نامه، و یک کتابنامهٔ نقدوبررسی نیز هست.

چکیده‌نامهٔ نشر الکترونیکی، ای‌پی‌ای
Electronic Publishing Abstracts, EPA

چکیده‌نامهٔ نشر الکترونیکی، نوعی چکیده‌نامهٔ کامپیوتری است که به صورت خدمات بانک اطلاعاتی وصل_خط ارائه می‌شود.

چکیده‌نامهٔ متون کودکان، سی‌ال‌ای
Children's Literature Abstract, CLA

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0306-2015

تناوب نشر: فصلنامه [و یک سالنامهٔ ادغام شدهٔ کامل]

تأسیس: 1973

ناشر:

IFLA [International Federation of Library Association],

Children's Section.

نشانی: 45 Stephenson Tower, Station St.,
Birmingham B5 4DR, England.

چکیده‌نامهٔ متون کودکان، یا سی‌الدای، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع کودکان، که متون چاپی کودکان را، مشتمل بر متون داستانی و غیرداستانی کودک، جوایز کتاب کودک، تصویرگری کتاب کودک، نشر کتاب کودک و غیره دربر دارد. این چکیده‌نامه مرجعی نسبتاً کوچک، اما بسیار مهم و معتبر است.

سی‌الدای، از دو قسمت اصلی تشکیل می‌شود:

۱. متن و مشخصات چکیده‌ها،

۲. فهرست مطالب،

که در حقیقت یک فهرست موضوعی یا نمایه نیز محسوب می‌شود.

لیزا، چکیده‌نامهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی
LISA, Library and Information Science Abstract

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0024-2179

دُورهٔ نشر: دوماهانه

تأسیس: 1969

ناشر: Library Association.

نشانی: 7 Ridgmount St., London W.C.1, England.

چکیده‌نامهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی، یا لیزا، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع کتابداری و اطلاع‌رسانی، که چکیدهٔ مقالات و مطالب مربوط به حوزهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی را به دست می‌دهد. شامل مباحث مختلف کتابداری، کتابخانه‌ها، ذخیره و بازیابی اطلاعات، خدمات فنی کتابخانه‌ها، و غیره است.

لیزا، از سه قسمت اصلی تشکیل می‌گردد:

۱. متن چکیده‌ها، شامل چکیده و اطلاعات کتابشناختی مربوط به هر چکیده؛

۲. نمایهٔ موضوعی، که هر مدخل از آن براساس یک کلیدواژه به چکیدهٔ قسمت اول ارجاع می‌دهد؛

۳. نمایهٔ مؤلفان، که هر مدخل از آن به متن چکیدهٔ قسمت اول ارجاع می‌دهد.
سیستم رده‌بندی سلسله‌مراتبی این مرجع بسیار کارآمد [هرچند نسبتاً قدیمی] است و خود به تنهایی به عنوان اطلاعات مرجع کتابداری به کار می‌رود، و در ضمن کمک فراوانی به یافتن کلیدواژه‌های مرتبط با یک موضوع محسوب می‌شود. مرجع دیگری که ممکن است همراه با این اثر به کار برده شود، عبارت است از:

National Union Catalog

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0028-0348؛
تناوب نشر: ۹شماره در سال، ۳فصلنامهٔ ادغامی، و سالنامه‌های ادغامی که هر پنج سال یک بار به صورت پنج‌سالانه ادغام می‌شود؛
تأسیس: 1956،
ناشر: US Library of Congress.
نشانی: Catalog Publication Division,
10 First St., S.E. Washington, DC 20540, USA.
که جزو مهمترین منابع مرجع در کتابداری محسوب می‌شود.

چکیده‌نامهٔ بین‌المللیِ رساله‌های دکتری
DAI, Dissertation Abstracts International

شمارهٔ «شابپ» قسمت A: ISSN 0419-4209، تأسیس 1938، ماهنامه.
شمارهٔ «شابپ» قسمت B: ؟، تأسیس 1938، ماهنامه.
شمارهٔ «شابپ» قسمت C: ISSN 0307-6075، تأسیس 1976، فصلنامه.
ناشر: University Microfilms International.
نشانی: 300 N Zeeb Rd., Ann Arbor, MI 48106, USA.
چکیده‌نامهٔ بین‌المللیِ رساله‌های دکتری، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع رساله‌های دکتری، که سالانه، «چکیدهٔ» چند_ده‌هزار رسالهٔ دکتری و فوق دکتری دفاع‌شده و پذیرفته‌شده در دانشگاههای آمریکا و اروپا را منتشر می‌کند.

این منبع بسیار مفصل، از سه قسمت مستقل تشکیل می‌شود:

قسمت A، رشته‌های علوم انسانی در آمریکا؛
قسمت B، رشته‌های علوم و مهندسی در آمریکا؛
قسمت C، کلیهٔ رشته‌ها در اروپا.

که علاوه‌بر صورت چاپی، در برخی رسانه‌های دیگر، از جمله «دادگان» کامپیوتر نیز منتشر می‌شوند.

چکیده‌نامهٔ بین‌المللیِ رساله‌های دکتری، حاوی سیستم رده‌بندی مفصلی است که موضوعات هر قسمت را به شیوهٔ سلسله‌مراتبی دربر دارد. هر قسمت از چکیده‌نامه به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱. متن چکیده‌ها همراه با مشخصات رساله‌ها،
۲. نمایهٔ عنوانها و کلیدواژه‌های موضوعی،
۳. نمایهٔ نویسندگان رساله‌ها.

در قسمت اول، علاوه‌بر چکیده که به زبان انگلیسی یا زبان متن رساله نوشته شده است، اطلاعات کتابشناختی رساله به زبان انگلیسی ــ از جمله ردهٔ موضوعی رساله بر اساس سیستم رده‌بندیِ این چکیده‌نامه ــ عنوان و درجه و دانشگاه و نام نویسندهٔ رساله و استاد راهنما و سال پذیرفته شدن رساله می‌آید.

قسمت دوم، حاوی فهرست راهنمای متشکل از عنوانها و کلیدواژه‌های مرتبط با هر عنوان است که در آن، هر مدخل به شمارهٔ چکیدهٔ بخش اول ارجاع داده می‌شود.

بخش سوم حاوی فهرست نویسندگان رساله‌ها، همراه با ارجاع به شمارهٔ چکیدهٔ بخش اول است.

مؤسسهٔ ناشرِ چکیده‌نامهٔ بین‌المللیِ رساله‌های دکتری، تسهیلاتی فراهم آورده است که متقاضیان بتوانند به آسانی و به سرعت، میکروفیلم یا فتوکپی رساله را سفارش دهند. بدین منظور، کافی است به شمارهٔ سفارش [Order Number]، که در بالای هر چکیده آمده است، در نامهٔ درخواست اشاره شود. همچنین، ناشر، تسهیلاتی فراهم آورده است تا مسائل حق‌چاپ نیز به فوریت مرتفع گردد.

چکیده‌نامهٔ سالانهٔ آمارها
Annual Abstract of Statistics

در بریتانیا، نشریهٔ سالانه‌ای است که آمارهای صنعتی، تجاری، اجتماعی، و حیاتی را منتشر می‌کند.

چکیده‌نامهٔ مهندسی شیمی
Chemical Engineering Abstracts

چکیده‌نامهٔ مهندسی شیمی، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع مهندسی شیمی، که توسط انجمن سلطنتی شیمی بریتانیا، منتشر می‌شود.

فصل ۹

استنادنامه

۱.۹ . مقدمه

استنادنامه، یا نمایهٔ استنادی، نوعی مرجع سطح صفر است که به صورت «نشریهٔ» ادواری منتشر می‌شود، و نمایه‌ای از مؤلفان مقاله و کتاب و غیره به دست می‌دهد که نوشته‌های آنان مورداستفادهٔ اشخاص مختلف قرار گرفته است. به عبارت دیگر، با استفاده از استنادنامه، می‌توان تعیین کرد که از نوشته‌های یک مؤلف، چه کسانی استفاده کرده‌اند یا چه کسانی به وی استناد کرده‌اند. فصل حاضر به بررسی این نوع مدرک مهم می‌پردازد.

در بخش ۲.۹.، یک الگوی نظری از استنادنامه ارائه می‌شود که مفهوم آرمانی آن را تشریح می‌کند. سپس در بخش ۳.۹.، استنادنامه، از جنبهٔ واقعی آن تشریح می‌گردد، و در بخش ۴.۹.، مشخصات استنادنامه‌های مهم دنیا موردبررسی قرار می‌گیرد.

۲.۹ . الگوی نظری استنادنامه

از لحاظ نظری، هر مدخل از استنادنامه، دست‌کم حاوی سه بخش است:

بخش ۱. نام مؤلف؛

بخش ۲. عنوان و مشخصات مقاله‌ها یا مدرک‌های دیگر متعلق به مؤلف مزبور؛

بخش ۳. نام اشخاص دیگری که از مقاله‌ها یا مدارک دیگر بخش دوم مدخل استفاده کرده‌اند، همراه با مشخصات متونی که در آنها از مقاله‌ها یا مدارک دیگر قسمت دوم مدخل استفاده شده است.

مثال ۱.

'احمد احمدی' مقاله‌ای به نام 'آشنایی با موسیقی شرق' در مجلهٔ فرضیِ آوای تابستان، به تاریخ '۱۲ر۱۲ر۷۱'، نوشته است. مؤلف دیگری به نام 'علی شیرازی' مقاله‌ای به نام 'ریتم در موسیقی ژاپنی'، در مجلهٔ فرضیِ نگاه زمستان، به تاریخ '۶ر۳ر۷۲' نوشته، که در آن، از مقالهٔ 'احمد احمدی' استفاده، یا به عبارت دیگر، بدان «استناد» کرده است. در این صورت، در یک استنادنامهٔ فرضی، این سه نوع اطلاعات می‌آید:

[سطر اول] احمد احمدی؛

[سطر دوم] 'آشنایی با موسیقی شرق'، آوای تابستان، ۷۱/۱۲/۱۲؛

[سطر سوم] علی شیرازی، 'ریتم در موسیقی ژاپنی'، نگاه امروز، تاریخ ۶ر۳ر۷۲.

که سطر اول و دوم مربوط به نویسندهٔ اولیه است و سطر سوم نویسنده‌ای را دربر دارد که به نویسندهٔ اول استناد کرده است.

به طور کلی، هرقدر یک نویسنده معتبرتر باشد، به مقالات و نوشته‌های وی بیشتر توجه و استناد می‌شود، و آمدن نام یک مؤلف در استنادنامه، که ذیل آن تعداد زیادی از مؤلفانِ استنادکننده نیز آمده باشد، نشانهٔ اعتبار آن مؤلف است.

پژوهشگری که در حوزهٔ خاصی از دانش پژوهش می‌کند، با استفاده از استنادنامه، به این اطلاعات دست می‌یابد:

۱. فهرست و مشخصات مقالات تازه؛

۲. مقالاتی که به دلیل معتبر بودن، مورداستفادهٔ مؤلفان متعدد قرار گرفته‌اند؛

۳. مقالات و در حقیقت موضوعات دیگری که بسطِ مقاله یا موضوع اولیه محسوب می‌شوند.

مثال ۲.

از مثال ۱ به این اطلاعات می‌توان دست یافت:

۱. مقالهٔ جدید 'آشنایی با موسیقی شرق' توسط احمد احمدی نوشته و منتشر شده است؛

۲. فقط یک نفر به نام 'علی شیرازی' از مقالهٔ مذکور استفاده کرده است؛ بنابر این، محتملاً مقاله، ارزشمند بوده که علی شیرازی بدان استناد کرده است، اما در ضمن، اگر مقاله بسیار ارزشمند و فوق‌العاده می‌بود، توسط مؤلفان متعدد دیگر هم مورداستناد قرار می‌گرفت؛

۳. موضوع جدیدی به نام 'ریتم در موسیقی ژاپنی' معرفی شده است.

بین سه کاربرد استنادنامه، شاید کاربرد دوم آن مهمتر باشد. مثال زیر نمونه‌هایی از کاربرد دوم استنادنامه را نشان می‌دهد.

مثال ۳.

در یک نظرسنجی از مراجعه‌کنندگان به یک استنادنامه در کتابخانهٔ دانشگاه، پرسیده شد که به چه منظوری به استنادنامه مراجعه می‌کنید؟ پاسخها چنین دسته‌بندی شدند:

- ۶۰ درصد: برای این‌که بتوانیم اعتبار علمی مقالات و مؤلفان را ارزیابی، و بر آن اساس به مقالات معتبر استناد کنیم؛
- ۲۰ درصد: برای این‌که بتوانیم تشخیص دهیم نام کدام‌یک از استادان دانشگاه در استنادنامه آمده است، تا بر آن اساس، در کلاسهای درس آنان شرکت کنیم؛
- ۱۰ درصد: برای این‌که بتوانیم تشخیص دهیم نام کدام‌یک از نامزدهای انتخابات پارلمان در استنادنامه آمده است تا بر آن اساس، به آنان رأی دهیم؛
- و ۱۰ درصد دیگر: به پاسخهایی مانند انتخاب مقالهٔ ممتاز سال، انتخاب مؤلف نمونهٔ سال، و مطالعهٔ اعتبار علمی وزرای کابینهٔ اخیر مربوط می‌شد.

نکته. از نظر مفهومی، استنادنامه را می‌توان فراـنمایه‌نامه ـmeta-indexـ نیز نامید، زیرا نمایهٔ نمایه‌ها است. بنابراین، استنادنامه در واقع مرجعی بالاتر از سطح صفر، مثلاً سطح منهای یک ـminus-one levelـ است، اما برای سادگی، استنادنامه را نیز می‌توان همان مرجع سطح صفر به حساب آورد.

۳.۹. استنادنامهٔ واقعی

در بخش گذشته، مفهوم استنادنامه به طور آرمانی و نظری تشریح شد، اما در عمل نیازی نیست که استنادنامه حتماً دارای ساختار تشریح‌شدهٔ فوق‌الذکر باشد. ساختار یا فرمت

استنادنامه را می‌توان به صورت ساده‌تری نیز طراحی کرد، به طوری که برای کاربر بتواند عملاً همان کاربردهای استنادنامهٔ آرمانی را داشته باشد. هرچند، ممکن است استفاده از آن در مواردی اندکی وقت‌گیرتر و مشکلتر باشد. به هر حال، هدف از استنادنامه این است که مشخص شود چه منابعی در چه مقالات و کتابهایی به کار برده شده‌اند.

بررسی روش‌شناسی تدوین استنادنامهٔ واقعی می‌تواند ساختار آن را به روشنی تشریح کند:

۱. هر مدرک، به طور کامل بررسی می‌شود و فهرست کامل منابع به کار برده شده در آن، تعیین می‌گردد. همچنین، برای هر مدرک علاوه‌بر نشانی کتابشناختی آن، یک شمارهٔ ترتیب نیز تعیین می‌گردد. این کتابنامه را می‌توان کتابنامهٔ «مدرک‌های استنادکننده» نامید؛

۲. در مقابل نشانی کتابشناختی هر منبع به کار برده شده در یک مدرک، شمارهٔ ترتیب مدرک آورده می‌شود؛

۳. مراحل ۱ و ۲ برای همهٔ مدرک‌ها تکرار می‌شود؛

۴. یک کتابنامهٔ یادداشت‌دار به دست می‌آید که فیلد اضافی هر مدخل از آن، یک شمارهٔ ترتیب است که به یک مدرک ارجاع می‌دهد؛

۵. کتابنامهٔ مرحلهٔ ۴، ترتیب‌بندی [برحسب عنوان یا مؤلف] می‌شود؛

۶. در مرحلهٔ ۵، احتمالاً تعداد زیادی از مدخلها دارای نشانی کتابشناختی تکراری و شمارهٔ ارجاع به مدرک متفاوت هستند: مدخلهای تکراری اضافی حذف می‌شوند تا فقط یک مدخل برای هر منبع باقی بماند، اما [فقط] شمارهٔ ارجاع به مدرک در مدخلهای تکراری به مدخل مزبور اضافه می‌شود. این کتابنامه را می‌توان کتابنامهٔ «منابع استنادشده» نامید.

مثال زیر نحوهٔ تدوین یک استنادنامهٔ واقعی ساده را تشریح می‌کند.

مثال ۴.

۳مقالهٔ فرضی زیر مفروض‌اند:

ـ مقالهٔ «آشنایی با ادبیات شرق»، نوشتهٔ احمد احمدی، در نشریهٔ ادب و موسیقی، در تاریخ مهر ۱۳۷۶.

ـ مقالهٔ «شعر و موسیقی غرب»، نوشتهٔ مریم مریمی، در نشریهٔ موسیقی ملل،

در تاریخ آبان ۱۳۷۶.

ـ مقالهٔ «سخن‌شناسی و سخن‌کاوی»، نوشتهٔ پرویز پرویزی، در نشریهٔ زبان‌شناسی کامپیوتری، در تاریخ شهریور ۱۳۷۶.

برای تدوین یک استنادنامه مطابق روش‌شناسی چنین عمل می‌شود:

مرحلهٔ ۱.

ـ ۱۰۰۱: احمدی، احمد، «آشنایی با ادبیات شرق»، ادب و موسیقی، مهر ۱۳۷۶.

ـ ۱۰۰۲: مریمی، مریم، «شعر و موسیقی غرب»، موسیقی ملل، آبان ۱۳۷۶.

ـ ۱۰۰۳: پرویزی، پرویز، «سخن‌شناسی و سخن‌کاوی»، زبان‌شناسی کامپیوتری، شهریور ۱۳۷۶.

مرحلهٔ ۲ و ۳ [الف]. مقالهٔ نخست [آشنایی با ادبیات شرق] بررسی می‌شود و از کتابنامه یا پانوشتها و پی‌نوشتهای آن معلوم می‌گردد که در آن، منابع زیر مورداستفادهٔ مؤلف قرار گرفته است:

ـ خرمشاهی، بهاءالدین، ذهن و زبان حافظ، نشر نو، ۱۳۶۱. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۱

ـ سپانلو، محدعلی، نویسندگان پیشرو ایران، نشر نگاه، ۱۳۷۱. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۱

ـ شکیبا، پروین، شعر فارسی از آغاز تا امروز، نشر هیرمند، ۱۳۷۰. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۱

ـ صفوی، کورش، از زبان‌شناسی به ادبیات، نشر چشمه، ۱۳۷۳. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۱

مرحلهٔ ۲ و ۳ [ب]. مقالهٔ دوم [شعر و موسیقی غرب] بررسی می‌شود و از کتابنامه یا پانوشتها و پی‌نوشتهای آن معلوم می‌گردد که در آن، منابع زیر مورداستفادهٔ مؤلف قرار گرفته است:

ـ کمال پورتراب، مصطفی، مبانی آهنگسازی، نشر چشمه، ۱۳۷۴. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۲

ـ صفوی، کورش، از زبان‌شناسی به ادبیات، نشر چشمه، ۱۳۷۳. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۲

مرحلهٔ ۲ و ۳ [پ]. مقالهٔ سوم [سخن‌شناسی و سخن‌کاوی] بررسی می‌شود و از کتابنامه یا پانوشتها و پی‌نوشتهای آن معلوم می‌گردد که در آن، منابع زیر مورداستفادهٔ مؤلف قرار گرفته است:

ـ صدارتی، احمد [مترجم]، شیوهٔ تحلیل رمان، تألیف جان پک، نشر مرکز، ۱۳۶۶. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۳

ـ فرامرزی، محمدتقی، فرهنگ اصطلاحات انگلیسی‌ـفارسی، نشر یاسمن، ۱۳۷۵. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۳

ـ شکیبا، پروین، شعر فارسی از آغاز تا امروز، نشر هیرمند، ۱۳۷۰. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۳

ـ صفوی، کورش، از زبان‌شناسی به ادبیات، نشر چشمه، ۱۳۷۳. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۳

مرحلهٔ ۴ و ۵. نشانیهای کتابشناختی مورداستفاده در ۳مدرک، مراحل ۲ و ۳، الفبایی [ترتیب‌بندی] می‌شود:

ـ خرمشاهی، بهاءالدین، ذهن و زبان حافظ، نشر نو، ۱۳۶۱. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۱

ـ سپانلو، محدعلی، نویسندگان پیشرو ایران، نشر نگاه، ۱۳۷۱. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۱

ـ شکیبا، پروین، شعر فارسی از آغاز تا امروز، نشر هیرمند، ۱۳۷۰. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۱

ـ شکیبا، پروین، شعر فارسی از آغاز تا امروز، نشر هیرمند، ۱۳۷۰. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۳

ـ صدارتی، احمد [مترجم]، شیوهٔ تحلیل رمان، تألیف جان پک، نشر مرکز، ۱۳۶۶. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۳

ـ صفوی، کورش، از زبان‌شناسی به ادبیات، نشر چشمه، ۱۳۷۳. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۱

ـ صفوی، کورش، از زبان‌شناسی به ادبیات، نشر چشمه، ۱۳۷۳. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۲

ـ صفوی، کورش، از زبان‌شناسی به ادبیات، نشر چشمه، ۱۳۷۳. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۳

ـ فرامرزی، محمدتقی، فرهنگ اصطلاحات انگلیسی‌ـفارسی، نشر یاسمن، ۱۳۷۵. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۳

ـ کمال پورتراب، مصطفی، مبانی آهنگسازی، نشر چشمه، ۱۳۷۴. شمارهٔ ترتیب: ۱۰۰۲

مرحلهٔ ۶. کتابنامهٔ یادداشت‌دار مرحلهٔ فوق، که تنها فیلد یادداشت آن یک شمارهٔ ترتیب است، دارای چندین مدخل تکراری است: مدخلها در هم ادغام می‌شوند و فقط شمارهٔ ترتیب مدخلهای تکراری به مدخل ادغامی اضافه می‌گردند. در نتیجه، کتابنامهٔ زیر به دست می‌آید که همراه با کتابنامهٔ ۳مدخلی ابتدای مثال حاضر یک استنادنامه محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، استنادنامه از دو قسمت تشکیل می‌شود: قسمت اول منابع استنادشده، و قسمت دوم مدرک‌های استنادکننده.

قسمت اول: منابع استنادشده

ـ خرمشاهی، بهاءالدین، ذهن و زبان حافظ، نشر نو، ۱۳۶۱. ۱۰۰۱

ـ سپانلو، محدعلی، نویسندگان پیشرو ایران، نشر نگاه، ۱۳۷۱. ۱۰۰۱

ـ شکیبا، پروین، شعر فارسی از آغاز تا امروز، نشر هیرمند، ۱۳۷۰. ۱۰۰۱،۱۰۰۳

ـ صدارتی، احمد [مترجم]، شیوهٔ تحلیل رمان، تألیف جان پک، نشر مرکز، ۱۳۶۶. ۱۰۰۳

ـ صفوی، کورش، از زبان‌شناسی به ادبیات، نشر چشمه، ۱۳۷۳. ۱۰۰۱، ۱۰۰۲،۱۰۰۳

ـ فرامرزی، محمدتقی، فرهنگ اصطلاحات انگلیسی‌ـفارسی، نشر یاسمن، ۱۳۷۵. ۱۰۰۳

ـ کمال پورتراب، مصطفی، مبانی آهنگسازی، نشر چشمه، ۱۳۷۴. ۱۰۰۲

قسمت دوم: منابع استنادکننده

ـ ۱۰۰۱: احمدی، احمد، «آشنایی با ادبیات شرق»، ادب و موسیقی، مهر ۱۳۷۶.

ـ ۱۰۰۲: مریمی، مریم، «شعر و موسیقی غرب»، موسیقی ملل، آبان ۱۳۷۶.

ـ ۱۰۰۳: پرویزی، پرویز، «سخن‌شناسی و سخن‌کاوی»، زبان‌شناسی کامپیوتری، شهریور ۱۳۷۶.

مثال فوق، نشان می‌دهد که ساختار استنادنامهٔ واقعی با ساختار استنادنامهٔ آرمانی ظاهراً تفاوت دارد، اما کاربردهای آنها یکسان است. به عنوان نمونه، دو کاربرد اصلی مثال فوق چنین است:

ـ می‌توان پی برد که چه کتابهایی بیش از کتابهای دیگر مورداستقبال مؤلفان واقع می‌شوند، مثلاً در اینجا، کتاب از زبان‌شناسی به ادبیات، بیش از کتابهای دیگر مورداستناد واقع شده است؛

ـ می‌توان با کتابهای دیگر مرتبط با موضوع ۳مدرک آشنا شد؛ مثلاً برای موضوع 'ادبیات شرق'، علاوه‌بر مقالهٔ نوشته‌شده، ۵منبع نیز معرفی شده است.

استنادنامه‌ها معمولاً دارای چندین نمایه و راهنما هستند که به ویژه پنج قسمت از آنها کاربرد بیشتری دارند:

۱. نمایهٔ مؤلفان استنادکننده؛

۲. نمایهٔ عنوانهای استنادکننده؛

۳. نمایهٔ مؤلفان استنادشده؛

۴. نمایهٔ عنوانهای استنادشده؛

۵. نمایهٔ موضوعی.

مثال ۵.

در مثال ۴، پنج نمایهٔ استنادنامه به شرح زیر هستند:

۱. نمایهٔ مؤلفان استنادکننده:

احمدی، احمد، ۱۰۰۱

پرویزی، پرویز، ۱۰۰۳
مریمی، مریم، ۱۰۰۲

۲. نمایهٔ عنوانهای استنادکننده:

آشنایی با موسیق شرق، ۱۰۰۱
سخن‌شناسی و سخن‌کاوی، ۱۰۰۳
شعر و موسیقی غرب، ۱۰۰۲

۳. نمایهٔ مؤلفان استنادشده:

خرمشاهی، بهاءالدین، ۱۰۰۱
سپانلو، محدعلی، ۱۰۰۱
شکیبا، پروین، ۱۰۰۱، ۱۰۰۳
صدارتی، احمد [مترجم]، ۱۰۰۳
صفوی، کورش، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳
فرامرزی، محمدتقی، ۱۰۰۳
کمال پورتراب، مصطفی، ۱۰۰۲

۴. نمایهٔ عنوانهای استنادشده:

از زبان‌شناسی به ادبیات، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳
ذهن و زبان حافظ، ۱۰۰۱
شعر فارسی از آغاز تا امروز، ۱۰۰۱، ۱۰۰۳
شیوهٔ تحلیل رمان، ۱۰۰۳
فرهنگ اصطلاحات انگلیسی_فارسی، ۱۰۰۳
مبانی آهنگسازی، ۱۰۰۲
نویسندگان پیشرو ایران، ۱۰۰۱

۵. نمایهٔ موضوعی:

ادبیات، ۱۰۰۱
ادبیات شرق، ۱۰۰۱
ادبیات و موسیقی، ۱۰۰۲
تحلیل گفتار، ۱۰۰۳

داستان شرقی، ۱۰۰۱
زبان‌شناسی گفتار، ۱۰۰۳
زبان‌شناسی محاسباتی، ۱۰۰۳
سبک‌شناسی، ۱۰۰۳
شعر شرقی، ۱۰۰۱
موسیقی، ۱۰۰۲
موسیقی غربی، ۱۰۰۲
موسیقی ملل، ۱۰۰۲

نکته. برخی از نمایه‌نامه‌ها، دارای عنوان استنادنامه نیستند، اما دارای نمایه‌هایی هستند که کاربرد آنها را به عنوان استنادنامه نیز امکان‌پذیر می‌سازد. معمولاً این ویژگی در مقدمهٔ نمایه‌نامه ذکر می‌شود، اما با یک بررسی سریع در قسمتهای مختلف نمایه‌نامه نیز می‌توان کاربرد استنادی آن را تعیین کرد. همچنین برخی از «چکیده‌نامه»ها دارای نمایه‌های استنادی نیز هستند.

۹.۴. استنادنامه‌های مهم

استنادنامهٔ علوم
Science Citation Index, SCI

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0036-827X
تناوب نشر: شش شماره در سال [شامل سالنامهٔ ادغام‌شده؛ نیز هر پنج‌سال یک «پنج‌سالانهٔ» ادغامی منتشر می‌شود]
تأسیس: 1961
ناشر: ISI [Institute for Scientific Information].
نشانی اول: 3501 Market St., University City Science center, Philadelphia, PA 19104, USA.

نشانی دوم: 132 High St., Uxbridge, Middlesex, England.

استنادنامهٔ علوم، نوعی مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع علوم، که کلیهٔ رشته‌های علمی و فنی را دربر می‌گیرد.

استنادنامهٔ علوم، یکی از معتبرترین و مهمترین منابع مرجع سطح صفر محسوب می‌شود، و همراه با دو مرجع دیگرِ *SSCI* و *A & HCI* که از انتشارات ISI هستند، اطلاعات مرجع سطح صفر کلیهٔ رشته‌های دانش بشری را به دست می‌دهند.

استنادنامهٔ علوم، از چهار قسمت تشکیل می‌شود:

۱. نمایهٔ استنادی،
۲. نمایهٔ موضوعی،
۳. نمایهٔ منابع،
۴. نمایهٔ مؤسسات.

هر مدخل از نمایهٔ استنادی، حاوی مشخصات مقاله و مؤلف مقاله است که ذیل آن، نام و مشخصات مقاله و مؤلف استنادکننده می‌آید. این قسمت برحسب نام مؤلف مقالهٔ اصلی ترتیب‌بندی می‌شود، و برای دستیابی به موضوع، باید از قسمت دوم ــنمایهٔ موضوعیــ استفاده شود. بدین‌ترتیب، پس از انتخاب مؤلف، از طریق موضوع، می‌توان به فهرست مؤلفان و مقالات استنادکننده دست یافت.

با مراجعه به قسمت استنادها، اولاً اعتبار مقاله سنجیده می‌شود و ثانیاً روشی برای پیگیری و بسط موضوع مقاله و مقالات مرتبط و جدیدتر به دست می‌آید.

کار کردن با این مرجع نیاز به کمی تجربه دارد که با چند بار استفاده حاصل می‌شود. استنادنامهٔ علوم چندین‌هزار نشریه و کتاب را دربر می‌گیرد.

اِی‌ـاَندـاِچ‌سی‌آی، استنادنامهٔ هنر و علوم انسانی
A & HCI, Arts and Humanities Citation Index

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0162-8445

دُورهٔ نشر: سه شماره در سال [یک شمارهٔ مفصل در پایان سال، همراه با دو شمارهٔ کوچکتر در طول سال]

تأسیس: 1977

ناشر: Institute for Scientific Information [ISI].

نشانی اول: 3501 Market St., University City Science Center, Philadelphia, PA 19104, USA.

نشانی دوم: 132 High St., Uxbridge, Middlesex, England.

استنادنامهٔ اِی‌ـ‌اَند‌ـ‌اِچ‌سی‌آی، یک مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع هنر و علوم انسانی، که حوزه‌های تحت پوشش آن، به رشته‌های مختلف هنر و ادبیات رده‌بندی شده است، از جمله:

موسیقی، رقص، هنرهای تجسمی، تئاتر، سینما، رادیو‌ـ‌تلویزیون، معماری، فرهنگ مردمی، ادبیات، تاریخ، باستان‌شناسی، زبان، و زبان‌شناسی.

که در ضمن، حاوی رده‌بندیهای موضوعی بسیار پرکاربردی در شاخه‌های مختلف حوزه‌های تحت پوشش آن است. استنادنامه از چهار «نمایه» تشکیل می‌شود:

۱. نمایهٔ استنادی،
۲. نمایهٔ گردان موضوعی،
۳. نمایهٔ منابع،
۴. نمایهٔ مؤسسات و سازمانها.

در قسمت اصلی استنادنامه، یعنی نمایهٔ استنادنامه، فهرست الفبایی مؤلفان، اثر یا آثار ایشان، و مشخصات مؤلفانی که از مقاله یا مقالات ذکر شده استفاده کرده‌اند، آمده است. قسمتهای دوم تا چهارم، نمایه‌هایی هستند که به قسمت اول ارجاع می‌دهند.

این مرجع همراه با دو مرجع سطح صفر دیگر از انتشارات ISI، یعنی *SCI* و *SSCI*، اطلاعات نمایه‌ایِ کلیهٔ دانشهای بشری را به دست می‌دهند.

اِس‌اِس‌سی‌آی، استنادنامهٔ علوم اجتماعی
SSCI, Social Sciences Citation Index

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 00913707

تناوب نشر: چهارماهانه [هر سال یک استنادنامهٔ ادغامی سالانه، و هر پنج سال یک استنادنامهٔ ادغامی پنج‌سالانه]

تأسیس: 1973

ناشر: ISI [Institute for Scientific Information].

نشانی اول: 3501 Market St., University City Science Center,
Philadelphia, PA 19104, USA.

نشانی دوم: 132 High St., Uxbridge, Middlesex, England.

اِس‌اِس‌سی‌آی، نام یک مرجع سطح صفر است، حاوی اطلاعات مرجع علوم اجتماعی، به صورتِ استنادنامه، که کلیهٔ رشته‌های علوم اجتماعی و رشته‌های مرتبط را دربر می‌گیرد.

این مرجع مشابه *SCI* تنظیم شده است و در حقیقت همراه با *SCI* و نیز *A & HCI*، کاملترین اطلاعات نمایه‌ایِ استنادیِ کلیهٔ حوزه‌های دانش بشری را فراهم می‌سازند.

اِس‌اِس‌سی‌آی، نیز مانند *SCI* شامل چهار قسمت است و مطابق شیوهٔ *SCI* به کار گرفته می‌شود.

اِس‌اِس‌سی‌آی، در هر شماره بیش از ۲۰۰۰ نشریه و چندصد کتاب را، به صورت استنادی، نمایه می‌کند.

فصل ۱۰

نقدوبررسی کتاب و نشریهٔ نقدوبررسی

۱.۱۰. مقدمه

همچنان‌که در فصل ۲ [بخش ۲.۱۳]، تشریح شد، هر نوع مطلب، شامل مقاله، نقدونظر، یادداشت، و غیره، که درباب معرفی یک یا چند کتاب نوشته شده است، «نقدوبررسی» نامیده می‌شود. در فصلهای ۳ تا ۹ نیز مفهوم «کتابنامهٔ نقدوبررسی» تشریح شد که هر مدخل از این نوع کتابنامه، یک «مطلب» نقدوبررسی محسوب می‌گردد. در این فصل، مفاهیم «نقدوبررسی» و «نشریهٔ نقدوبررسی» به عنوان «مدرک» تشریح می‌گردند.

۲.۱۰. مقالهٔ نقدوبررسی کتاب

به طور کلی، خلاصهٔ یک کتاب را که با اهداف و روش‌شناسی معین و مشابه یک مقاله تدوین شده باشد، **مقالهٔ نقدوبررسی** می‌نامند. این نوع مقاله، در هر نوع نشریه، مثلاً روزنامه و نشریهٔ تخصصی، می‌تواند منتشر شود.

مقالهٔ نقدوبررسی را می‌توان بر دو نوع تقسیم کرد:

۱. **مقالهٔ نقدوبررسی توصیفی**، که یک توصیف غیرانتقادی از کل محتوای یک کتاب به دست می‌دهد و مهمترین ویژگی آن این است که حاوی نظر شخصی و گرایش نیست، و به اصطلاح به روش مکانیکی تدوین می‌شود؛

۲. **مقالهٔ نقدوبررسی انتقادی**، که یک توصیف انتقادی از کل یا قسمتهای خاصی از یک کتاب به دست می‌دهد و مهمترین ویژگی آن این است که می‌تواند دارای نظر شخصی و گرایش باشد، و نویسنده، آن را براساس نگرش و دانسته‌ها و تجربیات خود توصیف کند. البته، در اینجا، «نقد»، به هیچ عنوان به معنای خرده گرفتن از

کتاب یا اشاره به کاستیهای کتاب نیست: نقد، در اینجا، به معنای توصیف با نگرش و گرایش شخصی است، هرچند می‌تواند دارای اشاره‌هایی به کاستیهای کتاب باشد، ضمن این‌که می‌تواند حتی عمدتاً [یا فقط] حاوی ستایش باشد. به عبارت دیگر، نقد، در اینجا، می‌تواند توصیف همراه با کاستیها، توصیف همراه با ستایش، و یا توصیف بدون اشاره به کاستیها و ستایش باشد. اما از سوی دیگر، این توصیف، می‌تواند همراه با گرایش و نظر شخصی باشد.

با توجه به دو نوع مقالهٔ نقدوبررسی، که در بالا آمد، می‌توان پی برد که دو مقالهٔ نقدوبررسی توصیفی، که توسط دو نویسندهٔ متفاوت نوشته شده باشند، ارزش و اعتبار یکسانی دارند؛ اما در مقابل، دو مقالهٔ نقدوبررسی انتقادی، که یکی توسط یک نویسندهٔ تازه‌کار و دیگری توسط یک منتقد سرشناس نوشته شده باشد، دارای ارزش و اعتبار متفاوتی هستند و مسلماً دومی ارزشمندتر و معتبرتر است.

به طور کلی، بیشتر مقاله‌های نقدوبررسی، که در نشریات چاپ می‌شوند، از نوع انتقادی هستند. به عبارت دیگر، از آنجا که نقدوبررسی معمولاً، نوعی «مطلب ذهنی» به شمار می‌آید، و اعتقاد و نظر نویسندهٔ نقدوبررسی درباب کتاب معرفی‌شده را دربر دارد، هر نوع خطا و «انحراف» در نقدوبررسی، می‌تواند حیثیت یا به اصطلاح، «نام نشریه» را 'کاهش' دهد. مثلاً تعریف و تمجید بی‌اساس از یک کتاب، تبلیغ تجارتی کتاب محسوب می‌گردد: تبلیغ تجارتی کتاب در روزنامه‌نگاری، دارای خصوصیات معینی است و فقط باید در فضای مشخص و تعیین‌شدهٔ آن آورده شود. و اگر نقدوبررسی حاوی تعریف و تمجید بی‌اساس از کتاب باشد، خوانندگان نشریه را گمراه می‌سازد. اما به هر حال، مقالهٔ نقدوبررسی حاوی ستایش بجا و شایسته، تبلیغ تجارتی محسوب نمی‌شود، اگرچه دارای تأثیر تبلیغات است و می‌تواند در ارتقای فروش کتاب مؤثر واقع شود.

۳.۱۰. سیاست‌گزاری تدوین نقدوبررسی کتاب در روزنامه

در برخی از نشریات، نقدوبررسی، براساس یک «سیاست‌گزاری رسانه»، و یک «طرح‌ریزی رسانهٔ» مدون انجام می‌شود؛ به عنوان نمونه، سیاست و طرح‌ریزی یک نشریهٔ ملیِ معتبرِ نوعی، برای تدوین نقدوبررسی، می‌تواند چنین باشد:

۱. **پویش فراگیر.** در هر شماره، یک یا چند کتاب تازه توسط دبیر صفحهٔ

نقدوبررسی، انتخاب و معرفی گردد، به نحوی که هر کتاب، به تحقیق و مسئولیتِ دبیر، معتبرترین، ارزشمندترین، مفیدترین، و پرمخاطبترین باشد؛ بدین منظور، دبیر صفحه، باید 'همهٔ' کتابهای تازه‌ـمنتشرشده در کشور را از نظر گذرانده باشد؛

۲. جلب اعتماد خواننده. دبیر صفحهٔ نقدوبررسی، مشاور خوانندهٔ روزنامه است و باید در پیِ 'پویش فراگیر' خود، کتابهای 'مهم' را به خواننده معرفی کند، و در معرفی خود احتمالاً تعریف و تمجید نیز به کار ببرد. از این روی، نویسندهٔ نقدوبررسی باید، خود، یکی از سرشناسترین نویسندگان یا شاعران یا منتقدان [و غیره] در جامعهٔ خود باشد: به طوری که خواننده آن را تأیید کند. هدف روزنامه از درج نقدوبررسی، جلب اطمینان خوانندگان به صفحهٔ نقدوبررسی‌است، به نحوی که به تدریج، خوانندگان، متوجه شوند و تأیید کنند که کتابهای معرفی‌شده در صفحهٔ نقدوبررسی نشریه، واقعاً معتبر و مفید و مهم هستند، و تبلیغات تجارتی نیستند، و چون در پی پویش فراگیر برگزیده شده‌اند، [خوانندگان روزنامه] از انتشار کتاب تازه با ویژگیهای مذکور بی‌خبر نمی‌مانند، و در ضمن، ناشران سودجو نمی‌توانند با تبلیغات و طرفندهای مخصوص، توجه خوانندگان را به سمت کتابهای کم‌ارزش جلب کنند، و ناشران و نویسندگان و مترجمان واقعی دلگرم می‌شوند که جایی وجود دارد که کتابهای آنان را به شایستگی معرفی می‌کند، و کتابهای خوب و ارزشمند مورد بی‌اعتنایی واقع نمی‌گردند. مسئلهٔ دیگر، شایعات بی‌اساس است که گاهی باعث می‌شود یک کتاب کم‌ارزش جزو فهرست کتابهای پرفروش قرار گیرد: وجود یک صفحهٔ نقدوبررسی مطمئن در روزنامه، تأثیر این گونه شایعات را کاهش می‌دهد؛

۳. ساختار هر مطلبِ نقدوبررسی. هر نقدوبررسی، پس از این‌که در پی 'پویش فراگیر' و مبتنی‌بر هدفِ 'جلب اعتماد خواننده' برگزیده شد، به عنوان سومین مشخصه، باید دارای یک ساختارِ همیشگیِ یک‌دست باشد تا خواننده به آن عادت پیدا کند. مثلاً از یک سو حاوی «چکیدهٔ» جامع کتاب و فهرست مختصر مطالب و موضوع آن، و از سوی دیگر، حاوی دیدگاه انتقادی دبیر صفحه باشد؛ دیدگاه انتقادی می‌تواند حاوی 'تمجید' از کتاب نیز باشد، مشروط بر این‌که مسئولیت دبیر صفحه در آن به وضوح آشکار باشد. حجم نقدوبررسی می‌تواند بسیار متغیر باشد، اما معمولاً حدود معینی برای آن درنظر گرفته می‌شود.

نقدوبررسی، نوعی «اعتبارسنجی مستقل» محسوب می‌گردد که بدون هزینه، اطلاعات اعتبارسنجی دربارهٔ کتابها را در دسترس خوانندگان و ناشران قرار می‌دهد. به همین دلیل است که دبیر نقدوبررسی باید شخصی سرشناس و شناخته‌شده در جامعهٔ خود باشد.

یک دلیل دیگر در اهمیت سرشناس بودن نویسندهٔ مطلب نقدوبررسی، این است که اصولاً این گروه از اشخاص، حاضر نمی‌شوند با تهیهٔ نقدوبررسی‌های کم‌ارزش و غیرمفید و غیرمسئولانه، شخصیت و حیثیتِ خود را به خطر بیندازند

مثال ۱.

نمونه‌های پراکندهٔ زیر، ویژگیهای مختلف مقالهٔ نقدوبررسی را تشریح می‌کنند:

ـ نقدوبررسی‌هایی که تی. اس. الیوت، منتقد معروف، بر تعدادی کتاب نوشته است، هرکدام، یک سند در اعتبار آن کتاب محسوب می‌گردد.

ـ کتابهایی که در نقدوبررسی‌های نشریات معتبر معرفی می‌شوند، نقل‌قول یا جمله‌ای از نقدوبررسی‌ها را همراه با عنوان نشریه یا نشریات، برای تبلیغ ـیا در واقع اشارهـ در پشت جلد خود می‌آورند.

ـ چنان‌که در «شرح‌ـوـتوصیف» پشت جلد این کتاب آمده است، سه روزنامهٔ نیویورک‌تایمز، لوموند، و هندو، که دارای نقدوبررسی‌های معتبری هستند، در نقدوبررسی‌های خود، آن [کتاب] را معرفی کرده‌اند: بنابر این، کتاب مفید و معتبری محسوب می‌شود.

ـ روزنامهٔ محلی ما، تا سال گذشته، یک روزنامهٔ کم‌اهمیت محسوب می‌شد و تیراژ اندکی داشت: اما از امسال که آقای . . . مسئولیت صفحهٔ نقدوبررسی آن را به عهده گرفته است، تبدیل به یک روزنامهٔ پرتیراژ شده است، زیرا بیشتر مردم شهر به مطالعهٔ نقدوبررسی آن علاقمند شده‌اند.

نقدوبررسی، در رسانه‌های پخش [جهانی، ملی، محلی] نیز متداول است. مثال زیر کاربرد مقالهٔ نقدوبررسی در رادیو را نشان می‌دهد.

مثال ۲.

در این رادیوی محلی، هر شب، یک برنامهٔ ۱۵دقیقه‌ای پس از برنامهٔ اخبار ساعت ۲۱ پخش می‌شود، که به نقدوبررسی کتابهای تازه می‌پردازد: در این برنامه، نام

شخص نویسندهٔ برنامهٔ نقدوبررسی نیز آورده می‌شود که جزو نویسندگان سرشناس [محلی] است.

در رسانه‌های پخش نیز سیاست‌گزاری و طرح‌ریزی نحوهٔ تدوین برنامهٔ نقدوبررسی، تعیین‌کنندهٔ موفقیت یا عدم موفقیت آن 'برنامه' است.

نقدوبررسی، یکی از قسمتهای مهم نشریه می‌تواند باشد، به طوری که در «اولریخ»، یک فیلد از مشخصات هر نشریه، موجود بودن قسمت نقدوبررسی در نشریه است.

«فهرست کتابهای پرفروش» نیز به تعبیری نوعی نقدوبررسی به حساب می‌آید، یا دست کم دارای تأثیری مشابه تأثیر نقدوبررسی است، زیرا این فهرست، توجه خواننده را به کتابهایی جلب می‌کند که توسط مردم تأیید شده‌اند و مردم نسبت به آنها نظر مساعدی دارند.

تدوین فهرست کتابهای پرفروش، کار آسانی است و به روشهای کاملاً مکانیکی امکان‌پذیر است.

۴.۱۰ . سیاست‌گزاری تدوین نقدوبررسی کتاب در کتابنامه

روش‌شناسی تدوین نقدوبررسی برای کتابنامهٔ نقدوبررسی تفاوت خاصی با مقالهٔ نقدوبررسی روزنامه ندارد. تفاوت، فقط در سیاست‌گزاری‌ها و طرح‌ریزی‌ها است: معمولاً سیاست‌گزاری و طرح‌ریزی برای تدوین کتابنامهٔ نقدوبررسی به اهداف ناشر کتابنامه بستگی دارد، و هر ناشری دارای اهداف مخصوص به خود است. با این حال، در اغلب کتابنامه‌های نقدوبررسی اصولی مراعات می‌شود که در نتیجه، مدخل نقدوبررسی کتابنامه را تاحدودی با مقاله یا مطلب نقدوبررسی در نشریه [روزنامه یا مجله] متفاوت می‌سازد.

در مجموع و به طور کلی، می‌توان گفت که معمولاً مدخل نقدوبررسی در کتابنامه، توصیفی‌تر و مقالهٔ نقدوبررسی روزنامه و مجله انتقادی‌تر است. بنابر این، دو خصوصیت کلی مدخل نقدوبررسی در کتابنامه چنین است:

۱. ناشر کتابنامهٔ نقدوبررسی، بین کتابهای چاپ‌شده گزینش کمتری به عمل می‌آورد و می‌کوشد همهٔ کتابهایی را که در زمینهٔ تخصصی معینی منتشر می‌شوند و دارای ویژگیهای معینی هستند، در کتابنامهٔ خود معرفی کند؛

۲. نویسنده‌های کتابنامهٔ نقدوبررسی، می‌کوشند کتابها را به روش نسبتاً توصیفی و

غیرانتقادی معرفی کنند تا همهٔ نقدوبررسی‌های منتشرشده در کتابنامه‌ها دارای ساختار یکسان باشند.

دو خصوصیت فوق، الزاماً در مورد مقالهٔ نقدوبررسی وجود ندارد و اصولاً ضرورتی نیست که مقالهٔ نقدوبررسی که برای روزنامه و مجله نوشته می‌شود غیرگزینشی و توصیفی باشد.

در برخی از نشریات دانشگاهی یا آکادمیک، معمولاً نوعی نقدوبررسی منتشر می‌شود که بیشتر به «نقد» نزدیک هستند و به همین دلیل، گاهی در عنوان این نوع نشریات، به جای *Review*، واژهٔ *Critic* و غیره به کار برده می‌شود.

۵.۱۰. انواع نقدوبررسی براساس نوع مدرک

انواع نقدوبررسی براساس نوع مدرک، مشابه انواع کتابنامه است؛ مثلاً علاوه‌بر نقدوبررسی کتاب، چند نمونه از انواع دیگر نقدوبررسی به شرح زیر است:

ـ **نقدوبررسی نشریه** [journal review]، نوعی مطلب پژوهشیِ نقدوبررسی است که برای ارزیابیِ انتقادی یک نشریه [روزنامه یا مجله] نوشته می‌شود. در تدوین این نوع مطلب، لازم است کل شماره‌های گذشتهٔ نشریه، و یا شماره‌های یک دورهٔ زمانی معین بررسی شوند: برای نقدوبررسی یک نشریه از بدو تأسیس، باید همهٔ شماره‌های آن بررسی شوند؛ و همچنین، برای نقدوبررسی یک نشریه در یک سال، باید همهٔ شماره‌های آن در سال موردنظر بررسی شوند. در هر دو صورت، نوع نقدوبررسی، از نظر دورهٔ زمانی، باید در عنوان نقدوبررسی به صراحت ذکر گردد؛ مثلاً نقدوبررسی روزنامهٔ لوموند در سال ۱۹۹۸، و نقدوبررسی مجلهٔ تایم در دههٔ ۱۹۹۰. از آنجا که تدوین این نوع نقدوبررسی معمولاً کار بسیار مشکلی است، بیشتر به عنوان نتیجهٔ یک طرح پژوهشی و یا یک پایان‌نامهٔ دکتری و غیره منتشر می‌گردد؛

ـ **نقدوبررسی موسیقی** [music review]، نقدوبررسی یک یا چند قطعهٔ موسیقی از جنبه‌های مختلف است؛ مثلاً صدای خواننده، شعر_ملودی_ریتم_هارمونی_فرم، وابستگی به سبک و دستگاه یا تونالیته، اجزا یا قسمتها، پیروی یا تأثیرگرفتگی از موسیقیدان یا «تِم» یا قطعه‌ای دیگر، ابداعات و کلیشه‌های موجود در آن، و

مشخصات دیگر. این نوع نقدوبررسی به عنوان مقالهٔ نشریه، برنامهٔ رادیویی یا تلویزیونی، و یا مدخل کتابنامهٔ نقدوبررسی منتشر می‌شود؛

ـ **نقدوبررسی فیلم** [film review]، نقدوبررسی یک فیلم سینمایی یا تلویزیونی از جنبه‌های مختلف است، که معمولاً شامل خلاصهٔ داستان فیلم، فهرست و مشخصات پدیدآوران، و شرح توصیفی و یا انتقادی قسمتها یا عناصر مختلف آن، مثلاً فیلمنامه، فیلمبرداری، و غیره است. این نوع نقدوبررسی به عنوان مقالهٔ نشریه، برنامهٔ رادیویی یا تلویزیونی، و یا مدخل کتابنامهٔ نقدوبررسی منتشر می‌شود.

مثال ۳.

یکی از منابع معتبر نقدوبررسی فیلم، نقدوبررسی سینمای مگیل [Magill's Survey of Cinema] است که مقالات کامل و تمام‌ـمتن، و نقدوبررسی‌های نوشته‌شده دربارهٔ چندهزار فیلم، همراه با اطلاعات تفصیلی از مشخصات فنیِ هر فیلم را به دست می‌دهد.

ـ **نقدوبررسی برنامهٔ رادیویی** [radio program review]، و **نقدوبررسی برنامهٔ تلویزیونی** [TV program review]، نیز کم و بیش مشابه نقدوبررسی فیلم هستند؛

ـ **نقدوبررسی نوار** [tape review]، **نقدوبررسی دیسک سی‌دی** [CD review]، **نقدوبررسی صفحهٔ گرامافون** [disk review]، **نقدوبررسی سیماوا یا ویدئوکلیپ** [video-clip review]، و **نقدوبررسی موسیقی زنده** [live-music review]، عمدتاً مانند نقدوبررسی موسیقی هستند، که در بالا بدان اشاره شد، هرچند در این نوع منابع، مسئلهٔ کیفیت ضبط و نحوهٔ عرضه در بازار نیز حائز اهمیت هستند.

۶.۱۰. نشریهٔ نقدوبررسی کتاب

نشریهٔ نقدوبررسی کتاب، نوعی نشریهٔ ادواریِ مرجع سطح صفر است، حاوی کتابنامهٔ نقدوبررسی، یا کتابنامهٔ توصیفیِ نسبتاً مفصلِ انتقادی یا غیرانتقادی، که هدف آن معرفی کتابهای تازه است. نشریهٔ نقدوبررسی، معمولاً تخصصی است.

در برخی از «چکیده‌نامه»ها و «نمایه‌نامه»ها، قسمتی به عنوان نقدوبررسی کتاب نیز

وجود دارد، و در بسیاری از موارد، نشریهٔ سطح صفر، مجموعه‌ای است از چکیده‌ها و نقدوبررسی‌ها، که نمایه‌های متعددی دستیابی به اطلاعات آن را سهولت می‌بخشند. با این حال، در کتاب حاضر، این منابع به تفکیک تشریح شده‌اند تا تمایز بین آنها روشنتر شود. در فصلهای گذشته، تفاوتهای بین چکیده و نقدوبررسی به تفصیل تشریح شده است.

۷.۱۰. نشریات مهم نقدوبررسی

در فصلهای گذشته، تعدادی از منابع مرجع سطح صفر مهم دنیا معرفی شدند. برخی از این منابع دارای قسمتهای مربوط به نقدوبررسی کتاب نیز هستند؛ مثلاً نمایه‌نامهٔ مهندسی، که دارای قسمت مخصوص نقدوبررسی کتاب نیز هست.

در این بخش، فقط دو «نمایه‌نامه» معرفی می‌شود که مقالات نقدوبررسی کتاب را که در نشریات مختلف انگلیسی‌ـزبان به ویژه آمریکا منتشر می‌شوند، معرفی می‌کنند.

گزیدگان نقدوبررسی کتاب، نمایه‌نامهٔ نقدوبررسی کتاب
Book Review Digest

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0006-7326

تناوب نشر: ۱۰ شماره در سال [و سالنامهٔ ادغامی]

تأسیس: ۱۹۰۵ م.

ناشر: H. W. Wilson Co.

نشانی: 950, University Ave., Bronx, NY 10452, USA.

گزیدگان نقدوبررسی کتاب، یک مرجع سطح صفر، به صورت نمایه‌نامه است که مقالات نقدوبررسی کتاب را ـکه در نشریات گوناگون منتشر می‌شوندـ نمایه می‌کند. این نمایه‌نامه، حاوی فهرست موضوعی و فهرست مؤلفان است.

معمولاً و به طور سنتی، در همه جای دنیا، کتابهای معتبر و مهم را در مطبوعات، «نقد» یا «نقدوبررسی» می‌کنند، و این نمایه‌نامه مشخصات کتابشناختی نقدها را دربر دارد. گزیدگان نقدوبررسی کتاب، به ویژه برای ناشران و واسطه‌های نشر کتاب مفید است که به منظور سفارش ترجمهٔ کتاب به مترجمان، نیاز به اطلاعات معتبر در زمینهٔ کتابهای چاپ‌شدهٔ معتبر خارجی دارند.

نمایه‌نامهٔ بوک‌لیست، فهرست کتابها
Booklist

شمارهٔ «شابپ»: ISSN 0006-7385
تناوب نشر: دو شماره در ماه، و یک شمارهٔ ادغامی در هر شش ماه
تأسیس: 1905
ناشر: American Library Association.
نشانی: 50 E. Huron St., Chicago, IL 60611, USA.

نمایه‌نامهٔ بوک‌لیست، یک مرجع سطح صفر است، به صورت «نمایه‌نامه» که مقالات «نقدوبررسی کتاب» را ـ که در نشریات گوناگون منتشر می‌شوند ـ نمایه می‌کند. کاربرد این نشریه مشابه *Book Review Digest* است و همراه با آن، مرجع مناسبی برای کسب اطلاعات نمایه‌ای نشر و کتاب و ویرایش محسوب می‌شود.

پیوست الف

رده‌بندی علوم

یکی از مسائل بسیار مهم در دانش مدرک‌شناسی، تعیین موضوع برای مفاهیم و مدرک‌ها است، و همچنان که در فصل ۲ اشاره شده است، موضوع را باید در میان موضوعات کلی دانش بشری تعریف کرد. به عبارت دیگر، هر متخصص مدرک‌شناسی، و حتی هر کسی که با مدرک‌شناسی سروکار دارد، باید بتواند به آسانی و به سرعت، جایگاه یک موضوع را در میان کل موضوعات دانش بشری تشخیص دهد و یا حدس بزند. بدین منظور، آشنایی با یک یا چند طرح رده‌بندی علوم مفید و یا شاید ضروری است.

هر نوع رده‌بندی که کلِ «دانش» بشری را به اجزای معین تقسیم‌بندی کند، یک طرح رده‌بندی علوم [knowledge classification] محسوب می‌شود.

در زمینهٔ رده‌بندی علوم، طرحها و روشهای بسیار زیادی معرفی و منتشر شده است، که یک رده‌بندی پرکاربرد آن، «رده‌بندی کتابخانه» است، که بر دو نوع متفاوت «رده‌بندی دیوئی» و «رده‌بندی کنگره» تقسیم می‌شود. این دو طرح با هدف رده‌بندی کتابها و مواد کتابخانه‌ای ارائه شده‌اند. برخی از «تزاروس»های علمی و فنی نیز رده‌بندی‌های پرکاربردی ارائه کرده‌اند.

همچنین، رده‌بندیهای رشته‌های دانشگاهی، در مجموعه‌های دانشکده‌ای و دپارتمانی، که براساس حوزه‌ها و رشته‌های علمی نزدیک به هم و مرتبط تدوین می‌شوند، رده‌بندی علوم محسوب می‌شوند. این رده‌بندیها که معمولاً با رده‌بندی کتابخانه تفاوت دارند، در بسیاری از دانشگاههای بزرگ، کم‌وبیش مشابه‌اند. اطلاعات موردنیاز برای رده‌بندی علوم مبتنی بر رشته‌های دانشگاهی را می‌توان از سالنامهٔ معروف «*World of Learning*»، استخراج کرد که سالنامهٔ معتبری است که کلیهٔ اطلاعات دانشگاهی، از جمله رشته‌های تحصیلی، و دانشکده‌های همهٔ کشورها را دربر دارد.

به طور کلی، همچنان‌که در بسیاری از متون مرجع به طور صریح یا ضمنی مطرح شده است، کل دانش بشری را به شش گروه بزرگ می‌توان تقسیم کرد:

دانش بشری

۱. اطلاع‌رسانی و و دانش مجتمع؛
۲. علوم غیرزیستی و مهندسی؛
۳. علوم تغذیه و زیستی؛
۴. علوم انسانی؛
۵. هنرها؛
۶. زبانها.

که هریک از شش گروه مذکور را می‌توان یک «فراحوزه» یا «فرارَده» نامید، زیرا هریک از آنها نام گروهی از حوزه‌ها است: مثلاً علوم انسانی شامل چندین حوزه است.

در جدول زیر، که یک نمونهٔ کاربردی‌ترِ رده‌بندی علوم محسوب می‌شود، اجزای هریک از شش فراحوزهٔ فوق نیز، به طور کلی، نشان داده شده است:

نام فراحوزه	نام حوزه‌های تشکیل‌دهنده
۱. اطلاع‌رسانی و دانش مجتمع	دانش مجتمع و دانشگان؛ اطلاع‌رسانی
۲. علوم غیرزیستی و مهندسی	کامپیوتر؛ مهندسی برق؛ ریاضیات و مهندسی صنایع؛ فیزیک؛ شیمی و مهندسی شیمی؛ مهندسی مواد و معدن؛ مهندسی مکانیک؛ مهندسی انرژی؛ مهندسی عمران؛ علوم زمین
۳. علوم تغذیه و زیستی	مهندسی کشاورزی و تغذیه؛ زیست‌شناسی [ماکروبیولوژی]؛ ریززیست‌شناسی [میکروبیولوژی]؛ علوم دارویی و آزمایشگاهی؛ پزشکی و پیراپزشکی؛
۴. علوم انسانی	روان‌شناسی و آموزش؛ علوم اجتماعی؛ حقوق و علوم سیاسی؛ اقتصاد و مدیریت؛ فلسفه و ادیان؛ تاریخ؛
۵. هنرها	معماری و کلیات هنر؛ هنرهای تجسمی و دستی؛ هنرهای نمایشی؛ موسیقی
۶. زبان	زبان و زبان‌شناسی؛ زبان و ادبیات ژرمنی و سلتی؛ زبان و ادبیات رومیایی و اسلاو؛ زبان و ادبیات هند و ایرانی؛ زبان و ادبیات آفرو_آسیایی؛ زبان و ادبیات آسیایی؛ زبان و ادبیات اورال_آلتایی و زبانهای مستقل

۶فراحوزه [یا ۶فرارَدِه] را می‌توان در یک جدولِ ۳۴حوزه‌ای [یا ۳۴رده‌ای] نمایش داد و هریک را با یک نماد رقمی_الفبایی رمزبندی کرد [صفحهٔ بعد]:

نمونهٔ رده‌بندی علوم: جدول سطح اول

گروه	رمز حوزه	نام حوزه
کلیات	0	دانش مجتمع و دانشگان
علمی و فنی	1	کامپیوتر
	2	مهندسی برق
	3	ریاضیات و مهندسی صنایع
	4	فیزیک
	5	شیمی و مهندسی شیمی
	6	مهندسی مواد و معدن
	7	مهندسی مکانیک
	8	مهندسی انرژی
	9	مهندسی عمران
	A	علوم زمین
تغذیه و زیستی	B	مهندسی کشاورزی و تغذیه
	C	زیست‌شناسی [ماکروبیولوژی]
	D	ریززیست‌شناسی [میکروبیولوژی]
	E	علوم دارویی و آزمایشگاهی
	F	پزشکی و پیراپزشکی

گروه	رمز حوزه	نام حوزه
علوم انسانی	G	روان‌شناسی و آموزش
	H	علوم اجتماعی
	I	حقوق و علوم سیاسی
	J	اقتصاد و مدیریت
	K	فلسفه و ادیان
	L	تاریخ
هنرها	M	معماری و کلیات هنر
	N	هنرهای تجسمی و دستی
	O	هنرهای نمایشی
	P	موسیقی
زبانها	Q	زبان و زبان‌شناسی
	R	زبان و ادبیات ژرمنی و سلتی
	S	زبان و ادبیات رومیایی و اسلاو
	T	زبان و ادبیات هند و ایرانی
	U	زبان و ادبیات آفرو_آسیایی
	V	زبان و ادبیات آسیایی
	W	زبان‌وادبیات‌اورال_آلتایی‌وزبانهای‌مستقل
کلیات	Z	اطلاع‌رسانی

اگر ۳۴حوزهٔ فوق، که سطح اول رده‌بندی محسوب می‌شود، به رشته‌های تخصصی هر حوزه یا رده گسترش داده شود، حدود ۴۰۰رشتهٔ تخصصی حاصل می‌گردد، که جدول سطح دوم را تشکیل می‌دهد. این تقسیم‌بندی را برای به دست آوردن سطوح دیگر، به ویژه سطح سوم، می‌توان ادامه داد.

نکته. جدول و شیوهٔ رده‌بندی فوق را می‌توان مانند «رده‌بندی کنگره» و رده‌بندی دیوئی» در سه سطح سلسله‌مراتبی گسترش داد و تقسیمات فرعی هر حوزه را به دست آورد. به عبارت دیگر، برای سازگار ساختن رده‌بندی فوق با تعریف رده‌بندی سه‌سطحی موضوعی در کنگره و دیوئی، می‌توان رده‌بندی سطح نخست را در ۳۴حوزه، و رده‌بندی سطح دوم را در ۴۰۰رشته تنظیم کرد.

که از نظر رمزبندی، سطح اول می‌تواند تا ۳۶حوزه، و سطح دوم می‌تواند تا ۳۶x۳۶ رشته [یعنی ۱۲۹۶رشته] گسترش یابد. بدین‌ترتیب، در رده‌بندی سطح سوم [مانند دیوئی و کنگره] می‌توان تعداد نامحدودی موضوع را به طور سلسله‌مراتبی رمزبندی کرد و گسترش داد. در این صورت، مانند دیوئی و کنگره، رده‌بندیِ سطحِ سومِ ۳نمادی، ۴نمادی، ۵نمادی، و بیشتر حاصل می‌شود. برای سازگار ماندن شیوهٔ رده‌بندی فوق با شیوهٔ تعریف‌شده در مورد رده‌بندی دیوئی و کنگره، آن قسمت از رده‌بندی که رده‌بندی را در ۶فراحوزه فهرست می‌کند «رده‌بندی سطح صفر» نامیده شده است. در رده‌بندی دیوئی و کنگره نیز به طور ضمنی، رده‌بندی سطح صفر در ۴فراحوزهٔ علوم، فنون، علوم انسانی، و هنر تعریف شده است.

نکته. برای رده‌بندی زبانها به ۷حوزه [در فراحوزهٔ شمارهٔ ۶]، چند معیار درنظر گرفته شده است، از جمله:

۱. نزدیک ماندنِ رده‌بندی به رده‌بندی دیوئی و کنگره؛

۲. حجم اطلاعاتیِ قابل‌مقایسه برای هر رده، از نظرِ تعدادِ قابل‌تخمینِ «مدرک»های اطلاعاتی؛

۳. نزدیکی با رده‌بندیهای کاربردی و علمی زبانها [به ویژه در منبع: Katzner، 1995؛ و Crystal، 1990]؛

۴. وابستگیِ همجواریِ هر رده به ردهٔ قبلی و بعدی؛

۵. قابل‌مقایسه بودن تعداد سخنگویان مجموعهٔ زبانهای یک رده با ردهٔ دیگر، براساس میانگینِ وزن‌دارِ درصد زبانهای بومی و درصد زبانهای رسمی.

همچنین، در رده‌ها و گروههای حوزه‌های غیر از زبانها، معیارهایی ملحوظ بوده است، همچون: قابل‌مقایسه بودنِ «مقدار اطلاعات» و «محتوای اطلاعاتی» هر عنوان‌نسبت نسبت به کل، وابستگیِ همجواری بین‌رده‌ای و بین‌رشته‌ای، حجم قابل‌تخمین اطلاعات هر عنوان نسبت به کل براساس نسبتهای تخمینیِ استخراج‌شدنی از «سرعنوانهای موضوعی» انگلیسی و نمایه‌نامه‌های تخصصی و غیرتخصصی [و به طور کلی از منابع «مرجع سطح صفر»]، نزدیک ماندن به رده‌بندیهای متعارف و متداول در متون مختلف، و به ویژه سازگاری کلی با رده‌بندیهای مبتنی بر اطلاعاتِ رشته‌های دانشگاهی. وابستگی همجواری در مورد حوزهٔ صفر و Z، و نیز حوزهٔ 3 نادیده گرفته شده است.

نکته. با استفاده از برخی از پایگاههای «اینترنت»، و رده‌بندیهای گوناگون موجود در «دادگان وصل‌ـخطِ» *DIALOG* به رده‌بندیهای سلسله‌مراتبی متعددی می‌توان دست یافت، که در هر مورد، استفاده از شیوهٔ سه‌سطحی تعریف‌شده در مورد رده‌بندی دیوئی و کنگره به تحلیل و طراحی روشمند یک رده‌بندی جدید یا کاربردی کمک می‌کند.

پیوست ب

دادگان‌های بزرگ دنیا

ACADEMIC INDEX (=AI) **نمایه‌نامهٔ آکادمیک**
(نمایه‌های مقالات ۴۰۰ نشریهٔ آکادمیک و برخی مقالات نشریات عمومی دنیا در شاخه‌های مختلف حوزه‌های هنرها و علوم انسانی)

AEROSPACE DATABASE **دادگان هوا_فضا**
(مجموعه‌ای از نمایه‌ها و چکیده‌های منابع مرجع، کتابها، مقالات، گزارشها، و غیره، دربارهٔ علوم هوا_فضا، از حدود ۴۰ کشور دنیا)

AGELINE (=AARP) **دادگان ایج_لاین**
(مجموعه‌ای از نمایه‌ها و چکیده‌های مطالب گوناگون مربوط به افراد مسن، بازنشسته، و مسائل علمی مربوط به سالخوردگی، مثلاً استفاده از تجربیات، ایجاد رفاه، مشکلات، و نقش افراد مسن در اجتماع)

AGENCE FRANCE PRESSE ENGLISH WIRE
خبرنامه‌های انگلیسی خبرگزاری فرانسه (متن کامل خبرنامه‌های خبرگزاری فرانسه به زبان انگلیسی، از سال ۱۹۹۱ به بعد، شامل روزانه چند_صد خبرنامه، همراه با نمایه‌های مختلف)

AGRIBUSINESS U.S.A. **دادگان اگری‌بیزینس آمریکا**
(مجموعه‌ای از نمایه‌ها و چکیده‌های مشاغل و مسائل اقتصادی و تولیدی مربوط به کشاورزی، در آمریکا)

AGRICOLA **آگری_کوُلا**
(مجموعه‌ای از نمایه‌ها و چکیده‌های مقالات در شاخه‌های مختلف کشاورزی و برخی شاخه‌های علوم زیستی، از نشریات دنیا)

AGRIS INTERNATIONAL **دادگان بین‌المللی آگریس**
(مجموعه‌ای از نمایه‌ها و چکیده‌های کشاورزی، از نشریات دنیا، شامل نتایج پژوهشها، مطالعات، توسعه‌ها، به ویژه شامل اسناد و مدارک FAO)

API ENERGY BUSINESS NEWS INDEX (=APIBIZ)

نمایه‌نامهٔ اخبار تجاری انرژی اِی‌ـپی‌ـآی (نمایه‌های اخبار سیاسی، تجاری، اقتصادی، و علمی صنعت انرژی و نفت در دنیا، که از مقالات و مطالب خبری نشریات استخراج می‌شود)

AQUACULTURE
دادگان استنادیِ آبزیان
(مجموعه‌ای از نمایه‌های استنادی و چکیده‌های علوم و تجارت و صنایع مربوط به آبزیان، از کتابها، مقالات، سمینارها، و مطالعات پژوهشی در دنیا)

AQUATIC SCIENCES AND FISHERIES ABSTRACTS (=ASFA)
چکیده‌نامهٔ علوم دریایی و شیلات (چکیده‌های علمی انواع مدرک در حوزه‌ها و شاخه‌های گوناگونِ علوم و صنایع و مدیریت شیلات)

ARAB INFORMATION BANK (=AIB)
دادگان اطلاعات عربی
(مجموعه‌ای از نمایه‌ها و چکیده‌های سیاسی و علوم انسانی، که در نشریات کشورهای عربی منتشر می‌شوند. همچنین شامل موضوعاتی چون انرژی، اقتصاد، علوم و فنون، گزارشها و پژوهشهای نظامی، کشمکش اعراب‌ـاسرائیل، بازارشناسی، ترابری، و بهداشت در کشورهای عربی می‌شود)

ARTBIBLIOGRAPHIES MODERN
دادگان کتابشناختی هنری
(کتابنامه‌های جامع شاخه‌های مختلف هنر، شامل مقالات، کتابها، پایان‌نامه‌ها، و کاتالوگ نمایشگاههای هنری، و نیز مطالعات مربوط به هنرمندان صاحب‌سبک و جنبشهای قرن ۱۹ و ۲۰ در دنیا. کل شاخه‌های هنرها را می‌پوشاند)

ARTS & HUMANITIES SEARCH
دادگان جستجوی هنرها و علوم انسانی
(استنادنامهٔ جامع که حدود ۱۵۰۰ نشریهٔ تخصصی مهم دنیا در شاخه‌های مختلف هنرها و ادبیات را نمایه می‌کند)

ASIA-PACIFIC
دادگان آسیا و اقیانوس آرام
(اطلاعات تجاری، اقتصادی، و صنایع کلیهٔ کشورهای آسیا، استرالیا، و اقیانوس آرام، حدود ۶۰کشور، به صورت چکیده‌نامه‌ها و استنادنامه‌های انواع مدرک، شامل مطالعه، پژوهش، اسناد دولتی، مقاله، خبرنامهٔ خبرگزاری، و غیره)

A-V ONLINE
دادگان اِی‌ـوی وصل‌ـخط
(اطلاعات کتابشناختی و نمایه‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به مواد آموزشی غیرچاپی، شامل فیلم ۱۶ و ۳۵، اسلاید، ترانسپارانت، صفحهٔ گرام، نوارهای صوتی و ویدئویی، دیسک سی‌دی صوتی و ویدئویی، در کلیهٔ سطوح آموزشی)

BEILSTEIN ONLINE
دادگان وصل‌ـخط بایل‌اشتاین
(اطلاعات مرجع بسیار مفصل و جامع مواد و فرمولهای شیمیایی، و اطلاعات استنادی و کتابشناختی مربوط به حوزهٔ شیمی و مهندسی شیمی. همچنین شامل نمایهٔ نزدیک به

۴میلیون ترکیب شیمیایی است، و هندبوک شیمی بایل‌اشتاین را می‌پوشاند)

دادگان حرفه‌های مربوط به علوم زیستی BIOBUSINESS

(اطلاعات کتابشناختی بین‌المللی جنبه‌های کاربردی و تجاری علوم زیستی)

BIOCOMMERCE ABSTRACTS AND DIRECTORY

چکیده‌نامه و راهنمای تجارت در حوزه‌های علوم زیستی (اطلاعات کتابشناختی علمی، حرفه‌ای، و تجاری)

نمایه‌نامهٔ بزرگ زندگی‌نامه‌ها BIOGRAPHY MASTER INDEX (=BMI)

(فهرستی از زندگی‌نامهٔ بیش از ۵ر۳میلیون شخص سرشناس و معروف در سرتاسر دنیا، شامل نویسندگان، هنرمندان، ورزشکاران، مسئولان دولتی، صاحبان صنایع، و غیره. این دادگان بزرگ، حدود ۶۵۰ «فرهنگ زندگی‌نامه‌ای» و انواع *Who's Who* را می‌پوشاند)

دادگان زیست‌شناسی BIOSIS PREVIEWS

(استنادنامه‌ها و اطلاعات مرجع سطح صفر دیگر در کلیهٔ شاخه‌هایِ حوزه‌های مختلفِ علوم زیستی، که بیش از ۸میلیون رکورد را می‌پوشاند)

چکیده‌نامهٔ تکنولوژی زیستی BIOTECHNOLOGY ABSTRACTS

(شاخه‌های مختلف دانش و مهندسی مربوط به تکنولوژی علوم زیستی، به ویژه مهندسی ژنتیک، مهندسی زیست‌ـشیمی، مدیریت زباله، شامل چکیده‌های پژوهشها، اختراعات، سمینارها، و مقالات نشریات تخصصی)

دادگان کتابهای چاپی BOOKS IN PRINT

(کتابنامهٔ بزرگ کتابهای چاپ‌شدهٔ موجود، کتابهای چاپ‌شدهٔ نایاب، کتابهای زیرچاپ و در دست تألیف، و انواع راهنمای موضوعی برای انتخاب کتاب. بیش از ۲ میلیون عنوان کتاب و تک‌نگاشت از ۲۲۰۰۰ناشر آمریکایی را دربر می‌گیرد)

دادگان کتابهای چاپی بریتانیایی BRITISH BOOKS IN PRINT

(کتابنامهٔ بزرگ کتابهای چاپ‌شدهٔ موجود، و کتابهای چاپ‌شدهٔ نایاب، که حدود ۲ میلیون عنوان کتاب و تک‌نگاشت از ناشران کشورهای مختلف دنیا به زبان انگلیسی را دربر می‌گیرد. مشابه همین دادگان در مورد ناشران آمریکایی نیز وجود دارد)

نمایه‌نامهٔ آموزش بریتانیایی BRITISH EDUCATION INDEX (=BEI)

(نمایه‌نامهٔ علوم آموزش، و مطالعات و پژوهشها و اطلاعات آماری مربوط به آموزش در دنیا و به ویژه در بریتانیا، شامل مقالات نشریات و پایان‌نامه‌ها)

دادگان تجاری BUSINESS DATELINE

(اطلاعات علمی تمام‌ـمتن، شامل مقالات نشریات تخصصی و روزنامه‌ها، مربوط به شاخه‌های مختلف علوم اداری، تجاری، صنایع، بازارشناسی، و غیره، به ویژه از نشریات

آمریکا و کانادا)

دادگان تجاری بین‌المللی **BUSINESS INTERNATIONAL**

(اطلاعات تمام‌ـمتن تجاری و بازارشناسی و صنایع کشورهای مختلف، شامل انواع گزارش، آمار، مطالعهٔ پیش‌بینی بازار، پژوهش، و غیره)

دادگان خبرنامه‌های تجاری **BUSINESSWIRE**

(اطلاعات تمام‌ـمتن خبری و خبرنامه‌های تجاری و اقتصادی از خبرگزاریها، روابط عمومی‌ها، و منابع دیگر، دربارهٔ تجارت و صنایع و بازارهای مختلف به ویژه در آمریکا، که اخبار و خبرنامه‌ها را به صورت ساعت‌ـبه‌ـساعت تهیه می‌کنند. بیش از ۱۰٫۰۰۰ سازمان در آمریکا، و تعدادی در کشورهای دیگر، خبرنامه‌های خود را در اختیار این دادگان قرار می‌دهند)

BUYER'S GUIDE TO MICRO SOFTWARE (=SOFT)

راهنمای خریداران نرم‌افزار (اطلاعات کتابشناختی نرم‌افزارهای کامپیوتری در رشته‌های مختلف، که در بازارهای آمریکا وجود دارد. این دادگان به ویژه برای طراحان نرم‌افزار و برنامه‌سازان کاربردی مفید است که با مشخصات فنی برنامه‌های موجود آشنا شوند)

CAB ABSTRACTS [Commonwealth Agricultural Bureaux]

چکیده‌نامهٔ جامع کشاورزی و علوم زیستی (چکیده‌ها و اطلاعات کتابشناختی بین‌المللی، شامل کتابها، سمینارها، مقالات، اختراعات، گزارشها، و پایان‌نامه‌ها در کلیهٔ شاخه‌های کشاورزی و علوم زیستی، در دنیا، که حدود ۳میلیون رکورد را دربر می‌گیرد)

دادگان شرکتهای کانادایی **CANCORP CANADIAN CORPORATIONS**

(اطلاعات گوناگون مربوط به شرکتها و سازمانهای خصوصی و دولتی کانادا)

دادگان افراد جویای کار **CAREER PLACEMENT REGISTRY**

(فهرست و مشخصات فردی افرادی که جویای کار هستند. افراد، برای ثبت نام خود در این فهرست، مشخصات تحصیلی و تجربیات و سوابق خود را ارسال می‌کنند که برای ۶ماه در فهرست باقی می‌ماند. برخی از شرکتها برای استخدام کارکنان موردنیاز خود به این دادگان مراجعه می‌کنند)

چکیده‌نامهٔ سرامیک **CERAMIC ABSTRACTS**

(چکیده‌نامهٔ تخصصی شاخه‌های مختلف دانش و تکنولوژی سرامیک، از نشریات دنیا)

دادگان اخبار تجاری شیمی **CHEMICAL BUSINESS NEWSBASE** (=CBNB)

(اطلاعات کتابشناختی و راهنمای تجارتی محصولات، صنایع، و مؤسسات تولیدی مواد شیمیایی در دنیا)

CHEMICAL ENGINEERING AND BIOTECHNOLOGY ABSTRACTS

چکیده‌نامهٔ مهندسی شیمی و تکنولوژی زیستی (دادگان بسیار جامع و بزرگ که از ادغام

دو دادگان چکیده‌نامهٔ مهندسی شیمی و چکیده‌نامهٔ تکنولوژی زیستی تشکیل می‌گردد، و کلیهٔ شاخه‌های دو حوزهٔ مذکور را دربر می‌گیرد)

دادگان یادداشتهای صنعت شیمی CHEMICAL INDUSTRY NOTES (=CIN)

(اطلاعات کتابشناختی مربوط به صنایع شیمیایی و اقتصاد و بازارهای آن، که حاوی اطلاعات تجاری و تولیدی مهم این صنایع است)

دادگان اطلاعات اقتصادی مواد شیمیایی CHEM-INTELL

(اطلاعات حرفه‌ای و اقتصادی دربارهٔ تولید و تجارت برخی مواد شیمیاییِ ویژه)

دادگان بدرفتاری و بی‌توجهی به کودکان CHILD ABUSE AND NEGLECT

(اطلاعات کتابشناختی مطالعاتی که در زمینه‌های مختلفِ بدرفتاری و بی‌توجهی به کودکان انجام شده و به صورت کتابها و مقالات و سمینارها و اسناد دولتی در آمریکا منتشر شده‌اند)

CHINESE PATENT ABSTRACTS IN ENGLISH

چکیده‌نامهٔ اختراعات چینی به زبان انگلیسی (ترجمهٔ مستندات و اطلاعات مربوط به اختراعات ثبت‌شده در چین)

دادگان کلیمز آمریکا CLAIMS/REASSIGNMENT & REEXAMINATION

(دادگان حاوی اطلاعات جانبی ثبت‌اختراع در آمریکا، شامل ادعاها، خریدوفروش، توسعه، انقضای دورهٔ loyalty، مسائل مربوط به قابل‌ثبت‌بودنِ ادعا و اختراع، و غیره، که اطلاعات آن برای مخترعان همهٔ کشورها بسیار مفید است و پاسخ سوالهای متداول مخترعان را دربر دارد)

دادگان مرجع کلیمز آمریکا CLAIMS REFERENCE

(شامل اطلاعات واژگان‌شناختی و رده‌بندی اختراعات در ۴۰۰ رده و ۱۰۰٬۰۰۰ زیرـرده، که کلیهٔ شاخه‌ها و مباحث مربوط به اختراعات آمریکایی را دربر می‌گیرد: اما برای مخترعان کشورهای دیگر نیز کاربرد دارد)

اطلاعات اقتصادی شرکتهای آمریکایی COMPANY INTELLIGENCE

دادگان کامپندکس‌ـپلاس COMPENDEX PLUS

(دادگان کامپیوتریِ نمایه‌نامهٔ مهندسی، که اطلاعات کتابشناختی مقالات، کتابها، و گزارشهای علمی و فنی در کلیهٔ حوزه‌های مهندسی را می‌پوشاند)

دادگان کامپیوترـاِیسَپ COMPUTER ASAP

(اطلاعات تمام‌ـمتن و کتابشناختی در شاخه‌های مختلف دانش و مهندسی کامپیوتر و نیز محصولات کامپیوتری)

دادگان کامپیوتر COMPUTER DATABASE

(اطلاعات تمام‌ـمتن و کتابشناختی دربارهٔ دانش و مهندسی کامپیوتر، و نیز خدمات

کامپیوتری)

دادگان‌های کامپیوتری COMPUTER-READABLE DATABASES

(اطلاعات کتابشناختی توصیفی دربارهٔ دادگان‌های وصل_خط، قطع_خط، سی‌دی_رام، در کلیهٔ حوزه‌های علوم، فنون، هنرها، و ادبیات و زبانها در دنیا. نیز شامل خدمات و محصولات داده‌ای دیگر است)

CONSUMER DRUG INFORMATION FULLTEXT (=CDIF)

اطلاعات تمام_متن دارویی برای مصرف‌کنندگان (اطلاعات تمام_متن دربارهٔ حدود ۳۵۰ داروی ژنریک و نامهای تجارتی مختلف هریک، که خواص و تأثیرات هر دارو، و همچنین، رژیم‌های غذایی مناسب برای مصرف هر دارو را به تفصیل تشریح می‌کند)

نمایه‌نامهٔ تکنولوژی روز CURRENT TECHNOLOGY INDEX (=CTI)

(نمایهٔ مقالات نشریات بریتانیایی در کلیهٔ شاخه‌های تکنولوژی)

دادگان گزارشهای بازارشناسی DATAMONITOR MARKET RESEARCH

(اطلاعات تمام_متن از گزارشهای پژوهشی، دربارهٔ بازارها و صنایع اروپا و آمریکا، که حجم متوسط هر گزارش پژوهشی آن حدود ۲۰۰ صفحه است. روش‌شناسی مورداستفاده در این دادگان، به تنهایی، حاوی اطلاعات آموزشی است، و می‌تواند به عنوان الگوی تدوین گزارش پژوهشی بازارشناسی و تبلیغات به کار رود)

D&B - EUROPEAN DUN'S MARKET IDENTIFIERS (=EDMI)

دادگان واحدهای تجاری اروپا، دی_آند_بی اروپایی (اطلاعات تفصیلی دربارهٔ بیش از ۱٫۵۰۰٫۰۰۰ شرکت و واحد تجاری مهم و بازارشناسی، در کشورهای مختلف اروپایی، شامل واحدهای تولیدی، خدماتی، پژوهشی، و غیره)

D&B - INTERNATIONAL DUN'S MARKET IDENTIFIERS

دادگان واحدهای تجاری بین‌المللی، دی_آند_بی بین‌المللی (اطلاعات تفصیلی دربارهٔ بیش از ۲٫۰۰۰٫۰۰۰ شرکت و واحد تجاری مهم و بازارشناسی، در کشورهای اروپایی، آسیایی، و کشورهای مختلف دیگر، به جز آمریکا)

دادگان دارویی دِهَن DE HAEN'S DRUG DATA

(اطلاعات داروهای ساخته‌شده، در دست ساخت، و در دست مطالعه)

دایال_ایندِکس DIALINDEX

(نمایه‌نامهٔ بسیار بزرگ از کلیهٔ دادگان‌های موجود در دیالوگ، که به ویژه امکانات جستجو در آن مفصل است. مثلاً امکانات جستجوی ترکیبی همزمان، از چند دادگان متفاوت را فراهم می‌سازد، شامل AND و OR و NOT با تعداد زیاد عملوندها تا ۲۴۰ کاراکتر، که تقریباً منحصر_به_فرد است. تعداد مدخلهای قابل‌دستیابی از این نمایه‌نامه، شاید به حدود «میلیارد مدخل» برسد. نکتهٔ جالب دیگر این نمایه‌نامه، امکانات واژگان‌شناختی

سلسله‌مراتبی آن است)

دادگان دیالوگِ نام شرکتها **DIALOG COMPANY NAME FINDER**

(نوعی دادگان مجازی بسیار بزرگ، که امکانات جستجوی نام شرکت و مؤسسه در دادگان‌های مختلف دیالوگ را فراهم می‌سازد. نمایهٔ آن از ۳۰میلیون نام شرکت و مؤسسه در دنیا تشکیل می‌شود)

دادگان دیسکلوژِر **DISCLOSURE DATABASE**

(راهنمای تفصیلی دربارهٔ شرکتهای مهم آمریکایی، شامل گزارشهای قابل‌اعتماد تحلیلی. به ویژه برای کسب اطلاعات اقتصادی، و روش‌شناسی طرح‌ریزی شرکتها مفید است)

دادگان چکیده‌نامهٔ پایان‌نامه‌ها **DISSERTATION ABSTRACTS ONLINE**

(چکیده‌نامهٔ [تقریباً] کلیهٔ پایان‌نامه‌های فوق‌لیسانس به بالا، در آمریکا، از سال ۱۸۶۱ تاکنون، که حدود ۲ر۱میلیون پایان‌نامه را دربر می‌گیرد. دارای نمایه‌های مختلف، از جمله نمایه‌های استنادی نیز هست)

DMS MARKET INTELLIGENCE REPORTS

گزارشهای اطلاعات اقتصادی بازارشناسی دی‌اِم‌اِس (اطلاعات تمام‌ـمتن و تحلیلهای اقتصادی و صنعتی و بازارشناختی در حوزه‌های علوم هواـفضا و صنایع نظامی. براساس گزارشهای رسمی سالانه، مقالات نشریات تخصصی و روزنامه‌ها، خبرنامه‌های خبرگزاریها، تدوین می‌شود و اطلاعات آن غیرطبقه‌بندی‌شده هستند)

اطلاعات تمام‌ـمتن دارویی **DRUG INFORMATION FULLTEXT**

(اطلاعات تمام‌ـمتن دربارهٔ داروها، و مسائل مربوط به آنها، مثلاً اثرات جانبی، فرآیند ساخت‌وتولید، نگهداری، بسته‌بندی، و غیره)

دادگان توان الکتریکی **ELECTRIC POWER DATABASE**

(گزارش پروژه‌ها و پژوهشهای مربوط به نیروگاههای برق، در آمریکا و کانادا)

دانشنامهٔ انجمنها **ENCYCLOPEDIA OF ASSOCIATIONS**

(اطلاعات جامع دربارهٔ بیش از ۸۰هزار انجمن و مؤسسهٔ غیرانتفاعی در سرتاسر دنیا)

دادگان انرژی‌ـلاین **ENERGYLINE**

(چکیده‌نامه‌های کلیهٔ شاخه‌های علمیِ دو حوزهٔ انرژی و محیط زیست، براساس انواع مدرک، مانند مقاله، کتاب، سمینار، اسناد دولتی، گزارش، و آمار. همچنین شامل چکیده‌های مطالب مربوط به مطالعات منطقه‌ای، و پژوهشهای موضوعات روز در دو حوزهٔ انرژی و محیط می‌گردد)

دانش و تکنولوژی انرژی **ENERGY SCIENCE & TECHNOLOGY**

(چکیده‌ها و نمایه‌های متون پژوهشی علمی اساسی و کاربردی انرژی، و تکنولوژی انرژی، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، اختراع، استاندارد، و پایان‌نامه. همچنین دارای یک

تزاروس است که فهرست توصیفگرهای آن نیز محسوب می‌شود)

ENGINEERED MATERIALS ABSTRACTS (=EMA)

چکیده‌نامهٔ مواد مهندسی (چکیده‌ها و نمایه‌های شاخه‌های مختلف مهندسی مواد، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، اختراع، استاندارد، و پایان‌نامه، در دنیا)

ENVIROLINE **دادگان اِنوایرو_لاین**

(اطلاعات کتابشناختی از انواع مختلف مدرک، در کلیهٔ شاخه‌های مربوط به علوم محیط زیست، از کشورهای مختلف دنیا)

ERIC (=Educational Resources Information Center) **دادگان اریک**

(اطلاعات کتابشناختی چکیده‌ای و نمایه‌ای، از انواع مدرک مربوط به شاخه‌های مختلف آموزش در دنیا، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، راهنما، اسناد دولتی، مواد شنیداری_دیداری، نرم‌افزارهای آموزشی، و پایان‌نامه. بودجهٔ آن توسط وزارت آموزش آمریکا تأمین می‌شود)

EXCEPTIONAL CHILD EDUCATION RESOURCES (=ECER)

دادگان منابع آموزش کودکان استثنایی (نمایه‌های استنادی چکیده‌های انواع مدرک دربارهٔ آموزش کودکان عقب‌ماندهٔ ذهنی و معلولان)

EXTEL INTERNATIONAL FINANCIAL CARDS **دادگان مالی بین‌المللی اِکستِل**

(راهنمای مؤسسات مالی بزرگ در دنیا، شامل گزارشها، مطالعات، و مقایسه‌های آماری)

FAMILY RESOURCES **دادگان منابع خانواده**

(اطلاعات کتابشناختی دربارهٔ مطالعات خانواده)

FEDERAL NEWS SERVICE **دادگان خدمات خبری فدرال**

(اطلاعات نوشتاریِ پیاده‌شده از سخنرانیها، جلسات دولتی، مصاحبه‌ها، و گفتگوهای رسمی در آمریکا، بدون ویرایش و به صورت کلمه_به_کلمه. نیز شامل همین نوع اطلاعات از سازمانهای بین‌المللی، مانند جلسات سازمان ملل، و برخی کشورهای دیگر می‌شود)

FINANCIAL TIMES COMPANY ABSTRACTS **چکیده‌نامهٔ شرکتهای تایمز مالی**

(چکیدهٔ اطلاعاتی از شرکتهای کشورهای مختلف دنیا که در روزنامهٔ تایمز مالی، دربارهٔ آنها مطلبی نوشته شده یا بدانها اشاره شده است)

FLUIDEX **دادگان فلوئیدکس**

(چکیده‌ها و نمایه‌های تخصصی در زمینهٔ مهندسی شاره‌ها)

FOODS ADLIBRA **دادگان تغذیه**

(اطلاعات کتابشناختی انواع مدرک دربارهٔ علوم و تکنولوژی تغذیه و برخی شاخه‌های مهندسی مانند بسته‌بندی، و نیز اقتصاد، و بازارشناسی تغذیه)

FOOD SCIENCE AND TECHNOLOGY ABSTRACTS (=FSTA)

چکیده‌نامهٔ علوم و تکنولوژی تغذیه (چکیده‌ها و نمایه‌های انواع مدرک دربارهٔ علوم و تکنولوژی تغذیه و برخی شاخه‌های مرتبط مانند شیمی، فیزیک، بیوشیمی، بسته‌بندی، کشاورزی، و نیز اقتصاد و بازارشناسی تغذیه در دنیا)

راهنمای بنیادها **FOUNDATION DIRECTORY**

(راهنمای مشخصات اصلی بیش از ۳۰٫۰۰۰ بنیاد غیرانتفاعی و غیردولتی، در آمریکا، که فعالیتهای خیریه، به ویژه اعطای بورس تحصیلی به افراد کم‌ـبضاعت، دارند)

FOUNDATION GRANTS INDEX

نمایه‌نامهٔ بنیادهای اعطاکنندهٔ کمکهای آموزشی (نمایهٔ هر نوع اطلاعات منتشرشده و منتشرنشده دربارهٔ کمکهای انسان‌دوستانهٔ خیریه‌ای به مؤسساتِ جویای کمک. این بنیادها در آمریکا واقع شده‌اند، اما کمکها در اختیار مؤسسات خارج از آمریکا نیز قرار داده می‌شود. اشخاص و مؤسسات جویای کمکهای خیریه‌ای، می‌توانند اطلاعات نمایه‌ای را از این دادگان بیابند، اما مشخصات تفصیلی بنیادها در دادگانِ راهنمای بنیادها وجود دارد)

دادگان آرشیو علوم زمین **GEOARCHIVE**

(چکیده‌ها و نمایه‌های شاخه‌های مختلف علوم زمین، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، نقشه، و پایان‌نامه)

دادگان علوم زمین **GEOBASE**

(چکیده‌ها و نمایه‌های شاخه‌های مختلف جغرافی، زمین‌شناسی، بوم‌شناسی، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، و پایان‌نامه. از ۷قسمت تشکیل می‌گردد که هر قسمت به موضوعات معینی مربوط است: مثلاً قسمت B، اقلیم‌شناسی و آب‌شناسی را می‌پوشاند)

دادگان مرجع زمین‌شناسی **GEOREF**

(نمایه‌های تخصصی در زمین‌شناسی و فیزیک زمین، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، اسناد دولتی، و پایان‌نامه، از سرتاسر دنیا)

راهنمای ماهانهٔ جی‌پی‌اُ **GPO MONTHLY CATALOG**

(چکیده‌ها و نمایه‌های اسناد دولتی منتشرشده توسط دولت آمریکا، شامل کلیهٔ لایحه‌ها، طرحها، قوانین، مطالعات، آمارها، محاکمات، و غیره. به ویژه دارای واژگان‌شناسی رده‌بندی‌شدهٔ قابل‌مطالعه، و مفید برای آموزش دانشِ مدرک‌شناسی کاربردی است)

دادگان بورس‌های پژوهشی **GRANTS**

(راهنمای مشخصات بورسیه‌های پژوهشی که توسط دولت آمریکا، سازمانهای تجاری، انجمنها، و بنیادهای خصوصی به متقاضیان ارائه می‌شود. حدود ۱۰۰ مبحث پژوهشی در اغلب حوزه‌های علوم و فنون، هنرها، ادبیات، و غیره را دربر می‌گیرد، و مخاطبان آن افراد همهٔ کشورها هستند. شرح تفصیلی بنیادهای خصوصی در «دادگان بنیادها» ارائه می‌شود)

چکیده‌نامهٔ تاریخ HISTORICAL ABSTRACTS
(چکیده‌ها و نمایه‌های تاریخ و رشته‌های مرتبط، در دنیا، شامل مقاله، و سمینار)

HOPPENSTEDT DIRECTORY OF GERMAN COMPANIES
دادگان راهنمای شرکتهای آلمانی

راهنمای شرکتهای بریتانیایی آی‌سی‌سی ICC BRITISH COMPANY DIRECTORY
(شرح تفصیلی شرکتهای ثبت‌شده در بریتانیا، شامل انگلستان، ولز، ایرلند شمالی، و اسکاتلند، شامل حدود ۳میلیون رکورد)

ICC BRITISH COMPANY FINANCIAL DATASHEETS
دادگان اطلاعات مالی شرکتهای بریتانیایی آی‌سی‌سی (شرح تفصیلی اطلاعات مالی حدود ۱۷۰٬۰۰۰ شرکت بزرگ بریتانیایی، مثلاً ارزش سهام و تعداد سهامداران هریک، بیلان‌های سالانه، و غیره)

ICC INTERNATIONAL ANNUAL REPORTS
دادگان گزارشهای سالانهٔ بین‌المللی آی‌سی‌سی (شامل گزارشهای سالانهٔ شرکتهای بزرگ اروپایی، به ویژه بریتانیایی)

ICC INTERNATIONAL BUSINESS RESEARCH
دادگان پژوهشهای تجاری بین‌المللی آی‌سی‌سی (شامل گزارشهای کامل مربوط به برخی سازمانهای مالی و شرکتهای بزرگ)

دادگان آیدِن‌تی‌فایِرز IDENTIFIERS
(اطلاعات تفصیلی دربارهٔ حدود ۷میلیون واحد تجاری در آمریکا)

IHS INTERNATIONAL STANDARDS AND SPECIFICATIONS
دادگان مشخصات و استانداردهای بین‌المللی آی‌اچ‌اِس (شامل استانداردهای تدوین‌شده توسط حدود ۹۰درصد مؤسسات تدوین استاندارد در دنیا، شامل ۳۵۰مؤسسهٔ آمریکایی، ۴۰مؤسسهٔ ملی استاندارد غیرآمریکایی، و مؤسسهٔ بین‌المللی استاندارد)

دادگان تجاری بین‌المللی اینفوُمَت INFOMAT INTERNATIONAL BUSINESS
(چکیده‌های مقالات علمی، به ویژه براساس تحلیلهای مبتنی بر داده‌های واقعی تجاری، از ۴۰۰روزنامه و نشریهٔ تخصصی مربوط به اقتصاد و فعالیتهای تجاری، از ۱۰زبان دنیا که به انگلیسی ترجمه شده‌اند)

چکیده‌نامهٔ اطلاع‌رسانی INFORMATION SCIENCE ABSTRACTS
(چکیده‌ها و نمایه‌های شاخه‌های مختلف اطلاع‌رسانی، شامل کتاب، مقاله، سمینار، راهنما، گزارش، اختراع، و پایان‌نامه)

دادگان اینسپِک INSPEC
(چکیده‌ها و نمایه‌های سه حوزهٔ فیزیک، الکترونیک، و کامپیوتر، شامل کتاب، مقاله،

سمینار، گزارش، و پایان‌نامه. یکی از مهمترین و معتبرترین و جامعترین دادگان‌های علمی و فنی محسوب می‌شود)

دادگان گزارشهای اطلاعات فنی INTELLIGENCE REPORTS

(شامل انواع مختلف گزارشهای پژوهشی، صنعتی، اقتصادی، بازارشناسی، و پیش‌بینی‌های فنی در زمینه‌های هوا_فضا و علوم نظامی)

INTERNATIONAL PHARMACEUTICAL ABSTRACTS (=IAP)

چکیده‌نامهٔ داروشناسی بین‌المللی (چکیده‌ها و نمایه‌های مقالات داروشناسی و شاخه‌های علمی مرتبط با داروسازی، از سرتاسر دنیا، به ویژه از آمریکا)

دادگان اینوس‌تکست INVESTEXT

(اطلاعات تمام_متن از گزارشهای پژوهشی شرکتها، صنایع، و موضوعات تجاری منطقه‌ای، از سرتاسر دنیا)

دادگان ایسیک ISMEC (=Information Service in Mechanical Engineering)

(چکیده‌ها و نمایه‌های مربوط به شاخه‌های مختلف مهندسی مکانیک، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، و پایان‌نامه)

دادگان تکنولوژی ژاپن JAPAN TECHNOLOGY

(چکیده‌ها و نمایه‌های مقالات علمی مربوط به صنایع ژاپن، در کلیهٔ حوزه‌ها و شاخه‌های علوم و فنون، شامل مقالات، و گزارشهای پژوهشهای انجام‌شده در دانشگاهها، شرکتهای خصوصی، و مؤسسات پژوهشی دولتی)

KNIGHT-RIDDER FINANCIAL NEWS (=KRFN)

دادگان اخبار مالی نایت_ریدِر (اطلاعات جامع تمام_متن از خبرنامه‌ها، شامل داده‌های مالی و تجاری و گزارشهای مرتبط، از سرتاسر جهان، که به صورت دقیقه_به_دقیقه روزآمد می‌شود)

دادگان کمپس_اروپا KOMPASS EUROPE

(راهنمای اطلاعات تجاری تولیدوساخت، خدمات، و صنایع، از شرکتهای اروپایی)

دادگان کمپس_بریتانیا KOMPASS UK

(راهنمای اطلاعات تجاری از شرکتهای بریتانیایی)

دادگان کتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا LC MARC-BOOKS

(کل رکوردهای کتابشناختی که توسط کتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا فهرست‌نویسی شده است)

LINGUISTICS AND LANGUAGE BEHAVIOR ABSTRACTS (=LLBA)

چکیده‌نامهٔ زبان‌شناسی و رفتار زبانی (چکیده‌ها و نمایه‌های علوم مربوط به زبان و زبان‌شناسی، شامل کتاب، مقاله، سمینار، و پایان‌نامه، از سرتاسر دنیا)

LISA (=LIBRARY AND INFORMATION SCIENCE ABSTRACTS)

دادگان لیزا (چکیده‌نامهٔ شاخه‌های مختلف اطلاع‌رسانی و کتابداری، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، و پایان‌نامه، از سرتاسر دنیا)

نمایه‌نامهٔ مجلات MAGAZINE INDEX

(نمایه‌های مطالب مجلات عمومی، در حوزه‌های مختلف، شامل چندمیلیون مدخل. یکی از منابع معتبرِ نمایه‌های مجلات غیرتخصصی و عمومی محسوب می‌گردد)

نقدوبررسی سینمای مگیل MAGILL'S SURVEY OF CINEMA

(مقالات کامل تمام‌ـمتن و نقدوبررسی‌های نوشته‌شده دربارهٔ چندهزار فیلم، همراه با اطلاعات تفصیلی از مشخصات فنی هر فیلم. جزو منابع معتبر سینما محسوب می‌شود. به ویژه ساختار هر رکورد آن از نظر آموزشی، قابل‌توجه است)

دادگان هوزهو، مارکیس MARQUIS WHO'S WHO

(زندگی‌نامهٔ بیش از ۸۰هزارتن از اشخاص سرشناس در دنیا، در موضوعات مختلف، مانند ورزش، هنر، علوم، سیاست، و غیره. به ویژه معیاری از معروفیت اشخاص به دست می‌دهد که در مواردی مانند بررسی اعتبار اشخاص کاربرد دارد)

دادگان مارتیندِل MARTINDALE ONLINE

(چکیده‌ها و نمایه‌ها، و برخی اطلاعات تمام‌ـمتن دربارهٔ داروها و مسائل مربوط به آنها از سرتاسر دنیا)

دادگان تجارت مواد MATERIALS BUSINESS FILE

(اطلاعات کتابشناختی دربارهٔ صنایع و تولید و اقتصاد مواد و ترکیبات، شامل مقاله و سمینار، که به ویژه دارای موضوعات رده‌بندی‌شده است)

دادگان ریاضی و علوم MATHSCI

(چکیده‌ها و نمایه‌های انواع مدرک از سرتاسر دنیا دربارهٔ ریاضیات، آمار، و کامپیوتر، و کاربردهای آنها در علوم و فنون مختلف)

دادگان انتشارات مک‌گروهیل McGRAW-HILL PUBLICATIONS ONLINE

(اطلاعات تمام‌ـمتن از بسیاری از کتابهایی که توسط انتشارات مک‌گروهیل منتشر شده است)

دادگان مدلاین MEDLINE

(چکیده‌ها و نمایه‌های مقالات نشریات تخصصی پزشکی از سرتاسر دنیا، در شاخه‌های مختلف پزشکی، که جزو منابع بسیار معتبر و بزرگ پزشکی محسوب می‌شود)

دادگان مِدتکست MEDTEXT

(اطلاعات تمام‌ـمتن از مقالات نشریات تخصصی پزشکی از سرتاسر دنیا، در شاخه‌های مختلف پزشکی، که جزو منابع مهم پزشکی محسوب می‌شود)

چکیده‌نامهٔ سلامت فکری MENTAL HEALTH ABSTRACTS

(چکیده‌ها و نمایه‌های برخی از شاخه‌های روان‌پزشکی و روان‌شناسی، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، مواد شنیداری-دیداری، و پایان‌نامه)

دادگان مِتادِکس METADEX

(چکیده‌ها و نمایه‌های فلزات و آلیاژها، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، اختراع، و پایان‌نامه، از سرتاسر دنیا)

نمایه‌نامهٔ ریزکامپیوترها MICROCOMPUTER INDEX

(چکیده‌ها و نمایه‌های استنادی مربوط به کاربرد ریزکامپیوترها در امور تجاری، آموزشی، خانگی، سرگرمی، و غیره، از مطالب نشریات تخصصی و عمومی در آمریکا)

نمایهٔ روزنامه‌های ملی NATIONAL NEWSPAPER INDEX

(نمایه‌های روزنامه‌های آمریکایی، شامل نیویورک تایمز، کریسشن ساینس مانیتور، وال‌استریت-جورنال، خبرنامه‌های مالی و اقتصادی برخی خبرگزاریها و مؤسسات روابط عمومی. شامل انواع مطلب روزنامه، مانند مقاله، گزارش خبری، سرمقاله، نامه به سردبیر، مطلب درگذشت، ارزیابی کالا، قطعهٔ زندگی‌نامه، شعر، کاریکاتور، و نقدوبررسی کتاب می‌شود، و فقط مطلب‌هایی مانند جدول کلمات متقاطع، گزارش هواشناسی، و جدول ارزش سهام را نمی‌پوشاند. در روزنامه‌نگاری، داخل یا خارج از آمریکا، کاربردهای فراوان دارد)

دادگان نیوز-سِرچ NEWSEARCH

(نمایه‌های روزانهٔ انواع مطلبِ حدود ۲۰۰۰ روزنامه، مجله، و نشریهٔ تخصصی از معتبرترین نشریات دنیا، شامل مقاله، خبر، نقد، و غیره. همهٔ موضوعات روز و مباحث علمی و غیره را دربر می‌گیرد)

NEWSPAPER & PERIODICAL ABSTRACTS

چکیده‌نامهٔ روزنامه‌ها و نشریات ادواری (چکیده‌های روزانهٔ انواع مطلبِ حدود ۱۰۰۰ روزنامه، مجله، و نشریهٔ تخصصی از معتبرترین نشریات دنیا، شامل همهٔ موضوعات روز و مباحث علمی و غیره)

چکیده‌نامهٔ فلزات غیرآهنی NONFERROUS METALS ABSTRACTS

دادگان اِن‌تیس NTIS

(چکیده‌ها و نمایه‌های پژوهشهای دولتی و مؤسسات وابسته به دولت در آمریکا، در کلیهٔ حوزه‌های علوم و فنون، شامل کتابنامه، مقاله، سمینار، گزارش، اختراع، پایان‌نامه، میکروفرم، استاندارد، ترجمه، و اسناد دولتی)

چکیده‌نامهٔ علوم هسته‌ای NUCLEAR SCIENCE ABSTRACTS

(چکیده‌ها و نمایه‌های شاخه‌های مختلف علوم و فنون هسته‌ای، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، اختراع، و پایان‌نامه)

اخبار دادگان‌های وصل_خط و سی‌دی_رام ONLINE/CD-ROM DATABASE NEWS
(اطلاعات تمام_متن دربارهٔ محصولات دادگان، شامل وصل_خط و سی‌دی_رام، و صنعت دادگان در آمریکا، که براساس مقالات نشریات علمی و حرفه‌ای تدوین می‌شود. بخشی از آن به آگهی‌های بازارِ دادگان، شامل محصولات و مشاغل موردنیاز/جویای کار می‌شود)

دادگان دایال_ایندکس ONTAP DIALINDEX
(خدمات جستجو و دستیابی به دادگان‌های مختلف با امکانات جستجوی ترکیبی. به ویژه دارای واژگان‌شناسی موضوعی مفصلی است)

PACKAGING SCIENCE AND TECHNOLOGY ABSTRACTS
چکیده‌نامهٔ تکنولوژی و علوم بسته‌بندی (چکیده‌ها و نمایه‌های شاخه‌های مهندسی بسته‌بندی و صنایع مربوطه، شامل کتاب، مقاله، سمینار، اختراع، و استاندارد)

PAIS INTERNATIONAL [Public Affairs Information Service]
دادگان بین‌المللی پائیس (چکیده‌ها و نمایه‌های مربوط به حوزه‌های علوم اجتماعی، تجاری، مدیریت، روابط بین‌المللی، سیاست، امور اداری، و شاخه‌های مرتبط دیگر، شامل کتاب، مقاله، سمینار، راهنما، و اسناد دولتی، در سرتاسر دنیا)

دادگان پیپر_کِم PAPERCHEM
(چکیده‌ها و نمایه‌های مباحث علمی و فنی کاغذ، و اطلاعات تجاری مربوط به صنایع کاغذ)

دادگان پاسکال PASCAL
(چکیده‌نامه و استنادنامهٔ بزرگ فرانسویِ چندزبانه در حوزه‌های مختلف علوم و فنون، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، اختراع، و پایان‌نامه)

دادگان دانگاهی پترسون PETERSON'S COLLEGE DATABASE
(راهنمای تحصیلات دانشگاهی در آمریکا)

دادگان اکتشاف و تولید نفت PETROLEUM EXPLORATION & PRODUCTION
(چکیده‌ها و نمایه‌های مربوط به تکنولوژی اکتشاف و تولید نفت، خدمات، اقتصاد، و صنایع مربوط به آن، شامل مقاله، سمینار، گزارش، و اختراع)

نمایه‌نامهٔ اخبار دارویی PHARMACEUTICAL NEWS INDEX (= PNI)
(نمایه‌نامهٔ استنادی مربوط به اخبار و رویدادهای مربوط به صنایع داروسازی امور مربوط به دارو)

نمایه‌نامهٔ فیلسوفان PHILOSOPHER'S INDEX
(چکیده‌ها و نمایه‌های شاخه‌های مختلف فلسفه، شامل کتاب، و مقاله)

چکیده‌نامهٔ آلودگی محیط POLLUTION ABSTRACTS
(چکیده‌ها و نمایه‌های شاخه‌های مختلف محیط زیست و آلودگی، شامل کتاب، مقاله،

سمینار، و گزارش)

دادگان پلی‌مرها **POLYMER ONLINE**

(براساس دانشنامهٔ پلی‌مر، نشر جان‌ـوایلی)

دادگان خبرنامه‌های روابط عمومی **PR NEWSWIRE**

(اطلاعات تمام‌ـمتن از اطلاعیه‌های روابط عمومی منتشرشده توسط سازمانهای دولتی و خصوصی از کشورهای مختلف. جزو منابع مهم و معتبر روابط عمومی محسوب می‌شود)

دادگان اطلاعات روان‌شناسی **PsycINFO**

(چکیده‌ها و نمایه‌های شاخه‌های مختلف روان‌شناسی و حوزه‌های دیگری چون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، آموزش، و زبان‌شناسی، شامل مقالات و گزارشها. جزو منابع مهم و معتبر محسوب می‌شود)

دادگان خبرنامه‌های پی‌تی‌اِس **PTS NEWSLETTER DATABASE**

(مطالب تمام‌ـمتن دربارهٔ صنایع، محصولات، بازارشناسی، قوانین و مقررات، در کشورهای مختلف)

PUBLISHERS, DISTRIBUTORS, AND WHOLESALERS

دادگان ناشران و توزیع‌کنندگان و عمده‌فروشان (راهنمای مشخصات ناشران کتاب، انجمنهای مرتبط با نشر، ناشران نوارها و سی‌دی صوتی و ویدئویی، تولیدکنندگان نرم‌افزار و سخت‌افزار، توزیع‌کنندگان و عمده‌فروشان در صنعت نشر، در آمریکا)

RESEARCH CENTERS AND SERVICES DIRECTORY

راهنمای خدمات و مراکز پژوهشی (اطلاعات تفصیلی دربارهٔ مشخصات بیش از ۳۰٫۰۰۰ سازمان پژوهشی در دنیا، همراه با نمایه‌های موضوعی)

دادگان رویتر **REUTERS**

(اطلاعات تمام‌ـمتن از خبرنامه‌های خبرگزاری رویتر، در زمینه‌های مختلف عمومی، تجاری، و تخصصی، از سرتاسر دنیا)

دادگان سای‌ـسرچ **SCISEARCH**

(استنادنامهٔ حوزه‌های مختلف علوم و فنون، شامل کتابها و مقالات سرتاسر دنیا، که جزو منابع بسیار مهم و معتبر محسوب می‌شود)

دادگان علوم اجتماعی **SOCIAL SCISEARCH**

(استنادنامه‌ها و نمایه‌های مقالات نشریات در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی، و حوزه‌های نزدیک به آن، که جزو منابع بسیار مهم و معتبر محسوب می‌شود)

چکیده‌نامهٔ جامعه‌شناسی **SOCIOLOGICAL ABSTRACTS**

(چکیده‌های مقالات نشریات در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی، و برخی از حوزه‌های علوم انسانی، شامل کتاب، مقاله، و پایان‌نامه. جزو منابع بسیار مهم محسوب می‌شود)

دادگان اسپین SPIN
(چکیده‌ها و نمایه‌های شاخه‌های مختلف فیزیک، و حوزه‌های نزدیک به آن، شامل کتاب، مقاله، و سمینار)

دادگان ورزش SPORT
(نمایه‌های مربوط به شاخه‌های مختلف علوم ورزشی، شامل کتاب، مقاله، و پایان‌نامه.
معتبرترین مرجع دنیا در زمینهٔ ورزش محسوب می‌شود که کتابنامه‌ها و نمایه‌نامه‌های آن، به ویژه کلیدواژه‌های مقالات بیش از ۲۰۰۰ نشریه و چندهزار کتاب و پایان‌نامه را دربر می‌گیرد. مؤسساتی که در زمینهٔ واژگان‌شناسی [terminology] ورزش فعالیت می‌کنند، هر نوع مجموعه‌ـواژگان را در هر نوع رشتهٔ ورزشی می‌توانند از این منبع منحصرـبه‌ـفرد بیابند.
ردهبندیهای مورداستفاده در دادگان حاضر می‌تواند در تدوین منابع به کار برده شود. حوزه‌های اصلی آن عبارت‌اند از: ورزشهای انفرادی و تیمی، مربی‌گری و مدیریت ورزشی، تربیت‌بدنی، بیومکانیک، پزشکی ورزشی، فیزیولوژی ورزش، ورزش و علوم اجتماعی، تاریخچهٔ ورزش، یادگیری ورزش، و ورزش برای معلولان جسمی.
این منبع در دادگان دیالوگ با فایل شمارهٔ ۴۸ مشخص می‌شود)

دادگان استانداردها و مشخصات STANDARDS & SPECIFICATIONS
(چکیده‌ها و نمایه‌های استانداردنامه‌های تدوین‌شده در کلیهٔ حوزه‌های علوم و فنون، توسط مؤسسات آمریکایی، و بین‌المللی)

دادگان تکنولوژی پیشرفته SUPERTECH
(چکیده‌ها و نمایه‌های مربوط به حوزه‌ها و شاخه‌های نسبتاً جدید تکنولوژی مانند هوش مصنوعی، CAD/CAM، مخابرات، و آدمک‌سازی، شامل کتاب، مقاله، سمینار، و گزارش)

گزیدگان تکنولوژی نساجی TEXTILE TECHNOLOGY DIGEST
(چکیده‌ها و نمایه‌های دانش و فن نساجی، و نیز صنایع و اقتصاد و مدیریت آن، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، استاندارد، و پایان‌نامه)

راهنمای آموزش THE EDUCATIONAL DIRECTORY
(راهنمای شامل انواع اطلاعات دربارهٔ واحدهای آموزشی مدرسه‌ای، در آمریکا)

دادگان محصولات جدید توماس THOMAS NEW INDUSTRIAL PRODUCTS
(خبرنامه‌های محصولات تولیدشده در حوزه‌های مختلف صنایع، در دنیا)

دادگان تایمز/ساندی‌ـتایمز TIMES/SUNDAY TIMES [LONDON]
(اطلاعات تمام‌ـمتن و نمایه‌های مقالات و برخی مطلب‌های دیگر روزنامهٔ تایمز و ساندی‌ـتایمز لندن، دربارهٔ کلیهٔ موضوعات خبری، سیاسی، تجاری، هنری، علمی، و

ورزشی، بروط به بریتانیا و بقیهٔ کشورهای دنیا، از سال ۱۹۸۸ به بعد)

نمایهٔ تجارت و «صنعت» **TRADE & INDUSTRY INDEX**

(چکیده‌ها و نمایه‌های اطلاعات تجاری و اقتصادی بین‌المللی در حوزه‌های گوناگون صنایع، که از تعداد زیادی از نشریات دنیا و خبرنامه‌های خبرگزاریها و دفترهای روابط عمومی استخراج می‌شوند. در مورد برخی از مقالات گزیده، اطلاعات به صورت تمام‌ـمتن نیز ثبت می‌گردد. دادگان، از ادغام دو نوع اطلاعاتِ تجارت، و «صنعت» تشکیل می‌شود)

دادگان مارک تجارتی در آمریکا **TRADEMARKSCAN - STATE**

(راهنمای مارک تجارتی، و مارک خدماتی، در آمریکا. شامل نام شرکت، نام تجارتی، و نام کالا نمی‌شود)

دادگان مارک تجارتی در بریتانیا **TRADEMARKSCAN - U.K.**

(راهنمای مارک تجارتی، و مارک خدماتی، در بریتانیا)

دادگان نامهای تجاری **TRADE NAMES DATABASE**

(راهنمای حدود ۰۰۰ر۳۰۰ نام تجارتی در دنیا، و مشخصات تولیدکننده‌های هریک)

دادگان تریس **TRIS**

(چکیده‌ها و نمایه‌های شاخه‌های مختلف ترابری، و حوزه‌های نزدیک به آن، مانند کنترل ترافیک، سیاست‌گزاری و طرح‌ریزی و ادارهٔ شبکه‌های راهها، انرژی و محیط زیست، و غیره، شامل مقالات، و گزارشها)

دادگان واشنگتن‌ـپست **WASHINGTON POST ONLINE**

(شامل مقالات تمام‌ـمتن روزنامهٔ واشنگتن‌ـپست، در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی، بین‌المللی، و برخی تفسیرها، به ویژه تفسیرهای نوشته‌شده توسط ستون‌نویسهای ثابتِ برندهٔ پولیتزر، و نیز گزارشهای پژوهشی درباب بررسی سیاستهای دولت آمریکا و کشورهای دیگر)

چکیده‌نامهٔ منابع آب **WATER RESOURCES ABSTRACTS**

(چکیده‌ها و نمایه‌های علوم و فنون مربوط به آب، شامل کتاب، مقاله، سمینار، گزارش، اختراع، و پروندهٔ دادگاه، در آمریکا)

گزارش مسائل جهانی **WORLD AFFAIRS REPORT**

(چکیده‌ها و نمایه‌ها و مطالب تمام‌ـمتن، دربارهٔ موضوعات مختلف جهانی، شامل مقاله، خبرنامه، و گزارش)

نمایه‌نامهٔ ترجمهٔ جهانی **WORLD TRANSLATIONS INDEX (=WTI)**

(نمایه‌های استنادی منابع نوشتاری ترجمه‌شده و ترجمه‌های آنها، در کلیهٔ رشته‌های علوم و فنون)

پیوست پ

کتابنامهٔ فارسی

آشنایی با مرجع‌شناسی، محمدرضا محمدی‌فر، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.

خدمات فنی، پوری سلطانی (ویرایشگر)، ویرایش ششم، کتابخانهٔ ملی ایران، ۱۳۶۳.

خلاصهٔ رده‌بندی دهدهی دیوئی و نمایهٔ نسبی (جلد اول: فرانما)، سید ابراهیم عمرانی (مترجم)، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.

راهنمای آماده ساختن کتاب، میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.

فرهنگ اصطلاحات دکومانتاسیون، عبدالحسین آذرنگ، مرکز مدارک علمی ایران، ۱۳۵۹.

فرهنگ جامع مرجع‌شناسی، محمدرضا محمدی‌فر، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.

فرهنگ دانش‌شناسی، محمدرضا محمدی‌فر، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.

فرهنگ روزنامه‌نگاری، محمدرضا محمدی‌فر، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.

فرهنگ یکاهای اندازه‌گیری، محمدرضا محمدی‌فر، مؤسسهٔ استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۷۶.

مرجع‌شناسی، نورالله مرادی، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۴.

پیوست ت

کتابنامهٔ لاتین

Berger, Sydney E., *The Design of Bibliographies,* Cassell and Mansell, 1991.

Berman, Sanford, *Subject Cataloging: Critiques and Innovations,* The Haworth Press, 1984.

Cleveland, Donald and Ana Cleveland, *Introduction to Indexing and Abstracting,* Libraries Unlimited, Inc., 1983.

Cremmins, Edward T., *The Art of Abstracting,* ISI Press, 1982.

Crystal, David, *Cambridge Encyclopedia of Language,* Cambridge, 1987.

—, *Cambridge Encyclopedia,* Cambridge, 1990.

Cuddon, J. A., *A Dictionary of Literary Terms,* Hazell Watson and Viney Ltd., 1979.

Grossman, John (Preface), The Chicago Manual of Style: The Essential Guide for Writers, Editors, and Publishers (14th ed.), Univ. of Chicago Press, 1993.

Haramundanis, Katherine, *The Art of Technical Documentation,* Digital Press, 1997.

Hargis, Gretchen et al, *Developing Quality Technical Information: A*

Handbook for Writers and Editors, Prentice Hall, 1997.

Hopgood, Adrian A., *Knowledge-Based Systems for Engineers and Scientists,* CRC-Springer-Verlag, 1993.

Katzner, K., *The Languages of the World,* Routledge, 1995.

Katz, W. A., *Introduction to Reference Work: vol. 1, Basic Information Sources, 5th ed.,* McGraw-Hill, 1987.

---, *Introduction to Reference Work: vol. 2, Reference Services and Reference Processes, 5th ed.,* McGraw-Hill, 1987.

Lesk, Michael, *Practical Digital Libraries: Books, Bytes, and Bucks* Morgan Kaufmann Publishers, 1997.

Lester, J. D., *Writing Research Papers,* Scott, Foresman and Company, 1991.

Merrill, John C., *The Elite Press: Great Newspapers of the World,* Pitman, 1987.

Rao, Inna K. R., *Quantitative Methods in Library and Information Science,* John Wiley, 1983.

Trimmer, Joseph F., *The Essentials of MLA Style: A Guide to Documentation for Writers of Research Papers,* Houghton Mifflin, 1998.

Veit, Richard, *Research: The Student's Guide to Writing Research Papers,* Allyn & Bacon, 1997.

نمایه

BASIC DOCUMENTATION

مدرک‌شناسی، یکی از رشته‌های اصلی اطلاع‌رسانی است، که سه شاخهٔ رده‌بندی مدرک، کتاب‌شناسی، و نمایه‌سازی را شامل می‌شود.

در رده‌بندی مدرک، انواع کتاب، نشریه، و منبع اطلاعات بررسی و براساس محتوا و اطلاعات، رده‌بندی می‌شود.

در کتاب‌شناسی، نحوهٔ استانداردِ تعیین مشخصات اساسی یک مدرک، مثلاً یک کتاب، یک مقاله، و یا یک قطعهٔ موسیقی و روش‌های ارجاع دادن به مدرک بررسی می‌شود.

و در نمایه‌سازی، نحوهٔ سازمان‌دهی یک آرشیو، یا فهرست کردن یک مجموعهٔ اطلاعاتی، برای دستیابی سریع به مدرک‌های موجود در آرشیو یا مجموعه مورد بحث قرار داده می‌شود.

کتاب حاضر، با این هدف تدوین شده است که مطالب مدرک‌شناسی مورد نیاز عموم خوانندگان کتاب و نشریه و اهل مطالعه، پژوهشگران، و نویسندگان را در دسترس قرار دهد. البته، حجم مطالب کتاب، اندکی بیش از چیزی است که همگان باید از مدرک‌شناسی آگاهی داشته باشند. به همین دلیل، خواننده می‌تواند قسمت‌هایی از کتاب را به دلخواه خود نادیده بگیرد و فقط قسمت‌های کلی‌تر و ضروری‌تر را مطالعه نماید.

۱۰۰۰۰ ریال





سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی